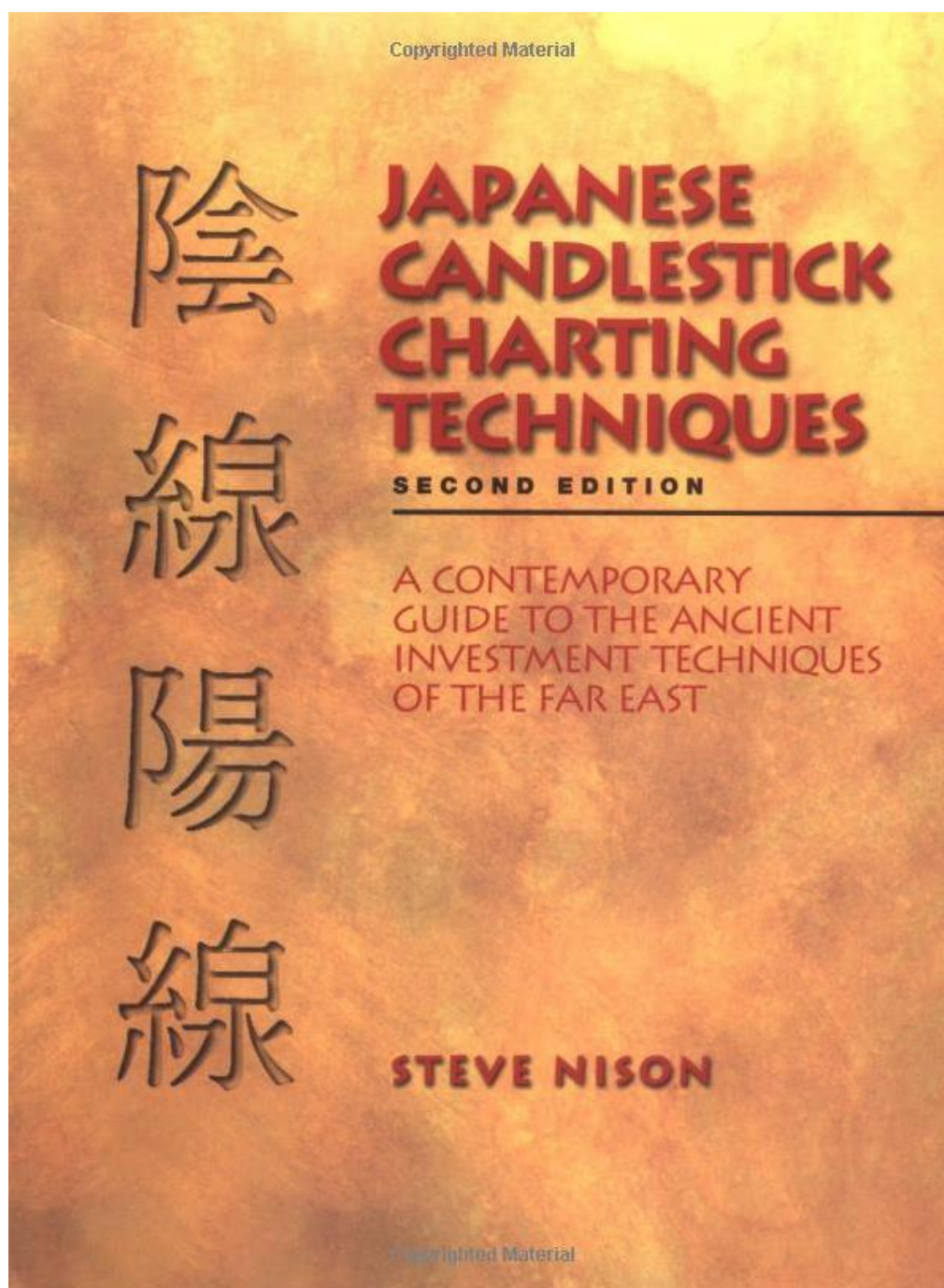


Japanese Candlestick Charting Techniques

راهنمای معاصر از شیوه سرمایه گذاری کهن شرق دور



abcBourse.ir



@abcBourse_ir

مرجع آموزش بورس



باز نشر:

ローソクは身を減らして人を照らす

Candles Exhaust Themselves to Give Light to Men

شمع ها خود را می سوزانند تا به انسانها نور دهند

能ある鷹は爪を隠す

A clever hawk hides his claws

یک باز باهوش چنگاله‌اش را مخفی می کند



شما با خواندن این کتاب خواهید آموخت که چطور کندل ها ابعاد تجزیه و تحلیل دیگری را برای ما نمایان می کنند. کندل ها هیجان آور، قدرتمند و جالب هستند. اگر شما یک تحلیل گر معمولی هستید خواهید فهمید که چطور آنها با دیگر تکنیک های غربی می توانند ترکیب شوند تا نتایج شگفت انگیزی داشته باشند. خواهید فهمید که چارت های کندل استیک چه تاثیری در بوجود آوردن یک روش برنامه ریزی دقیق دارند. باید گفت تکنیک های ژاپنی در عرض چندین قرن گذشته شکل گرفته و تکامل پیدا کرده اند.

در قسمت اول این کتاب شما با بیش از ۵۰ مدل از الگوهای کندل استیک های ژاپنی آشنا می شوید. در قسمت دوم یاد می گیرید که چطور آنها را با تکنیک های غربی ترکیب کنید و از آنها بیشترین استفاده ممکن را ببرید. این کتاب به آرامی شما را برای تبدیل شدن به یک معامله گر موفق هدایت می کند.

始めは大事

The Beginning is most important

شروع مهمترین قسمت است

古きを訪ねて新しきを知る

Through Inquiring of the Old We Learn the NEW

از جستجوی گذشته چیزهای زیادی را می توان آموخت



در اواخر قرن پانزدهم تا اوسط قرن هفدهم ژاپن از ۶۰ استان از هم گسسته به یک کشور متحد تبدیل شد و اقتصادش شکوفا شد. ژاپن در بین سالهای ۱۵۰۰ تا ۱۶۰۰ میلادی دائما در جنگ و کشمکش بود و نظام فئودالیتته در پی کسب قدرت و کنترل اراضی مجاور بر مرکزیت خود بود. این سالها، سالهایی پر از جنگ و بی نظمی در این کشور بود. با نزدیک شدن به اواخر قرن شانزدهم سه ژنرال دلاور به نام های Nobunaga Oda و Hideyoshi, Toyotomi ، ژاپن را در یک دوره چهل ساله متحد کردند. به خاطر اقدامات و شجاعت هایشان هر ساله در ژاپن جشن گرفته می شود و این جشن ها جزء سنت های اجدادی آنهاست. یک ضرب المثل ژاپنی وجود دارد که می گوید : Nobunaga برنج را دسته کرد، Hideyoshi آرد را خمیر کرد و Toyotomi کیک را خورد. وضعیت جنگی و وجود نیروهای نظامی در همه جای ژاپن سالیان سال ادامه داشت و همین امر زمینه ای برای بوجود آمدن کندل های و تحلیل های ژاپنی با اسامی نظامی شده بود.

千里の道も一歩から

Even a Thousand Mile Journey Begins with the First Step

حتی یک سفر هزار مایلی هم با اولین قدم آغاز می شود



ساختار کندل استیک ها Constructing the Candlesticks

櫓權がなくて舟で渡れぬ

Without Oars you cannot Cross in a beat

بدون پارو نمی توانید با قایق حرکت کنید

رسم خطوط کندل استیک ها

در ترسیم کندل های ژاپنی به قسمت پهن کندل، بدنه اصلی می گویند. بدنه اصلی فاصله بین زمان باز شدن و بسته شدن قیمت در طول یک Session مشخص را نشان می دهد. اگر بدنه اصلی توپر یا مشکی باشد معنی آن این است که قیمت بسته شدن آن سشن پایین تر از قیمت باز شدن می باشد. و اگر بدنه اصلی سفید یا تو خالی باشد یعنی اینکه قیمت بسته شدن بالاتر از قیمت باز شدن سشن است.

خطوط باریک بالا و پایین بدنه اصلی سایه نامیده می شوند. این سایه ها حداکثر و حداقل قیمت را در آن بخش زمانی نشان می دهند. سایه بالایی را Upper Shadow و سایه پایینی را Lower Shadow نام گذاری می کنند. چارت های کندل استیک را به دلیل شباهت شکل ظاهریشان به شمعها و فتیله هایش به این نام یعنی شمع های ژاپنی نام گذاری کرده اند.

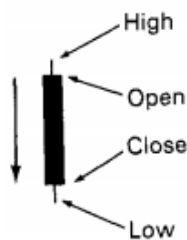


EXHIBIT 3.4. Black Candlestick

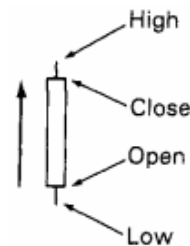


EXHIBIT 3.5. White Candlestick

اگر یک کندل سایه بالایی نداشته باشد به آن می گویند سر تراشیده و اگر سایه پایینی نداشته باشد به آن می گویند ته تراشیده. در شکل ۳,۴ کندل استیک مشکی، یک دوره Bearish (پایین آورنده) را نشان می دهد. شکل ۳,۵ یک دوره Bullish (بالا برنده) را نشان می دهد.

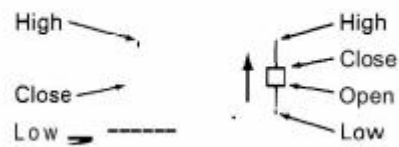


EXHIBIT 3.6. Spinning Tops

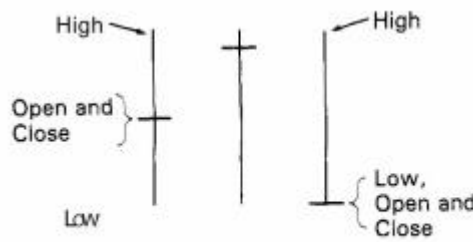


EXHIBIT 3.7. Doji Examples

شکل ۳،۶ - کندلی با بدنه اصلی کوچک و نشان از یک تقلا بین بالا برنده و پایین آورنده ها. (به آنها راس های چرخان یا Spinning Tops) نیز می گویند. همانطور که

بعدا نشان داده خواهد شد، آنها در قسمت ساختارها و الگوهایی مثل Harami یا ستاره های صبحگاهی و عصرگاهی مهم خواهند بود. Spinning Tops ها هم می توانند سفید و هم مشکی باشند. کوچک بودن بدنه اصلی نشان دهنده یک راس چرخان یا Spinning Tops است. شکل ۳،۷ معکوس کننده هایی از جنس خطوط دوجی هستند. یک دوجی زمانی اتفاق می افتد که نقاط Open و Close در یک نقطه یا خیلی نزدیک به هم قرار بگیرند. به دلیل اهمیت دوجی ها یک فصل کامل را به آنها اختصاص داده ایم.

بعضی از شما ممکن است نکاتی را در مورد خطوط Yang و Yin شنیده باشید. این ها اسامی چینی هستند. خطوط Yin را برای کندل های سیاه و خطوط Yang را برای کندل های سفید استفاده می کنند. در ژاپن به کندل سیاه In-Sen و به کندل سفید Yo-Sen گفته می شود که به معنی خط مشکی و خط سفید است. ژاپنی های تاکید زیادی بر روی نقاط باز و بسته شدن کندل ها دارند. زیرا این دو نشان دهنده احساسات آن روز یا آن سشن معاملاتی است.

ژاپنی ها ضرب المثلی دارند که می گوید : اولین ساعت صبح سکان تمام روز است.

آنها اولین راهنماهای سمت و جهت روزانه را برای ما مهیا می کنند. بعد از باز شدن قیمت اکنون دیگر خریداران و فروشندگان معیاری برای موقعیت خود دارند. در این بخش قیمت باز شدن منظره ای از یک میدان جنگ و یک موقعیت موقتی از سربازان متقابل را آماده می کند. تریدرها و تجار بزرگ سعی می کنند بازار را در هنگام باز شدن با خرید های بزرگ یا فروش های بزرگ به سمت مورد نظر خود جهت دهند.

ژاپنی ها این را یک حمله صبحگاهی می نامند. (باز هم یک عبارت نظامی دیگر آنچنان که در طول این کتاب بیشتر از آنها خواهیم شنید)

اصطلاحات کندل استیک ها و احساسات بازار

اصول تکنیکی تنها راه اندازه گیری اجزا و مولفه های احساسات بازار هستند. نام های چارت های کندل استیک ژاپنی این حقیقت را آشکار می سازد. این اسامی یک مکانیزم رنگارنگی است که برای شرح دادن و توصیف احساسات و هیجانات بازار در زمانی که الگوهای کندل استیکی شکل می گیرند، استفاده می شود.

با شنیدن واژه های Hanging Man یا Dark Cloud Cover آیا فکر می کنید بازار در یک وضعیت سالم است؟ البته که نه. هر دوی اینها الگوهای پایین آورنده (Bearish) هستند و نام های آنها بطور روشن به شرایط ناسالم بازار اشاره می کند. بسیاری از نام ها و الگوهای ژاپنی در این کتاب وجود دارد که نه تنها چارت های کندل استیک را جذاب می سازند، بلکه یاد گیری آنها را نیز آسان می کنند. برای مثال در فصل ۵، شما ستاره های عصرگاهی و صبحگاهی را خواهید آموخت. بدون دانستن اینکه این الگو ها چه شکل و فرمی دارند، تنها با شنیدن نامشان می فهمید که Bearish هستند یا Bullish. مطمئناً ستاره عصرگاهی قبل از تاریکی ظاهر می شود و ستاره صبحگاهی قبل از طلوع و روشنایی آفتاب پدیدار می شود.

نقطه بسته شدن یک نکته محوری دیگری است برای تشخیص احساسات و هیجانات بازار. جایی است که بسیاری از متخصصان و تجار بزرگ برای شکل گرفتن آنها صبر می کنند. خیلی از سیستم های کامپیوتری (مثل سیستم Moving Average) بر پایه همین نقطه Close شکل گرفته اند.

حال اجازه دهید که توجه مان را به اینکه چطور خطوط کندل استیک به تنهایی یا بصورت ترکیبی کلیدی را برای تشخیص روند در دست ما قرار می دهند جلب کنیم.

一寸先は闇

Darkness Lies one inch Ahead

تاریکی یک اینچ جلوتر سایه می اندازد

Reversal Patterns ساز الگوهای معکوس ساز

الگوهای معکوس ساز یک تغییر در مسیر روند هستند. آنها نشانه های فنی و تکنیکی کلیدی در انتخاب معامله گران اند. یک علامت معکوس ساز روند به این مسئله دلالت می کند که روند قبلی احتمالا تغییر می کند اما این امر الزامی نیست، و البته این نکته خیلی مهمی است.

یک روند رو به بالا را با ماشینی مقایسه کنید که در یک مسیر صعودی در حال حرکت است. چراغ های ترمز روشن می شوند. و سپس ماشین متوقف می شود. اندیکاتور معکوس چراغ قرمزی بود که نشان می داد روند قبلی حرکت ماشین به جلو تمام می شود. اما حالا که ماشین بی حرکت ایستاده آیا راننده تصمیم می گیرد که حرکت ماشین را معکوس کند؟ آیا او ماشین را متوقف نگه می دارد؟ یا شاید دوباره تصمیم می گیرد به جلو حرکت کند؟ بدون کلید های راهنمای دیگر ما چیزی نمی دانیم و نخواهیم دانست.

شکل های ۴،۱ تا ۴،۳ نمونه هایی از آنچه که می تواند بعد از یک علامت معکوس ظاهر شود را نشان می دهد.

برای مثال روند رو به بالای قبلی می تواند به یک قیمت سایه یا جانبی تبدیل شود. سپس یک روند مخالف جدید و



EXHIBIT 4.1. Top Reversal



EXHIBIT 4.2. Top Reversal



EXHIBIT 4.3. Top Reversal

ضعیف تری ظاهر شود. (شکل ۴،۱). شکل ۴،۲ نشان می دهد که یک روند رو به بالای قدیمی چطور می تواند باز ادامه پیدا کند. و بالاخره در شکل ۴،۳ می بینیم که چگونه یک روند صعودی به یکباره تغییر مسیر داده و نزولی می شود.

آنچه در اینجا باید بدان اشاره کرد گفتن این جمله است که : با احتیاط به الگوهای معکوس ساز به عنوان الگوهای تغییر روند نگاه کنید.

زمانی که من گفتم الگوهای معکوس را به یاد دارید؟ این به این معنی است که مسیر قبلی باید تغییر کند ولی نه لزوماً برعکس شود. شناخت حقیقت الگوهای معکوس یک مهارت با ارزش است. همانطور که معامله موفق نیز نیازمند دو مولفه بسیار مهم است: شناخت دقیق مسیر بازار و دخیل دانستن هر گونه احتمال

سیگنال های معکوس راهی برای تهیه نشانه راه بازار هستند، آنها می گویند روانشناسی بازار در حال تغییر است و شما نیز برای همگام شدن با این راه جدید باید شکل معامله هایتان را تغییر دهید.

راه های زیادی برای داخل و خارج شدن از پوزیشن ها با استفاده از این اندیکاتورهای معکوس ساز وجود دارد که ما در طول این کتاب راجع به آنها بحث خواهیم کرد.

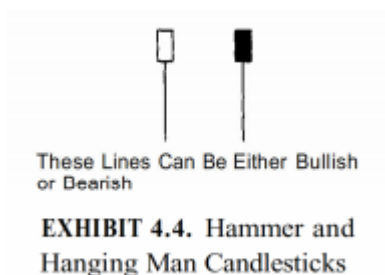
یک اصل مهم این است که پوزیشنی که ما بر اساس سیگنال های معکوس ساز گرفته ایم فقط باید در امتداد مسیر ماژور یا اصلی باشد. اجازه دهید مثالی بزنم: در یک بازار پر رونق یک الگوی معکوس مهم ظاهر می شود. این علامت پایین آورنده (Bearish) یک فروش کوتاه را تضمین نخواهد کرد. به این دلیل که روند اصلی هنوز بالا می رود. به هر حال علامتی می دهد از یک انحلال در روند طولانی. درست مانند خیابانی که یک سربالایی مختصری دارد. ولی این خیابان با شیب بیشتر از شیب رو به بالای خیابان قرار گرفته است که در این صورت جمع جبری هر دو شیب منفی خواهد شد.

اگر یک روند نزولی متداوم نیز وجود داشت همین شکل معکوس بالا برای پایه گذاری فروشهای کوتاه مدت استفاده می شود.

بیشتر الگوهای کندل استیک ماهیت معکوس سازی دارند. حال توجه مان را به اولین گروه از این اندیکاتور ها یعنی Hammer و Hanging Man جلب می کنیم.

خطوط Hammer و Hanging Man

شکل ۴،۴ کندل استیک هایی با سایه های پایینی بلند و بدنه های اصلی کوچکی را نشان می دهد. بدنه های اصلی نزدیک بالایی تغییرات روزانه قیمت هستند. اختلاف این دو کندل می تواند جالب باشد چون هر یک از این خطها می تواند بالا برنده (Bullish) یا پایین آورنده (Bearish) باشند که بستگی به جایی در روند دارد که آنها ظاهر می شوند.



شکل ۴,۵ را ببینید. واژه ژاپنی این کلمه یعنی Hammer، تاکوری (Takuri) است. این واژه معنی اندازه گیری عمق آب بوسیله احساس کردن ته آن را می دهد.

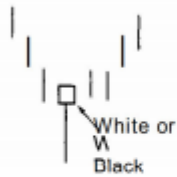


EXHIBIT 4.5. Hammer



EXHIBIT 4.6. Hanging Man

یکی از این الگوها خطی است به نام Hanging Man. شکل ۴,۶.

این نام مشتق شده از واقعیتی است شبیه به شکل یک مرد آویزان یا به دار آویخته شده با پاهای بلند.

ممکن است غیر معمول به نظر برسد که یک کندل استیک هم بتواند بولیش و هم بریش باشد. اما اجازه دهید که سه معیار اصلی سنجش Hammer و Hanging Man را برایتان توضیح دهم :

۱ - بدنه اصلی باید در انتهای دامنه معاملات Session قرار گرفته باشد. رنگ بدنه مهم نیست.

۲ - سایه پایینی باید دو برابر ارتفاع بدنه اصلی باشد.

۳ - آنها باید بدون سایه بالایی یا با سایه بالایی بسیار کوچک باشند.

سایه پایینی بلندتر، سایه بالایی کوتاه تر و بدنه اصلی کوچکتر بیشترین معانی Bullish Hammer (چکش بالا برنده) یا Bearish Hanging Man (مرد آویزان پایین آورنده) هستند.

اگر چه بدنه اصلی Hammer یا Hanging man می تواند سفید یا سیاه باشد ولی اگر بدنه Hanging man سیاه باشد پایین آورنده بهتری است. این موضوع در مورد هامر نیز صدق می کند. یعنی اگر هامر رنگ سفیدی داشته باشد بالا برنده بهتری است.

اگر یک Hammer بدنه اصلی سفیدی داشته باشد به این معنی است که بازار به سرعت در طی یک Session فروخته و بعد برای بسته شدن به بالای آن سشن بر می گردد. این می تواند نشانه های بالا برنده (Bullish) داشته باشد.

اگر یک Hanging Man بدنه اصلی سیاهی داشته باشد نشان می دهد که قیمت بسته شدن نمی تواند به عقب در سطح قیمت باز شدن برگردد و این به طور ذاتی مفهوم پایین آورندگی (Bearish) دارد.

خیلی مهم است که شما منتظر یک تأیید Bearish باشید. به این دلیل لازم است بدانیم که چگونه خط Hanging Man بوجود آمده است. معمولاً در این مواقع متن بازار پر از انزوی های بالا برنده است. سپس کندل Hanging Man در این میان ظاهر می شود.

در روز Hanging Man بازار در یا نزدیک به بالا باز می شود. سپس به سرعت می فروشد و بعد مجدداً قیمت بسته شدن را تا حوالی نقطه Open بالا می برد. این ممکن است نوعی واکنش قیمت باشد که به شما اجازه دهد اشتباه فکر کنید. در واقع این عمل قیمتی نشان می دهد که وقتی بازار شروع به یک فروش می کند برای شکست سریع و ریزش آسیب پذیر شده است.

اگر بازار پایین تر از قسمت قبل باز شود کسانی که در قیمت باز یا بسته شدن Hanging Man خرید کرده اند حالا هنگینگ را از دست داده و یک موقعیت از دست رفته را بواقع تجربه می کنند.

بنابراین اصلی کلی Hanging Man این است : فاصله پایینی بیشتر بین بدنه اصلی Hanging Man و قیمت باز شدن کندل بعد احتمال بیشتری است از اینکه Hanging Man یک راس تاپ (Top) خواهد بود.

تائیدیه دیگر می تواند یک کندل Bearish سیاه باشد که قیمت بسته شدن آن پایین تر از قیمت بسته شدن Hanging Man است.

شکل ۴,۷ یک مثال کامل است از اینکه چطور یک کندل با یک شکل و فرم کاملاً یکسان می تواند هم بالا برنده و هم پایین آورنده باشد. البته یکی Hanging و دیگری Hammer. اگر چه هر دو خط در این مثال بدنه اصلی مشکی دارند، اما همانطور که گفته ام رنگ بدنه اصلی مهم نیست یا بهتر است بگوییم در درجه دوم اهمیت قرار دارد. (کم اهمیت تر است)



EXHIBIT 4.7. Soybean Oil—December, 1990, Daily (Hanging Man and Hammer)

شکل ۴,۸ نمونه دیگری را از ماهیت دوگانه این خطوط نشان می دهد. در اواسط آپریل یک Hanging بوجود آمد که پایان حرکت رو به بالا را که با Hammer در دوم آپریل شروع شده بود علامت می دهد.

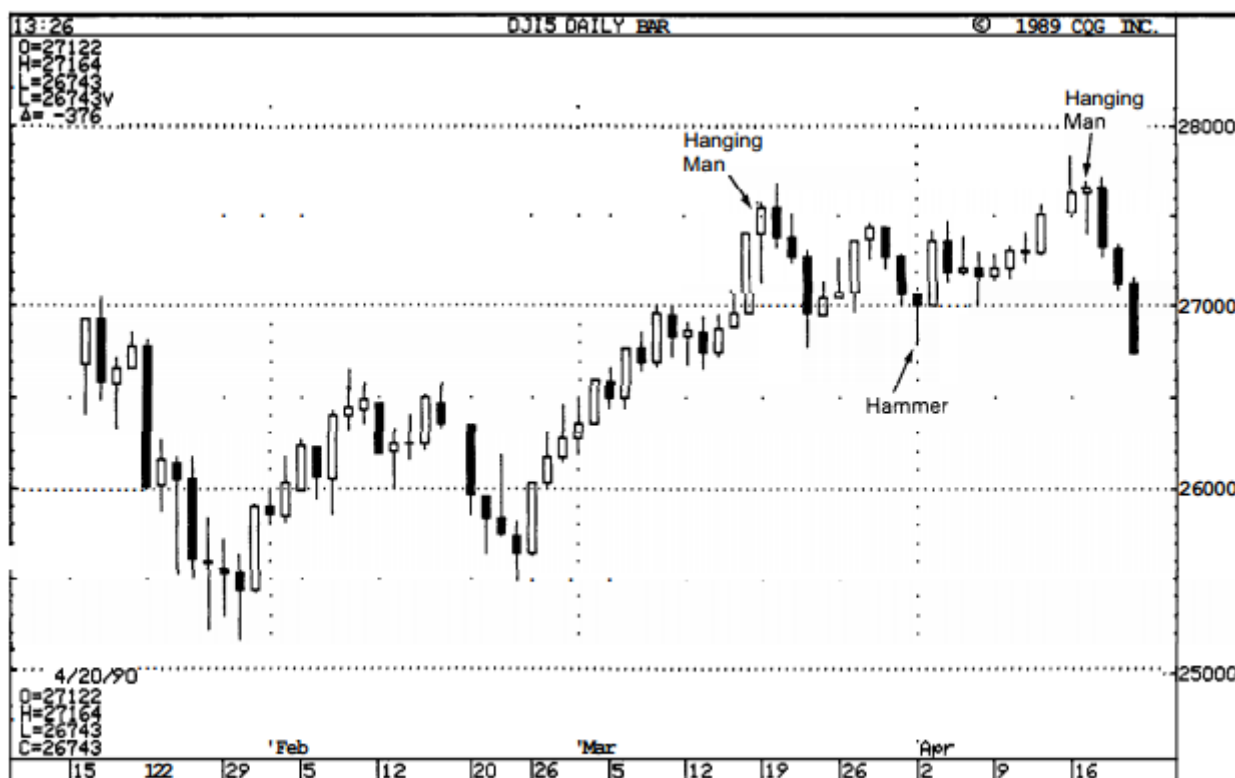


EXHIBIT 4.8. Dow Jones Industrials—1990, Daily (Hanging Man and Hammer)

یک اختلاف در معیار های سنجش Hanging Man ی که اواسط مارس ظاهر شد بوجود آمده بود. سایه پایینی آن بلند بود اما نه دو برابر ارتفاع بدنه اصلی آن. تا این زمان معیار های دیگر (یک بدنه اصلی در بالای تغییرات روزانه قیمت و تقریباً بدون سایه بالایی) دیده شدند. همچنین بوسیله کندل بعد که قیمت بسته شدن پایین تری هم داشت تایید شد.

این خط اگر چه یک Hanging ایده آل نیست اما یک چرخش در بالا که از یک ماه قبل شروع شده بود را علامت می داد.

تکنیک های ترسیم کندل استیک همانند دیگر نمودارها یا اصول شناخت الگوها راهنماهایی دارند. اما این اصول، اصولی سفت و سخت و یک کلامی نیستند.

طبق صحبت های بالا نکات خاصی وجود دارد که اهمیت خطوط Hanging Man و Hammer را افزایش می دهد.

اما همانطور که در Hanging Man اواسط مارس نشان داده شده ممکن است سایه پایینی کندل دو برابر ارتفاع بدنه اصلی آن نباشد که البته استعداد دادن علامت معکوس را ندارد.

هرچه سایه پایینی بلندتر باشد الگو کامل تر است.

شکل ۴,۹ یک سری از Bullish Hammer ها را نشان می دهد. (چکش شماره ۲ هم به رغم سایه بالایی کوچکی که دارد، یک چکش در نظر گرفته شده است). قسمت قابل توجه در این نمودار بروز سیگنال خرید زود هنگام در سال ۱۹۹۰ با چکش های ۳ و ۴ است، جایی که LOW های جدید و زیر قیمت های پایینی چکش شماره ۲ در جولای بوجود آمده بود. دو هامر بالا برنده ۳ و ۴ نشان می دهند که بالا برنده ها دوباره کنترل را بدست گرفتند.

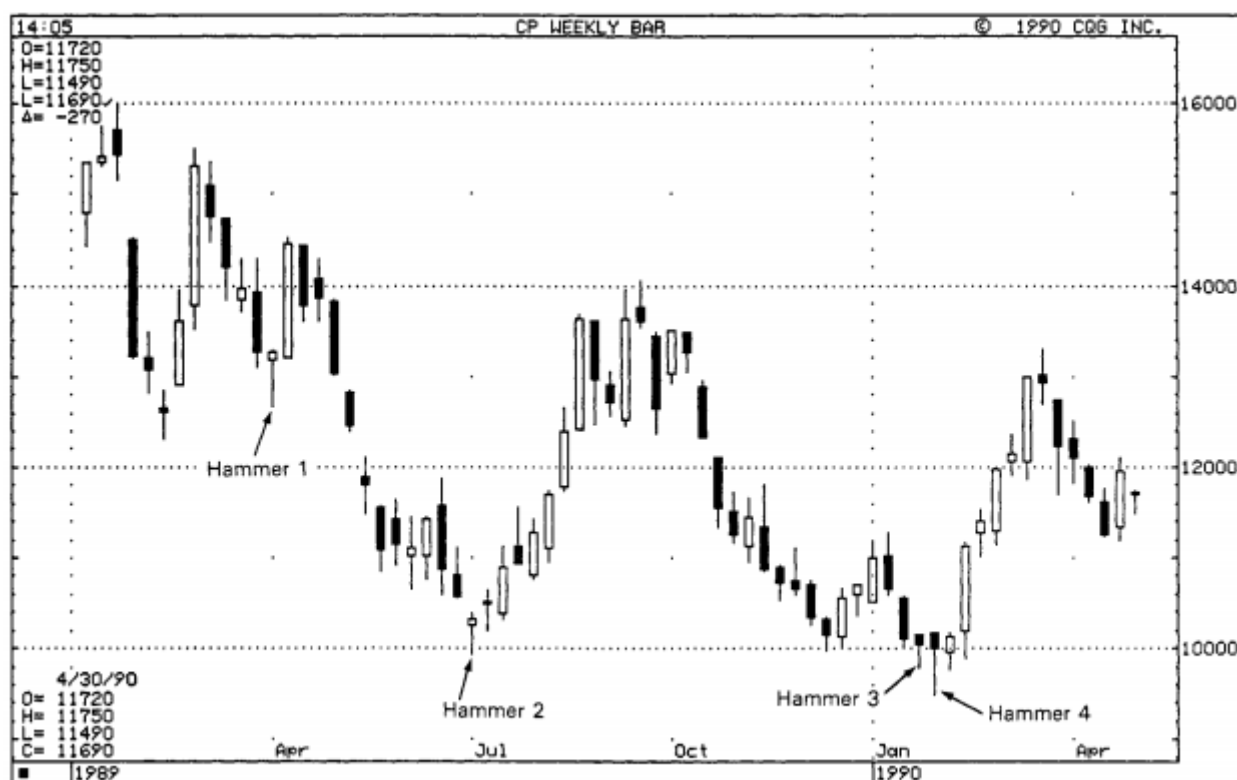


EXHIBIT 4.9. Copper—Weekly (Hammers)

هامر شماره ۳ یک هامر ایده آل نبود چون سایه پایینی آن دو برابر ارتفاع بدنه اصلی آن نبود. به هر حال این خط ناتوانی پایین برنده ها در حمایت از سقوط های جدید و ادامه ریزش را منعکس می کرد.

هامر هفته بعد نتیجه را که یک معکوس رو به بالا بود و احتمال داشت اتفاق بیافتد را تقویت کرد.

در شکل ۴، ۱۰ هامر شماره ۱ و ۳ نقاط کف هستند. هامر شماره ۲ پایان روند نزولی را علامت داد و بازار را از روند نزولی به سایه معکوس کرد. هامر شماره ۴ خوب جواب نداد. این هامر نکته مهمی را در مورد هامر ها متذکر می شود. آنها باید در متن فعالیت قیمت قبلی دیده شوند. به هامر ۴ نگاه کنید. روز قبل از آن یک کندل Bearish در بازار شکل گرفت. کندلی سیاه و البته بسیار بلند و سر و تهی تراشیده (بدون سایه بالایی و پایینی) که شتاب قوی پایین آورنده را نشان می دهد.

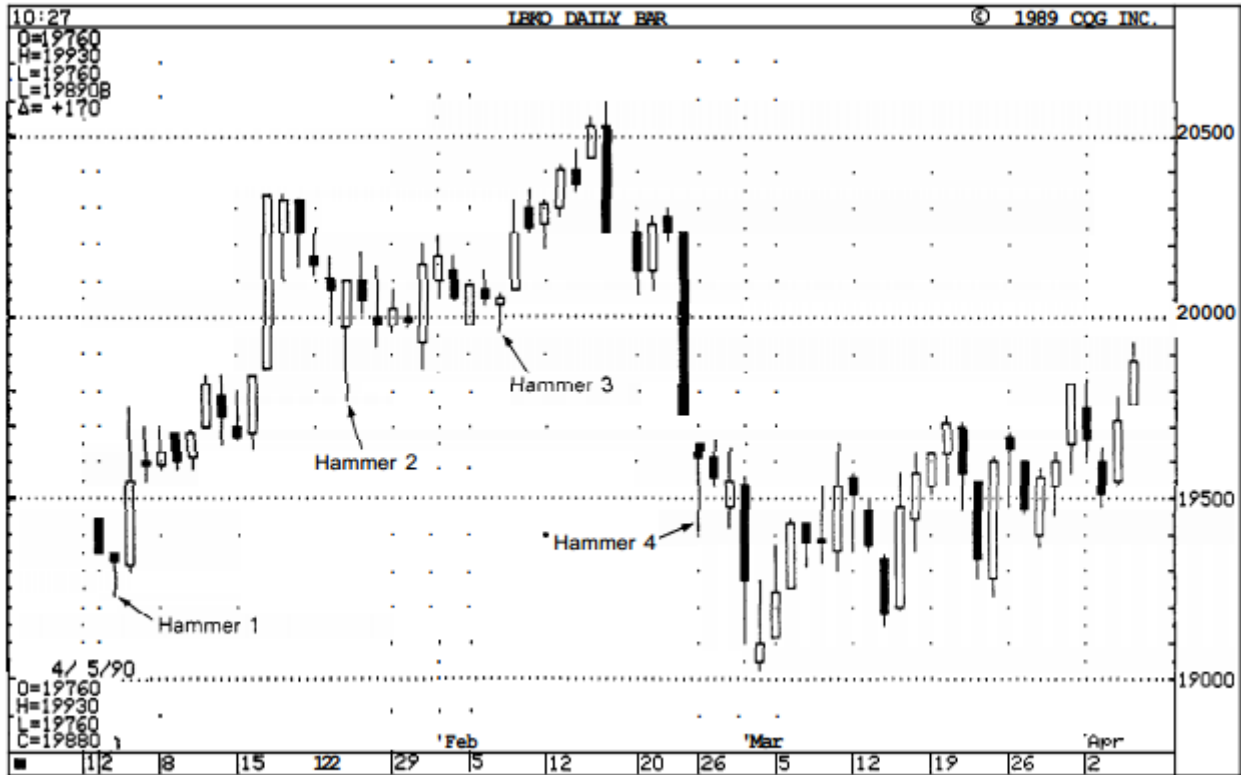


EXHIBIT 4.10. Lumber—May, 1990, Daily (Hammers)

نظر به فاکتورهای پایین آورنده (Bearish)، از روی احتیاط باید منتظر تاییدی برای تغییر روند باشیم. چون بالا برنده ها در روز شکل گیری هامر شماره ۴ در حال فعالیت های کم و بیش زیادی بوده اند. برای مثال ما باید منتظر یک کندل سفید که Close آن بالاتر از Close هامر بسته شده است باشیم تا هامر را به عنوان یک نقطه معکوس تایید کند.

در شکل ۴،۱۱ در طول اولین ساعات ۱۱ آپریل یک هامر شکل گرفت. مانند هامر شماره ۴ در شکل ۴،۱۰ در این هامر نیز قیمت از کندل قبلی خود فاصله گرفت (Gap یا پنجره ای ایجاد شد)، اما کندل سفید بعدی بالای Close این هامر بسته شد و حتی جایی نزدیک به Open آن و تأییدی شد برای این که روند تغییر می کند. دومین خط در ۱۲ آپریل اگرچه به شکل یک هامر است اما یک الگوی صحیح نیست.

Hammer یک الگوی معکوس انتهاست. یکی از تأیید های هامر این است که برای آن باید یک روند هر چند کوچک وجود داشته باشد تا

اینکه هامر آنرا معکوس کند.

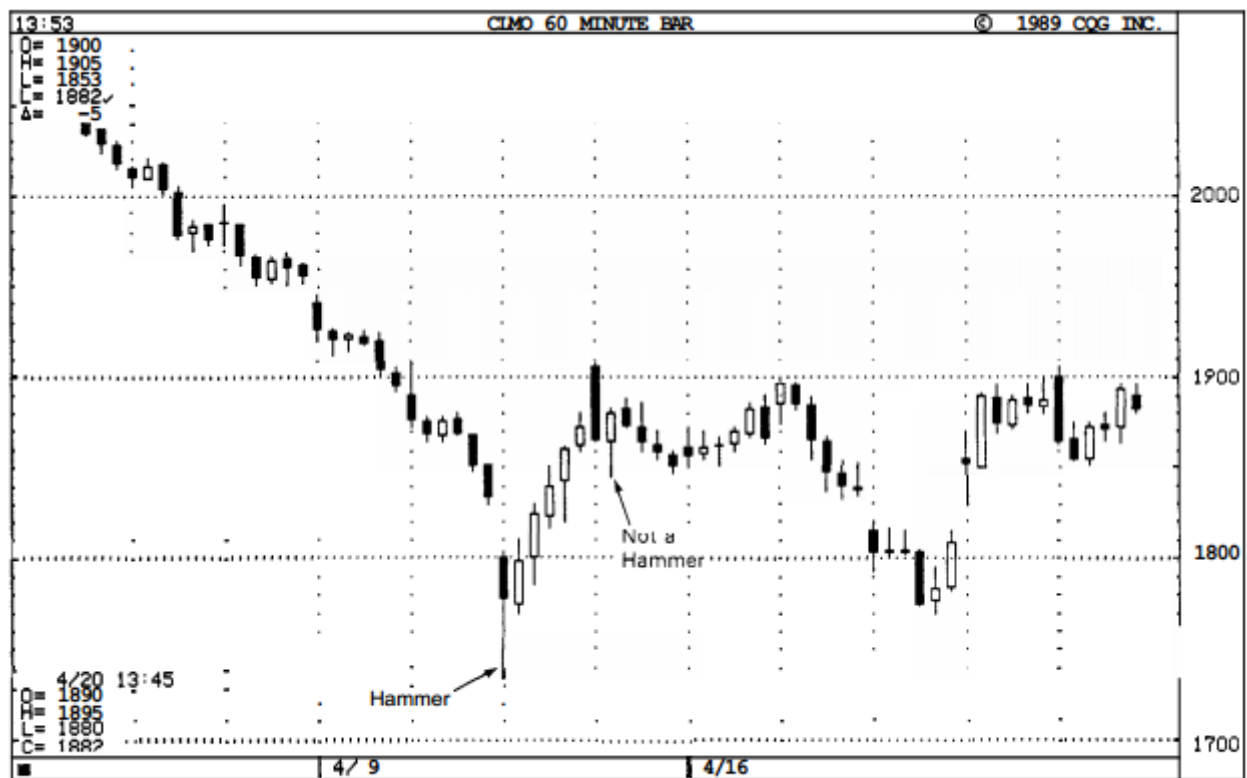


EXHIBIT 4.11. Crude Oil—June, 1990, Intra-day (Hammer)

این خط یک Hanging Man هم نیست. چون یک Hanging بعد از یک روند صعودی ظاهر می شود. در این مورد اگر این خط در بالا یا نزدیک به بالای کندل مشکی قبلی شکل گرفته بود می شد از آن به عنوان Hanging یاد کرد.

شکل ۴،۱۲ هامری در اوایل آپریل را نشان می دهد که پایان یک روند نزولی را که از مدتها قبل شروع شده بود به درستی علامت داد. یک سایه بلند پایینی، یک بدنه اصلی کوچک و بدون سایه بالایی این الگو را به یک هامر کلاسیک تبدیل کرده است.

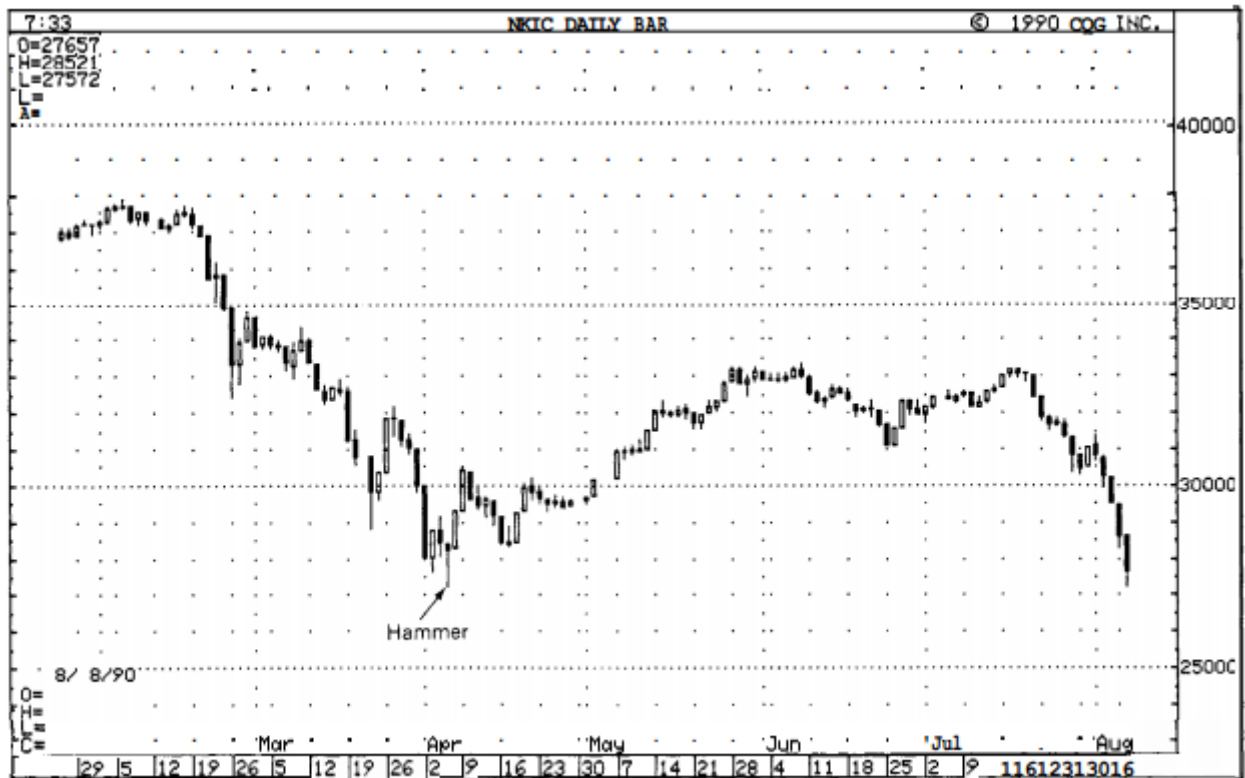


EXHIBIT 4.12. Nikkei—1990, Daily (Hammer)



Source: Copyright 1990 Commodity Trend Service*

EXHIBIT 4.13. Silver—May 1990,

شکل ۴،۱۳ یک Hanging Man کلاسیک و ایده آل را به تصویر می کشد. نقطه High جدیدی برای حرکت به سمت بالا بعد از نقطه Open که خود نیز با گپ همراه بود در روز Hanging بوجود آمد. سپس وظیفه پر کردن این گپ به عهده پوزیشن های خرید واگذار شد. به طوری گپ پر شد اما ... اما قیمت نتوانست به نقطه Open خود برگردد و تمام کسانی که در روز Hanging خرید کرده بودند اکنون یک موقعیت از دست رفته را تجربه می کردند.

کندل بلند سیاه روز بعد Hanging را کاملا تایید کرد.

در شکل ۴،۱۴ رالی صعودی که از اوایل فوریه شروع شده بود با کندل های پی در پی هنگینگ به پایان رسید. تأیید مهم پایین آوردگی بعد از Hanging Man به خوبی در این نمودار انعکاس پیدا کرد. یک فاکتور برای تأیید کامل Top بودن Hanging Man و شروع قدرت نمایی Bearish ها چیزی است که در این شکل بخوبی نمایان شده: یک Open در Session بعد در زیر بدنه اصلی Hanging Man.

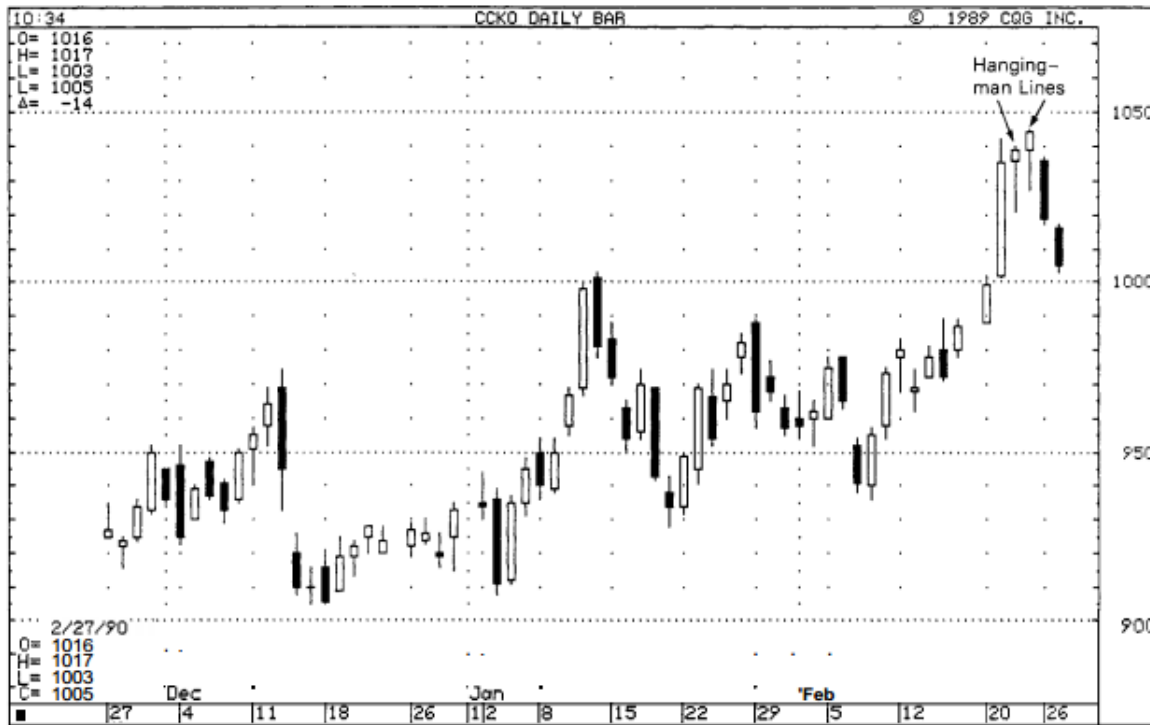
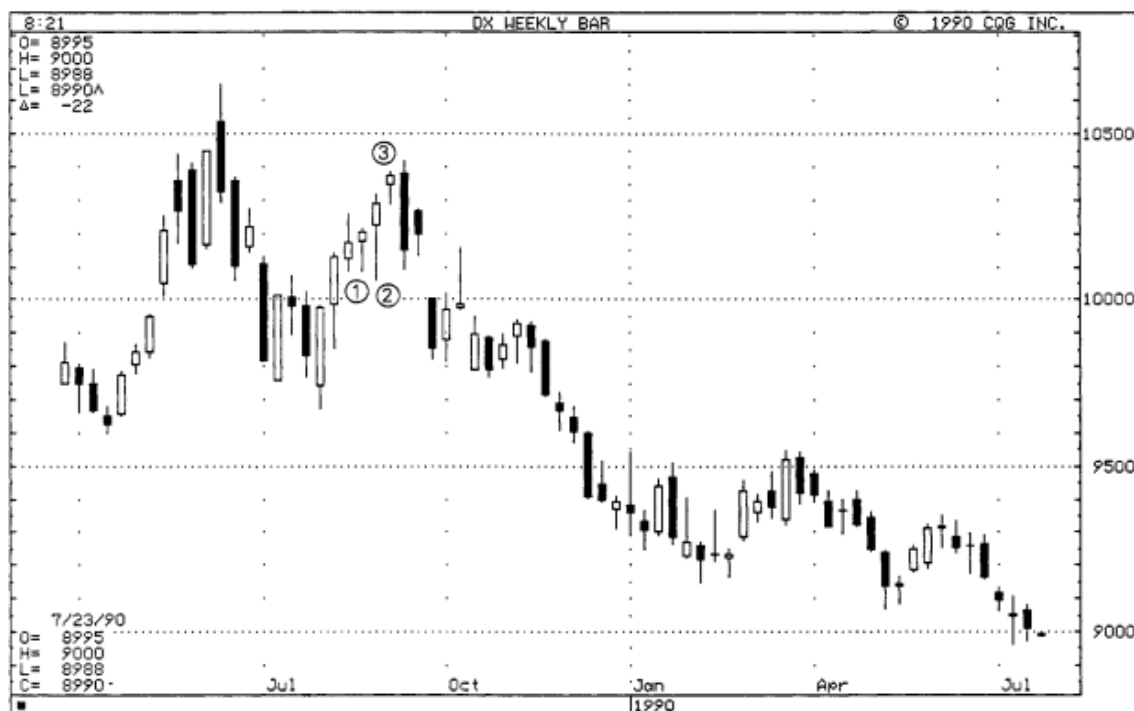


EXHIBIT 4.14. Cocoa—May 1990, Daily (Hanging Man)

توجه کنید که بعد از ظهور اولین Hanging بازار بالاتر باز شد. به هر حال وقتی بازار بعد از Hanging دوم زیر بدنه اصلی این کندل باز شد تبدیل به یک رالی نزولی شد.

شکل ۴،۱۵ یک روش

دیگر را برای تأیید Bearish در روز Hanging نمایان می کند: یک کندل با بدنه سیاه و Close ی پایین تر از Hanging Man Day. عدم تأیید Bear بعد از خطوط ۱ و ۲ مشخص می کرد که روند هنوز رو به بالاست. Hanging شماره ۳ را ببینید. کندل مشکلی که به دنبال



آن آمده آنرا تأیید کرده است. حتی بازار بعد از Hanging سوم هم بدون تغییر باز شده است. چیزی که اینجا می خواهیم بگویم این است: همیشه در چنین روزهایی منتظر تأیید بمانید. منتظر بمانید تا ضرر نکنید...

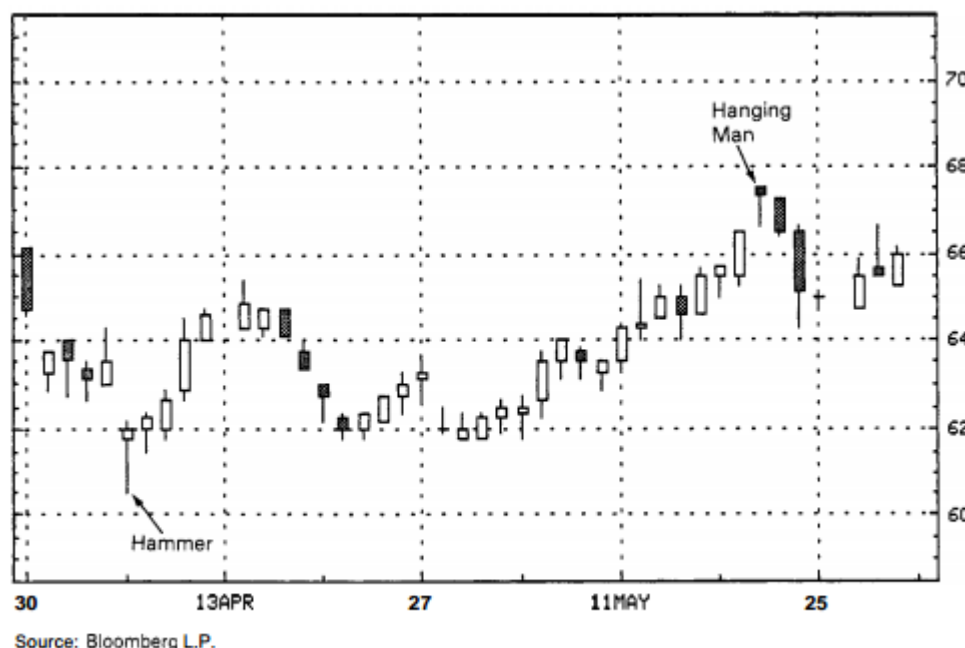
شکل ۴،۱۶ یک پیشروی خارق العاده را در بازار Orange Juice از اواخر سال ۸۹ تا اوایل ۹۰ نشان می دهد. مشاهده می کنید که کجا این حرکت رو به بالا متوقف شده است. این نمودار نشان می دهد که یک الگوی معکوس ساز همیشه قیمت ها را بازگشت نمی دهد، همانطور که در فصل قبل بدان اشاره کردم. یک اندیکاتور معکوس به اینکه روند قبلی باید متوقف شود دلالت می کند. این درست شبیه به چیزی است که اینجا اتفاق افتاده است، و روند را به یک روند سایه تبدیل کرده است. Hanging ماه جولای به سرعت روند را از بالا به پایین معکوس کرد.



این سناریو نباید همیشه مورد انتظار باشد. به عبارت دیگر باید گفت همیشه نباید چشم انتظار تبدیل روند به جهت مخالف شد، شاید بازار به حالت رنج یا خنثی تغییر جهت دهد.

EXHIBIT 4.16. Orange Juice—Weekly (Hanging Man)

شکل ۴،۱۷ Hanging Man کلاسیک دیگری را در ماه می نشان می دهد. بدنه اصلی کوچک بدون سایه بالایی و البته سایه پایینی بلند.



بدنه اصلی مشکی رنگ روز بعد هم این الگو را تایید کرد و البته زمانی بود برای عرضه های بالا (Vacate Longs)

به Bullish Hammer اوایل آپریل هم توجه کردید ؟

EXHIBIT 4.1

الگوی فراگیر Engulfing Pattern

الگوهای Hammer و Hanging Man خطوط کندل استیکی انفرادی هستند. آنها می توانند سیگنال های مهمی را در مورد سلامت بازار بفرستند. بیشتر سیگنال های کندل استیکی بر روی ترکیبی از خطوط کندل استیک انفرادی بنیان شده اند.

Engulfing Pattern اولین الگو از الگوهای مرکب کندل استیک است. این الگوی یک الگوی معکوس ساز مهم و اصلی (Major) است با دو کندل با رنگ های متفاوت در بدنه های اصلی.

شکل ۴,۱۸ یک الگوی Bearish Engulfing را نشان می دهد. بازار در یک روند نزولی می باشد. سپس یک بدنه اصلی سفید (Bullish) بدنه مشکی قبل را فرا می گیرد یا می پوشاند. این نشان می دهد که فشار خرید فشار فروش را سرتاسر فرا گرفته است.

شکل ۴,۱۹ یک الگوی Bearish Engulfing را نشان می دهد. مارکت در حال معامله در نقاط High قرار دارد. کندل سفید قبل با یک کندل سیاه پوشانده می شود. یک سیگنال معکوس از یک نقطه Top.

این نشان می دهد که Bear ها کنترل بازار را از دست Bull ها در آورده اند.



EXHIBIT 4.18. Bullish Engulfing Pattern



EXHIBIT 4.19. Bearish Engulfing Pattern

۳ معیار سنجش برای یک الگوی فراگیر وجود دارد :

- ۱ - بازار در یک مسیر کاملاً صعودی یا نزولی آشکار و واضح قرار داشته باشد. حتی اگر روند در یک دوره کوتاه مدت باشد.
- ۲ - دو کندل استیک ساختار این الگو را می سازند. بدنه اصلی کندل دوم باید بدنه اصلی کندل اول را فرگیرد. (البته نیازی نیست که سایه ها را هم پوشش دهد، ملاک فقط بدنه اصلی است)
- ۳ - رنگ بدنه اصلی کندل دوم باید بدنه اصلی قبل متفاوت باشد. (البته این قانون استثنایی هم دارد : اگر اولین بدنه اصلی الگوی Engulfing بسیار کوچک باشد که تقریباً بصورت دوجی دیده شود رنگ آن تفاوتی نمی کند) بعد از یک روند نزولی کندل سفیدی با بدنه اصلی خیلی کوچک که با کندل سفید بلند دیگری پوشش داده شود یک بولیش انگالفینگ را می سازد. یا در یک روند صعودی کندل سیاهی با بدنه اصلی خیلی کوچک که با کندل سیاه بزرگ و بلندی پوشش داده شود می تواند یک بریش انگالفینگ را بسازد.

بعضی از مواردی که احتمال معکوس سازی الگوی Engulfing را افزایش می دهد عبارتند از :

۱- اگر اولین کندل از این الگو یک بدنه اصلی خیلی کوچک داشت و دومین کندل بدنه اصلی بلندی داشته باشد، این یک انحلال در نیروی روند قبلی و سپس یک افزایش در نیروی حرکت جدید را نشان می دهد.

۲- اگر الگوی Engulfing بعد از یک حرکت ممتد و طولانی و یا یک حرکت سریع ظاهر شود.

۳- اگر یک حجم سنگین روی دومین بدنه اصلی الگو بوجود بیاید. (این می تواند به سان یک ضربه خاموش باشد)

۴- اگر کندل دوم الگو بیشتر از یک بدنه اصلی را پوشش دهد.

در شکل ۴،۲۰ دو الگوی Bullish Engulfing و یک الگوی Bearish Engulfing به خوبی در چارت هفتگی فرانک سوئیس انجام وظیفه کرده اند.

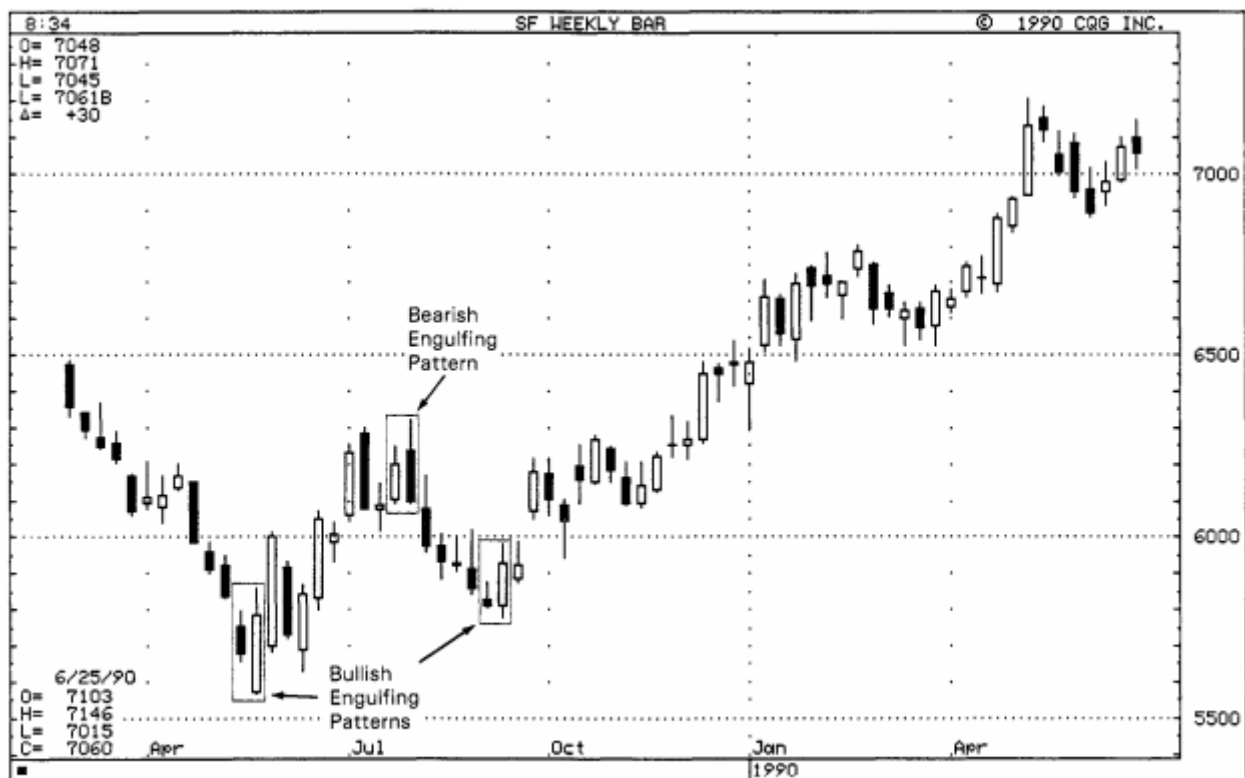


EXHIBIT 4.20. Swiss Franc—Weekly (Bullish and Bearish Engulfing Patterns)

در شل ۴,۲۱ که نمودار نفت خام ماهیانه است هر دو نمونه از این الگو دیده می شود (Bullish و Bearish). در اواخر سال ۸۵ یک کاهش شدید ۲۰ دلاری در بازار شکل گرفت. ماه های سوم و چهارم سال ۸۶ الگوی Bullish E را ساختند. بعد از چندین ماه حال سیگنالی ظاهر شده بود از اینکه این روند نزولی به پایان رسیده است.

رالی صعودی که با الگوی بولیش قبلی شروع شده بود در اواسط سال ۸۷ با یک بریش انگالفینگ دیگر به پایان رسید.

الگوی کوچک Bullish E که در ماه های فوریه و مارس سال ۸۸ شکل گرفت، روند نزولی شکل گرفته از اواسط سال ۸۷ را متوقف کرد. بعد از شکل گیری این الگو بازار تقریباً برای مدت ۵ ماه به حالت سایه یا خنثی تغییر مسیر داد.

الگوی Bearish Engulfing فوریه سال ۹۰ پس از چندین کندل کوچک صعودی شکل گرفت. این یک الگوی بریش عالی نبود، اما باید گفت در تمامی تجزیه و تحلیل های کندل استیکی همانند دیگر تکنیک های نموداری مقداری انعطاف و آزادی عمل مجاز است.

اطمینان بخش تر آن است که به این حرکت بازار به شکل یک الگوی Bearish E با تمام مفاهیم ذاتی پایین آورندگیش نگاه کنیم تا اینکه کلاً آنرا نادیده بگیریم و از آن بگذریم.

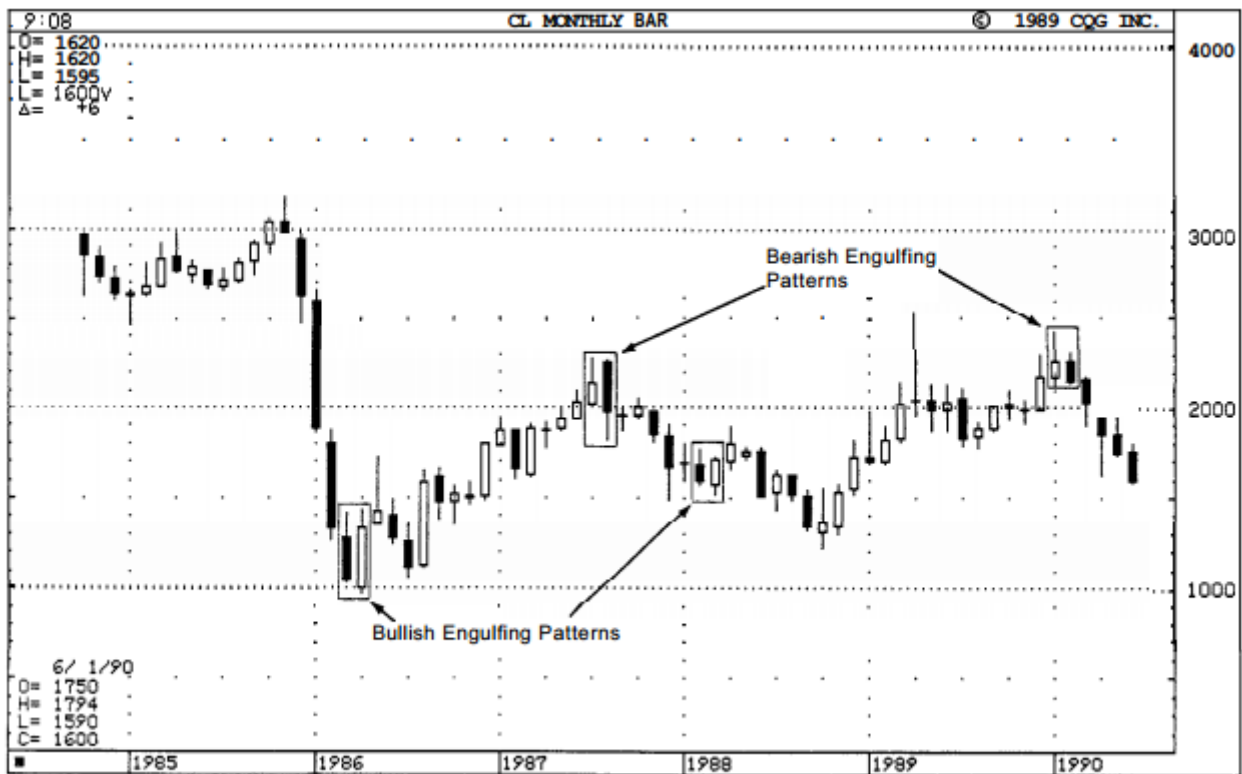
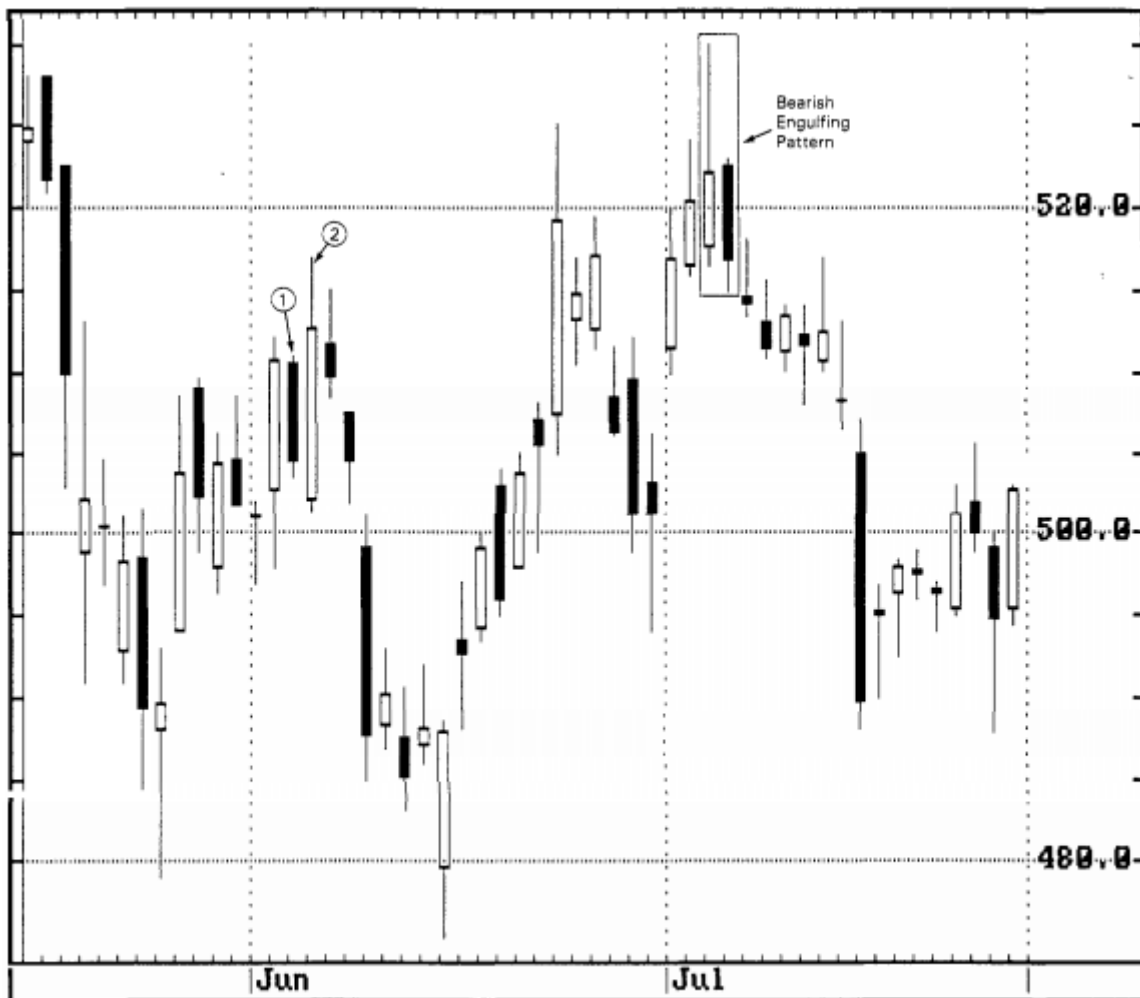


EXHIBIT 4.21. Crude Oil—Monthly (Bullish and Bearish Engulfing Pattern)

به فعالیت قیمت در هفتم و هشتم جولای در شکل ۴,۲۲ نگاه کنید. اینجا ما نمی توانستیم به وسیله الگوی روز معکوس غربی زمانی که هیچ بالای جدیدی ساخته نشده علامت چرخش در این روند را بدست بیاوریم. اما اکنون با استفاده از کندل استیک ها یک سیگنال معکوس پایین آورنده به نام Bearish Engulfing دیده می شود.

دو کندل استیک ۱ و ۲ در اوایل ژوئن شبیه به الگوی Bullish Engulfing بودند. الگوی Bullish E یک الگوی معکوس ساز انتها است. این به این معنی است که باید بعد از یک مسیر نزولی یا در بعضی مواقع در کف یک حرکت سایه اتفاق بیافتد. به همین دلیل این الگو پس از ظاهر شدن نه تنها عمل مورد انتظار بالابردگی را انجام نداد بلکه به عکس وظیفه خود عمل کرد.



Source: CompuTrac™

EXHIBIT 4.22. Platinum —October, 1989, Daily.(Bearish Engulfing Pattern)

شکل ۴،۲۳ یک سری از الگوهای Bearish E را نشان می دهد. الگوی شماره ۱ مارکت را بعد از یک روند صعودی برای مدت چندین ماه به یک روند ساید کشاند. الگوی Engulfing دوم تنها یک استراحت موقت بود برای ادامه روند. الگوی های بریش شماره ۳ و ۴ و ۵ همگی سیگنال های معکوسی دادند که با اصول تکنیکی غربی قابل تشخیص نیستند. آنها به درستی در جای خود انجام وظیفه کردند.



EXHIBIT 4.23.
Soybeans—Weekly
(Bearish Engulfing
Patterns)

Source: Copyright 1990 Commodity Trend Service®



الگوی پوشش ابر سیاه Dark Cloud Cover

دیگر الگوی معکوس ما الگوی ابر سیاه است. شکل ۴,۲۴ را نگاه کنید. این یک الگوی دو کندله معکوس ساز روند صعودی است (یا در بعضی مواقع در نقطه بالایی یک حرکت متراکم و شاید). کندل اول این الگو یک کندل با بدنه اصلی بلند و سفید است (یک کندل قدرتمند). نقطه **Open** کندل دوم بالای **High** دیروز باز می شود (بالای سایه کندل روز اول). در پایان این **Session**، بازار در نزدیک پایین ترین حد خودش و درست وسط بدنه اصلی سفید قبلی بسته می شود. هرچه میزان نفوذ به بدنه اصلی کندل قبلی بیشتر باشد، احتمال تاپ بودن روند و صحت و قدرت الگو بیشتر است. بعضی از ژاپنی های تاکید دارند که قیمت **Close** کندل مشکمی باید بیشتر از ۵۰ درصد به داخل بدنه اصلی سفید قبلی نفوذ کند. اگر کندل مشکمی دوم پایین تر از وسط بدنه اصلی کندل سفید اول بسته نشود، بهتر است برای یک تایید پایین آورنده (Bearish) که الگوی **Dark Cloud** ما را دنبال و تایید کند، منتظر بمانید.

منطق قرار گرفته در پشت این الگوی نزولی به سهولت قابل توضیح است. بازار در یک مسیر صعودی است، قیمت با یک گپ نسبت به بالاترین نقطه دیروز که یک کندل سفید قدرتمند است باز می شود. تا اینجا بازار کاملا در کنترل **Bulls** هاست. ولی این مسیر صعودی ادامه پیدا نمی کند. در حقیقت بازار در یا نزدیک به پایین ترین قسمت نوسانات آن روز خود بسته می شود، جایی در میانه های بدنه اصلی کندل سفید قبلی. در چنین سناریویی خریداران فکر دیگری در مورد موقعیتشان خواهند داشت. در واقع می توان گفت کسانی که منتظر موقعیتی برای خروج از پوزیشن و فروش بودند، اکنون آن موقعیت را با توجه به بوجود آمدن **High** جدید در روز دوم الگوی ابر سیاه بدست آورده اند.

در زیر به تعدادی از عواملی که اهمیت الگوی **Dark Cloud** را افزایش می دهد اشاره می کنم:

۱ - نفوذ بیشتر کندل مشکمی به داخل بدنه اصلی کندل سفید اعتبار بیشتری برای یک راس بودن دارد (یعنی کندل مشکمی در راس قرار گیرد و بعد سقوط). اگر بدنه اصلی کندل مشکمی بدنه اصلی کندل سفید قبلی را تقریباً به طور کامل پوشش دهد یک **Bearish Engulfing** اتفاق افتاده است. بدنه اصلی کندل دوم الگوی ابر سیاه فقط می تواند تا نصف یا کمی بیشتر از کندل سفید قبل را فرا بگیرد. به این الگو به عنوان یک کسوف کوتاه نگاه کنید که قسمتی از خورشید را می پوشاند. اما الگوی **Bearish E** یک کسوف کامل است.

یک الگوی **Bearish Engulfing** یک راس کامل و به تمام معناست.

اگر یک بدنه اصلی سفید در بالای **High** الگوی ابر سیاه یا بریش انگالفینگ بسته شود، نشانه ایست بر یک رالی رو به بالای دیگر (روند اصلی

هنوز ادامه دارد).

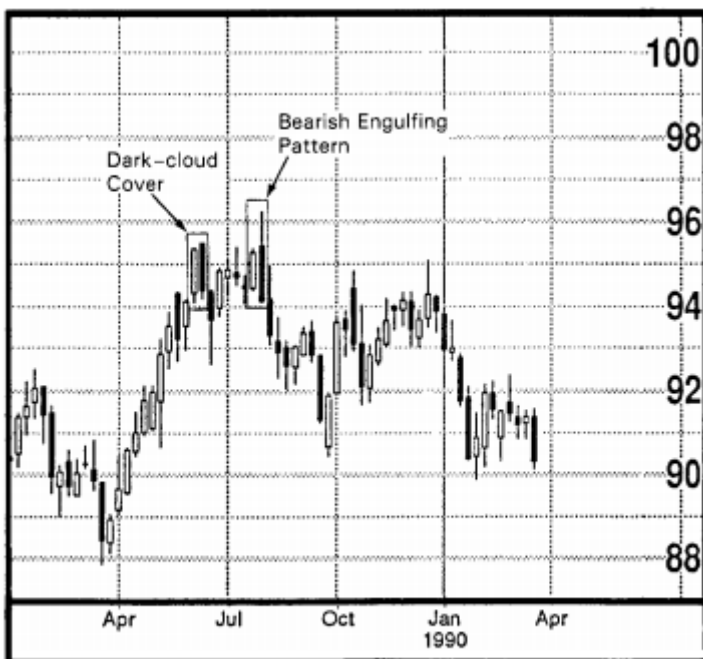


۲- در طول یک روند صعودی ممتد و طولانی اگر یک کندل که در پایین باز شده و در بالاترین نقطه خودش بسته شود (یعنی بدون هیچ سایه ای در بالا یا پایین) و در روز بعد کندل مشکی بلندی که در بالاترین نقطه خود باز شده و در پایین ترین نقطه خود بسته شده است (بدون هیچ سایه ای)، احتمال بسیار زیادی است که با یک ابر سیاه طرف باشید.

۳- اگر دومین کندل الگوی ابر سیاه بالای یک نقطه مقاومتی مستحکم باز شود و بعد ریزش صورت گیرد یا به عبارتی Fail شود، این ثابت می کند که Bull ها قادر به اداره و کنترل بازار نیستند.

۴- اگر در هنگام Open روز دوم حجم بسیار سنگینی زده شود، یک Buying Blow off بوجود آمده است. برای مثال حجم سنگینی در High جدید هنگام باز شدن بازار در روز دوم زده می شود. می شود اینجور گفت : خریداران بسیاری که تصمیم قطعی برای خرید داشته اند اکنون به داخل این کشتی پریده اند. سپس بازار به ناگهان می فروشد. طولی نمی یابد که این خریداران جدید و مشتاق (خریداران قدیمی همین امروز روند را رها کردند) در خواهند یافت که کشتی ای که به داخل آن پریده اند تایتانیک است. برای معامله گران آینده نگر یک Open سنگین یک هشدار دیگر است.

شکل ۴،۲۵ اختلاف بین Dark Cloud Cover و Bearish Engulfing Pattern را نشان می دهد. دو کندل استیک در ماه ژوئن سال ۸۹ یک الگوی ابر سیاه را تشکیل دادند. یک بدنه اصلی سفید و بلند و به دنبال آن یک بدنه اصلی سیاه بلند بوجود می آید. کندل سیاه در یک High جدید برای ادامه حرکت باز می شود. آخر روز در یا نزدیک به پایین ترین نقطه خودش و درست در دل کندل روز قبل بسته می شود. مارکت بعد از این نقطه راس بازگشت کرد و معکوس شد. تاییدیه نهایی زمانی که چند هفته بعد الگوی Bearish E شکل گرفت بوجود آمد.



در اینجا ما شاهد هستیم که کندل سیاه الگوی ابر سیاه تنها قسمتی از کندل سفید روز قبل خود را می پوشاند در صورتی که در الگوی Bearish E این کندل بصورت کامل بدنه اصلی سفید روز قبل خود را فرا می گیرد.

EXHIBIT 4.25. Municipal Bonds—Weekly (Dark-cloud Cover and Bearish Engulfing Pattern)

Source: Copyright 1990 Commodity Trend Service'

در شکل ۴،۲۶ سه الگوی ابر سیاه قابل مشاهده هستند. سیگنال های Bearish دیگری نیز هر کدام از این الگوها را تایید کرده اند.

اجازه دهید به هر کدام بصورت تک تک نگاهی بیندازیم :

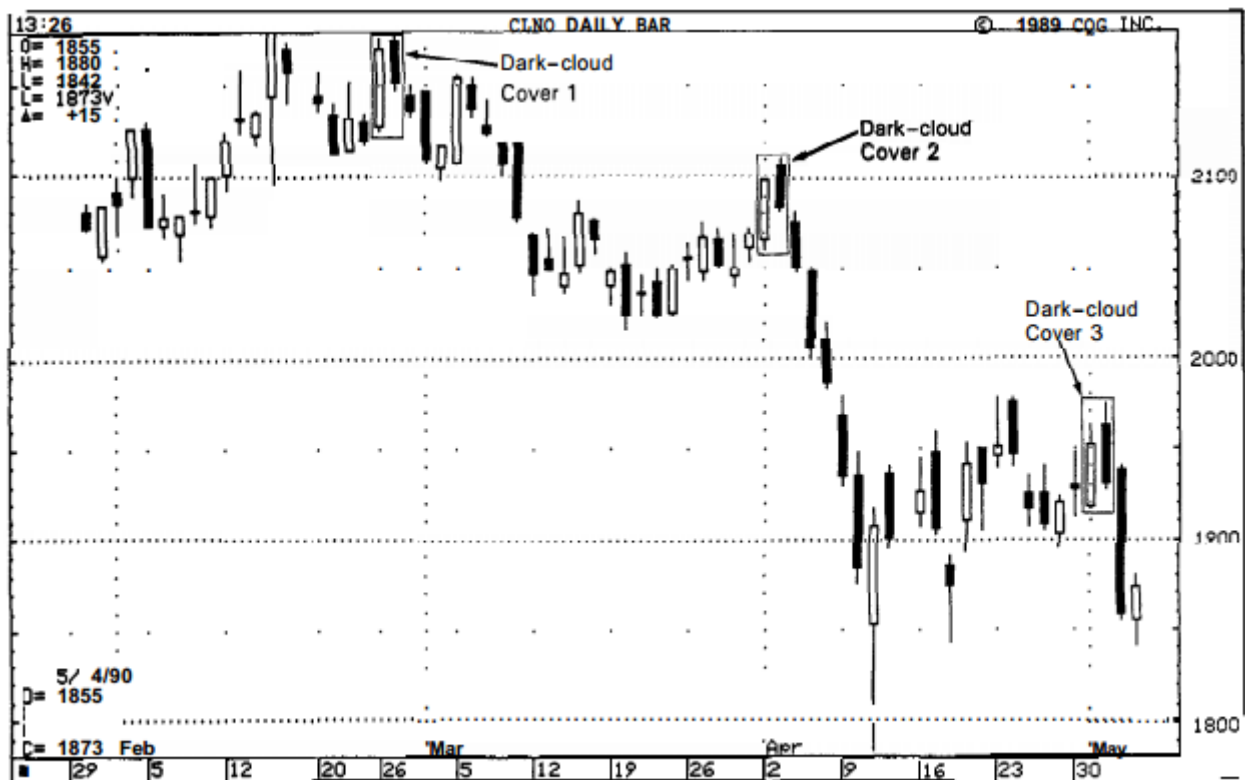
۱- ابر سیاه شماره ۱ : الگویی با کمی اختلاف از یک الگوی ایده آل. کندل دوم این الگو به جای اینکه بالای High دیروز باز شود درون نوسانات قیمت روز قبل و در واقع در نقطه High روز قبل خود Open کرده است. با وجود این فاکتور منفی اما همچنان دربردارنده سیگنال هشدار است. همچنین این ابر سیاه یک کوشش بی ثمر برای گذشتن از مقاومت اواسط فوریه توسط Bull ها را به خوبی تایید می کند.

۲- ابر سیاه شماره ۲ : قبل از شکل گیری این الگو یک دلیل و منطق دیگر برای هشدار و هوشیاری در سطح ۲۱ دلار وجود داشت.

یک اصل مهم تکنیکالی می گوید: اگر سطح حمایت قبلی برای یک بار شکسته شود، می تواند در آینده به یک مقاومت تبدیل شود. این مهم اکنون بر روی سطح ۲۱ دلار اتفاق افتاده بود. در تاریخ ۹ مارس این خط حمایت شکسته شد. کوشش اولین روز های آپریل با شکل گیری الگوی ابر سیاه برای گذر از این سطح که اکنون به یک مقاومت تبدیل شده بود، با شکست مواجه شد.

۳- ابر سیاه شماره ۳ : یک شکست دیگر در برابر مقاومت ساخته شده در اواخر آپریل. اینها مثال هایی هستند از نقاطی که الگوی ابر سیاه با سطوح مقاومتی قبل خود منطبق شده است.

این موضوع مهمترین کانون مطالب نیمه دوم کتاب است. جایی که ترکیب تکنیک های کندل استیک با دیگر ابزار های تکنیکی را مورد بحث قرار می دهیم.



شکل ۴،۲۷ نشان می دهد که در طول اوایل مارس الگوی Dark Cloud شماره ۱ حرکت رو به بالای روند صعودی را به مدت دو هفته متوقف و به فاز سایه برده است. الگوی بعدی در آپریل شکل گرفته است. جایی که حرکت سریع رو به بالای دو روزه را متوقف کرده است. و بالاخره الگوی شماره ۳ در اواسط آپریل یک پایین آورنده خاص بود. چرا این Dark Cloud اینچنین روند را معکوس کرد؟

دلیلش را باید با روانشناسی این الگو بیان کرد. همانطور که قبلا هم ذکر کردم منطق و اساس معکوس سازی الگوی DCC نتیجه باز شدن در یک قیمت بالای جدید و سپس بسته شدن بازار به طور عمیق به داخل بدنه اصلی کندل سفید قبلی است. به نظر شما چه اتفاقی می افتد اگر بازار در روز دوم الگوی ابر سیاه به High جدیدی نفوذ کند که نه از چندین روز یا حتی چندین هفته قبل، بلکه از چندین ماه قبل در پی دست یابی به آن بوده است، و بعد به جای ادامه دادن و با قدرت بالا رفتن شکست بخورد؟ Fails at these new highs؟

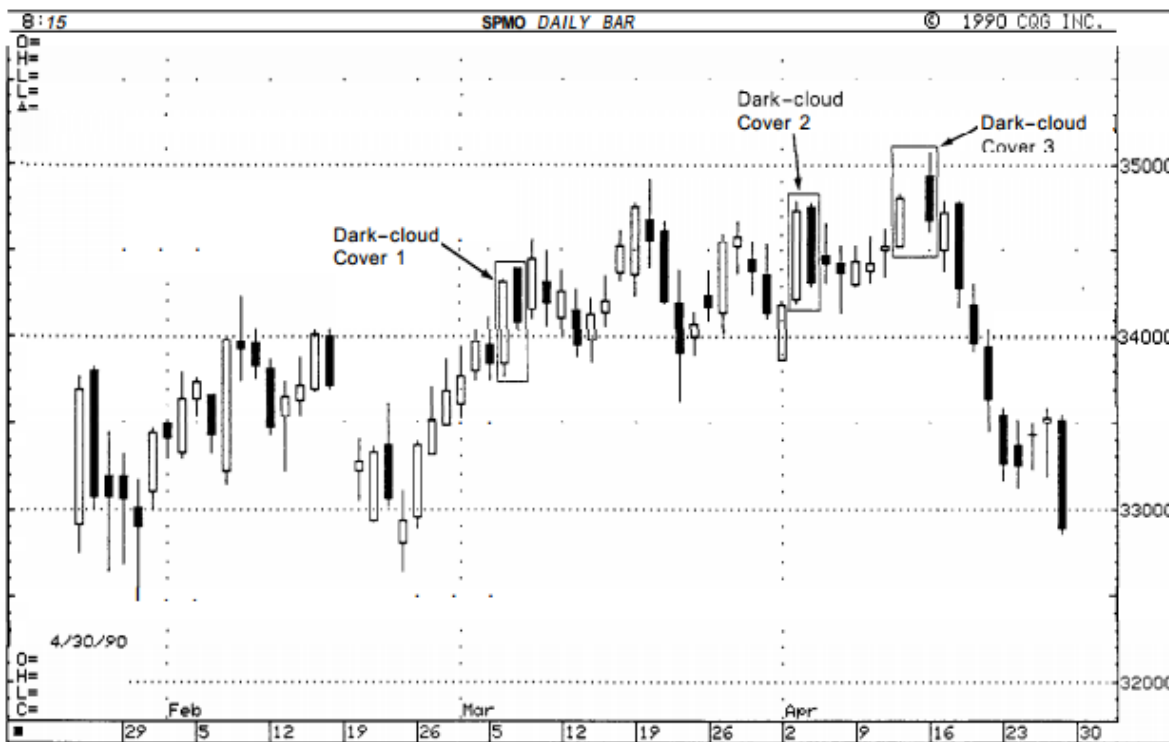
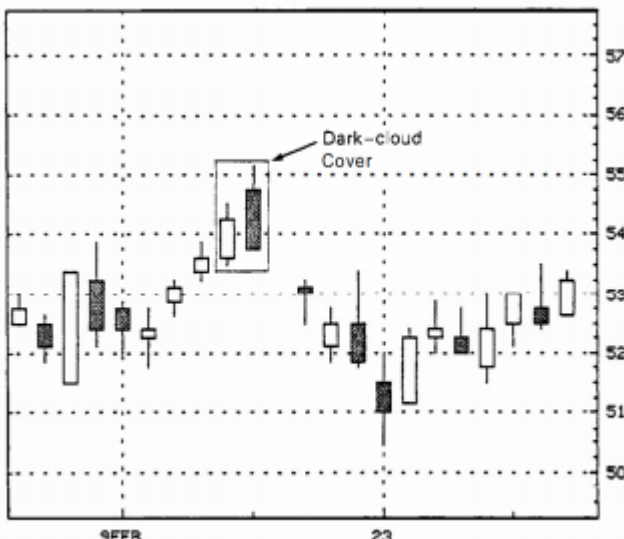


EXHIBIT 4.27. S&P—June 1990 (Dark-cloud Covers)



در شکل ۴،۲۸ می بینیم که شیب قیمتی که در ۱۰ فوریه شروع شده بود تا بوجود آمدن یک الگوی ابر سیاه در اواسط همین ماه پیش رفت.

EXHIBIT 4.28. Bristol Myers—1990, Daily

محصول این عمل قیمت یک حرکت به شدت منفی خواهد بود. بالاترین سطوح قیمت در سه ماه گذشته در Session سیاه رنگ الگوی ابر سیاه ما لمس شدند.

الگوی نافذ Piercing Pattern

طی بسیاری از صحبت ها و سخنرانی های شغلی من بعد از اینکه الگوی Dark Cloud Cover را معرفی کردم، طولی نکشید که از من در مورد فرم و اینکه آیا الگویی مخالف الگوی ابر سیاه هم وجود دارد سوال می شد.

بله، وجود دارد و اسم آن نیز Piercing Pattern است. Dark Cloud یک الگوی معکوس ساز در سقف است و مخالف آن، الگوی

Piercing قرار دارد که یک معکوس ساز در کف است. شکل ۴,۲۹

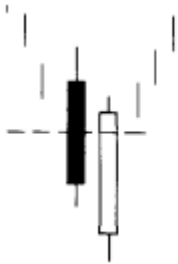


EXHIBIT 4.29. Piercing Pattern

این الگو از دو کندل استیک در یک بازار نزولی ساخته شده است. بدنه اصلی اولین

کندل آن مشکی رنگ است و دومین کندل بدنه سفید بلندی دارد. این روز سفید

به سرعت در پایین ترین نقطه باز می شود، پایین تر از LOW روز قبل. سپس قیمت

کم کم بالاتر رفته و کندل سفید نسبتاً بلندی که بالاتر از میانه بدنه اصلی قبل بسته شده پدیدار می شود. الگوی نافذ شبیه الگوی Bullish

Engulfing است با این تفاوت که کندل سفید الگوی فراگیر بالابرنده تمام بدنه اصلی قبل خود را پوشش می دهد، ولی در الگوی نافذ این

طور نیست و در واقع هر چه میزان و درجه نفوذ به داخل کندل قبل بیشتر باشد اعتبار معکوس سازی روند و اینکه اکنون در کف بازار هستیم

بیشتر می شود.

یک الگوی نافذ ایده آل الگویی است که بدنه کندل سفید آن به بیشتر از نصف کندل سیاه قبل خود نفوذ کرده باشد.

هشدار : اگر روز بعد از شکل گیری هریک از الگوهای Piercing و یا Bullish E، بازار زیر Low این الگوها توسط یک کندل سیاه بلند

بسته شود، در این صورت یک حرکت نزولی دیگر در تکمیل مسیر قبلی بوجود خواهد آمد.

م : به نظر این سناریو در مورد الگوهای Dark Cloud و Bearish E در روند صعودی هم صادق است.

روانشناسی الگوی نافذ اینچنین است :

مارکت در یک مسیر نزولی است. کندل استیک سیاه هم به این دید یقین می بخشد. روز بعد مارکت با یک گپ پایین تر باز می شود. پایین

آورنده ها همچنان با رضایت در حال تماشا هستند. سپس بازار برای بسته شدن به یکباره خیز بر می دارد. قصد بازار بسته شدن در قیمت بسته

دیروز نیست بلکه با یک حرکت شارپ به سطوح بالاتری چشم دوخته است. خرسها اکنون شروع به حدس و گمان هایی در مورد موقعیت خود

خواهند کرد. کسانی که منتظر یک موقعیت خرید بودند شاید الان بگویند که LOW های جدید دیگر نمی توانند پایدار بوده و ادامه داشته باشند

و اکنون زمان گام گذاشتن در یک پوزیشن Long خواهد بود.

فاکتور های شماره ۱ تا ۴ ی که در مورد الگوی ابر سیاه بیان شد به حالت متضاد خود، فاکتور های این الگو است.

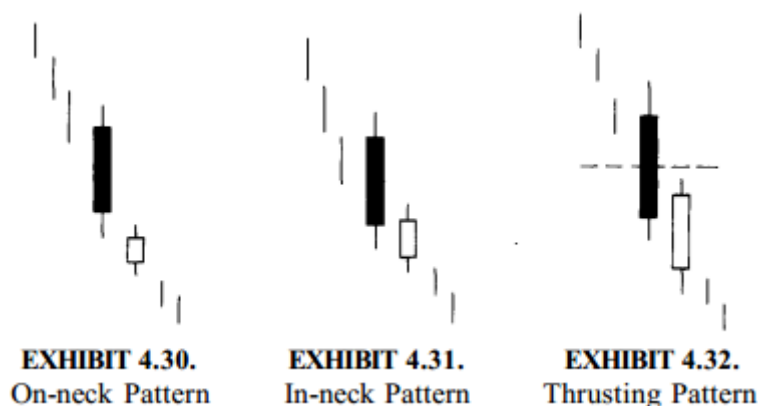
در بخش Dark Cloud من به این اشاره کردم که اگرچه بعضی از معامله گران ژاپنی دوست دارند ببینند که بدنه اصلی کندل مشکی در بیشتر از وسط بدنه اصلی سفید قبلی خود بسته شود ولی مقداری انعطاف هم در این قانون وجود دارد.

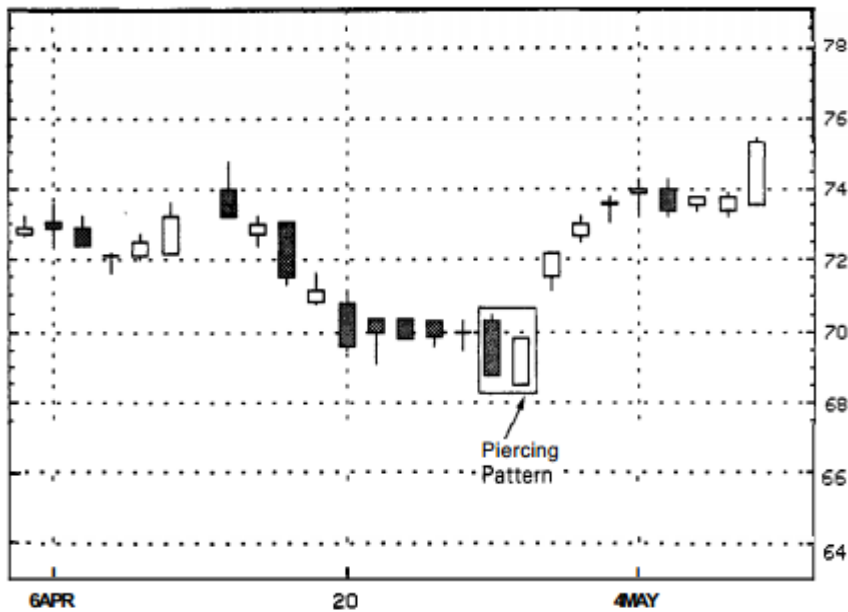
در الگوی نافذ قابلیت انعطاف کمتری وجود دارد. کندل سفید نافذ باید به بالاتر از وسط کندل مشکی قبل نفوذ کند. دلیل انعطاف کمتر الگوی نافذ بالا برنده نسبت به الگوی ابر سیاه این است که ژاپنی ها ۳ الگوی دیگر به نام های On-neck و In-neck و Thrusting Pattern دارند. این الگوها در شکل های ۴,۳۰ تا ۴,۳۲ آمده اند و در واقع باید گفت همان شکل اولیه الگوی نافذ را دارند ولی زمانی که بدنه سفید پایین تر از وسط بدنه اصلی مشکی قبل خود بسته می شود به عنوان علائم پایین آورنده (Bearish) تلقی می شود.

بنابراین این سه الگوی پایین آورنده (شکل های ۴,۳۰ تا ۴,۳۲) و الگوی بالا برنده Piercing شکل ۴,۲۹ همگی به یک شکل هستند. اختلاف بین اینها درجه نفوذ بدنه کندل سفید به بدنه کندل روز قبل خود می باشد. کندل استیک الگوی On-neck که معمولا کوچک است تقریبا زیر بخش قبلی بسته می شود. کندل سفید الگوی In-neck خلیلی جزئی داخل بدنه سیاه قبلی بسته می شود. (آن نیز یک کندل سفید کوچک است) و در آخر الگوی Thrusting (فرو رفته) باید یک کندل سفید بزرگتر داشته باشد که قوی تر از کندل In-neck است اما با این حال نتوانسته بالاتر از وسط کندل قبلی بسته شود.

توجه کنید که الگوی Thrusting شکل ۴,۳۲ در یک بازار نزولی پایین آورنده است اما در بازار صعودی یک الگوی بالا برنده (Bullish) تلقی خواهد شد. همچنین الگوی Thrusting اگر دوبار بین چند روز اتفاق افتد نشانه (Bullish) یا بالا بردگی خواهد بود.

اهمیتی ندارد که الگوهای انفرادی شکل های ۴,۳۰ تا ۴,۳۲ را به خاطر بسپارید. تنها مفهوم اینکه کندل استیک سفید باید بالاتر از وسط کندل استیک سیاه روز قبل بسته شود تا یک سیگنال معکوس را علامت دهد کافی است.





Source: Bloomberg L.P.

در شکل ۴,۳۳ پایین آورنده ها با موفقیت کندل سیاه بلند ۲۷ آپریل را بوجود آوردند. روز بعد بازار پایین تر باز شد اما در نهایت به بالا حرکت کرده و درست وسط کندل روز قبل بسته می شود. دو کندل ۲۷ و ۲۸ آپریل الگوی نافذ یا Piercing را شکل دادند.

EXHIBIT 4.33. Boeing—1990, Daily (Piercing Pattern)

شکل ۴,۳۴ یک الگوی نافذ کلاسیک را در طول هفته ۲۶ مارس نمایش می دهد. کندل روز دوم پس از این که پایین تر باز می شود ولی به سرعت به طرف بالا حرکت کرده و در نهایت در دل کندل سیاه قبل بسته می شود. این یک نشانه قدرتمند است از این که Bear ها کنترل بازار را از دست داده اند. این Session بدون سایه، فروشی که توسط الگوی فراگیر ۱۹ و ۲۰ مارس شروع شده بود را به خوبی متوقف کرد.

در این چارت یک تفاوت در الگوی هفته ۱۲ مارس وجود دارد. بدنه اصلی روز دوم زیر بدنه اصلی روز اول باز شده نه زیر انتها یا Low آن. با وجود این نقصان چون بدنه اصلی سفید تا بیش از ۵۰ درصد به داخل روز قبل پیشروی کرده است، بنابراین علامتی بوده از اینکه رالی نزولی قبل دچار تزلزل شده و در حال اتمام است.

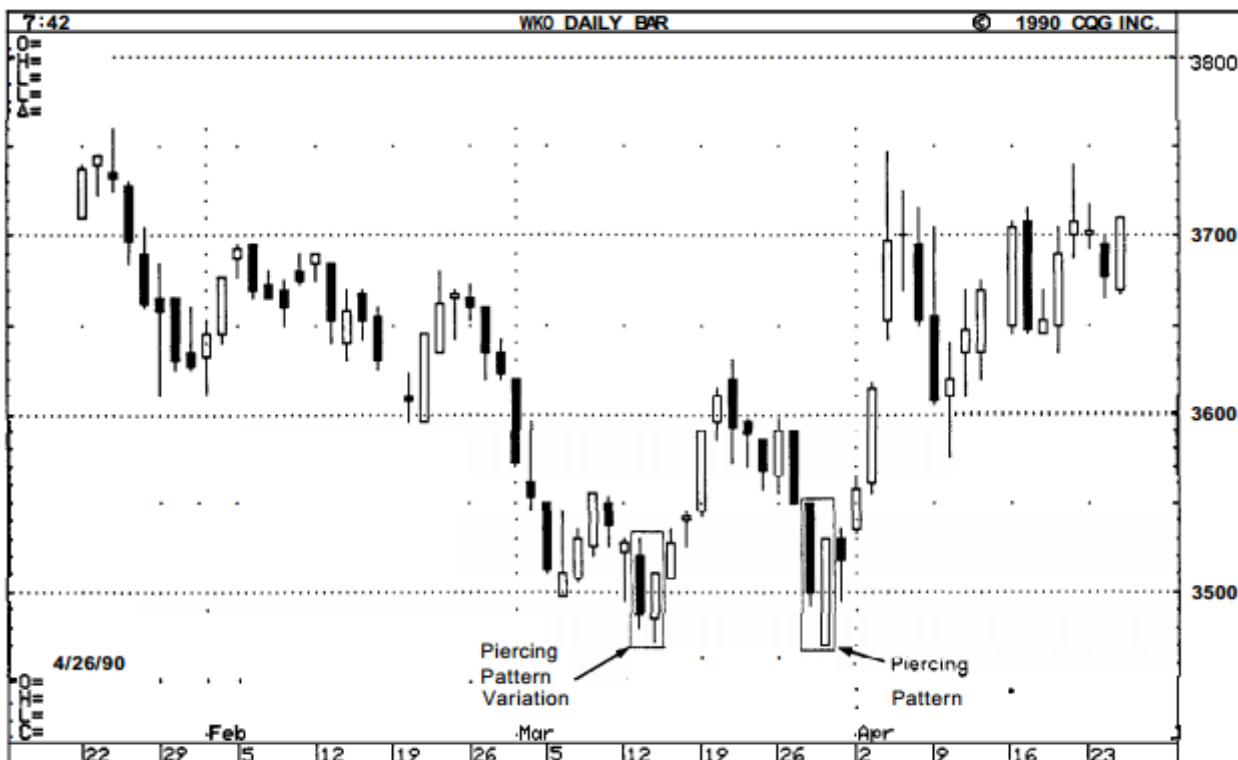


EXHIBIT 4.



abcBourse.ir



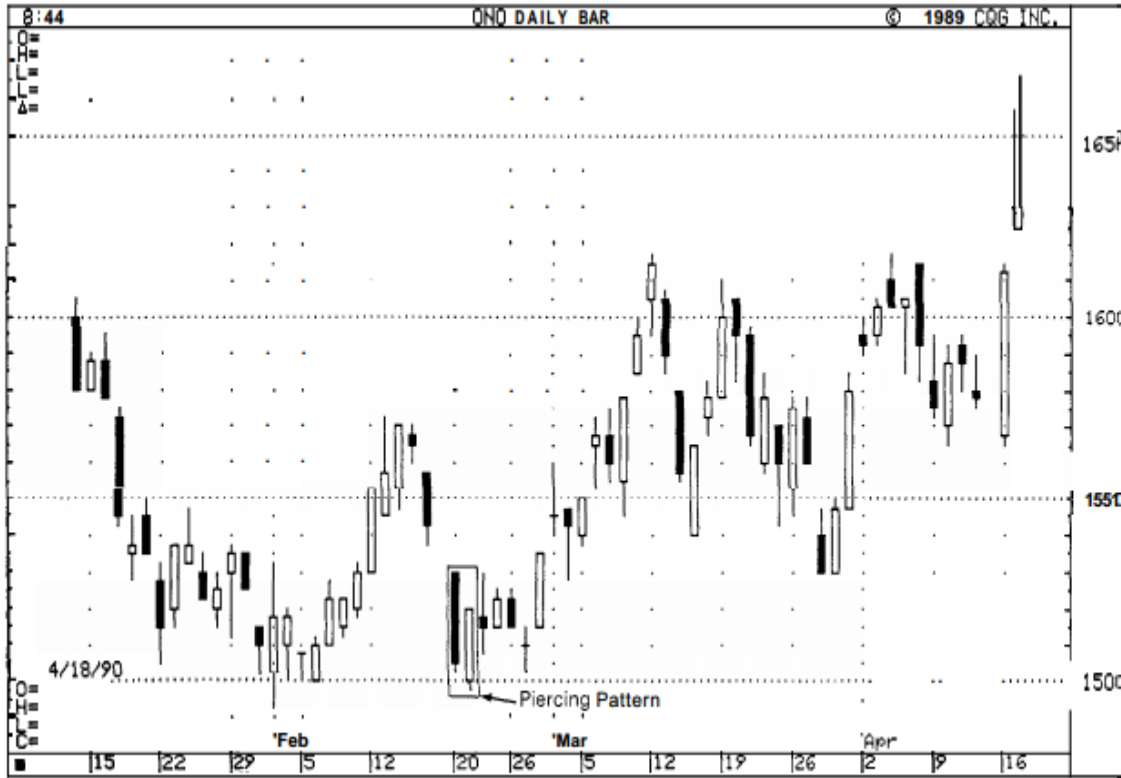
@abcBourse_ir

مرجع آموزش بورس



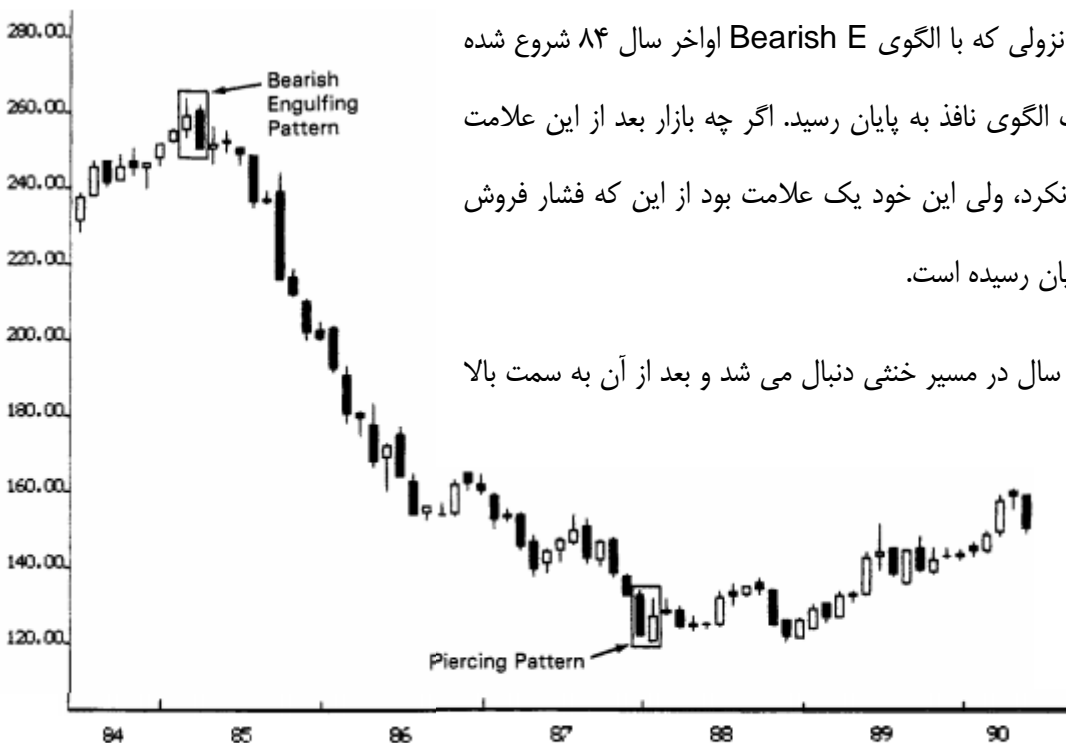
باز نشر:

شکل ۴,۳۵ نشان می دهد که چطور الگوهای کندل استیک می توانند به تحلیل گر برای بدست آوردن یک درک صحیح و سریع از سلامت بازار کمک کنند. در طی اواخر فوریه ۹۰ یک Broker از من پرسید که چه نظری درباره بازار oats (جو) دارم. من به ندرت بازار oats دنبال می کردم. به هر حال با دیدن نمودار جو، به او گفتم که روند نزولی به پایان رسیده است. چرا؟ چون آن الگوی نافذ کلاسیک را دیدم.



به علاوه این الگو تست موفقی از LOW های بوحود آمده در اوایل فوریه از خود به جا گذاشته بود، که این امر خود می توانست شانس ساخته شدن یک Double Bottom را افزایش دهد.

EXHIBIT 4.35. Oats—July 1990, Daily (Piercing Pattern)



شکل ۴,۳۶ نشان می دهد که رالی نزولی که با الگوی Bearish E اواخر سال ۸۴ شروع شده بود، در اواسط سال ۸۷ با ظهور یک الگوی نافذ به پایان رسید. اگر چه بازار بعد از این علامت معکوس انتها به سمت بالا حرکت نکرد، ولی این خود یک علامت بود از این که فشار فروش شکل گرفته از سال ۸۴ اکنون به پایان رسیده است.

بعد از الگوی نافذ بازار به مدت یک سال در مسیر خنثی دنبال می شد و بعد از آن به سمت بالا شروع به حرکت کرد.

Source: Quick 10-E Financial Information System

فصل ۵

用人に飽きは **あい**

"One cannot be too cautious"

یک نفر نمی تواند خیلی هوشیار باشد.

ستاره ها Stars

یک گروه از الگوهای جذاب معکوس ساز ستاره ها هستند. یک ستاره کندلی است که بدنه اصلی کوچکی دارد و از بدنه اصلی کندل قبل از خود فاصله گرفته است. آنرا در شکل ۵,۱ می توانید ببینید. اندازه بدنه اصلی ستاره نسبت به بدنه اصلی کندل روز قبل مساوی نیست. همچنین مهم نیست که بدنه اصلی ستاره چه رنگی داشته باشد. ستاره ها هم در راس ها و هم در انتها می توانند ظاهر شوند. بعضی از مواقع یک ستاره در یک روند نزولی ریزش باران نامیده می شود. اگر ستاره به جای داشتن یک بدنه اصلی یک دوجی بود، به آن ستاره دوجی می گویند. شکل ۵,۲ ستاره مخصوصا ستاره دوجی خطاری است از این که روند قبلی در حال تمام شدن است. بدنه اصلی کوچک ستاره یک بن بست را در جنگ بین بالا برنده ها و پایین آورنده ها به نمایش می گذارد.

در یک روند صعودی قوی بالا برنده ها در حال تلاش هستند. ظهور یک ستاره بعد از یک کندل استیک سفید علامت تغییر قوای حرکتی است. یک بالاتکلیفی فی ما بین نیروی خریداران که تا قبل از این بازار را در اختیار داشتند و کسانی که از قبل خرید کرده بودند و اکنون در صدد فروش بر آمده اند. در واقع می توان گفت که این سردرگمی می تواند حاصل کاهش در نیروی خرید و یا یک افزایش در نیروی فروش باشد.

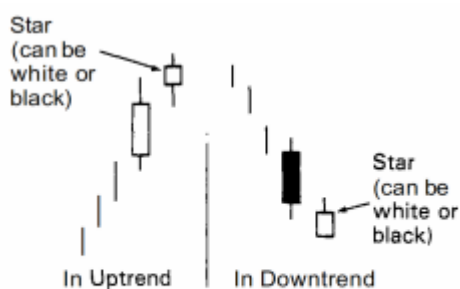


EXHIBIT 5.1. Star in an Uptrend and a Downtrend

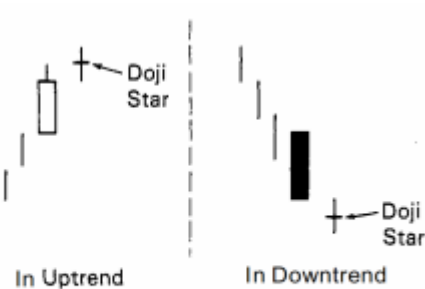


EXHIBIT 5.2. Doji Star in an Uptrend and Downtrend

به هر حال ستاره به ما می گوید که قدرت روند صعودی کم شده و بازار برای یک عقب نشینی آسیب پذیر است. همچنین در یک روند نزولی زمانی که ستاره ای ظاهر می شود بیان گر این است که محیطی که تا پیش از این مستعد تلاش پایین آورنده ها بود، اکنون به تعادل با بالا برنده ها رسیده و به نوعی تخلیه انرژی کرده است. این یک سناریوی مطلوب برای تداوم یک بازار نزولی تحت کنترل پایین آورنده ها نمی باشد.

ستاره ها به چهار الگوی زیر تقسیم می شوند :

۱ - ستاره عصر گاهی The Evening Star

۲ - ستاره صبحگاهی The Morning Star

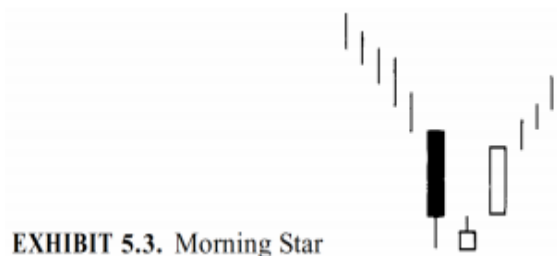
۳ - ستاره دوجی The Doji Star

۴ - ستاره ثاقب یا شهاب سنگ The Shooting Star

یادتان باشد که بدنه اصلی هر کدام از این ستاره ها می تواند هم سفید باشد و هم سیاه.

ستاره صبحگاهی The Morning Star

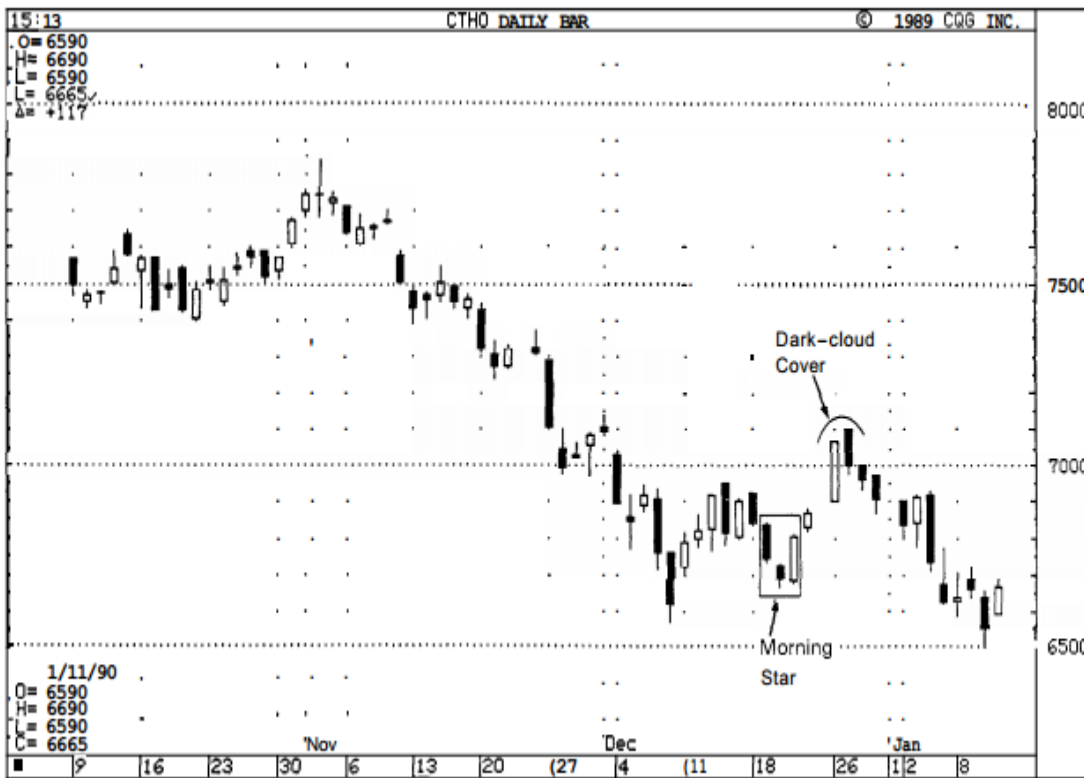
ستاره صبحگاهی (شکل ۵,۳) یک الگوی معکوس در انتهاست. این الگو به این دلیل نام گذاری شده که ستاره صبحگاهی زودتر از خورشید پدیدار می شود و در واقع طلوع خورشید را نوید می دهد. آن نیز قیمت های بالاتری را نوید می دهد.



این الگو از یک بدنه اصلی بلند و مشکی رنگ که به دنبال آن کندلی با یک بدنه اصلی کوچک که با یک گپ پایین تر از کلوز امروز باز شده ایجاد می شود. (همیشه یادتان باشد که این دو کندل الگوی یک ستاره ابتدایی را می سازند). کندل سوم یک بدنه اصلی سفید دارد که به خوبی به نیمه های بدنه اصلی کندل سیاه روز اول

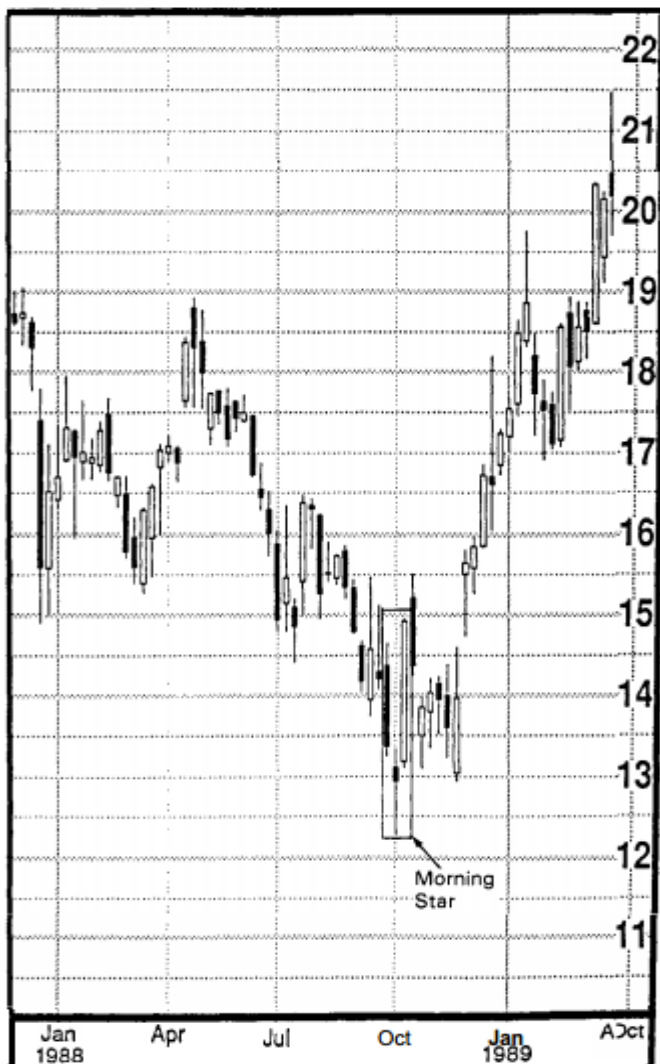
نفوذ کرده است. این الگو علامتی است که نشان می دهد بالابرنده کنترل بازار را در دست گرفته اند. من برای درک و فهم منطق قرار گرفته در پشت هر یک از این الگو ها آنها را بصورت جداگانه تفسیر خواهیم کرد :

بازار در یک روند نزولی است و زمانی که ما آن کندل مشکی بلند را می بینیم چیزی غیر از این هم نمی تواند باشد. در آن زمان پایین آورنده ها حاکم بودند. در روز بعد یک بدنه اصلی کوچک ظاهر می شود و این به این معنی است که ظرفیت فروشندگان برای پایین بردن بازار در حال کم شدن است. کندل بعد با بدنه اصلی سفید بزرگ ثابت می کند که بالا برنده ها پیروز شده اند. یک ستاره صبحگاهی ایده آل یک فاصله قبل و بعد از روز ستاره دارد. البته باید گفت که فاصله بین ستاره و کندل روز بعد از آن کمتر دیده می شود، اما با این حال کمبود آن به نظر نمی رسد که چیزی از قدرت این الگو بکاهد.



در شکل ۵،۴ یک الگوی ستاره صبحگاهی در طول ۱۹ تا ۲۱ دسامبر ساخته شد. حرکت رو به بالایی که توسط این الگوی بوجود آمده بود سرانجام در ۲۷ و ۲۸ همان ماه با ظهور یک الگوی ابر سیاه به پایان رسید.

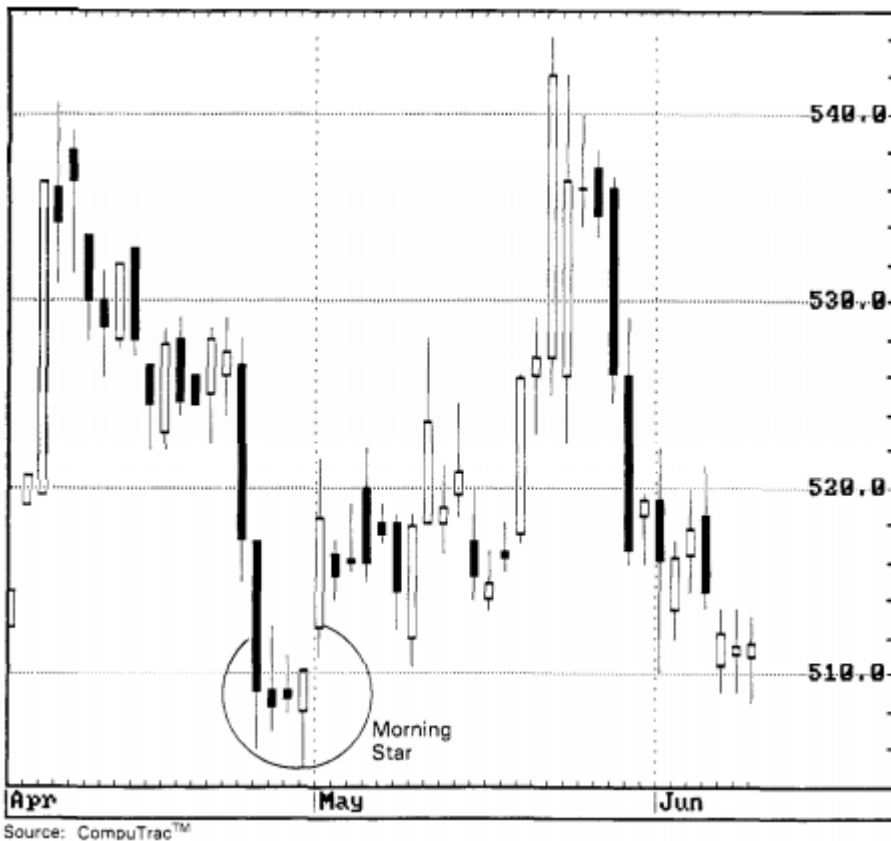
EXHIBIT 5.4. Cotton — March, 1990, Daily (Morning Star)



قیمت های پایین بوجود آمده در اولین هفته از ماه اکتبر سرانجام ظاهری همچون یک ستاره را به خود گرفت. هفته بعد از این ستاره مارکت کندل بلند سفیدی ساخت که همین کندل بلند و قدرتمند باعث تایید و تثبیت الگوی ستاره صبحگاهی شد.

کندل سیاه بعد از این کندل بلند سفید شکل و فرم یک الگوی ابر سیاه را داشت. بازار بعد از این کندل تا حدودی و بصورت موقت به عقب بازگشت کرد. با این حال ستاره صبحگاهی همچنان یک کف مهم به شمار می رفت.

EXHIBIT 5.5. Crude Oil — Weekly



در شکل ۵,۶ کمی اختلاف در فرم ایده آل ستاره صبحگاهی وجود دارد. در این نمونه بیشتر از یک ستاره (۳ ستاره) در الگو شکل گرفته است. توجه کنید که چطور ستاره سوم که بدنه اصلی کوچکی دارد خود به شکل Hammer و همچنین Bullish Engulfing ظاهر شده است.

EXHIBIT 5.6. Silver—
September 1990, Daily
(Morning Star)

ستاره عصرگاهی The Evening Star

ستاره عصرگاهی همتای پایین آورنده ستاره صبحگاهی است. دلیل نام گذاری آن هم این است که ستاره عصر (سیاره ونوس) قبل از شروع تاریکی ظاهر می شود. این ستاره یک معکوس در راس است. سه کندل ستاره عصر را می سازند. (شکل ۵,۷). کندل اول بدنه اصلی سفید بلندی دارد که یک ستاره به دنبال آن می آید. ستاره اولین نشانه یک راس است. سومین کندل وجود یک راس را تقویت می کند و الگوی سه

کندلی ستاره عصر گاهی را کامل می کند. کندل سوم یک بدنه اصلی مشکی دارد که به سرعت در داخل اولین کندل الگو (کندل سفید) نفوذ می کند. من می خواهم الگوی ستاره عصر را با یک چراغ راهنمایی مقایسه کنم. این چراغ از سه رنگ سبز، زرد و قرمز تشکیل شده است.



EXHIBIT 5.7. Evening Star

رنگ سبز اجازه شروع و حرکت را می دهد (همان کندل سفید)، رنگ زرد علامت هشدار است (ستاره) و بالاخره رنگ قرمز می گوید که باید بایستید و در واقع روند قبلی متوقف شده است (کندل سیاه سوم). در اصل باید بین ستاره و دو کندل مجاور خود فاصله داشته باشد، اما بر

حسب تجارب من این فاصله دوم یعنی فاصله بین ستاره و کندل سوم کمتر دیده می شود که برای موفقیت این الگو ضروری نمی باشد. عامل اصلی باید گستردگی نفوذ بدنه اصلی کندل سیاه به داخل بدنه اصلی کندل سفید روز اول باشد. این الگو شبیه به الگوی جزیره راس غربی نیز هست.

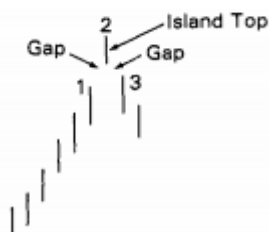
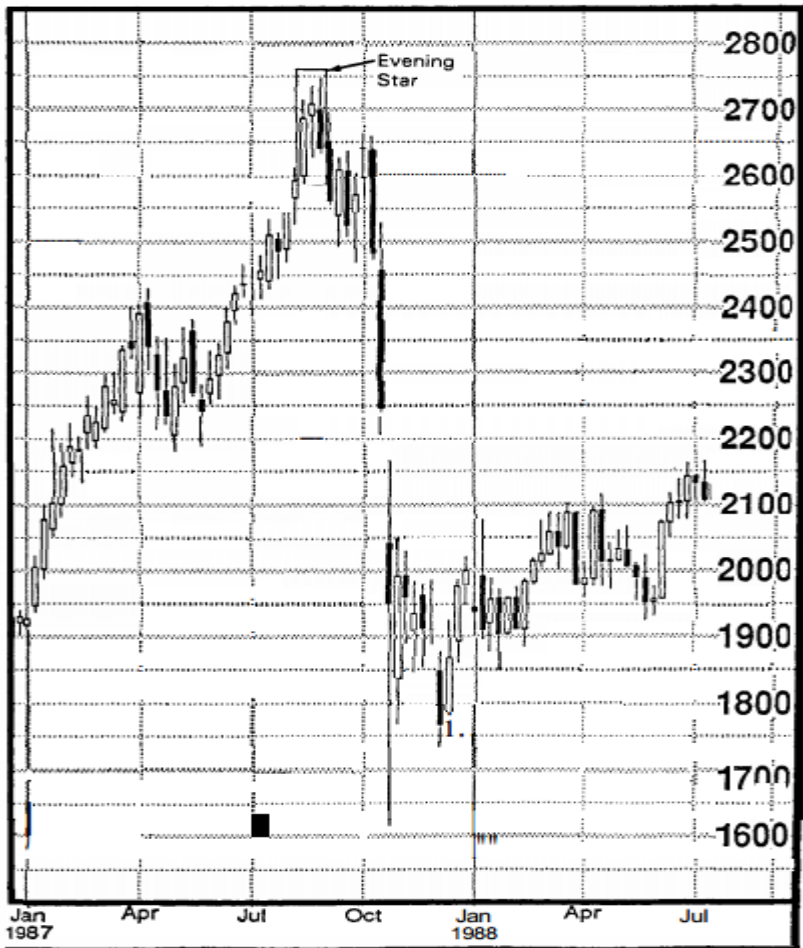


EXHIBIT 5.8



Source: ©Copyright 1990 Commodity Trend ServiceTM

EXHIBIT 5.9. Dow Jones Industrials--Weekly, 1987 (Evening Star)

الگوی ستاره عصر گاهی شکل ۵,۹ نمودار Dow در تابستان سال ۱۹۸۷ راس این بازار قبل از شکست را به نمایش می گذارد.

شکل ۵,۱۰ یک مثال از این است که چطور اندیکاتورهای کندل استیک می توانند یک علامت معکوس را که به آسانی با ابزارهای غربی پیدا نمی شود، هشدار دهند.

ساعت آخر پنجم سپتامبر و دو ساعت اول روز بعد یک الگوی ستاره عصرگاهی را شکل دادند. در این مثال کندل

استیک ها یک علامت معکوس در راس را تهیه کردند. همچنین توجه کنید که چطور حرکت رو به بالایی که با این ستاره عصرگاهی به پایان

رسید، خود با یک

ستاره صبحگاهی

آغاز شده بود.



EXHIBIT 5.



abcBourse.ir



@abcBourse_ir

مرجع آموزش بورس

باز نشر:

همانطور که بوجود آمدن یک ستاره عصرگاهی در یک روند صعودی یک سیگنال بسیار مهم به شمار می رود، شکل گیری این ستاره در یک روند ساید (یک ناحیه متراکم و خنثی) در صورتی که با یک سیگنال بریش دیگر تایید شود نیز می تواند مهم و قابل توجه باشد.

نگاهی به شکل ۵,۱۱ بیندازید. در اوسط آپریل، روز ستاره با یک منطقه مقاومت منطبق شده بود. قیمت این سطح ۴۱۳ دلار بود. این ناحیه یک خط حمایت قدیمی در اواخر ماه مارس به شمار می رفت.

خط حمایت قدیمی اغلب تبدیل به خط مقاومت جدید می شود. سعی کنید این را به خاطر بسپارید!

این یک قانون معاملاتی مفید است.

فصل ۱۱ حمایت ها و مقاومت ها را بیشتر توضیح خواهم داد.

در هر حال سطح مقاومت ۴۱۳ دلار با ظهور ستاره عصرگاهی همزمان می شود و این منفی بودن الگو را تقویت می کند.



Source: CompuTrac™

EXHIBIT 5.11. Gold—December 1989, Daily (Evening Star)

شکل ۵،۱۲ یک ستاره عصرگاهی را در اواسط دسامبر نشان می دهد. قبل از ستاره یک کندل سفید بلند و قوی و به دنبال آن یک کندل بلند سیاه و قدرتمند می آید. یک اختلاف در ستاره عصرگاهی اواسط نوامبر وجود دارد. دلیلش هم این بود که یک ستاره یک بدنه اصلی بلند قبل از خود دارد و سپس یک بدنه اصلی (در اینجا مشکی) به دنبال آن می آید. ما بدنه اصلی سفید یا سیاهی در اینجا ندیدیم. به هر حال آن را یک راس می بینیم نه به خاطر شباهتش به ستاره عصرگاهی بلکه به خاطر الگوی Hanging Man ۲۱ نوامبر (خود کندل ستاره).

کندل بعد زیر بدنه اصلی Hanging Man باز شد و یک راس بودن را تایید کرد.

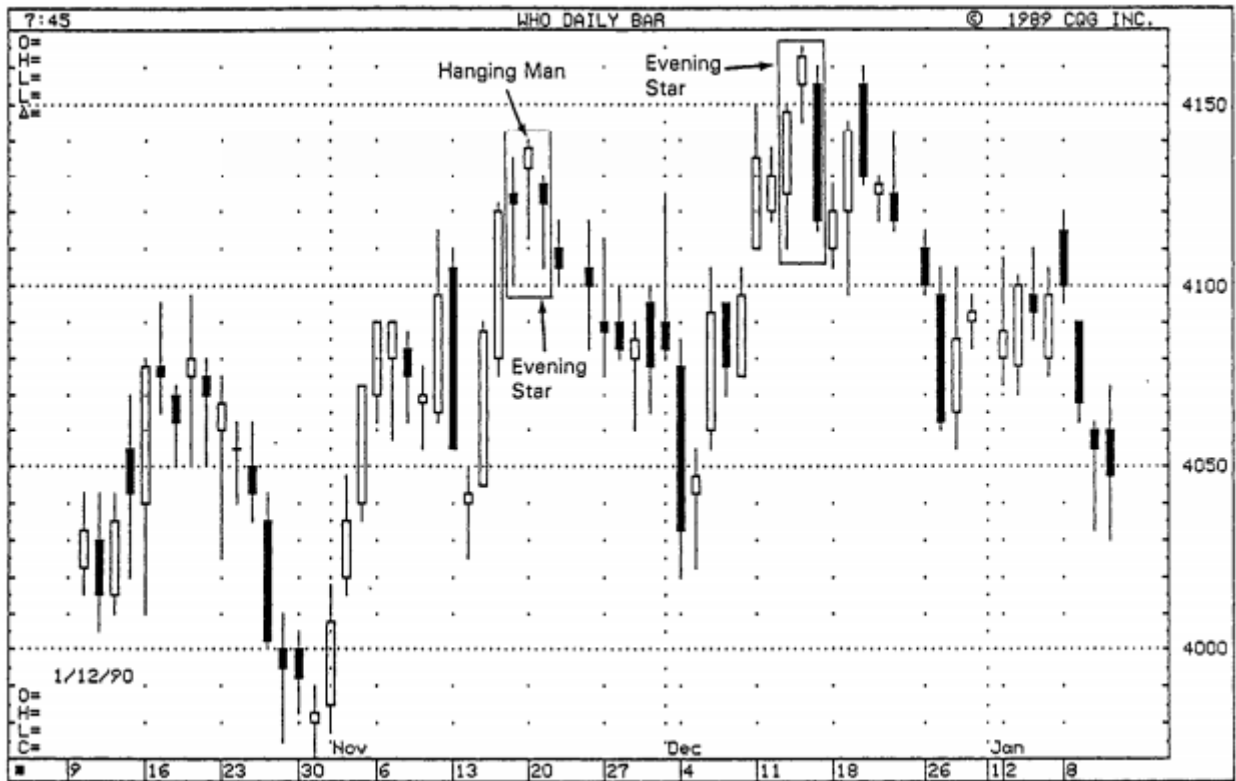


EXHIBIT 5.12. Wheat—March 1990, Daily (Evening Star)

بعضی از عواملی که احتمال معکوس ساز بودن یک ستاره عصرگاهی یا صبحگاهی را افزایش می دهد عبارتند از :

۱- اگر یک فاصله (Gap) بین بدنه های اصلی کندل های مجاور ستاره وجود داشته باشد.

۲- زمانی که کندل سوم به طور عمیق به درون بدنه اصلی کندل روز اول الگو نفوذ کرده و بسته شده باشد.

۳- اگر حجم کمی در بخش یا Session اول الگو و حجم سنگینی در سشن سوم وجود داشته باشد. این یک کاهش نیرو در روند قبل و

افزایش نیرو در روند جدید را نشان می دهد.

ستاره های دوجی صبحگاهی و عصرگاهی Doji Star

وقتی یک دوجی در یک بازار صعودی بالای یک بدنه اصلی و یا در یک بازار نزولی پایین یک بدنه اصلی با فاصله بوجود می آیند، به آن ستاره دوجی گفته می شود. (Doji Star). در شکل ۵,۲ آن را دید. ستاره های دوجی یک هشدا قوی هستند از اینکه روند قبلی برای تغییر کردن آماده است. بخش کندل بعد از دوجی باید معکوس شدن بازار را تایید کند. شکل ۵,۱۳ یک الگوی ستاره دوجی عصرگاهی را که بوسیله کندل سیاهی که تا نیمه های بدنه اصلی روز اول پیش روی کرده و درون آن بسته شده است را نشان می دهد. ستاره الگوی ستاره عصرگاهی یک بدنه اصلی کوچک دارد ولی اینجا ستاره به شکل دوجی است. الگوی ستاره عصرگاهی دوجی به خاطر داشتن یک دوجی اهمیت بیشتر از یک

الگوی ستاره عصرگاهی معمولی دارد.

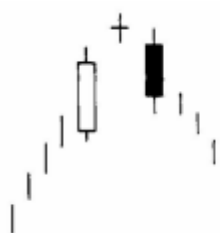


EXHIBIT 5.13. Evening Doji Star



EXHIBIT 5.14. Morning Doji Star

یک ستاره دوجی در یک روند صعودی غالباً نشانه ایست از اینکه یک راس قریب الوقوع پیش خواهد آمد.

توجه به این نکته بسیار مهم است که اگر در یک روند صعودی، Seesion بعد از ستاره یک کندل سفید بلند باشد که بالاتر از ستاره فاصله گرفته است، (Close آن بالاتر از Close ستاره باشد) آنگاه ماهیت پایین آوردگی ستاره خنثی شده و دیگر اعتباری ندارد.

در یک روند نزولی اگر یک دوجی به دنبال کندلی با بدنه اصلی مشکی بیاید و کندل بعد از دوجی کندل سفیدی باشد که به درون بدنه اصلی کندل سیاه قبل نفوذ کند، تاییدی است از اینکه یک انتهای معکوس ساز اتفاق افتاده است. به این الگو ستاره دوجی صبحگاهی گفته می شود. در شکل ۵,۱۴ می توانید آنرا ببینید. این نوع از ستاره صبحگاهی می تواند یک انتهای پرمعنی باشد. همینطور اگر در یک روند نزولی یک کندل مشکی رنگ دیگر زیر ستاره دوجی بسته شود، دلایل بالقوه بالابردگی ستاره صبحگاهی باطل می شود و الگو دیگر اعتباری ندارد. به همین

دلیل مهم است که همیشه برای تایید هر کدام از الگوها صبور باشید.

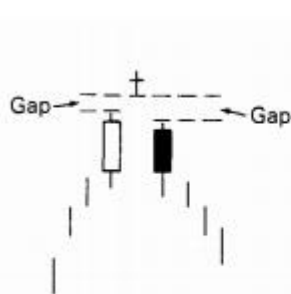


EXHIBIT 5.15. Abandoned Baby in an Uptrend



EXHIBIT 5.16. Abandoned Baby in a Downtrend

آنچه که در شکل های ۵,۱۵ و ۵,۱۶ می بینید نشان دهنده یک ستاره بسیار قدرتمند و قابل اعتماد در طول مسیر است. زمانی که هیچ کجای

نوسانات قیمت در طول Session ستاره با کندل های قبل و بعد از خودش تماس نداشته باشد و به عبارتی همدیگر را لمس نکرده باشند، به آن یک Abandoned Baby (بچه ترک شده) گفته می شود. این الگو با اینکه یک الگوی بسیار کمیاب است ولی بسیار قابل اطمینان می باشد.

شکل ۵،۱۷ نشان می دهد که در اوایل ماه ژوئن یک ستاره دوجی روند کاهشی قبل را متوقف کرد. با اینکه سایه ستاره با بدنه اصلی روز قبل Overlap شده بود، ولی وقتی کندل سفید فردا ظاهر شد این الگو به عنوان نقطه معکوسی در انتهای روند تایید شد.

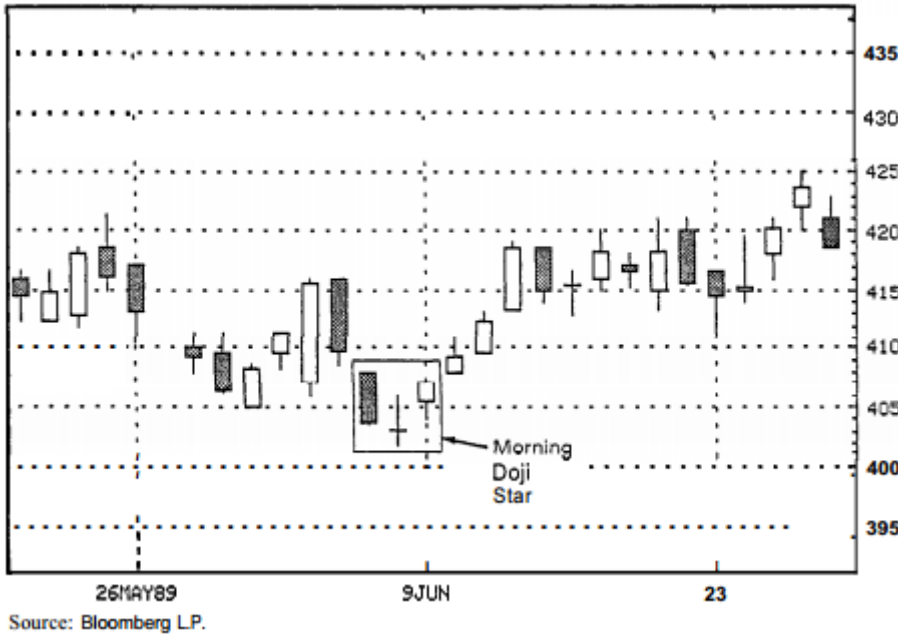
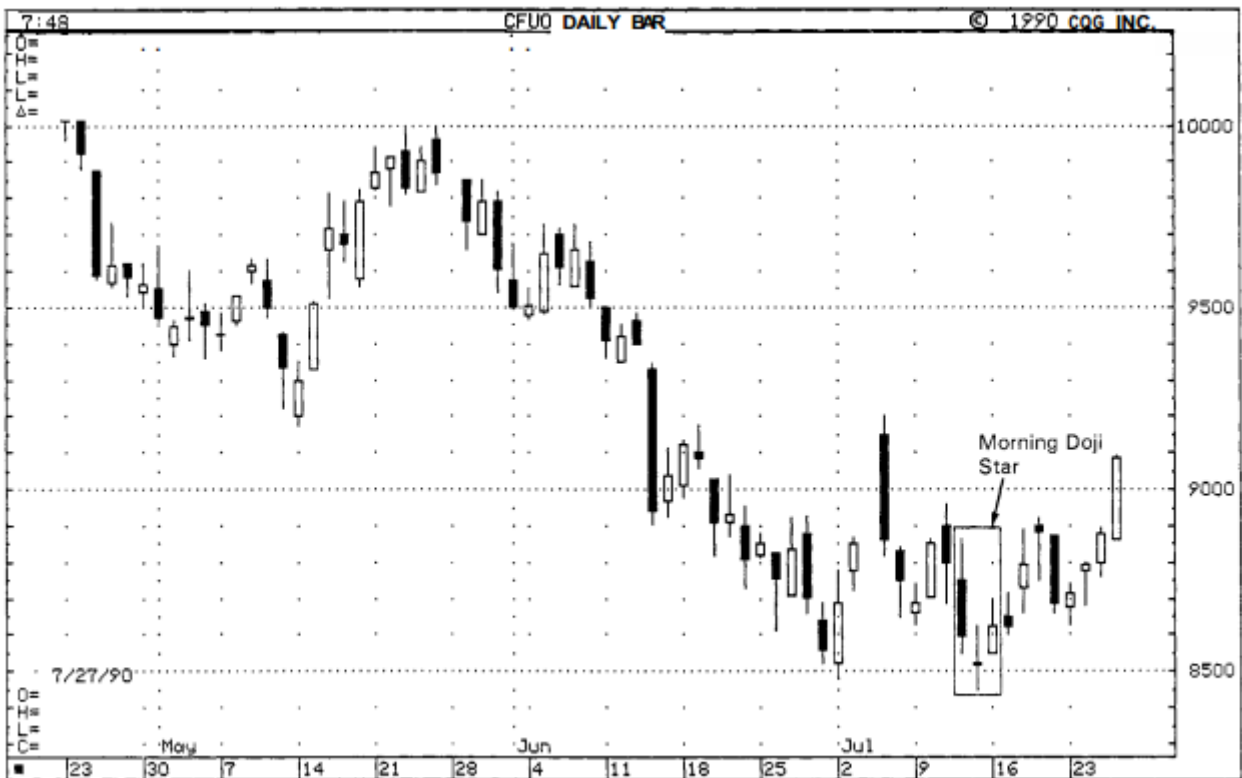


EXHIBIT 5.17. Wheat
December 1989, Daily
(Morning Doji Star)

در شکل ۵،۱۸ قیمت زیر ۸،۵ دلار شکسته شد. این یک منطقه حمایت در اوایل جولای بود. این یک حقیقت است که LOW های جدید در صورتی که نشانی از Bull ها وجود داشته باشند، نمی توانند دوام داشته باشند.



در شکل ۵،۱۹ یک نمونه از هر دو الگوی ستاره دوجی عصرگاهی و ستاره عصرگاهی منظم دیده می شود. این الگو یک حرکت به بالا که از چند ماه پیش شروع شده بود را متوقف کرد. یک فروش ارزان بعد از این ستاره دوجی شکل گرفت. و در نهایت این ارزان فروشی ها با یک



EXHIBIT 5.19. Liffe Long Gilt—Monthly (Evening Doji Star).

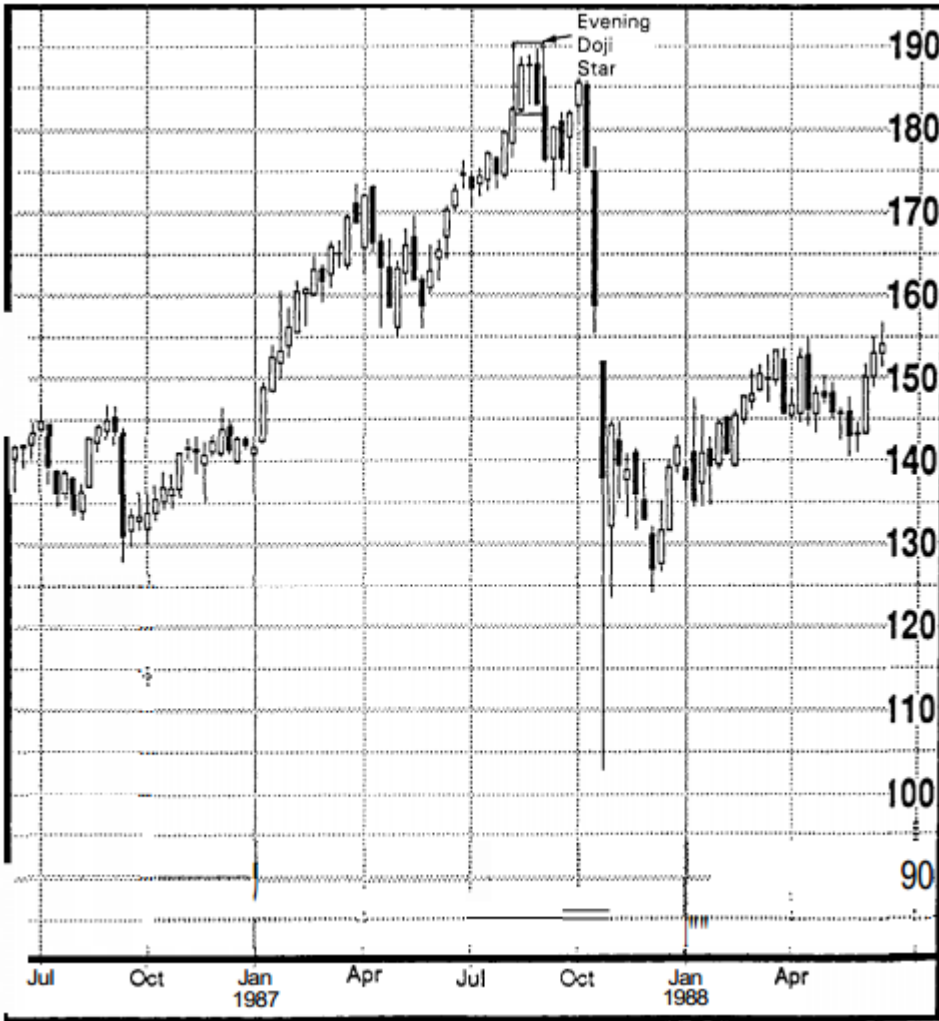
در شکل ۵،۲۰ در تاریخ های ۱۷ و ۱۸ و ۱۹ ماه مارس سه کندل بوجود آمده فرمی شبیه به الگوی ستاره دوجی عصرگاهی به خود گرفته بودند. این الگو رالی رو به بالایی را که با Hammer یک هفته قبل بوجود آمده بود به پایان رساند.

این مثال دوباره به ما نشان می دهد که باید برای برخی از الگوهای کندل استیکی در بازار سهام انعطاف و آزادی عمل بیشتری قائل شویم. این به این خاطر است که بر خلاف بازار های Futures، قیمت ها در بازار سهام ممکن است نسبتاً بدون تغییر از قیمت Close روز قبل باز شوند و به همین دلیل است که باید مقداری انعطاف در مورد برخی از الگوهای کندل استیکی که به قیمت Close روز قبل وابسته اند قائل شد.



در مورد Dow Chemical توجه کنید که چطور ستاره دوجی عصرگاهی یک ستاره صحیح نبود. قیمت باز و بسته ستاره دوجی باید بالای بدنه اصلی روز قبل باشد. بنابراین کسانی که بازارهای سهام را دنبال می کنند باید انعطاف پذیری بیشتری را در علائم کندل استیکی پذیرا باشند.

EXHIBIT 5.20. Dow Chemical—Daily 1990, (Evening Doji Star)



در شکل ۵,۲۱ می توانید یک ستاره دوجی که چند هفته قبل از فروش بزرگ بازار شکل گرفته را ببینید. این ستاره نیز همانند ستاره دوجی شکل ۵,۲۰ بدون فاصله گرفتن از بدنه اصلی کندل قبل خود شکل گرفت. همانطور که در شکل ۵,۲۰ بحث شد باز هم تاکید می کنم که برای بازارهایی مثل بازار های سهام نیاز به یک نوع انعطاف در برابر الگو های کندل استیک احساس می شود.

EXHIBIT 5.21.
NYSE—Weekly
(Evening Doji Star).

Source: ©Copyright 1990 Commodity Trend Service®

در شکل ۵,۲۲ شاهد بوجود آمدن یک رویداد بسیار غیر عادی و شوم هستیم. شکل گیری دو الگوی ستاره دوجی عصرگاهی پی در پی. کندل های ۱ تا ۳ یک ستاره دوجی عصرگاهی و سه کندل بعدی هم باز شکل یک ستاره دوجی عصرگاهی دیگر را به خود گرفته اند و نتیجه آن شده

است که می بینید...

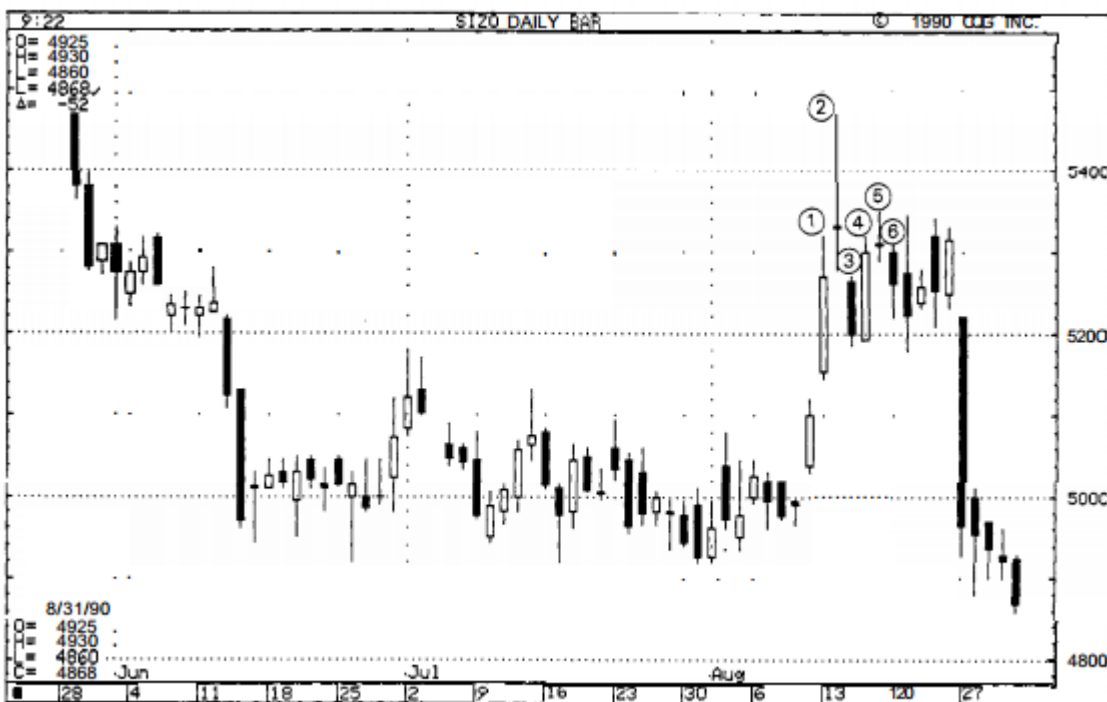


EXHIBIT 5.2

شهاب سنگ و چکش واژگون The Shooting Star and The Inverted Hammer

الگوی شهاب سنگ یک الگوی دو کندلی است که هشدار از یک راس قریب الوقوع را می فرستد. این الگو پایان یک روند صعودی را هشدار می دهد ولی همانند یک الگوی ستاره عصرگاهی که معکوس سازی قدرتمند است، نیست. در شکل ۵،۲۳ نشان داده شده که شهاب سنگ یک بدنه اصلی کوچک دارد با یک سایه بالایی بلند که نهایتاً در پایین ترین نقطه خودش بسته می شود. مثل دیگر ستاره ها رنگ الگوی شهاب سنگ نیز مهم نمی باشد.

شهاب سنگ بصورت مصور به ما می گوید که بازار نزدیک پایانش باز شد سپس با قوت به بالا حرکت کرد و سرانجام برای بسته شدن به نزدیک جایی که باز شده بود برگشت. به عبارت دیگر حرکت به بالای آن بخش نمی توانسته پایدار باشد.

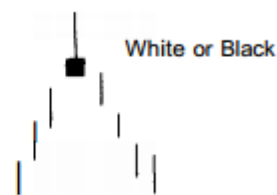


EXHIBIT 5.23. Shooting Star

یک شهاب سنگ ایده آل یک بدنه اصلی دارد که از بدنه اصلی روز قبل خود فاصله گرفته است ولی با این وجود همانطور که در چند نمونه پیش رو خواهید دید همیشه این فاصله ضروری نیست.

اگر در یک روند نزولی یک شهاب سنگ ظاهر شود، علامتی دال بر بالابردگی (Bull) در خود دارد. چنین خطی چکش وارونه (Inverted Hammer) نامیده می شود که راجع به آن بحث خواهیم کرد.

در شکل ۵،۲۴ یک شهاب سنگ پایین آورنده در ۲ آوریل دیده شد که علامت راس بودن را می داد.



EXH



abcBourse.ir



@abcBourse_ir

مرجع آموزش بورس



بازار نشر

شکل ۵,۲۵ الگوی شهاب سنگ را با انحرافات ممکنه آن به خوبی شرح می دهد. تعدادی از این اختلافات را می توانیم در زیر دنبال کنیم :

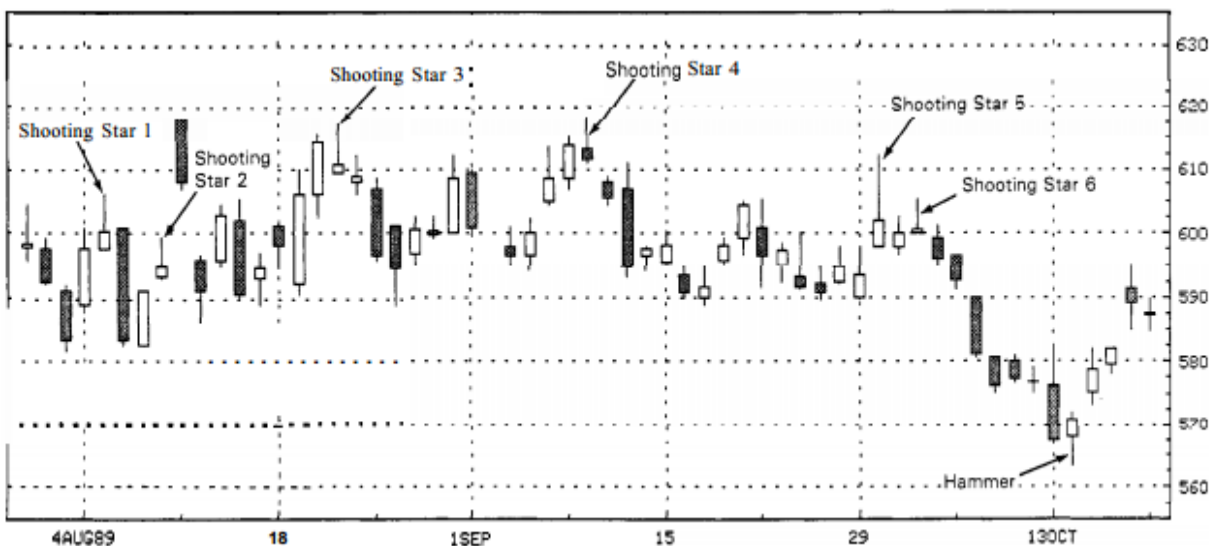
۱ - Shooting Star شماره یک، یک اختلاف در این الگو را نشان می دهد و آن عدم وجود فاصله با بدنه سفید اصلی روز قبل می باشد. با وجود این نقصان شکست بالابرنده را ثابت کرد.

۲ - شهاب سنگ شماره ۲ اهمیت بسیار بیشتری دارد. این شهاب سنگ با قسمتی از معیار صحیح الگو مطابقت دارد (یک بدنه اصلی کوچک با سایه بالایی بلند و همینطور فاصله گرفته از کندل قبل از خود). با این حال این الگو انطباق با یک قانون مهم را می شکند و آن این است که نه بعد از یک روند صعودی و در بالای یک ناحیه متراکم ظاهر شده است. بنابراین این کندل به صورت یک بدنه اصلی کوچک با اهمیت کم دیده می شود. یک بدنه اصلی کوچک تردید و دودلی را آشکار می کند. در میان یک معامله مردد باید همیشه منتظر باشیم.

۳ - انحراف شهاب سنگ شماره ۳ عدم وجود فاصله با کندل قبل است. در واقع تنها فاصله نگرفته است، بلکه درون متن فعالیت روز قبل بوجود آمده است. در قسمت High این شهاب سنگ همچون اوایل آگوست یک حمله به سطح ۶,۱۸ دلار صورت گرفته بود. بالابرنده خودشان را برای رساندن به بالای این سطح خسته کرده بودند! در نهایت بازار نزدیک به پایین روز بسته شد.

۴ - شهاب سنگ شماره ۴ بسیار شبیه به شماره ۳ می باشد. آن نیز بدون فاصله و درون متن دیروز شکل گرفته بود. همچنین دوباره به مقاومت ۶,۱۸ قدیمی برخورد کرده بود. این شهاب سنگ ها اگرچه ایده آل نیستند اما یک نکته مهم را نشان می دهند. همانطور که من در اوایل کتاب گفتم الگوها مجبور نیستند که به شکل کاملی باشند تا یک علامت قابل قبول بدهند. اغلب خطوط کندل استیک همراه با لوازم تکنیکی دیگر در نظر گرفته می شوند. پس این شهاب سنگ ها ایده آل نبودند اما شکل شهاب سنگ در داخل فعالیت قیمت قبل پایین آورنده بود.

۵ - شهاب سنگ پنجم شکست دیگری در برابر یک مقاومت است. با هر شکست در مقاومت ۶,۱۸ دلار هر کسی از خود می پرسد که این عمل چقدر طول خواهد کشید. ما جواب را با شهاب سنگ ششم خواهیم داد. جایی که آخرین فشار بالابرنده ها با شکست رو به رو شد. آنها



Source: Bloomberg L.P. EXHIBIT 5.25. Soybeans — March 1990, Daily (Shooting Stars)

عقب نشینی کرده
و در نهایت یک
Hammer پایان
فروش را خبر داد.

در شکل ۵،۲۶ باز نمونه دیگری از یک شهاب سنگ بدون فاصله از کندل قبل خود را داریم. با این حال، آن یک سیگنال معکوس ساز بود. در اینجا دوباره می خواهیم بگویم که وجود یک شهاب سنگ درون متن روز قبل می تواند سیگنال مهمی درون خود داشته باشد. علاوه بر آن، این

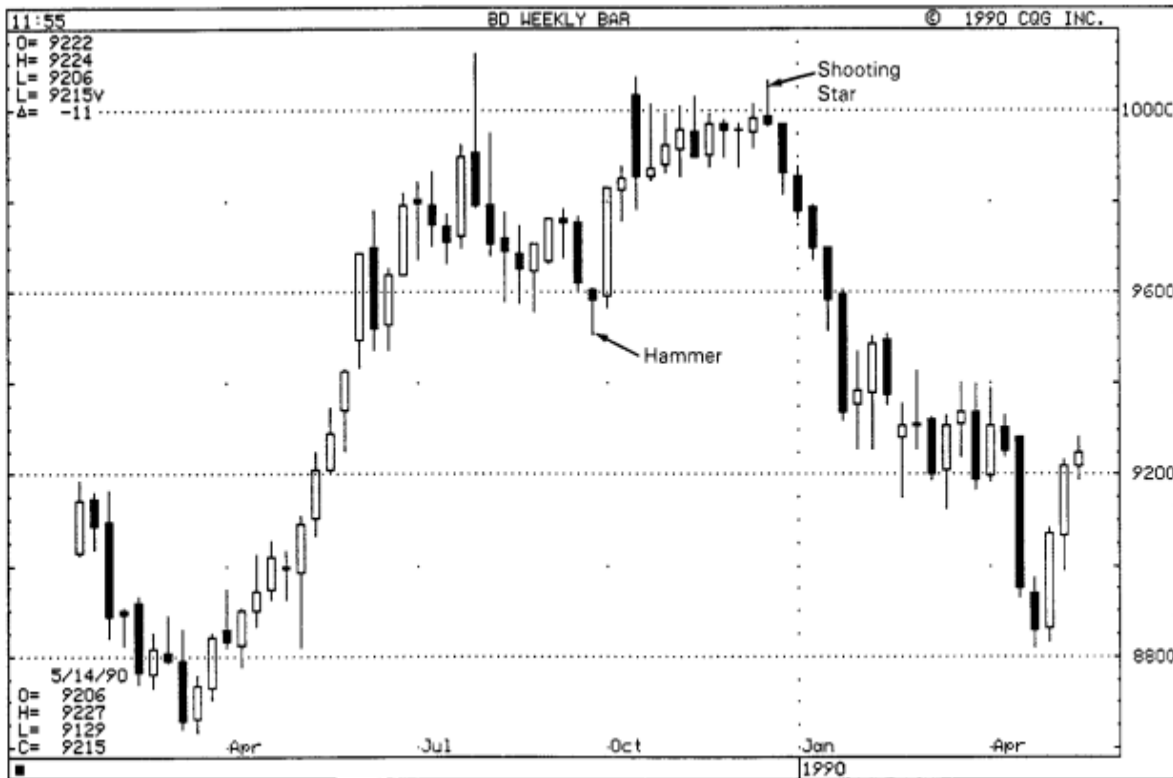


EXHIBIT 5.26. Bonds—Weekly (Shooting Star)

ستاره به مقاومت های ساخته شده در ۳ ماه گذشته برخورد کرده بود. در نهایت این ستاره به رالی صعودی شکل گرفته با Hammer پایان داد.

شکل ۵،۲۷ بیانگر ظهور یک شهاب سنگ

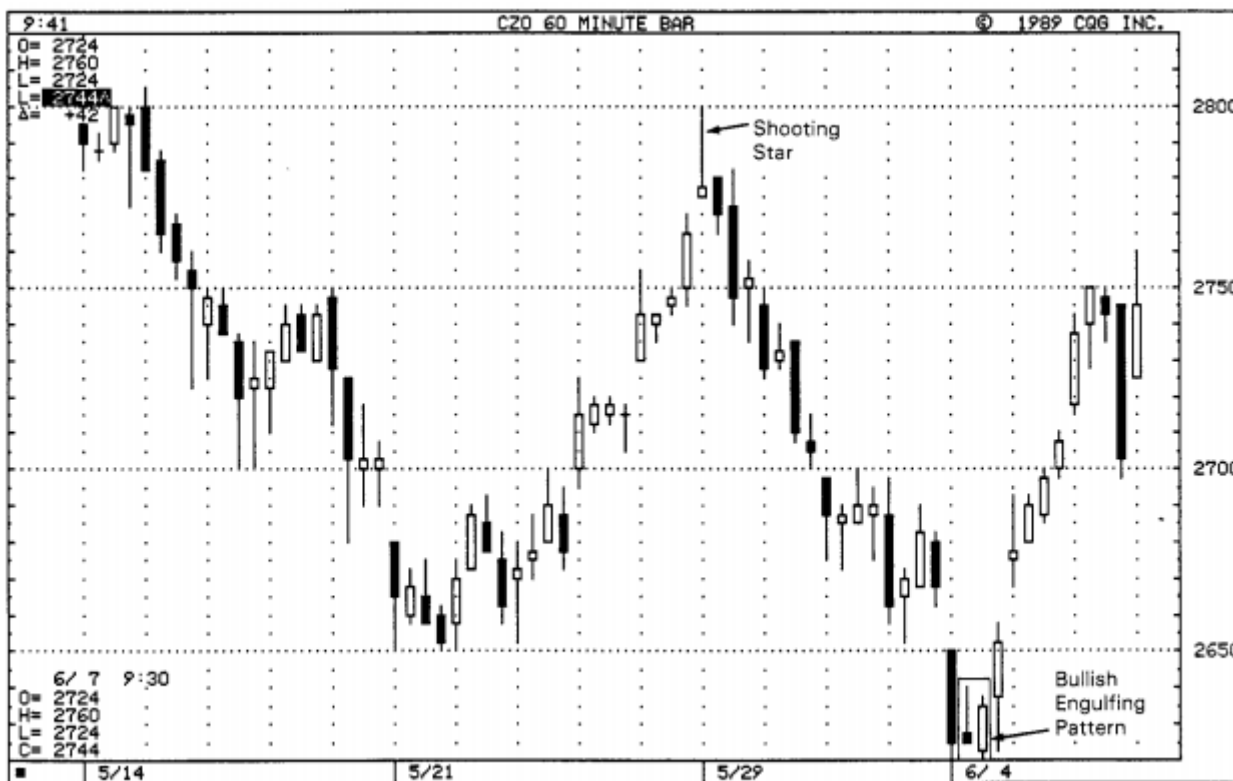
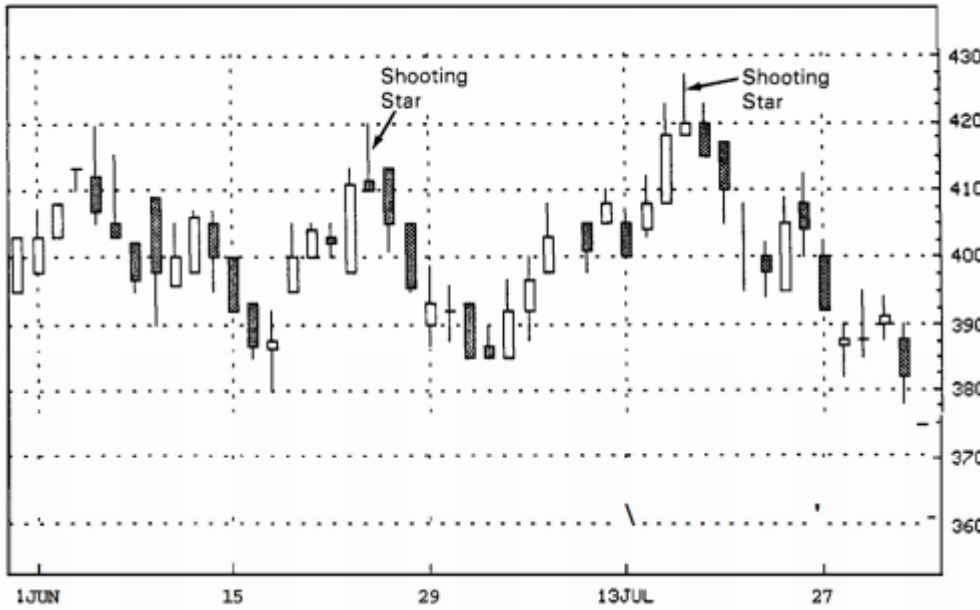


EXHIBIT 5.27. Corn—December 1990, Intra-day (Shooting Star)

کلاسیک در اولین ساعت ۲۹ می است. کاهش مداوم قیمت ۵ روز بعد در چهارم ماه ژوئن با الگوی

Bullish Engulfing به پایان رسید.

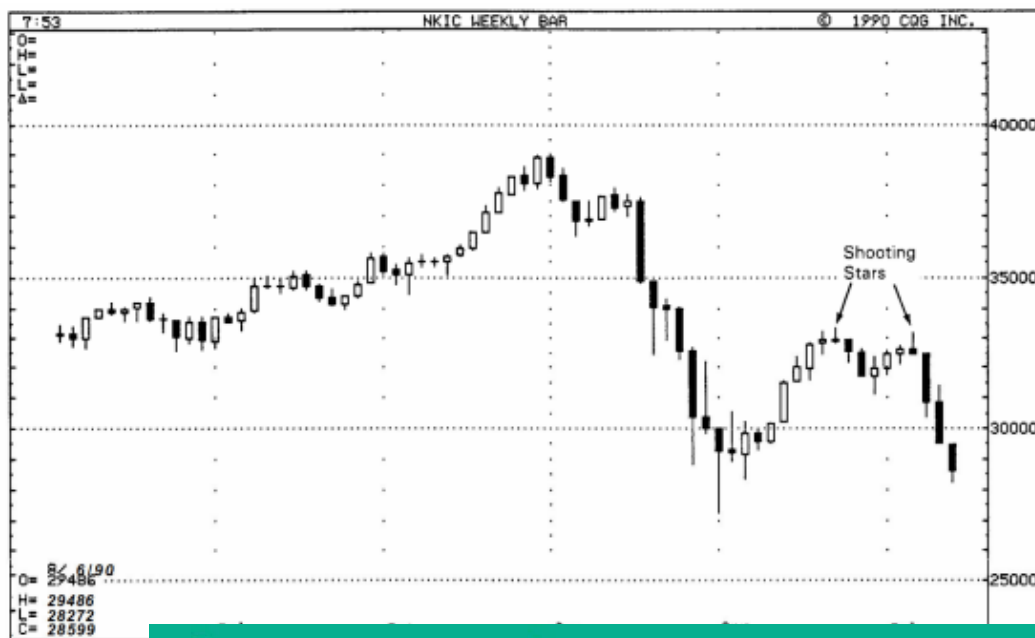
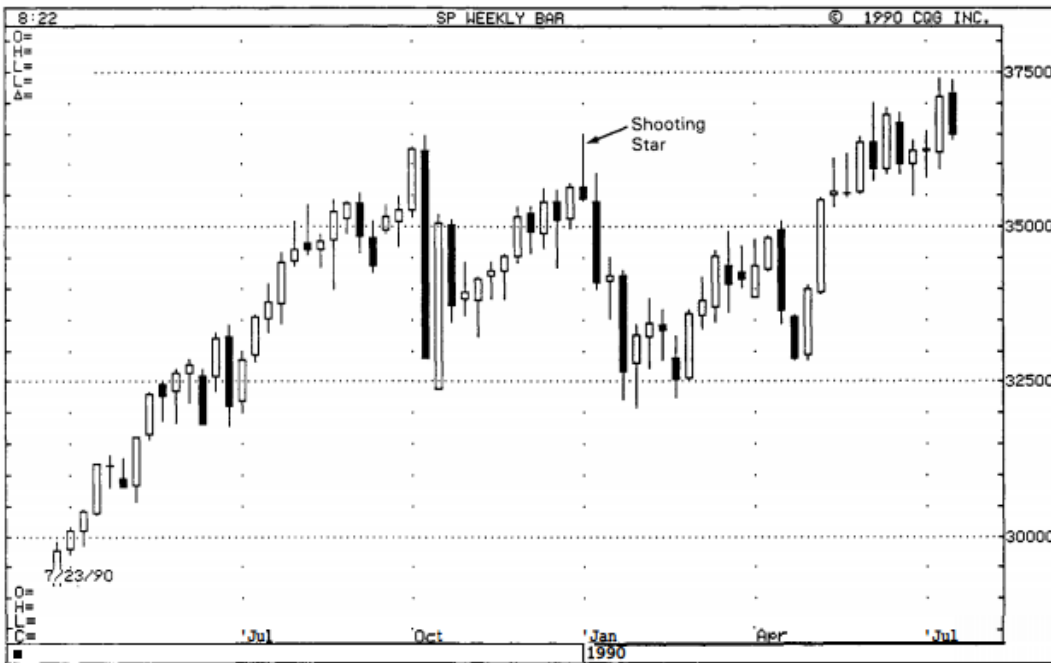


شکل ۵,۲۸ دو ستاره ثاقب (شهاب سنگ) را نشان می دهد که بعد از بوجود آمدنشان روند ریزشی تندی شکل گرفته است.

Source: Bloomberg L.P.

EXHIBIT 5.28. Barrett Resources—Daily, 1990 (Shooting Star)

شکل ۵,۲۹ ظهور یک شکست در برابر یک مقاومت دیگر است.



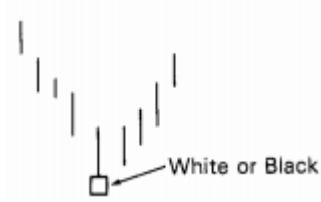
شکل ۵,۳۰ یک جفت شهاب سنگ را نشان می دهد که هر کدام تضمین پایان حرکت روند رو به بالا را علامت می دادند.

EXHIBIT 5.30. Nikkei—Weekly

چکش وارونه The Inverted Hammer

این یک الگوی ستاره نیست. ما در این بخش راجع به الگوی چکش وارونه صحبت خواهیم کرد، بخاطر اینکه این الگو شبیه به الگوی شهاب سنگ است. شکل ۵,۳۱ چکش وارونه ای را نشان می دهد که شبیه به یک شهاب سنگ است با سایه بالایی بلند و بدنه اصلی کوچک که در پایان یک روند نزولی ظاهر شده است.

همانطور که شهاب سنگ یک معکوس ساز در راس است، چکش وارونه یک معکوس ساز در انتهای روند نزولی است. همچون یک Hammer منظم، الگوی چکش وارونه هم یک الگوی بالابرنده بعد از یک روند نزولی است.



دوباره به شکل ۵,۲۷ اشاره ای می کنم. به اولین کندل استیک الگوی Bullish E در ۴ ژوئن نگاه کنید.

EXHIBIT 5.31. Inverted Hammer

این کندل ظاهر شهاب سنگ را داشت (رنگ بدنه اصلی اصلا

مهم نیست). این شکل در طی یک روند نزولی ظاهر شد. بنابراین در خود یک نیروی بالقوه بالابردگی را همراه داشت.

نکته: پس از بوجود آمدن یک چکش وارونه بسیار مهم است که منتظر Session بعد از این کندل باشیم. زمانی چکش وارونه تایید می شود

که Open روز بعد بالاتر از بدنه اصلی چکش باشد. همینطور گپ یا فاصله بیشتر تاییدیه قویتری نیز هست. یک کندل استیک سفید با قیمت های بالاتر هم می تواند تاییدی دیگر باشد.

علت اینکه می گویم تایید بالابردگی در الگوی چکش وارونه بسیار مهم است این است که فعالیت قیمت در فرم این الگو ماهیت Bearish یا پایین آوردگی دارد.

در چکش واژگون بازار در یا نزدیک به پایین باز می شود. بالابرنده ها در ثابت نگه داشتن قیمت در بالا با شکست مواجه شده و در نهایت بازار پایین شدن و در نزدیکی همان نقطه Open خود Close می کند.

چرا یک چنین خطی باید یک علامت معکوس ساز بالابرنده باشد؟ پاسخ به آن در این است که چه اتفاقی در کندل روز بعد خواهد افتاد؟ اگر Open روز بعد بالای بدنه اصلی چکش واژگون باشد، این به این معنی است که کسانی که در نقطه Open و یا Close دیروز (چکش) در صدد فروش بوده اند اکنون پول خود را از دست داده اند. در واقع هرچه توقف بازار در بالای بدنه اصلی چکش واژگون بیشتر باشد احتمال این که این فروشندگان منصرف شده یا از پوزیشن خارج شوند بیشتر است. این می تواند جرقه ای کوچک برای سوق گرفتن به سمت خرید های بیشتر از یک نقطه کف در انتهای روند باشد.

در مثال بازار Corn (ذرت) چکش واژگون در سشن بعدی به وسیله یک کندل بالابرنده Engulfing دنبال شد. آن خط به عنوان یک فعالیت قیمت برای تایید الگوی چکش واژگون عمل کرده است.

همانطور که در شکل ۵,۳۲ می بینید شهاب سنگ شماره ۱ مسیر بازار قدرتمند صعودی را برای چندین روز به یک حرکت سایه تبدیل کرد. کندل استیک مشکی بعد از شهاب سنگ شماره ۳ یک راس بودن را تایید کرد چون این کندل خود یک الگوی Bearish E پایین آورنده را تکمیل کرد. کاهشی که با این شهاب سنگ شروع شده بود با الگوی نافذ ۲۷ و ۲۸ ماه مارس با پایان رسید. حرکت شارپ صعودی شکل گرفته با این الگو در اوایل آپریل با شهاب سنگ دیگری برخورد کرد.

ملاحظه می کنید که روند نزولی شکل گرفته بعد از برخورد با شهاب سنگ چهارم چگونه متوقف شد؟ بله بوسیله یک چکش واژگون در ۲۱ آپریل. و در روز بعد هم با کندل سفیدی که بدنه اصلی آن بالاتر از بدنه اصلی شهاب سنگ شکل گرفته بود تایید شد.

اگر بدنه اصلی این کندل سفید بلندتر بود و در واقع به داخل بدنه اصلی روز اول یعنی کندل مشکی بلند نفوذ کرده بود می توانستیم بگوییم که یک الگوی ستاره صبحگاهی شکل گرفته است.

چکشی که قیمت ها را به بالا کشیده بود سرانجام توسط یک شهاب سنگ دیگر (پنجم) مورد اصابت قرار گرفت.

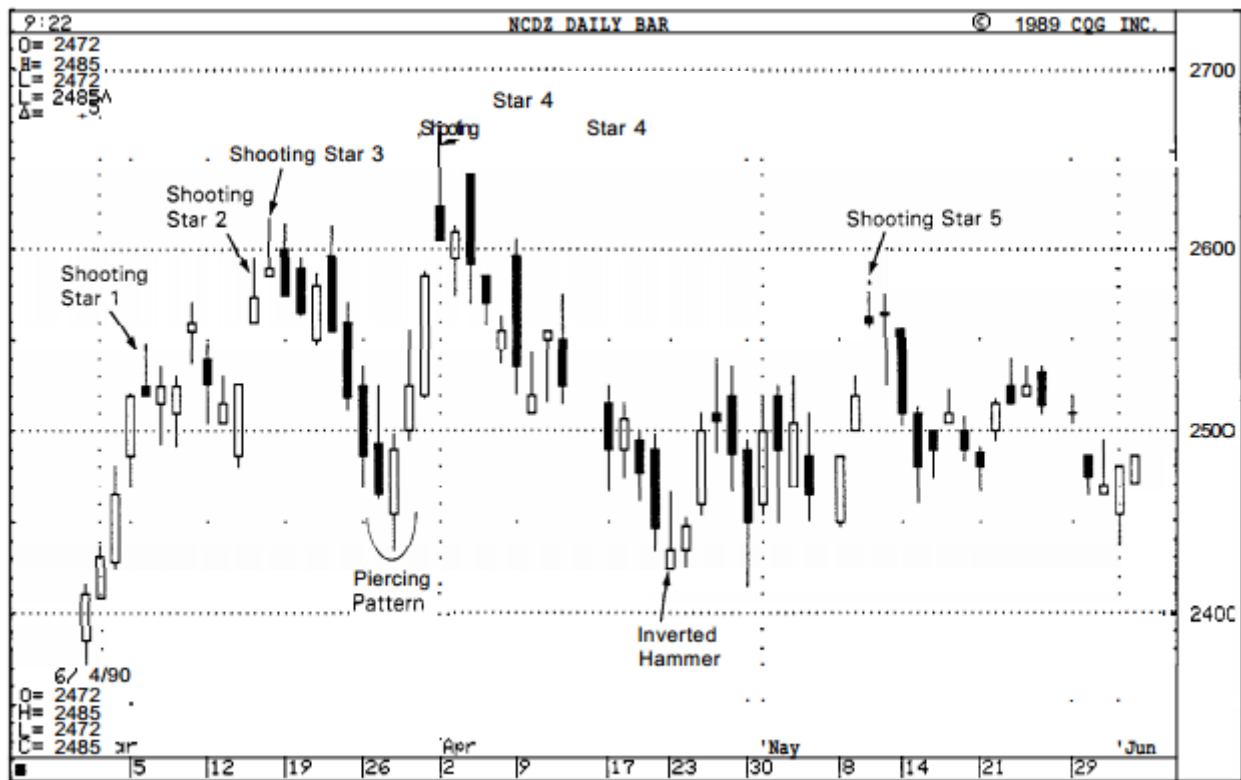


EXHIBIT 5.32. London Zinc—Three Month, 1990 (Shooting Stars and Inverted Hammer)

شکل ۵,۳۳ نمونه های دیگری از چکش واژگون را نشان می دهد.

هر دوی این چکش ها به وسیله قیمت های بالاتر روز بعد تایید شدند. این نکته مهمی است که در تحلیل کندل استیکی همیشه منتظر تایید الگو بمانید.

چکش واژگون شماره دو، خود می تواند به عنوان ستاره صبحگاهی نیز در نظر گرفته شود.

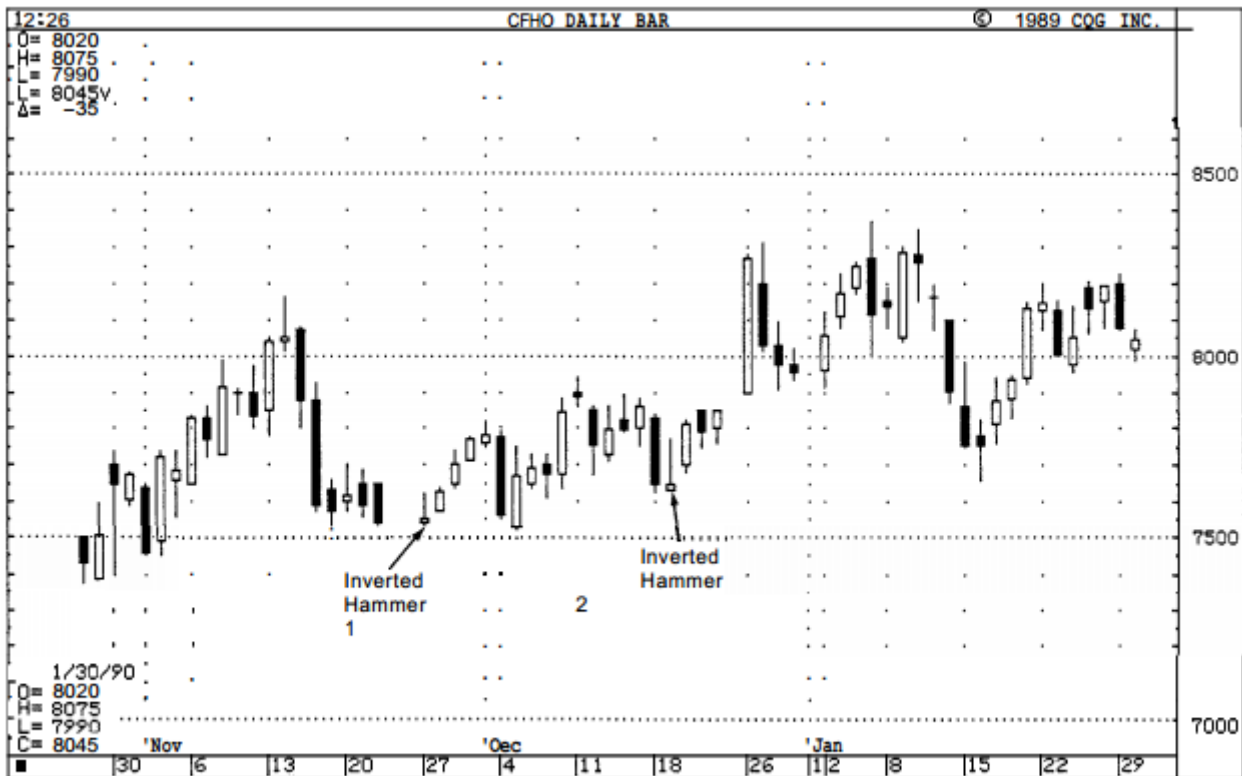


EXHIBIT 5.33. Coffee—March 1990, Daily (Inverted Hammers)

فصل ۶

臭い物に蓋

روی چیزی که بوی بد می دهد سرپوش بگذار ::Put a lid on what smells bad::

دیگر ساختارهای معکوس More Reversal Formation

ساختارهای معکوس ساز در فصل ۴ و ۵ الگوهای نسبتا قوی هستند. آنها بالابرنده هایی را نشان دادند که بر پایین آورنده ها چیره شدند (مثل الگوی فراگیر Engulfing، ستاره صبحگاهی یا الگوی نافذ Piercing) و یا پایین آورنده هایی را نشان دادند که کنترل بازار را از دست بالابرنده ها گرفتند (همچون الگوی پایین آورنده فراگیر Engulfing، ستاره های عصر گاهی و یا الگوی ابر سیاه).

در این فصل مثال های بیشتری از الگوهای معکوس ساز که البته همیشگی نبوده و قدرت الگوهای قبل را هم ندارند نشان می دهیم.

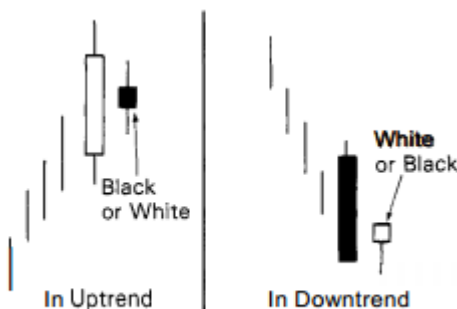
آنها عبارتند از :

الگوی Harami، راس ها و ته های یکسان Tweezers، خطوط کمر بند Belt-Hold، فاصله بالای دو اهرمه و خطوط حمله متقابل.

در ادامه این فصل سیگنال های قویتری را تجزیه و تحلیل می کنیم. همچون : سه کلاغ سیاه، سه کوه، سه رود، راس های Dumpling، ته های ماهیتابه ای و راس های برج و ته های برج مانند.

الگوی Harami

الگوی Harami (شکل ۶،۱) کندلی است با یک بدنه اصلی کوچک که در وسط بدنه اصلی نسبتا قوی روز قبل قرار می گیرد. Harami یک کلمه قدیمی ژاپنی است به معنی باردار یا آبستن. کندل استیک بلند کندل مادر است و کندل کوچک شکل گرفته درون آن بچه یا جنین اوست. در فصل ۳ ما بحث کردیم که چطور راس چرخان (Spinning Top) که بدنه اصلی کوچکی دارد در ساختار های مشخصی مفید واقع می شود. Harami یکی از این ساختارهاست. همچون ستاره ها که در فصل ۵ در مورد آنها بحث شد.



الگوی Harami درست برعکس الگوی Engulfing است. در الگوی Harami یک بدنه

اصلی کوچک درون یک بدنه اصلی بزرگ شکل گرفته در صورتی که در الگوی فراگیر یک

بدنه اصلی بزرگ به دنبال یک بدنه اصلی کوچکتر می آید. همچنین رنگ دو کندل شکل

دهنده الگوی فراگیر حتما باید متفاوت از هم باشند در صورتی که در الگوی هارامی این اصل

ضرورتی ندارد.

EXH



abcBourse.ir



@abcBourse_ir

مرجع آموزش بورس



بازار نشر



EXHIBIT 6.2. Inside Day

ساختار Harami با الگوی داخل روز (Inside Day) غربی قابل مقایسه است. یک Inside Day وقتی اتفاق می افتد که نقاط بالا و پایین وسط محدوده تغییرات روز قبل شکل بگیرند. (شکل ۶,۲)

الگوی Harami معمولا به اندازه الگوهای چکش، مرد آویزان و یا الگوی فراگیر علامت معکوس قابل توجهی نمی دهد. ظهور Harami یک ترمز برای بازار است.

روند قبلی خیلی زود به پایان رسیده و بازار اغلب به یک سکون و آرامش می رسد. در بعضی از مواقع Harami هشدار بالقوه قابل توجهی از تغییر مسیر روند مخصوصا در زمان هایی که بازار در راس است می دهد.

شکل ۶,۳ یک الگوی هارامی متمایز را نشان می دهد که به آن Harami Cross یا هارامی متقاطع نیز می گویند. یک هارامی متقاطع به جای بدنه اصلی یک دوجی در روز دوم خود دارد. هارامی متقاطع به علت این که یک دوجی را در دل خود جای داده یک معکوس ساز مهم و قدرتمند به شمار می رود. هارامی متقاطع گاهی به عنوان الگوی متحجر (Petrifying Pattern) نیز نامیده می شود.

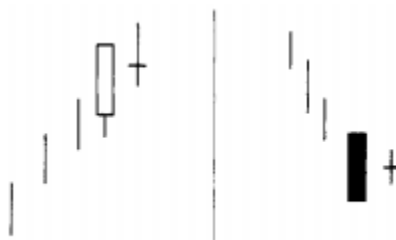


EXHIBIT 6.3. Harami Cross

همانطور که در شکل ۶,۱ دیدیم رنگ کندل دوم مهم نیست. شکل اصلی این الگو این است که کندل دوم یک بدنه اصلی کوچک داشته باشد که منسوب به بدنه اصلی قبل باشد، یا به عبارتی این بدنه اصلی کوچک درون نوسانات بدنه اصلی بزرگتر قبل از خود شکل گرفته باشد. اندازه سایه ها معمولا هم در Harami و هم در Harami Cross مهم نیست.

الگوی هارامی یک ناهماهنگی را در سلامت بازار بیان می کند. بعد از یک حرکت بالا رونده، یک بدنه اصلی سفید پر انرژی بوجود آمده و به دنبال آن یک بدنه اصلی کوچک مردد شکل می گیرد. این نشان می دهد که حرکت به بالای بالا برنده ها در حال ضعیف شدن است. پس یک بازگشت روند محتمل است.

طی یک حرکت رو به پایین، فشار سنگین فروش به وسیله یک بدنه اصلی مشکی بلند ظاهر می شود. سپس به دنبال آن یک بدنه اصلی کوچک نشان از دودلی بازار است پدید می آید. این می تواند حاکی از یک برگشت روند باشد چون بدنه اصلی کوچک هشدار می دهد که قدرت پایین آورنده ها تحلیل رفته است.

شکل ۶،۴ یک حرکت رو به بالای کوچک که در تاریخ ۱۸ آپریل شروع شده بود را نشان می دهد. Harami اول پایان این روند را خبر داد و سریعاً فروش یک جایی که با این هارامی شروع شده بود با هارامی دوم به اتمام رسید.



EXHIBIT 6.4. Platinum—July 1990, Daily (Harami)

هارامی سوم در طول روزهای اول ماه می بیانگر این است که چطور الگوی Harami ممکن است مفید باشد حتی اگر یک روند آشکاری وجود نداشته باشد. این هارامی با بدنه اصلی بلند و سفیدی که به دنبال آن یک کندل مشکی کوچک آمد، شکل گرفت. (به یاد داشته باشید که رنگ بدنه اصلی دوم در الگوی Harami در هر کجایی که ظاهر شود مهم نیست). اکنون بازار در یک نقطه تردید است. خرید تا زمانی که این دودلی با بسته شدن قیمت در بالای Harami سوم اتفاق نیافتد به هیچ وجه پیشنهاد نمی شود.

هارامی شماره ۴ یک الگوی هارامی ناب و کلاسیک بود. یک روند صعودی قبل از کندل استیک بلند سفید آشکار بود. بدنه اصلی کوچک بعدی الگوی Harami را کامل کرد.

شکل ۶,۵ یک Harami نمونه و عالی را نشان می دهد. هر کدام از بدنه های اصلی کوچک روزهای دوم با بدنه های بلند روز قبل خود مقایسه می شوند.

مفهوم هارامی اول فقدان جنبش و تحرک کافی در بالا بردن روند را از خود نشان داد، و هارامی دوم اتمام فشار فروش را علامت داد.



Source: CompuTrac™

EXHIBIT 6.5. Soybean Oil—March 1990, Daily (Harami)

شکل ۶٫۶ نشان می دهد که دو کندل استیک الگوی Harami در اواخر مارس، دو کندل راس بازار شدند. فروش یکجا ادامه داشت تا اینکه یک Bullish Hammer در ۲۴ آپریل این روند را متوقف کرد.

توجه کنید که سایه کندل دوم در الگوی Harami تا بالای بدنه و حتی سایه روز قبل پیش رفت. این در واقع نشان از اهمیتی مهم بین بدنه های اصلی یک الگو دارد نه سایه های آن.

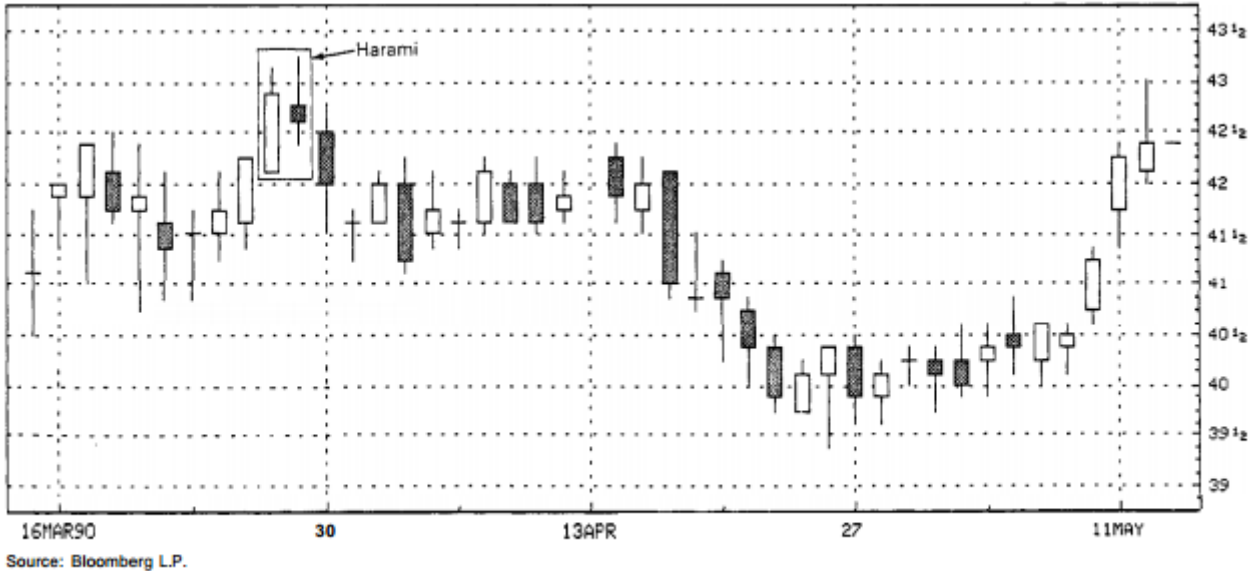
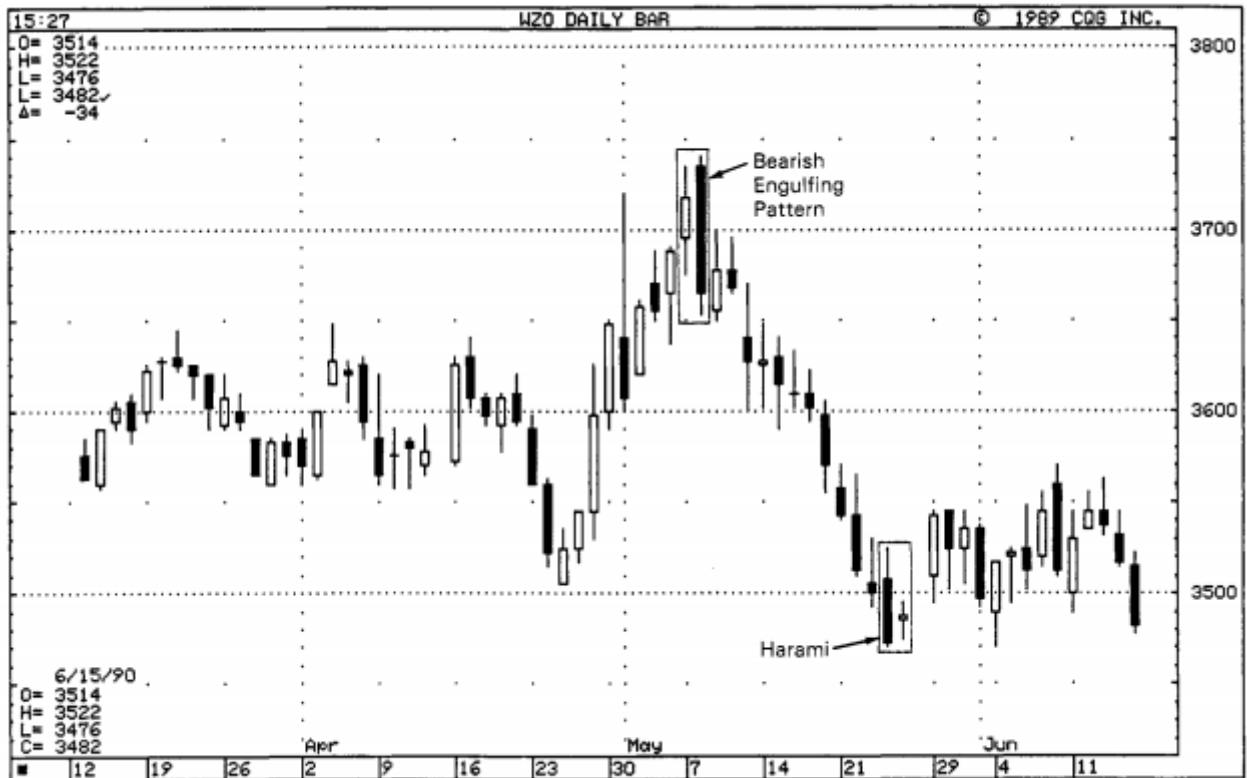


EXHIBIT 6.6. AT&T—1990, Daily (Harami)

شکل ۶٫۷ چارتی را نشان می دهد که در آن یک الگوی فراگیر پایین آورنده در ۷ و ۸ ماه می ریزش عمیقی را برای مارکت رقم زده است. سپس یک هارامی ظاهر شده و بازار را از مسیر پر شیب نزولی آن به جهت سایه تبدیل کرد.



در شکل ۶,۸ کاهش شتابناک قیمت در ۱۷ آپریل با یک هارامی به اتمام رسید و بازار بعد از آن وارد سکون و آرامش شد. مثل هر الگوی معکوس انتها، این Harami از این احتمال که بازار به خط سیر نزولی خود ادامه دهد ممانعت نکرد. با این حال Harami یک موقعیت را برای بازار خیر داد. مخصوصا که به ما گفت حداقل در زمان شکل گیری Harami فشار رو به پایین فروش فروکش کرده است.



EXHIBIT 6.8. Bonds — June 1990, Intra-day (Harami)

شکل ۶,۹ یک نمونه خوب از یک روند نزولی پرشتاب است. بعد از شکل گیری Harami بازار به یک نوار سایید و جانبی تغییر میسر داد. هارامی به طور جدی یک حرکت رو به بالا را تضمین نکرد. بعد از یک Harami معمولا بازار با داخل شدن به یک باند متراکم و خنثی شروع به

استراحت می کند.

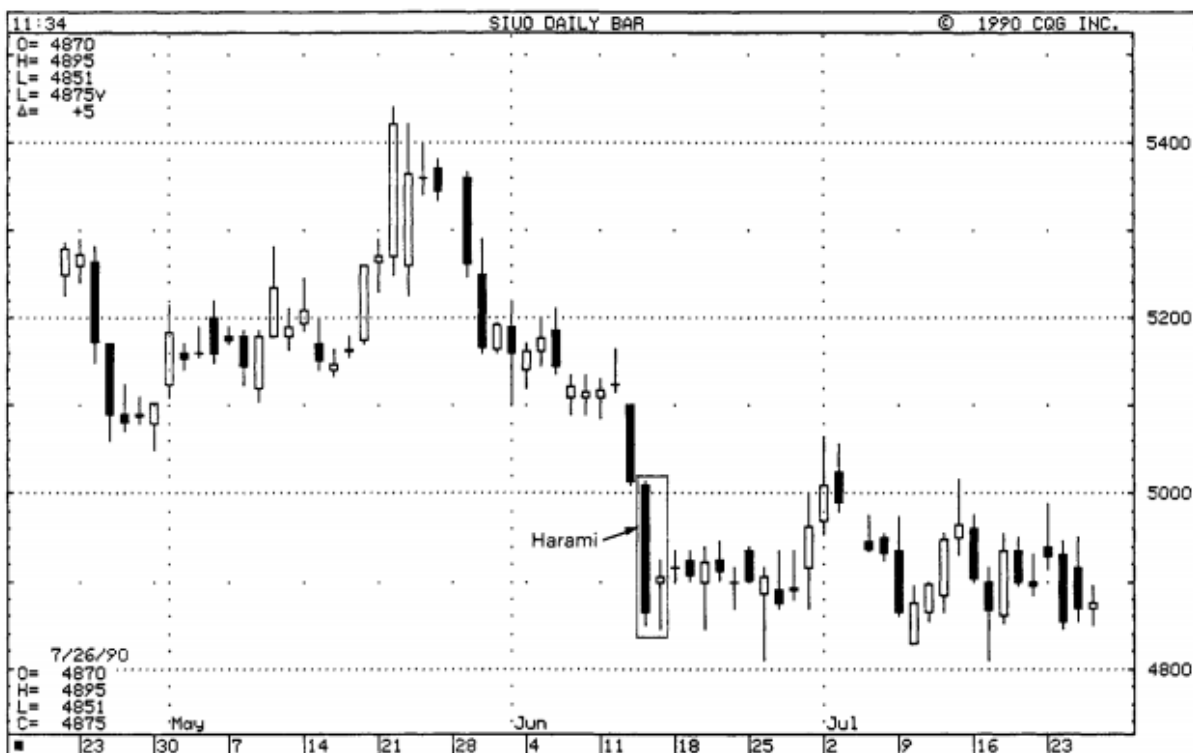


EXHIBIT 6.9



هارامی متقاطع Harami Cross

هارامی متداول یک بدنه اصلی بلند دارد که به دنبال آن یک بدنه اصلی کوچکتر می آید. با این حال قوانینی وجود ندارد که به ما بگوید کندل استیک کوچک چه اندازه باید باشد. این شبیه به بسیاری از اصول رسم نموداری دیگر، ذهنی و اکتسابی است.

به عنوان یک اصل عمومی کوچکتر بودن کندل دوم خاصیت الگو را بیشتر می کند. این گفته به نوعی صحت دارد چرا که کوچکتر بودن کندل دوم معنای بیشتری از دودلی و سردرگمی را می دهد، و همچنین احتمال بیشتری برای بازگشت یک روند خواهد بود.

در نهایت هرچه بدنه اصلی کوچکتر می شود فاصله بین قیمت باز و بسته شدن هم کمتر شده و یک دوجی شکل می گیرد. همانطور که گفته شد، شکل گیری یک دوجی درون یک کندل با بدنه اصلی بلند، یک Harami Cross را بوجود می آورد. هارامی متقاطع نشانه ها و سیگنال های بیشتری را نسبت به Harami معمولی حمل می کند. جایی که هارامی یک الگوی معکوس اصلی نیست، Harami Cross یک علامت معکوس ساز مهم می باشد. یک هارامی متقاطع بعد از یک کندل استیک بلند سفید نشانه ایست از اینکه یک معامله گر بزرگ از بیم زیان از کارش صرف نظر کرده است. الگوهای هارامی متقاطع در انتهای روند هم هستند ولی در راس ها بیشتر موثرند.

شکل ۶،۱۰ نشان می دهد که چطور حرکت به بالایی که از اواسط مارس شروع شده بود با ظهور هارامی کراس در تاریخ های دوم و سوم آپریل به یکباره به پایان رسید.

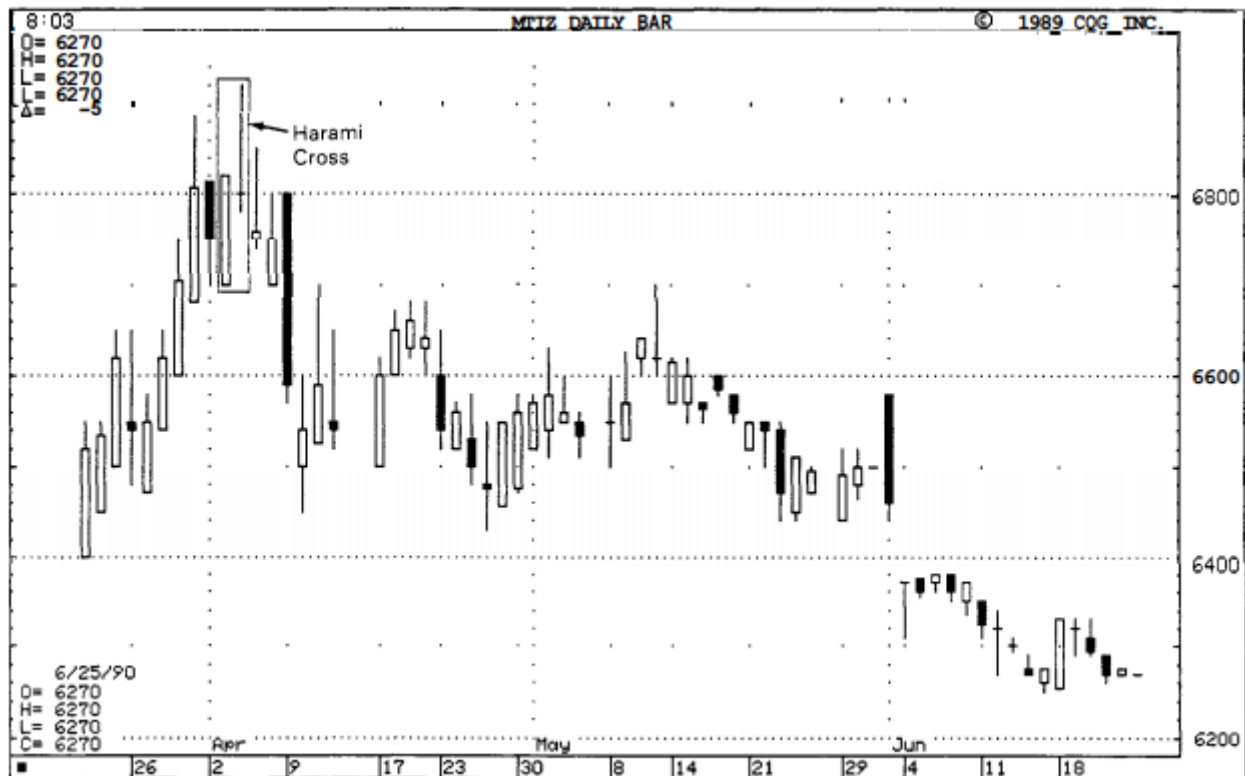


EXHIBIT 6.10. London Tin—Three Month, 1990 (Harami Cross)

در اواسط ژانویه زمانی که بازار با گپ شاریبی رو به بالا باز شد، همه می گفتند بازار صعودی است. اما هارامی کراس گفت : حالا بازار صعودی

نیست...

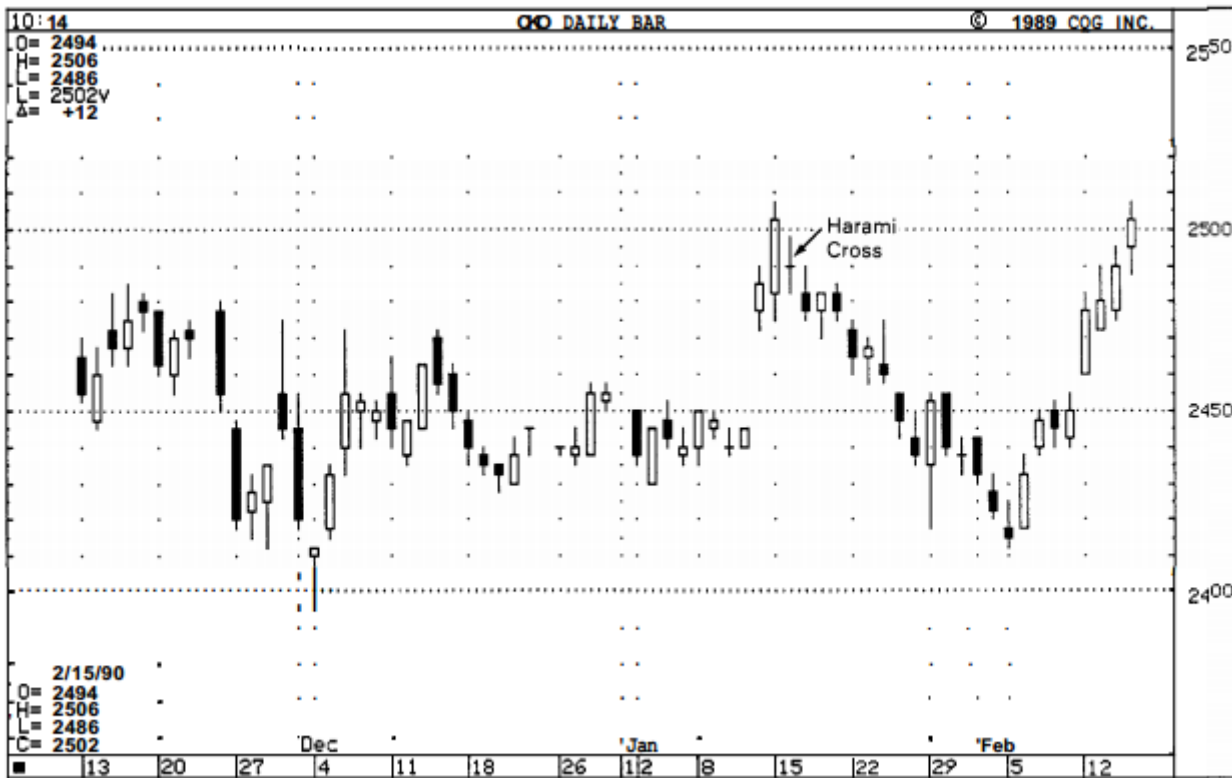


EXHIBIT 6.11. Corn—May 1990, Daily (Harami Cross)

شکل ۶،۱۲ می گوید وقتی یک کندل بلند سیاه و غیر معمولی داریم که به دنبال آن یک دوجی پدیدار می شود، در این صورت یک هارامی متقاطع شکل گرفته است. این نشان می دهد که چطور بازار خودش را از روند نزولی قبل نجات داد.



یک چکش (Hammer) بعد از دوجی هارامی متقاطع (که با موفقیت قیمت های پایین اخیر را تست کرد)، گواه محکمتری از یک انتها و ته بودن را داد.

EXHIBIT 6.12. Live Cattle—April 1990,

Source: Ensig

سر ها و ته های انبری Tweezers Tops & Bottoms

Tweezer ها از دو یا چند کندل استیک تشکیل شده اند با قیمت های High یا Low منطبق با هم. آنها به این دلیل انبرک ها نامیده می شوند چرا که به دو چنگک یا انبر یا قیچی شبیه هستند. در یک بازار صعودی، یک راس انبری (Tweezers Top) وقتی که قیمت های High با هم منطبق شوند شکل می گیرد. در بازار نزولی یک ته انبری (Tweezers Bottom) وقتی قیمت های Low با هم در یک سطح باشند شکل می گیرد. Tweezer ها می توانند از بدنه های اصلی، سایه ها و یا حتی دوجی ها ساخته شوند. یک Tweezer در Session های نزدیک به هم یا متوالی اتفاق می افتد و همچنین یک علامت معکوس حیاتی و اساسی نیست.

آنها وقتی که بعد از یک حرکت طویل ظاهر شوند یا شامل دیگر سیگنال های کندل استیکی Bullish یا Bearish باشند، اهمیت پیدا می کنند. شکل های ۶,۱۳ تا ۶,۱۸ به روشنی این ایده را بیان می کنند.

شکل ۶,۱۳ نشان می دهد که چطور در یک روند صعودی، یک کندل بلند سفید بوسیله یک دوجی دنبال می شود. این الگوی دو کندله یک



EXHIBIT 6.13. Tweezers Top and Harami Cross



EXHIBIT 6.14. Tweezers Top and Hanging Man

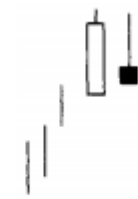


EXHIBIT 6.15. Tweezers Top and Shooting Star

هارامی متقاطع است با High های یکسان که می تواند سیگنالی از یک معکوس مشخص باشد.

در شکل ۶,۱۴ یک راس انبری

داریم که از یک کندل بلند سفید و یک Hanging Man تشکیل شده است. اگر بازار زیر بدنه اصلی Hanging Man باز شود احتمال بسیار زیادی وجود دارد که به یک نقطه راس رسیده باشیم. بازار نباید بالای راس انبری (Tweezers Top) بسته شود تا این منظره پایین آورنده غالب باشد. در غیر اینصورت باید منتظر علامت های دیگری ماند.

این دو کندل آمیخته با هم، همچنین می توانند به عنوان یک Harami در نظر گرفته شوند (که البته یک الگوی معکوس در راس در یک روند صعودی است).

شکل ۶,۱۵ یک راس انبری را نشان می دهد که یک کندل پایین آورنده ذاتی را در سشن دوم در دل خود دارد، یک Shooting Star. بازار نزدیک به قیمت های پایینش باز می شود. به سمت بالا و تا قسمت High دیروزش پیش می رود، سپس نزدیک به پایین خودش بسته می شود. این سیمای غالب یک الگوی پایین آورنده است در یک مسیر صعودی و البته آمیخته با کندل قبل.

این دو کندل همچنین یک الگوی هارامی را هم تشکیل می دهند.

شکل ۶,۱۶ یک تفاوت را در الگوی Dark Cloud Cover نشان می دهد. روز دوم بازار در بالای قیمت Close دیروز باز می شود (به جای اینکه بالای High دیروز باز شود). High کندل روز دوم قیمت High روز قبل را لمس کرده و سپس Fail می شود یا شکست می خورد. این می تواند ترکیبی از یک الگوی ابر سیاه و یک الگوی راس انبری را نمایش دهد.

شکل ۶,۱۷ یک Hammer را نشان می دهد که با موفقیت نقاط پایین را تست می کند، جایی که دیروز هم در طول یک کندل بلند و سیاه یکبار تست شده بود. چکش و تست موفقش از خط حمایت این را ثابت می کند که فروشندگان کنترل بازار را از دست می دهند. همچنین این دو خط ترکیبی می توانند به عنوان یک Harami در نظر گرفته شوند. این البته می تواند به ما دید جدیدی در مورد اینگونه فعالیت قیمت که می تواند سطح حمایت مهمی را بوجود بیاورد، ارائه دهد.

در شکل ۶,۱۸ یک اختلاف در الگوی بالا برنده نافذ (Bullish Piercing) که یک Tweezers را نیز ساخته است وجود دارد. یک خط Piercing صحیح باید در زیر Low سشن قبل خود Open کرده باشد. در صورتی که اینجا قیمت زیر Close روز قبل باز شده است.

این مثال های Tweezer فراگیر نیستند. آنها بیانگر این هستند که چطور راس ها و ته های انبری باید بوسیله نشانه های کندل استیکی دیگری تایید شوند تا ابزار های پیش بینی ارزشمندی باشند.

برای کسانی که یک دورنمای طولانی مدت می خواهند، راس ها و ته های انبری در چارت های هفتگی و ماهانه می توانند الگوهای معکوس ساز مهمی باشند. این حتی بدون تایید کندل استیک های دیگر هم می تواند صحیح باشد. بخاطر اینکه در چارت های هفتگی یا ماهیانه، برای مثال یک نقطه Low که در سشن نزولی قبل ساخته شده و با موفقیت توسط سشن جاری تست شده است، می تواند پایه مهمی برای شروع یک رالی جدید باشد.

یک سطح Low جدید توسط Session دیروز ساخته می شود و امروز با موفقیت تست می شود. Tweezer ساخته شده در این چارت از چارتی که در بالا در مورد آن بحث کردیم کم اهمیت تر است. چرا که روی سخن من در توضیحات بالا به انبر ها در نمودار های بلند مدت تر هفتگی یا ماهیانه بود و این اهمیت بیشتری نسبت به نمودار های روزانه دارد.

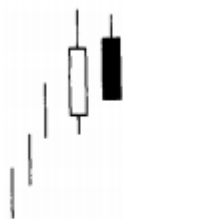


EXHIBIT 6.16. Tweezers Top and Dark-cloud Cover

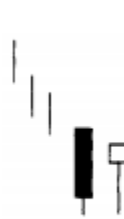


EXHIBIT 6.17. Tweezers Bottom and Hammer

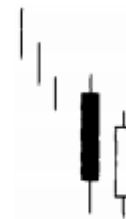


EXHIBIT 6.18. Tweezers Bottom and Piercing Pattern

شکل ۶،۱۹ راس ها و ته های انبری را نشان می دهد.

راس انبری وقتی که کندل دوم، الگوی فراگیر Bearish E را کامل کرد تایید شد. الگوی Tweezer Bottom اول با یک الگوی ستاره شکل گرفت. توجه کنید که این دو روزی که ته انبری را شکل دادند خود تست موفقیتی از الگوی Piercing هفته قبل را پشت سر گذاشتند.

انتهای انبری شماره ۲ مجموعه ای از دو چکش بود. ترکیبی از این دو اندیکاتور یا علائم بالابرنده، Hammer و Tweezers Bottom ها، صحنه را برای یک شروع جدید آماده می کنند.



Source: CompuTrac™

EXHIBIT 6.19. Crude Oil—May 1990, Daily (Tweezers Tops and Bottoms)

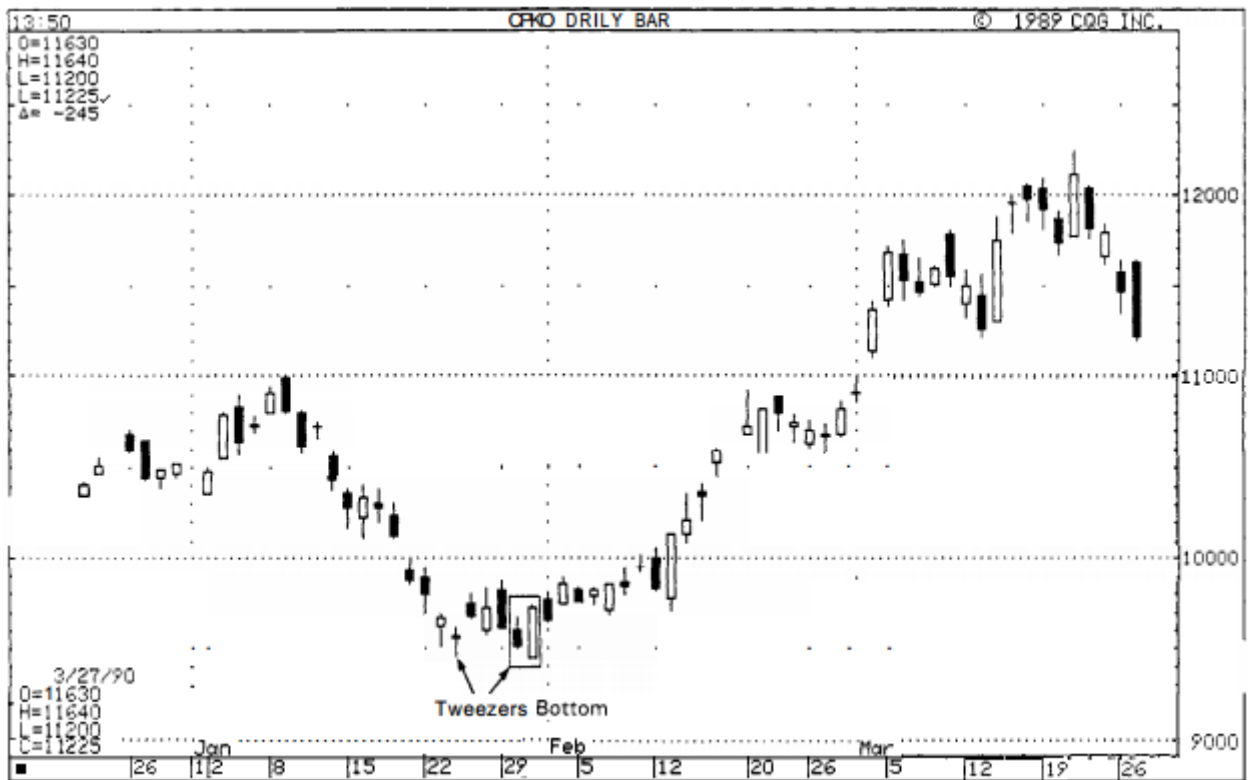
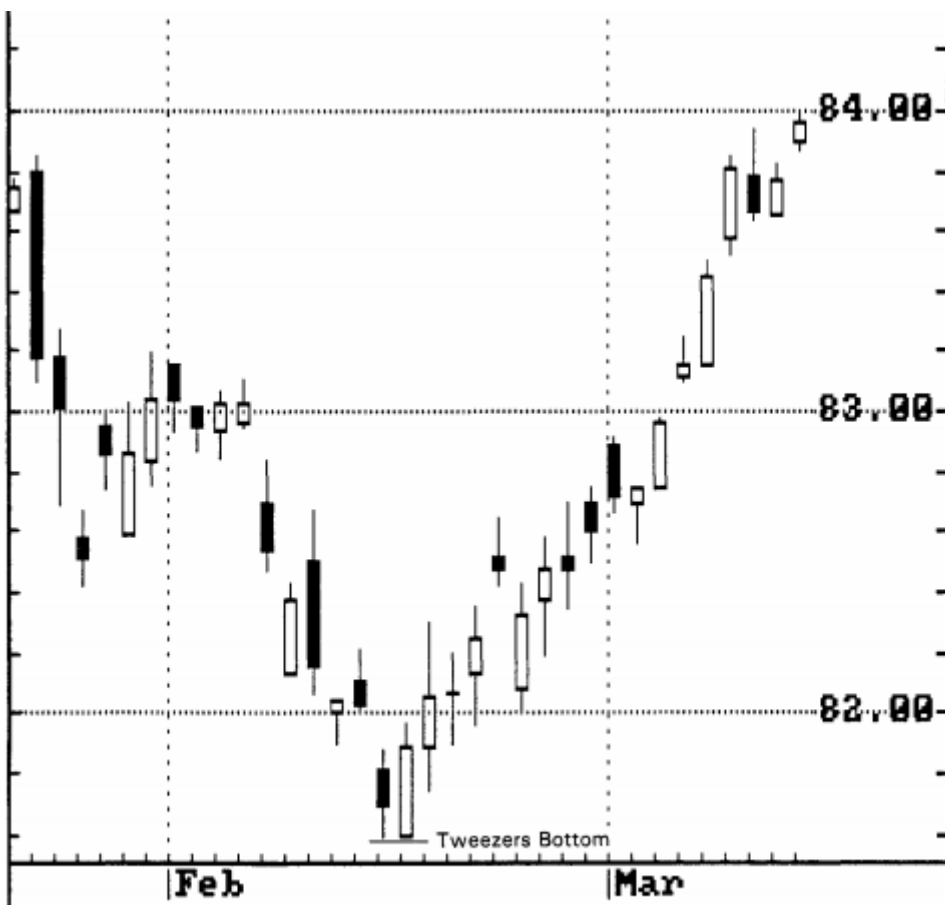


EXHIBIT 6.20. Copper—May 1990, Daily (Tweezers Bottom)

شکل ۶،۲۰ نشان می دهد که قیمت های پایینی که در ۲۴ ژانویه، نزدیک به سطح ۹۵ دلار ساخته شدند، یک هفته بعد دوباره امتحان شدند. این امتحان تنها موفقیت خود را اثبات کرد، بلکه یک الگوی بالا برنده فراگیر را ساخت و رالی جدیدی را ایجاد کرد.



شکل ۶،۲۱ همچون شکل قبل یک الگوی Tweezer را نشان می دهد که نتیجه آن ساخته شدن یک الگوی Bullish Engulfing و صعود پر قدرت است.

Source: CompuTrac™

EXHIBIT 6.2

شکل ۶,۲۲ یک کندل بلند سفید را نشان می دهد که به دنبال آن یک Hanging Man ظاهر شده است. قیمت های High این دو هفته (به خوبی هفته بعد) در یک سطح بودند. بنابراین یک راس انبری را شکل دادند.

همچنین دوخط شکل دهنده Tweezer یک الگوی Harami را تشکیل دادند.

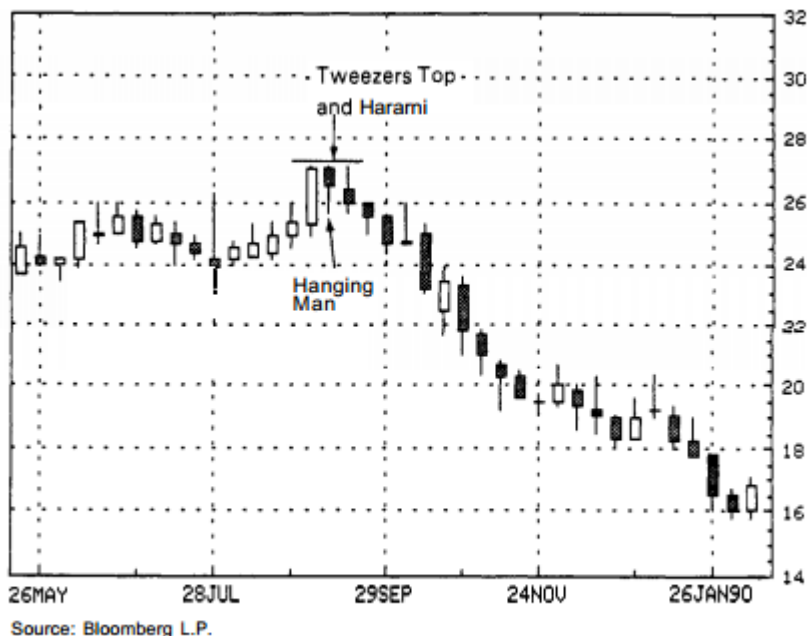
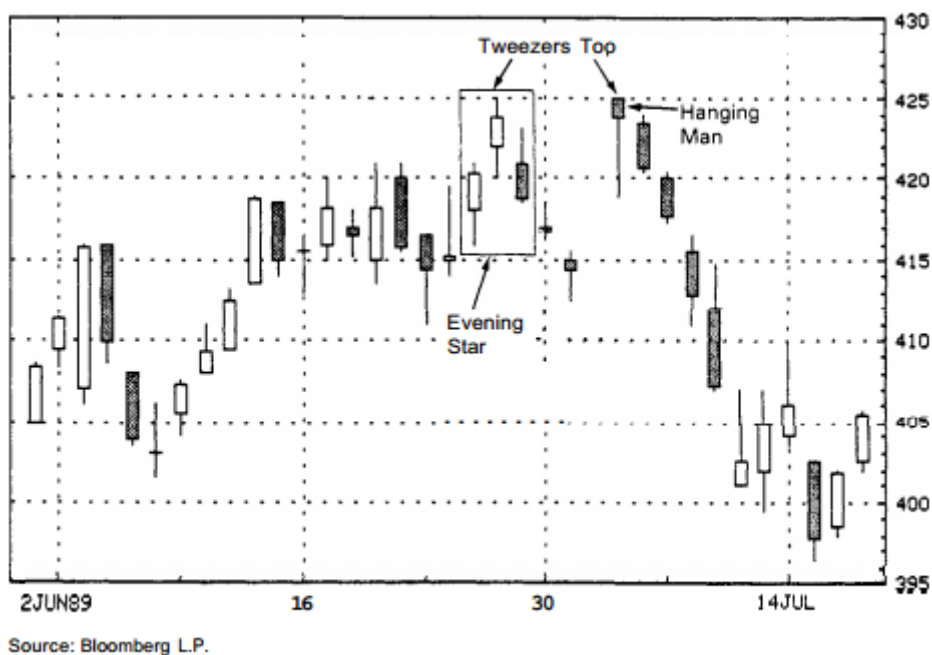


EXHIBIT 6.22. Chrysler—Weekly, 1989–1990, (Tweezers Top)

در شکل ۶,۲۳ با شکل گیری یک ستاره عصرگاهی، بازار به مدت چند روز تغییر جهت داد. چند روز بعد با لمس کردن قیمت High هفته پیش توسط Hanging Man ثابت شد که این نقطه تبدیل به یک سطح مقاومت مستحکمی شده است. سطحی که یک Tweezers Top نامیده می شود.



در قله های S&P شکل ۶،۲۴ کندل استیک بلند و سفیدی که به دنبال آن یک دوجی آمده نمایش داده شده است. این الگو یک راس انبری را تشکیل داد که به عنوان خط مقاومت هفته بعد نیز عمل کرده است. علاوه بر راس انبری، یک کندل دوجی که بعد از یک کندل بلند سفید در سطوح بالا ظاهر شود، خطرناک است. در فصل ۸ بیشتر در مورد این حالت خواهید خواند.

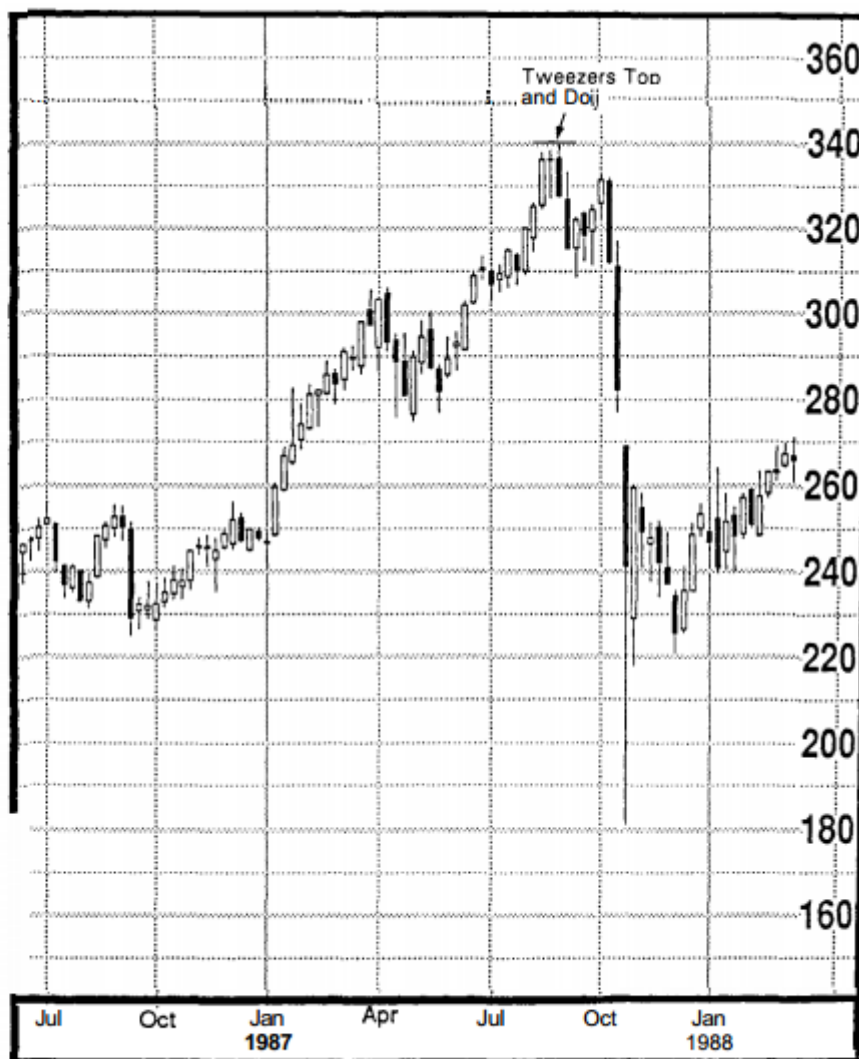


EXHIBIT 6.24. S&P—Weekly
(Tweezers Top)

Source: %Copyright 1990 Commodity Trend Service^F



Belt Hold Lines خطوط کمر بند

الگوی خط کمر بند یک کندل دارد که می تواند هم بالا برنده باشد و هم پایین آورنده. کمر بند بالا برنده یک کندل استیک سفید قوی است که در قسمت پایین کندل باز می شود (البته می تواند سایه پایینی خیلی کوچکی هم داشته باشد) و برای بقیه ساعات روز به بالا حرکت می کند. همچنین به کمر بند بالا برنده یک انتهای تراشیده سفید هم می گویند.

مثلا وقتی که در شکل ۶,۲۵ بازار در منطقه قیمت های پایین قرار دارد و یک کمر بند بالا برنده بلند ظاهر شود، می توان از وقوع چنین حالتی حرکت رو به بالایی را پیش بینی کرد.

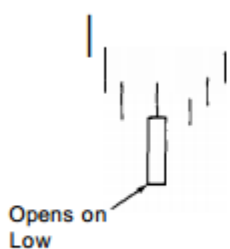


EXHIBIT 6.25. Bullish Belt Hold

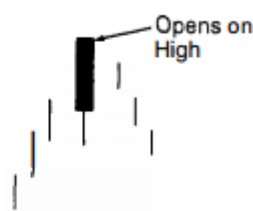


EXHIBIT 6.26. Bearish Belt Hold

کمر بند پایین آورنده شکل ۶,۲۶ یک کندل استیک مشکی بلند است که در قسمت High خود باز می شود و سپس رو به پایین شروع به حرکت می کند.

اگر قیمت ها بالا هستند، ظهور یک کمر بند پایین آورنده یک معکوس ساز در راس خواهد بود. کمر بند پایین آورنده گاهی اوقات یک سر تراشیده سیاه نیز نامیده می شود.

بلند تر بودن کندل استیک کمر بندی، اثر آنرا بیشتر می کند. همچنین اگر برای مدتی خطوط Belt Hold در نمودار ظاهر نشده باشند، اهمیت بسیار بیشتری پیدا می کنند.

نام واقعی خطوط کمر بند در زبان ژاپنی Yorikiri است. این نام از ورزش کشتی Sumo می آید و به این معنی است: حریفتان را در حالی که کمر بندش را گرفته اید به بیرون از حلقه هل دهید.

نکته: یک قیمت Close بالای کندل سیاه پایین آورنده کمر بند، معنای ادامه روند صعودی را می دهد. همانطور که یک قیمت بسته شده در پایین کندل سفید بالا برنده کمر بندی تکرار فشار فروش را نوید می دهد.

شکل ۶،۲۷ رالی های صعودی شکل گرفته با خطوط کمر بند را نشان می دهد. خط کمر بند دوم در نوع خود جالب توجه است. این کندل با کندل هفته قبل خود یک Tweezer Bottom را ساخت. این حرکت رو به بالای شکل گرفته با یک Harami به پایان رسید.

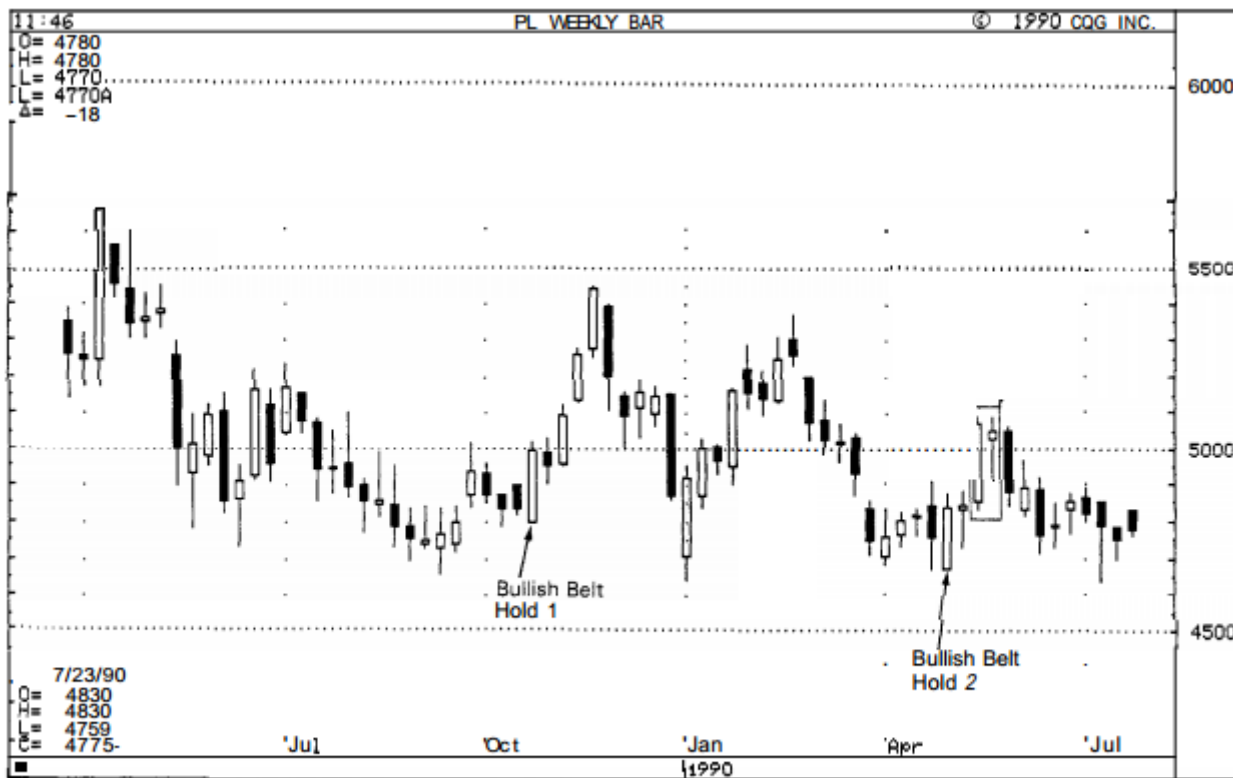


EXHIBIT 6.27. Platinum—Weekly (Bullish Belt Hold)

شهاب سنگ،

اولین سیگنال آشفته‌گی بازار در شکل ۶،۲۸ بود. در شش بعد خط کمر بند پایین آورنده آنرا به عنوان یک Top تایید کرد. کندل کمر بند دیگر در طول هفته بعد متضمن ضعف بازار در حرکت به سمت بالا بود.

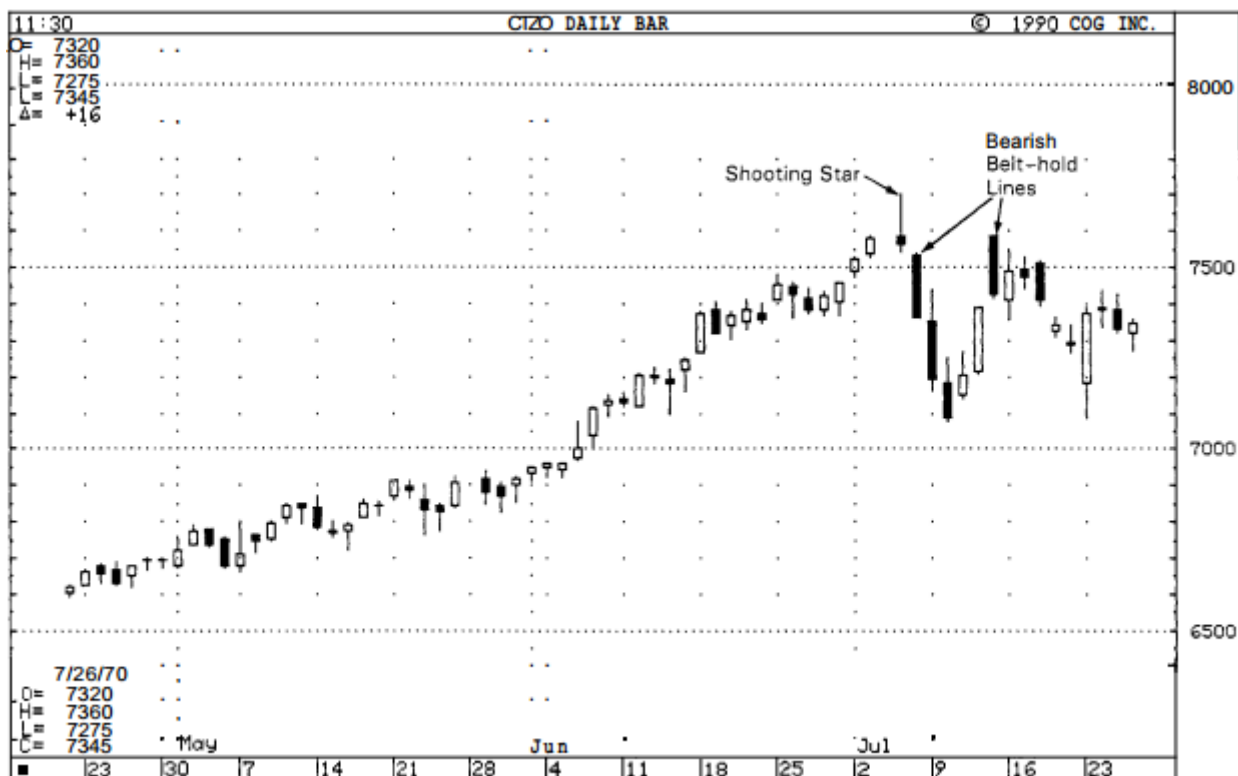


EXHIBIT 6.2

شکل ۶،۲۹ یک نمونه از خطوط کمر بند پایین آورنده متوالی را در اواسط فوریه نشان می دهد. فروش یکباره ای که به دنبال آن آمد بسیار سریع و شارپ بود. اما بعد از مدت کمی یک ستاره صبحگاهی بالا برنده را بوجود آورد.



Source: CompuTrec™

EXHIBIT 6.29. S&P—September 1990, Daily (Bearish Belt Hold)



فاصله بالایی دو کلاغ Up Side Gap Tow Crows

یک فاصله بالایی دو کلاغ مانند در شکل ۶,۳۰ نشان داده شده است. فاصله بالایی اشاره به فاصله بین بدنه اصلی کندل مشکی کوچک و بدنه اصلی قبل از آن (بدنه اصلی که کندل مشکی اول از آن فاصله می گیرد معمولاً یک کندل سفید بلند است) دارد. دو کندل استیک مشکی در این الگو در واقع همان کلاغ ها هستند.

آنها شبیه به کلاغ هایی هستند که به طرز شومی از بالای شاخه درختی پایین را نگاه می کنند.

این تعبیر بدین جهت است که آنها ماهیت پایین آورندگی دارند. شکل کامل این الگو دو بدنه مشکی دارد که دومین کندل بالای قیمت باز شده کندل قبل باز می شود سپس زیر قیمت بسته قبل بسته می شود. منطق پایین آورندگی این الگو این است: بازار در یک روند صعودی است، در روز بعد مارکت در بالای قیمت بسته امروز با یک فاصله باز می شود. این High جدید در انتهای روز دوم شکست خورده و در نهایت مارکت فرم یک کندل سیاه را به خود می گیرد. اما هنوز بالا برنده ها می توانند به یکدیگر کمک کنند. چرا؟ بخاطر اینکه حداقل هنوز Close امروز بالاتر از قیمت بسته روز قبل است. در سشن سوم تصویر پایین آورندگی بیشتری ترسیم می شود هنگامی که قیمت در یک High جدید دیگر باز شده و دوباره Fail می شود. و بدتر از آن بسته شدن قیمت این بخش (یعنی روز سوم) پایین قیمت Close روز قبل است.

اگر مارکت خیلی قدرتمند است پس چرا High های جدید مدام شکست خوردند و چرا مارکت همینطور پایین تر بسته شد؟

اینها سوالاتی هستند که شاید بالابرنده ها با عصبانیت از خود پرسیده باشند. شاید جواب این باشد که بازار به قدرتی که آنها دوست دارند نباشد. اگر قیمت های کندل بعد (یعنی کندل چهارم) در باز یافتن میدان قیمتی بالا شکست بخورند، در این صورت قیمت های پایین تری مورد انتظار است.

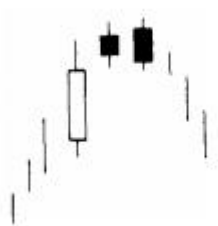


EXHIBIT 6.30. Upside Gap Two Crows

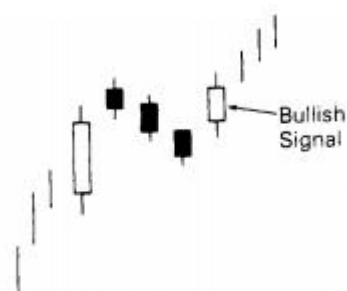
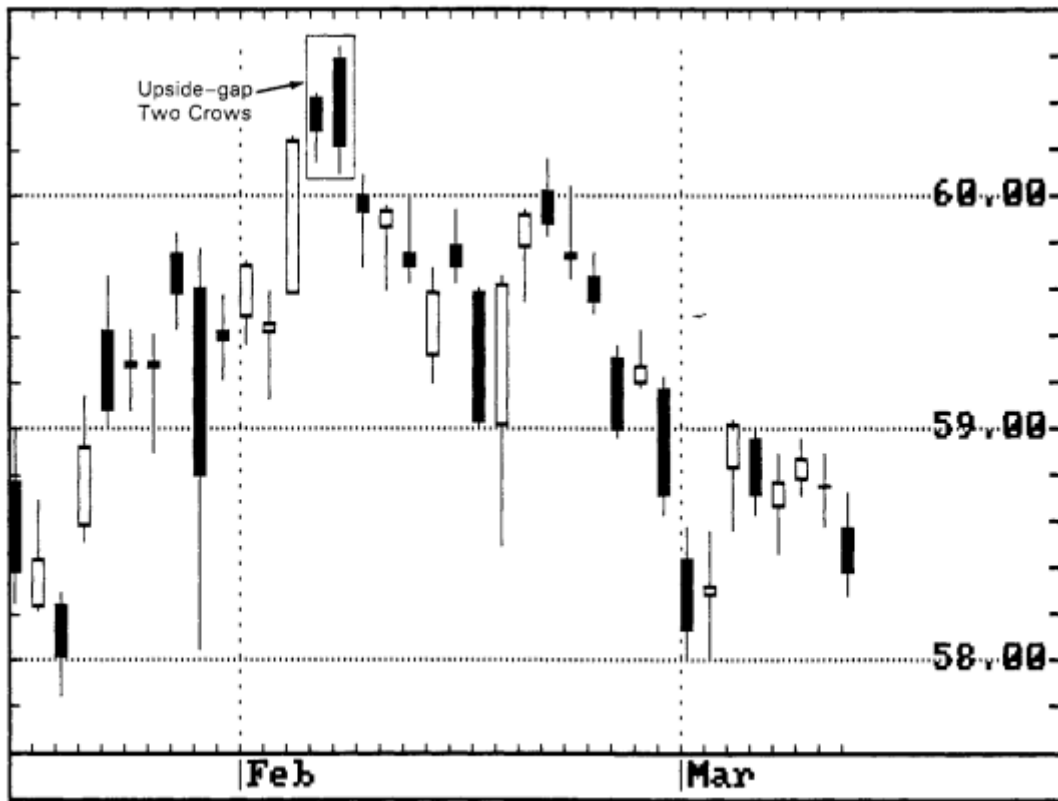


EXHIBIT 6.31. Mat-hold Pattern

الگوی دیگری وجود دارد به نام Mat-Hold یا حصیر انتظار که به الگوی دوکلاغ شبیه است. بر خلاف الگوی

دو کلاغ این الگو یک الگوی بالا برنده در یک بازار صعودی است. در واقع یکی از الگوهای ادامه دهنده روند است (الگوهای ادامه دهنده دیگر در فصل ۷ توضیح داده می شوند). در شکل ۶,۳۱ اولین کندل، کندل سفیدی است. سپس به دنبال آن یک، دو یا سه کندل مشکی می آید. اگر بعد از اینها کندل سفیدی پدید آید که با یا بدون فاصله در بالای کندل سیاه دوم شکل گیرد و در نهایت بالای کندل سیاه دوم بسته شود یک موقعیت خرید هشدار داده شده است. الگوی حصیر انتظار و الگوی دو کلاغ تقریباً نایاب هستند.



Source: CompuTrac™

EXHIBIT 6.32. Deutschemark —March 1990, Daily (Upside-gap Two Crows)

شکل ۶,۳۲ نمونه خوبی از الگوی فاصله بالایی دو کلاغ است. در اوایل فوریه دو کندل سیاه (همان دو کلاغ) بالای یک کندل بلند سفید پدید آمدند. این الگو یک اتمام را برای روند صعودی ای که از یک ماه زودتر آغاز شده بود خیر داد.

هر کسی می تواند ببیند که در شکل ۶,۳۳ در تاریخ ۲۷ نوامبر قیمت مس به یکباره به بالا حرکت کرد. قیمت های بالای جدید در دو روز آینده برای ادامه با شکست رو به رو شدند. کندل مشکی دوم با این فرم و حالتش یک الگوی فاصله بالایی دو کلاغ را بوجود آورد. بازار به پایین سر خورد تا اینکه با شکل گیری یک ستاره دوجی و بعد از آن ساخته شدن یک Tweezer سکویی برای پرتاب به بالا ایجاد شد.

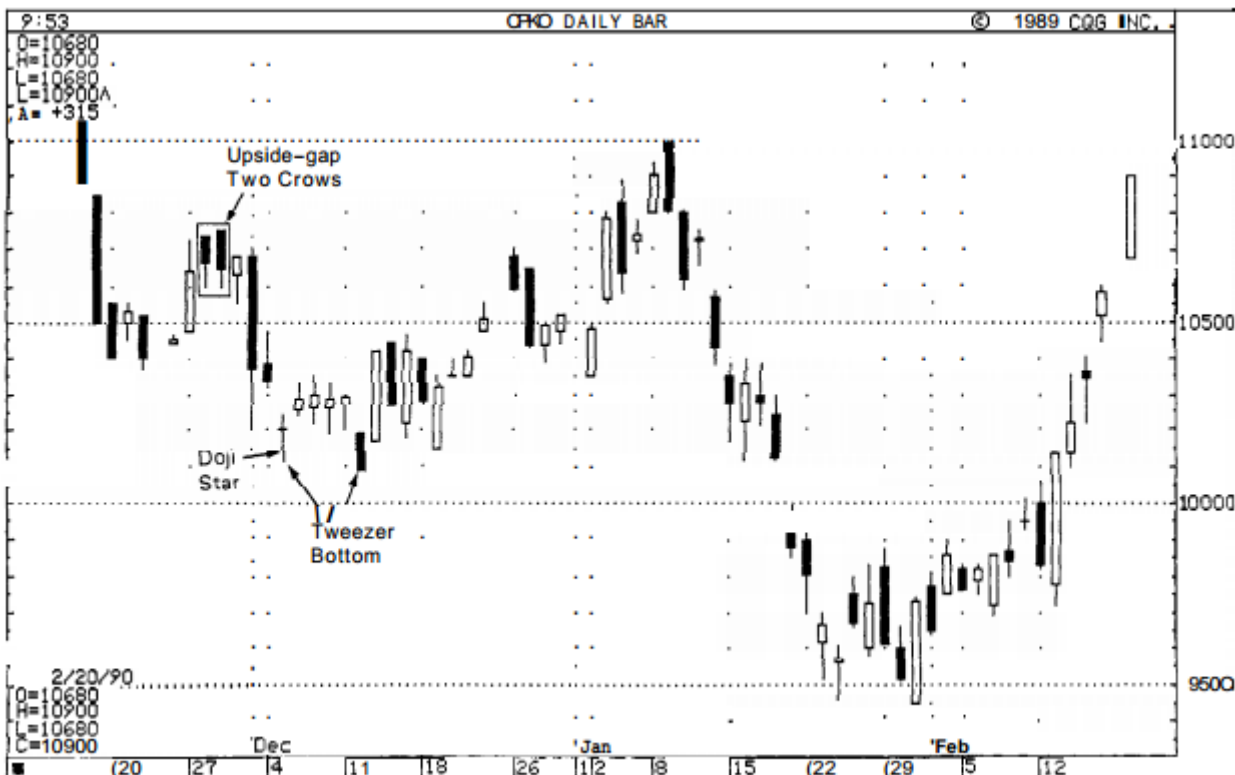


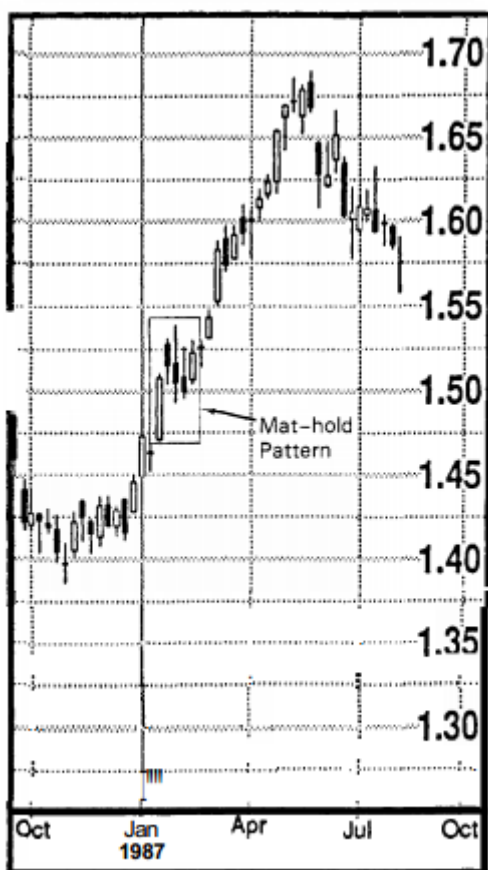
EXHIBIT 6.

شکل ۶,۳۴ یک نمونه از الگوی Mat-Hold یا حصیر انتظار کمیاب است. یک کندل سیاه در بالای کندل سفید روز قبل پدید می آید. سپس دو کندل مشکی کوچک دیگر با کندل سفید آخری که این الگو را کامل کرده است یکی پس از دیگری ظاهر می شوند. توجه کردید که این الگو تفاوت چندانی با الگوی دو کلاغ ندارد.

به یاد داشته باشید که الگوی Mat-Hold همانند الگوی Upside Gap Two Crows می تواند از دو یا سه و یا حتی چهار کندل سیاه تشکیل شود.

تفاوت اصلی این دو الگو در ظهور کندل سفید آخری است جایی که دوباره قدرت نمایی Bull ها به نمایش گذاشته می شود.

به هر حال پیشنهاد می کنم که در روزهای شکل گیری الگوی Upside Gap Two Crows یک نقطه استاپ در بالای High کندل دوم قرار دهید.



SOURCE: ©Copyright 1990 Commodity Trend Service*

EXHIBIT 6.34. British Pound—Weekly (Mat-hold Pattern).

سه کلاغ سیاه Three Black Crows

الگوی فاصله بالایی دو کلاغ، شامل دو کندل مشکی بود. اگر سه کندل وجود داشته باشد که پی در پی کاهش یابند، در این صورت به این الگوی الگوی سه کلاغ سیاه می گویند. (شکل ۶,۳۵)



الگوی سه کلاغ سیاه زمانی که بعد از یک پیشروی کامل و قرار گرفتن قیمت در نقاط High جدید شکل بگیرد، در این صورت می تواند قیمت های پایین تری را علامت دهد.

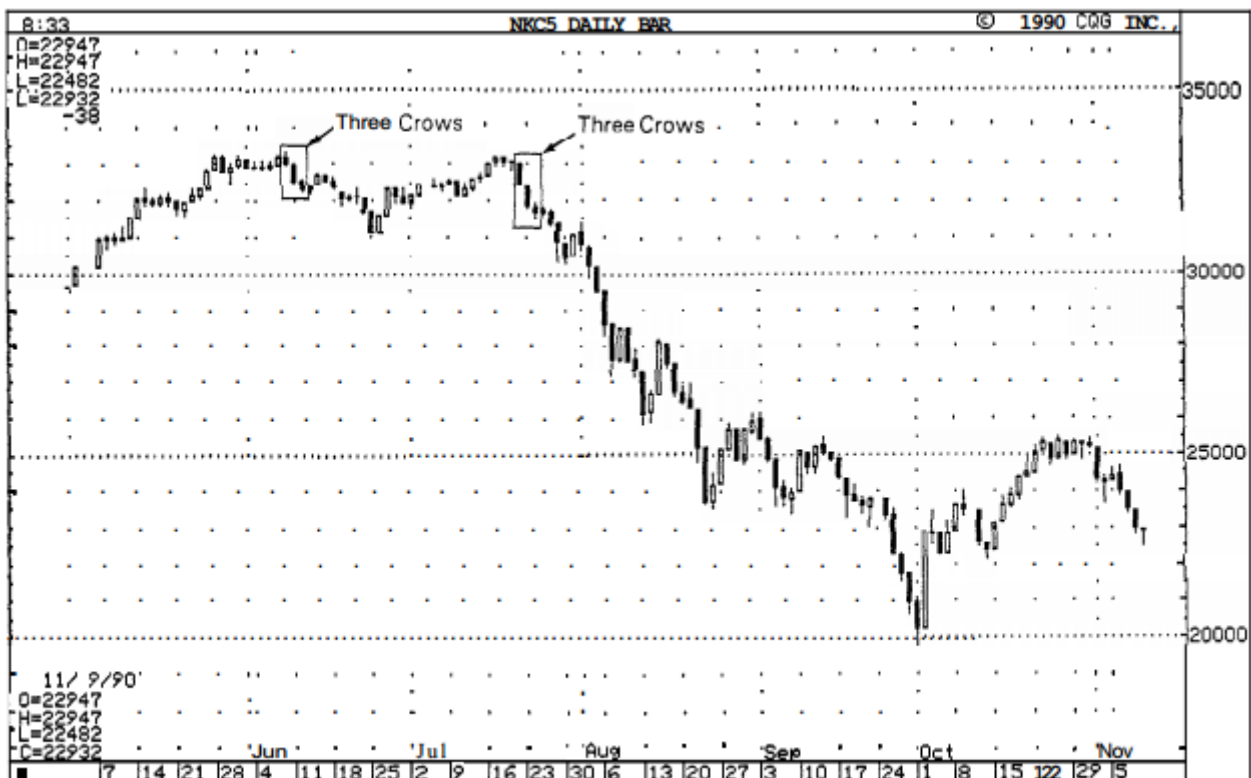
EXHIBIT 6.35. Three Crows

این سه کلاغ سیاه، گاهی سه کلاغ بالدار نیز نامیده می شوند. ژاپنی ها عبارتی دارند که می گوید: خبرهای بد بال دارند.

این سه کندل شبیه کلاغ های نحسی هستند که بر روی شاخه خشکیده درختی بلند نشسته اند. آنها باید در یا نزدیک به پایین روزشان بسته شوند (بدون سایه پایینی یا خیلی کوتاه). همچنین قیمت Open هر کدام از آنها باید در داخل بدنه اصلی روز قبل قرار داشته باشد. تحلیل گر باید به این نکته توجه کند که بدنه اصلی اولین کندل مشکی این الگو باید زیر High کندل سفید قبل شکل گرفته باشد.

شکل ۶,۳۶ نمونه خوبی از الگوی Three Black Crows یا همان سه کلاغ سیاه است. این کلاغ ها در اواسط ماه ژوئن ظاهر شدند. یک ماه بعد یعنی در اواسط جولای نیز دوباره سرو کله شان پیدا شد. الگوی ماه جولای یک شکست را در قیمت های بالا که توسط الگوی ماه ژوئن در نزدیکی عدد ۳۳۰۰۰ بوجود آمده بود، اعلام کردند.

این فرم یک راس دوبر (Double Top) نیز هست.



شکل ۶,۳۸ مثال دیگری از این الگوست. یک نکته جالب توجه در این چارت این است که Open های کندل دوم و سوم بر روی یا خیلی نزدیک به Close کندل قبل از خود قرار گرفته اند. (اشاره دارد به سه کلاغ هم اندازه) این مدل الگو مخصوص یک حرکت Bearish است.

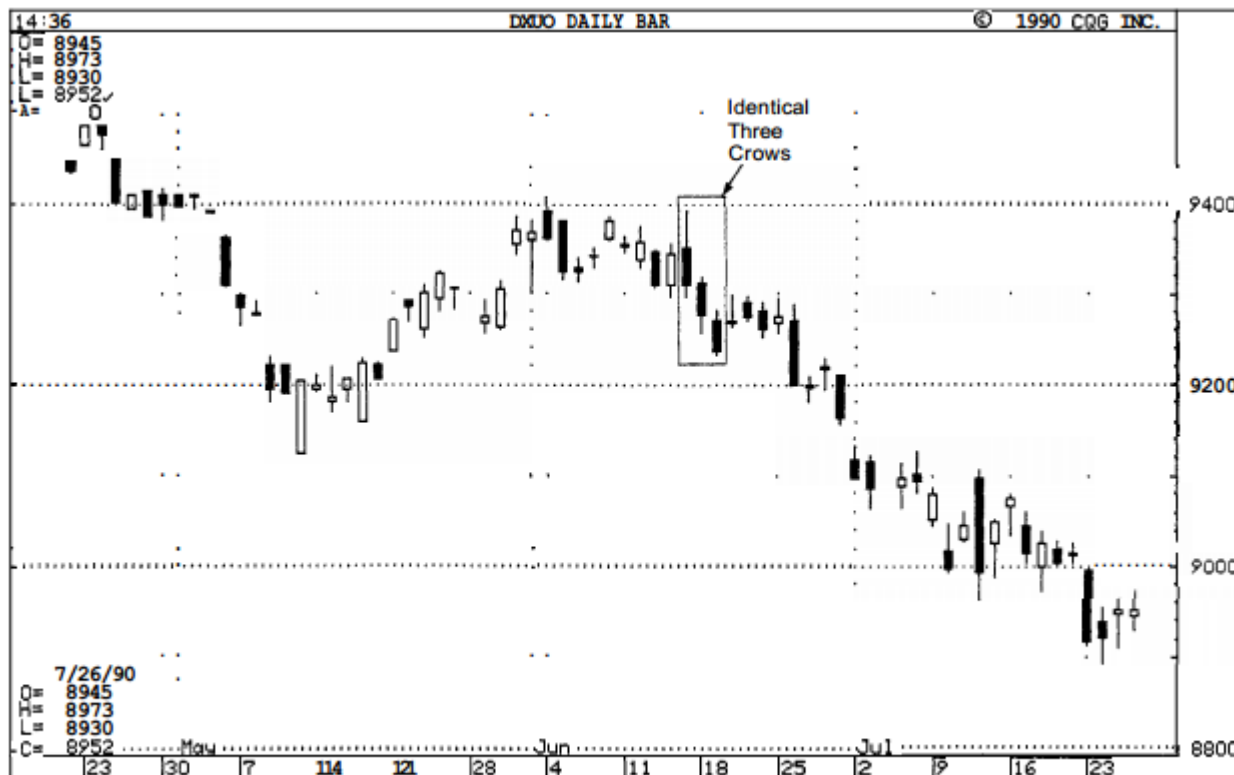


EXHIBIT 6.37. Dollar Index — September 1990, Daily (Three Crows)



خطوط حمله متقابل (مقابله به مثل) Counterattack Lines

این الگو زمانی شکل می گیرد که کندل استیک هایی با رنگ های متضاد در یک نقطه

بسته شوند. شکل ۶,۳۸ فرم الگوی Bullish Counterattack Lines را نشان می

دهد. این الگو در طول یک مسیر نزولی شکل می گیرد. کندل اول بلند و سیاه است. دومین کندل با فاصله زیر کندل اول باز می شود. تا اینجا خرس ها احساس دلگرمی و اعتماد دارند. سپس گاوها وارد معرکه شده و حمله متقابلشان را با بردن قیمت به جایی که Close دیروز است ادامه می دهند. روند نزولی قبل حالا دیگر تسلیم و مهار شده است. حمله متقابل گاوها شبیه به الگوی نافذ است. تنها تفاوتی که در فرم این دو الگو وجود دارد عدم نفوذ Close کندل دوم در بدنه اصلی کندل اول در الگوی حمله متقابل است. در نتیجه الگوی Piercing الگوی قدرتمند تری نیست به الگوی Counterattck به حساب می آید. همچنین الگوی حمله متقابل شبیه به الگوی In-neek که در شکل ۴,۳۱ آنرا دیدید می باشد. با این تفاوت که کندل سفید در الگوی Counterattack کندل بلندی است، یا به عبارت دیگر با فاصله زیادتری از کندل روز قبل باز می شود. در صورتی که در الگوی In-neek بازار با فاصله کمتری از کندل سیاه قبل باز می شود و در نهایت کندل سفید کوچکتری را می سازد. به خاطر همین الگوی In-neek قدرتی که الگوی Counterattack در مهار روند نزولی را داراست، ندارد.

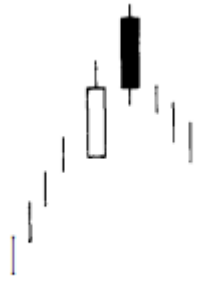


EXHIBIT 6.39. Bearish Counterattack Line

شکل ۶،۳۹ فرم الگوی Bearish Counterattack Lines را به نمایش می گذارد. این الگو یک معکوس ساز در راس است. کندل اول یک کندل بلند سفید است. در این هنگام جنبش و تقلای گاوها هنوز به خوبی قابل مشاهده است. در Session بعدی بازار با گپی بالاتر باز می شود. سپس خرس ها وارد نبرد می شوند و قیمت را به پایین هل می دهند و تا نزدیکی های Close دیروز به پیش می برند.

در این هنگام به احتمال زیاد جنب و جوش خریداران خوش بینی که قیمت Open امروز را دیده بوده و خرید کرده اند، اکنون به دلهره و ترس تبدیل شده است. همان طور که خطوط Bullish Counterattack شبیه به الگوی نافذ (Piercing Pattern) است، الگوی Bearish Counterattack Lines هم شبیه به الگوی ابر سیاه (Dark Cloud Cover) است. اما به لحاظ اینکه در روز دوم در الگوی ابر سیاه شاهد نفوذ قیمت به داخل بدنه اصلی روز اول هستیم، در نتیجه این الگو قدرت بیشتری در معکوس سازی روند نسبت به الگوی پایین آورنده حمل متقابل دارد. در الگوی حمله متقابل (چه Bullish و چه Bearish)، بازار به سرعت و با فاصله زیادی از Session روز قبل در مسیر روند باز می شود. سپس با دیدن قیمت در نزدیکی Close قیمت دیروز سورپرایز و غافلگیر می شود.

کندل استیک بلند سفید ۲۹ می در شکل ۶،۴۰ حرکت گاوها که از یک هفته قبل آغاز شده بود را تقویت می کند. قطعا بازار در ۳۰ می برای بالاتر رفتن اوج برداشته و در فاصله ای بالا باز می شود. ولی غافل از اینکه سرشویی سقوط از همان نقطه آغاز شده است. و این سرشویی با نزدیک شدن قیمت Close به Close دیروز تندتر هم شده است. در این دو روز یک الگوی حمله متقابل شکل گرفت.

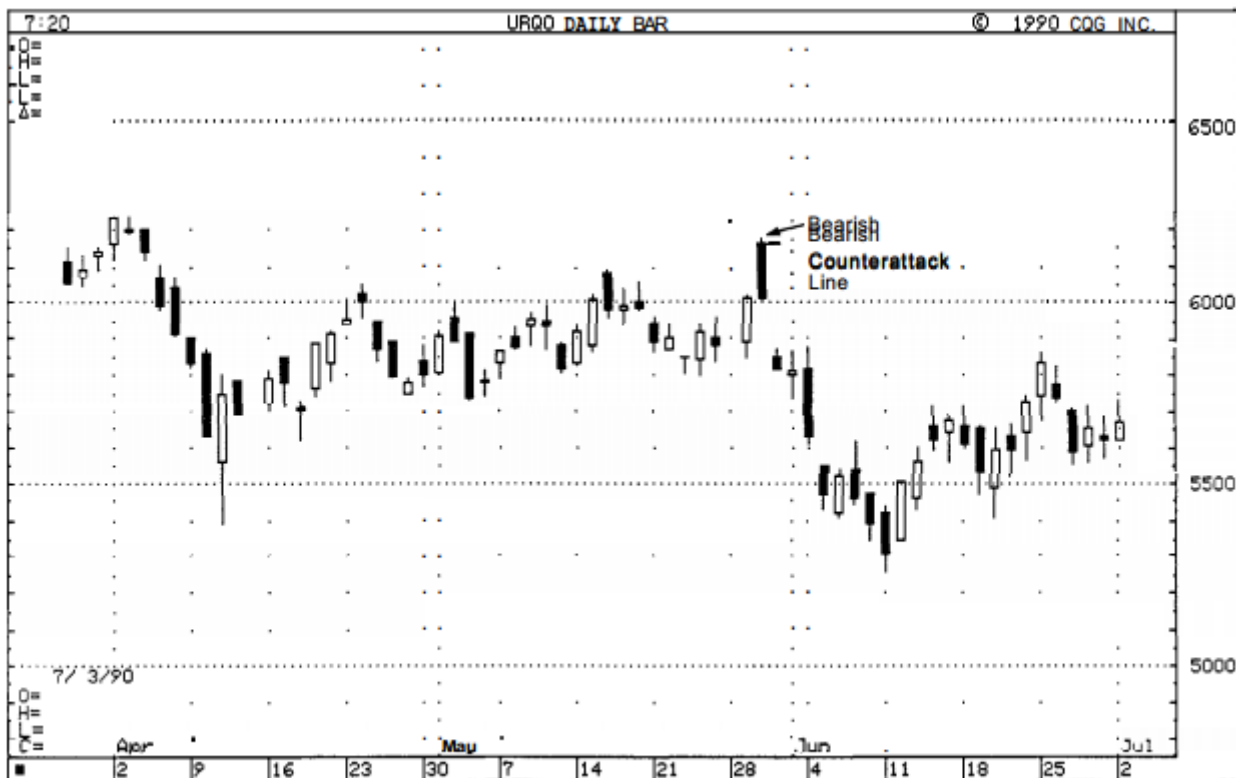


EXHIBIT 6.

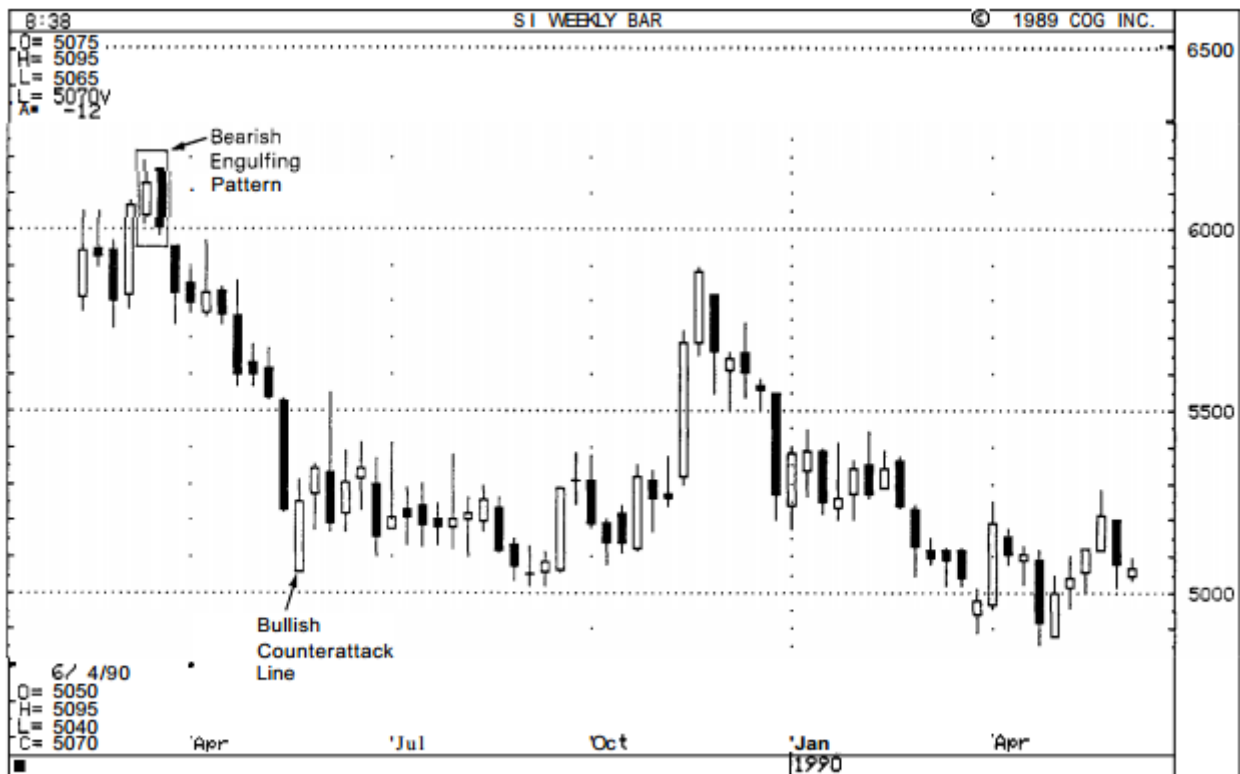
شکل ۶،۴۱ یک رالی صعودی را نشان می دهد که با الگوی Bearish Counterattack Lines خاتمه یافته است.



EXHIBIT 6.41. Yen—Weekly 1990 (Bearish Counterattack Line)

Source: Quick 10E Information Systems

در شکل ۶،۴۲ سقوط قیمت ها با یک الگوی فراگیر (Bearish Engulfing) آغاز شد. و چند روز بعد با یک حمله متقابل پاسخ داده شد. البته باید این نکته را به یاد داشته باشید که تمام الگوی های معکوس ساز روند (شبیه به الگوی حمله متقابل) به شما می گویند که روند تغییر خواهد کرد، و این تغییر شامل ورود به حالت یا فاز سایه هم خواهد بود. همچنین این مثال نشان می دهد که قیمت های Close لازم نیست که دقیقاً با هم یکسان و در یک سطح باشند.



در شکل ۶،۴۳ زمانی که قیمت ها با برخورد به یک شهاب سنگ دچار ریزش شدند، بازار تا ظهور یک الگوی معکوس ساز دیگر به پایین سرازیر شد. بله یک الگوی حمله متقابل. یک ویژگی دیگر که این الگو را شاخص تر می کرد این بود که در روز دوم بازار به زیر قیمت های اواسط جولای و همین طور اوایل آگوست که یک منطقه حمایت را شکل داده بودند، باز شد. اما در نهایت LOW های جدید نتوانستند پایدار بمانند و این نشان می دهد که خرس ها در کنترل بازار ناموفق بوده اند.



EXHIBIT 6.43. Live Cattle—October 1990, Daily (Bullish Counterattack Line)

سه کوه و سه رود Three Mountains & Three Rivers

یک سری از الگوهای طولانی تر در راس ها یا ته ها وجود دارند به نام سه کوه، سه رود، سه راس بودا، سه بودای واژگون، راس های کوتاه و گرد، ته های ماهیتابه ای، و راس ها و ته های برج مانند.

اگر بازار از یک قیمت بالا سه بار به پایین برگردد، این یک راس سه کوه فرض می شود (شکل ۶،۴۴). نقطه بالایی آخرین کوه باید با یک علامت کندل استیکی Bearish تایید شود (برای مثال یک دوجی یا یک ابر سیاه).



اگر کوه وسطی بلندتر از دو کوه مجاور باشد، به این الگو سه راس بودا گفته می شود. (شکل ۶,۴۵)



EXHIBIT 6.45. Three Buddha Top

دلیل انتخاب این نام این است که در معابد بودا یک مجسمه



EXHIBIT 6.46. Three River Bottom

از بودا وجود دارد که از دیگر مجسمه ها بلند تر و در واقع مقدس تر است. اگرچه سه راس بودا مشابه الگوی سر و شانه غربی است ولی این الگو بیش از ۱۰۰ سال زودتر از آنکه الگوی سر و شانه در آمریکا شناخته شود، در ژاپن استفاده می شد.

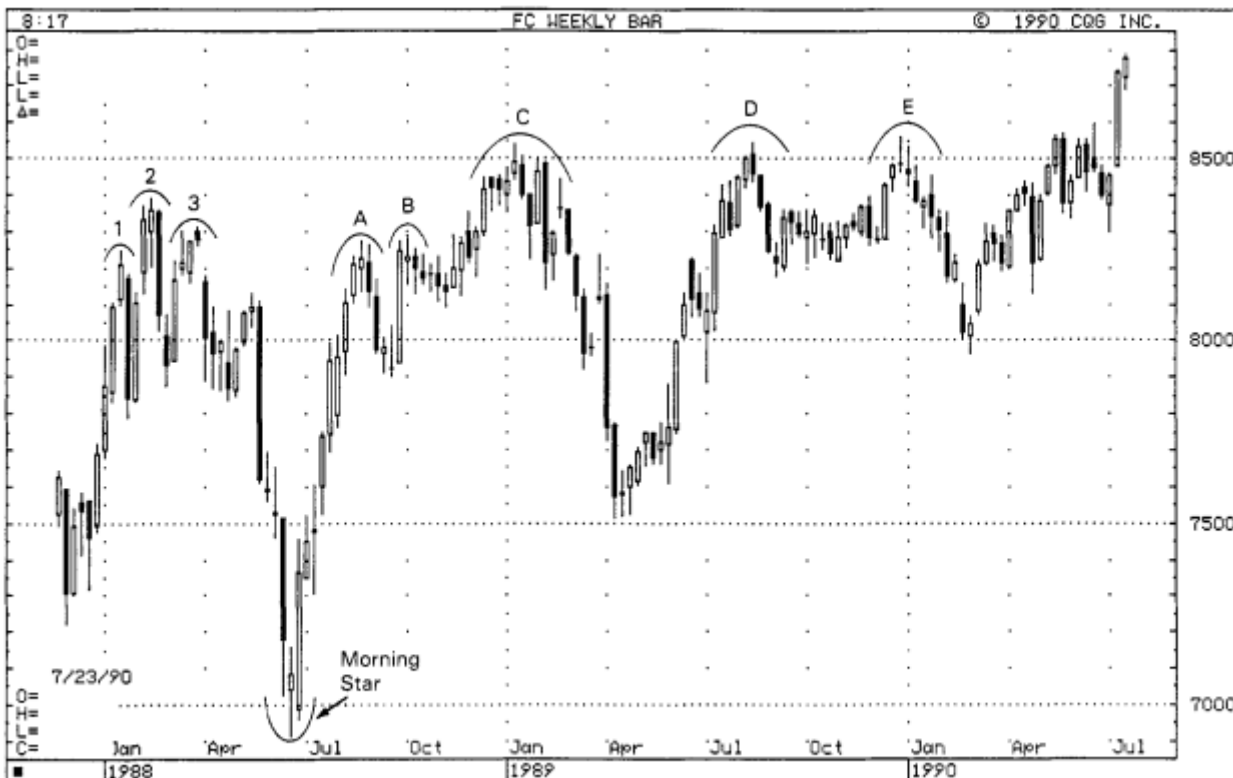


EXHIBIT 6.47. Inverted Three Buddha

الگوی انتهای سه رودخانه حالت معکوس الگوی راس سه کوه است. این الگو زمانی ظاهر می شود که بازار یک قیمت پایین را سه بار تست کند. (شکل ۶,۴۶)

الگوی معکوس سه راس بودا، الگوی سه بودای واژگون است که در شکل ۶,۴۷ فرم اصلی آن را می بینید.

شکل ۶,۴۸ نمونه های خوبی از الگو های سه کوه و سه راس بودا را در خود جای داده است. الگوی سه راس بودا (1,2,3) در کوه سوم با یک ستاره عصرگاهی به پایان رسید و چندی بعد ستاره صبحگاهی روند نزولی را جمع کرد. الگوی بعدی (A,B,C) یک الگوی سه کوه بود اما با نقاط High ی جدید در قله هر کوه. این الگو نیز با یک ستاره عصرگاهی به پایان رسید. و بالاخره در نقاط C,D,E شاهد شکل گیری یک الگوی سه کوه هستیم. در نقطه D بازار با یک ابر سیاه و در نقطه E با یک Hanging Man که توسط یک دوجی تایید شد، تغییر مسیر



داد.

EXHIBIT 6.

در این شکل هر کدام از سه کوه نمایانگر یک سند کندل استیکی پایین آورنده است. در نقاط ۱ و ۳ الگوی فراگیر پایین آورنده و در نقطه ۲ یک مرد آویزان که با یک دوجی دنبال شده، دیده می شود.



EXHIBIT 6.49. Live Hogs — August 1990, Daily (Three Mountain Top)

از زمانی که کوه وسطی در شکل ۶،۵۰ بعنوان بلند ترین قله شکل گرفت آنرا به یک الگوی کوه بودا تبدیل کرد. بدنه اصلی سیاه در میان بدنه اصلی سفید قبلی در کوه بودا، یک Harami را بوجود آورد. کوه آخر هم توسط یک الگوی قدرتمند Bearish Engulfing کار را تمام کرد.



Source: Bloomberg L.P.

EXHIBIT 6.50. CDS Weekly (Three Buddha Top)

در شکل ۶,۵۱ شاهد یک الگوی کوه بودای واژگون و یک کوه بودای راس هستیم. هر کدام از این ته ها در نقاط A و B و C دارای یک علامت کندل استیکی بالابرنده بودند. در نقطه A یک چکش، در نقطه B چکشی دیگر که خود جزئی از یک ستاره صبحگاهی بود و در قسمت C یک الگوی نافذ ظهور پیدا کرد. وقتی که بالابرنده ها از مقاومت خط شیب دار فاصله گرفتند مسیر روند صعودی شکل گرفته تثبیت شد.

ژاپنی ها به این فاصله ها پنجره می گویند. آنها فاصله ها را به عنوان الگوهای ادامه دار (Continuation) در نظر می گیرند.

در نقاط ۱ و ۲ و ۳ هم الگوی سه راس بودا شکل گرفت.



EXHIBIT 6.51. Crude Oil—Weekly (Inverted Three Buddha Bottom and Three Buddha Top)

شکل ۶,۵۲ یک الگوی کوه بودای واژگون را نشان می دهد. جایی که مقاومت قیمت بعد از کوه سوم شکسته شد، خط مقاومت این الگو بود. در این شکل توجه می کنید که چطور این خط مقاومت بعد از شکسته شدن خود به یک سطح حمایتی تبدیل شد؟

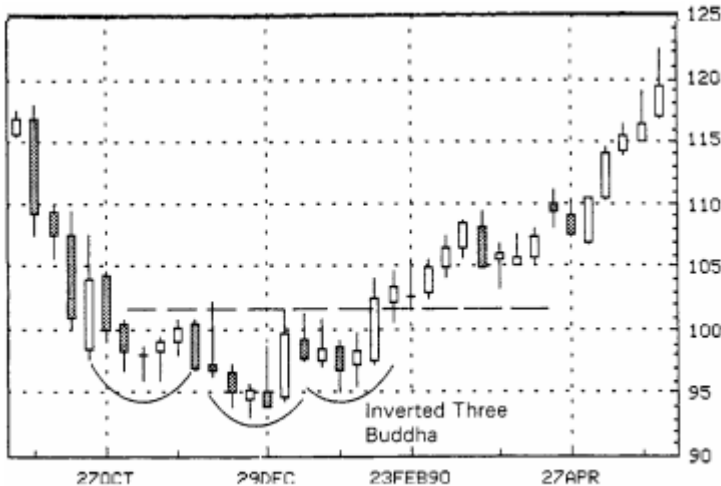


EXHIBIT 6.52. IBM—Weekly (Inverted

Sol



اهمیت عدد ۳ در تحلیل کندل استیک ها

شاید اهمیت راسها و ته های سه گانه از نظر ژاپنی ها بدلیل اهمیت عدد ۳ در فرهنگ ژاپن باشد. مفاهیم، الگو ها و تکنیک های زیادی وجود دارند که در تحلیل تکنیکی غربی و ژاپنی بر روی عدد ۳ پایه گذاری شده اند. این عدد نقش مهمی در بسیاری از دیدگاه های تکنیکی بازی می کند. برای مثال می توان گفت :

بازار های بالا برنده و پایین آورنده ۳ جنبه یا سه حالت دارند - ۳ نوع فاصله در الگو های معکوس وجود دارد مثل راس سه گانه، سر و شانه که شامل سه قله است - سه مسیر روند وجود دارد، صعودی، نزولی و سایه - در میان الگو های ادامه دهنده روند سه نوع مثلث وجود دارد، متقارن، صعود کننده و سقوط کننده - ۳ اصل در مبدا اطلاعات وجود دارد، حجم، قیمت و سود.

به دلایل دیگر شماره ۳ نقش برجسته ای در طول تمامی تحلیل های تکنیکی بازی می کند.

در ژاپن قبل از توسعه، عدد ۳ نشان از یک همبستگی بود و معنی عرفانی داشت. ضرب المثلی وجود دارد :: سه بار خوش شانس :: که این عقیده را تایید می کند. در ضمن همانطور که عدد ۳ بعنوان شانس تقلی می شود، عدد ۴ بعنوان یک چهره منفور در نظر گرفته می شود. دلیل این اعتقاد برای اثبات کردن ساده است. در بین ژاپنی ها تلفظ عدد ۴ و کلمه مرگ مشابه یگدیگر هستند.

تکرار های عدد ۳ در نمودار های کندل استیک عبارتند از :

۳ سرباز سفید که یک حرکت به بالا را خبر می دهد. ۳ کندل مشکی نحس که یک سقوط قیمت را پیش بینی می کند. الگوی های راس سه کوه، کوه بودا، سه رود، بودای واژگون. ۳ پنجره که گستردگی یک حرکت را تعیین می کند. ۳ روش یا ۳ متد (که در فصل ۷ خواهید دید) و در نهایت تمام الگو هایی که با سه کندل استیک کامل می شوند همچون ستاره ها.

همچنین ژاپنی ها اعتقاد دارند که اگر یک پنجره در یک روند صعودی در طول سه روز یا ۳ کندل بسته نشده باشد در آن صورت بازار به سمت بالا حرکت خواهد کرد.

این ها همه نشانه هایی از اهمیت عدد ۳ را به ما نشان می دهند و این که چقدر باید در تحلیل ها و بررسی های خود به این نکات ریز دقت داشته باشیم.

راس های کوتاه گرد و ته های ماهیتابه ای Dumpling Tops & Frypan Bottoms

راس های گرد و کوتاه معمولا دارای بدنه های اصلی کوچک هستند و بازار یک الگوی محدب و برجسته را می سازد. (شکل ۶,۵۳).

وقتی که بازار در قسمت پایین تر و با فاصله باز می شود، تاییدی برای الگوی راس گرد و کوتاه یا همان Dumpling است. این الگو مشابه الگوی راس گرد غربی (Rounded Top) است. این الگو برای اثبات خود باید یک فاصله به طرف پایین داشته باشد.

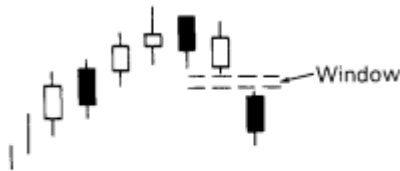


EXHIBIT 6.53. Dumpling Top

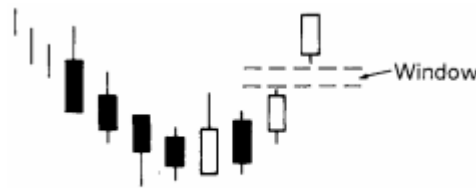


EXHIBIT 6.54. Fry Pan Bottom

الگوی ته ماهیتابه ای (شکل ۶,۵۴)

بازاری را نشان می دهد که به سمت

تشکیل یک نقطه کف می رود. فعالیت

قیمت در این الگو حالت مقعر به خود می

گیرد. در این الگو نیز همانند الگوی قبلی باید برای اثبات آن یک فاصله در قسمت بالای الگو ظاهر شود تا تاییدی برای یک انتها باشد.

وقتی که بازار به نقاط بالایی می رسد و کندل هایی با بدنه های اصلی کوچک شکل می گیرد، در حال نوید دادن الگوی راس گرد یا همان

Dumpling می باشد (شکل ۶,۵۵). توجه کنید که چطور یک ستاره دوجی در راس بازار شکل گرفت و چند روز بعد از آن بازار با یک پنجره

الگوی Dumpling را تایید کرد. در واقع کندل سیاه بزرگی که بعد از پنجره شکل گرفت همان الگوی Belt-Hold یا کمر بند بود که خود

دلیل دیگری برای نزول و ریزش بیشتر بود.



EXH

در شکل ۶,۵۶ شاهد شکل گیری یک الگوی ته ماهیتابه ای هستیم. توجه کنید که نقاط پایین این الگو در ۲۷ و ۲۸ آپریل یک الگوی Harami را تشکیل داد.

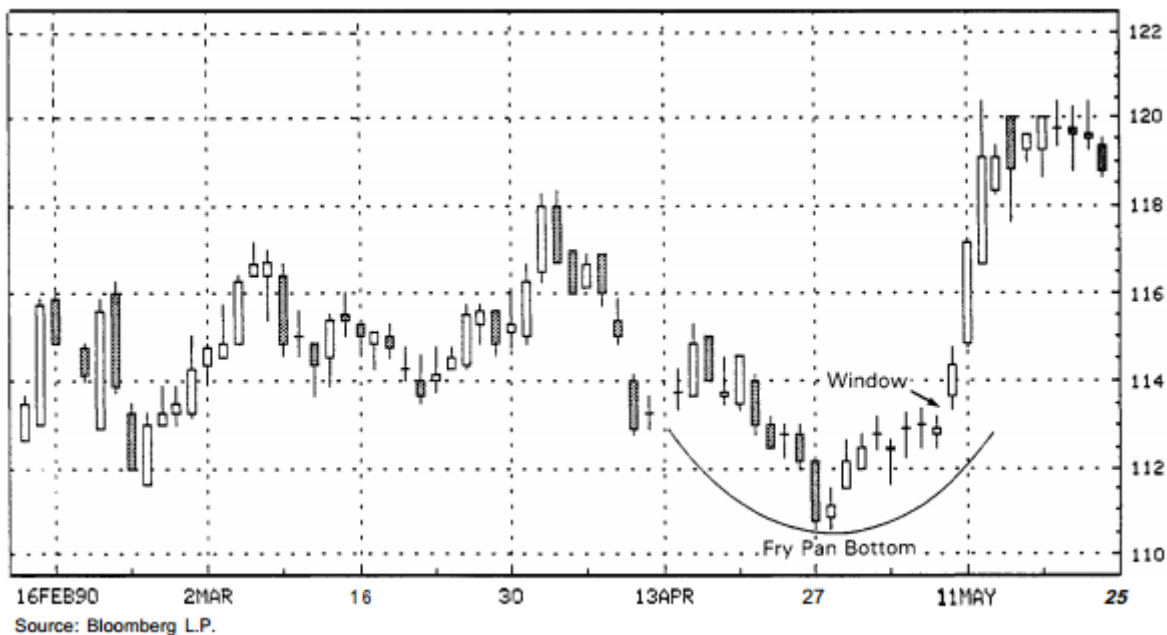
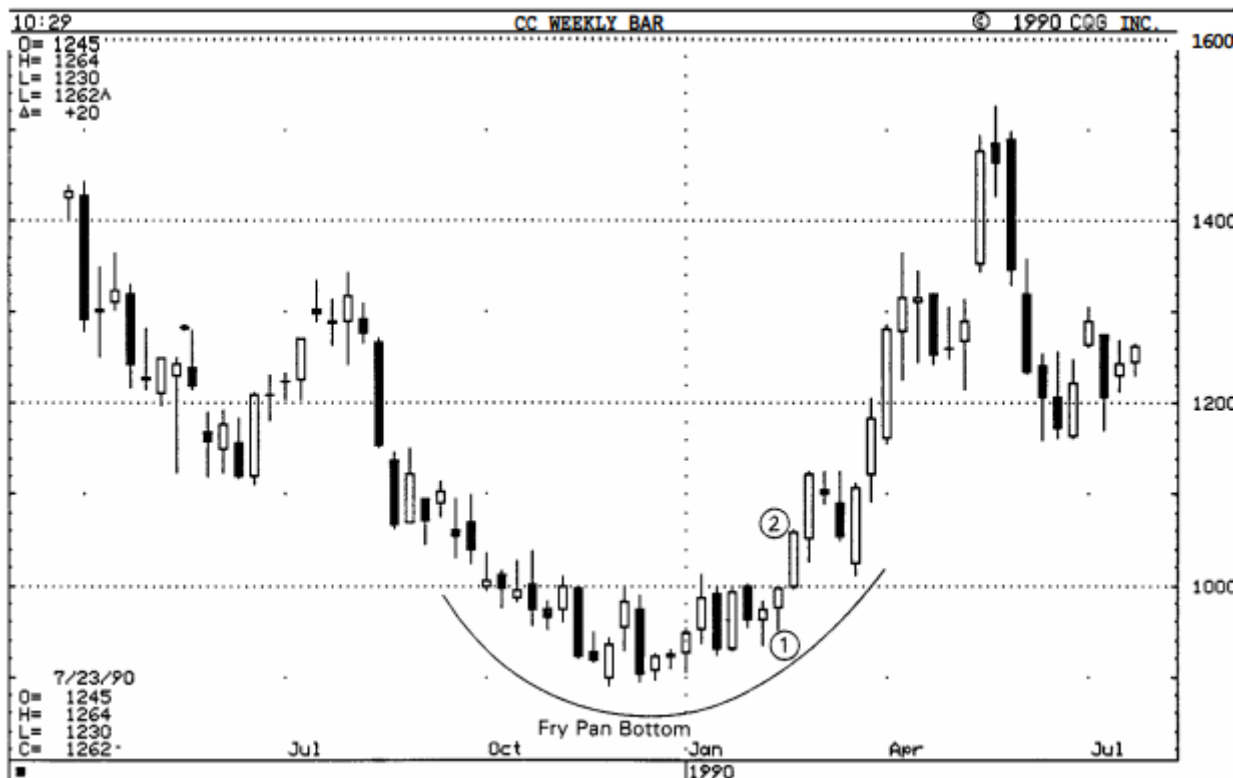


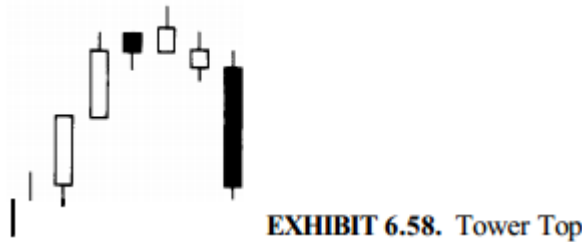
EXHIBIT 6.56. Atlantic Richfield—1990, Daily (Fry Pan Bottom)

شکل ۶,۵۷ نمونه جالبی از الگوی Frypan Bottom را نشان می دهد. تایید بالا برندگی توسط کندل استیک شماره ۲ انجام شد. اگرچه بازار یک فاصله بین کندل های ۱ و ۲ نداشت ولی شکل گیری همین خط کمربند قدرتمند خود می توانست الگو را تایید کند.

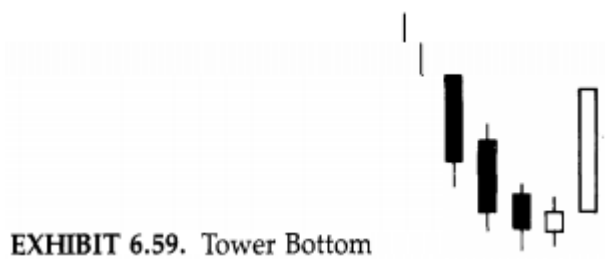


راس ها و ته های برجی شکل Tower Tops & Tower Bottoms

راس برجی شکل یک الگوی معکوس ساز در روند صعودی است. زمانی که بازار در حال صعود است یک کندل سفید قوی (یا یک دسته کندل های سفید و قدرتمند) ظاهر می شود. صعود بازار پس از آن آرام می شود و قیمت های بالا شروع به سقوط و افت می کنند. این الگو با ظهور یک یا چند کندل مشکی بلند کامل می شود. (شکل ۶,۵۸)

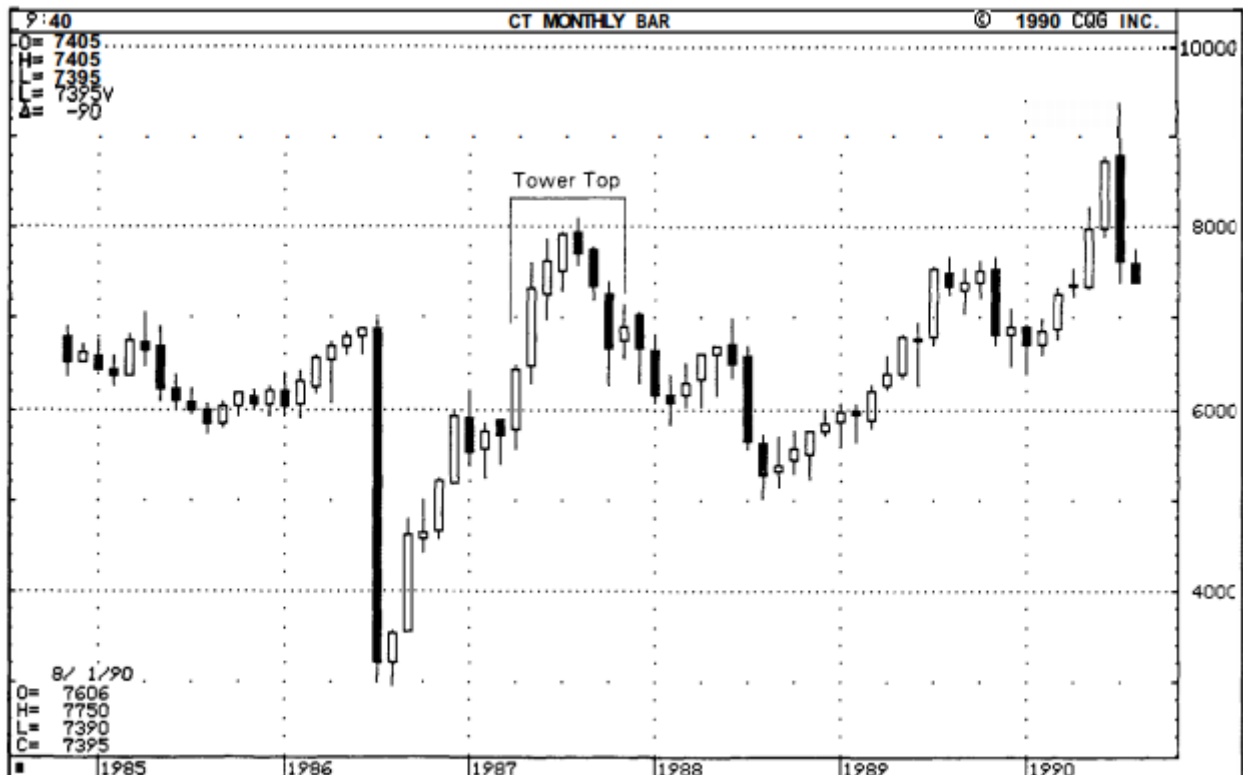


الگوی ته برجی شکل در سطوح پایین قیمت رخ می دهد. بعد از یک یا چند کندل بلند مشکی یک دوره کوتاه و Lull (سکون و آرامش) وجود دارد. سپس یک یا چند کندل استیک بلند ظاهر می شود. این فرم کندل ها یک ته را می سازد با برجهایی در دو طرف آن. (شکل ۶,۵۹)



کندل های سیاه بلندی در یک طرف برج و کندل های بلند سفیدی در طرف دیگر برج پدید آمده اند.

شکل ۶,۶۰ یک گروه از کندل استیک های سفید قدرتمندی را نشان می دهد که از نیمه اول تا دوم سال ۸۷ ظاهر شدند. پس از آن یک گروه از کندل استیک های مشکی قوی بوجود آمدند. کندل های سفید سمت چپ برج را ساختند و کندل های سیاه سمت راست آن را. سه کندل سیاه در راس برج نیز همانند الگوی سه کلاغ سیاه بودند.



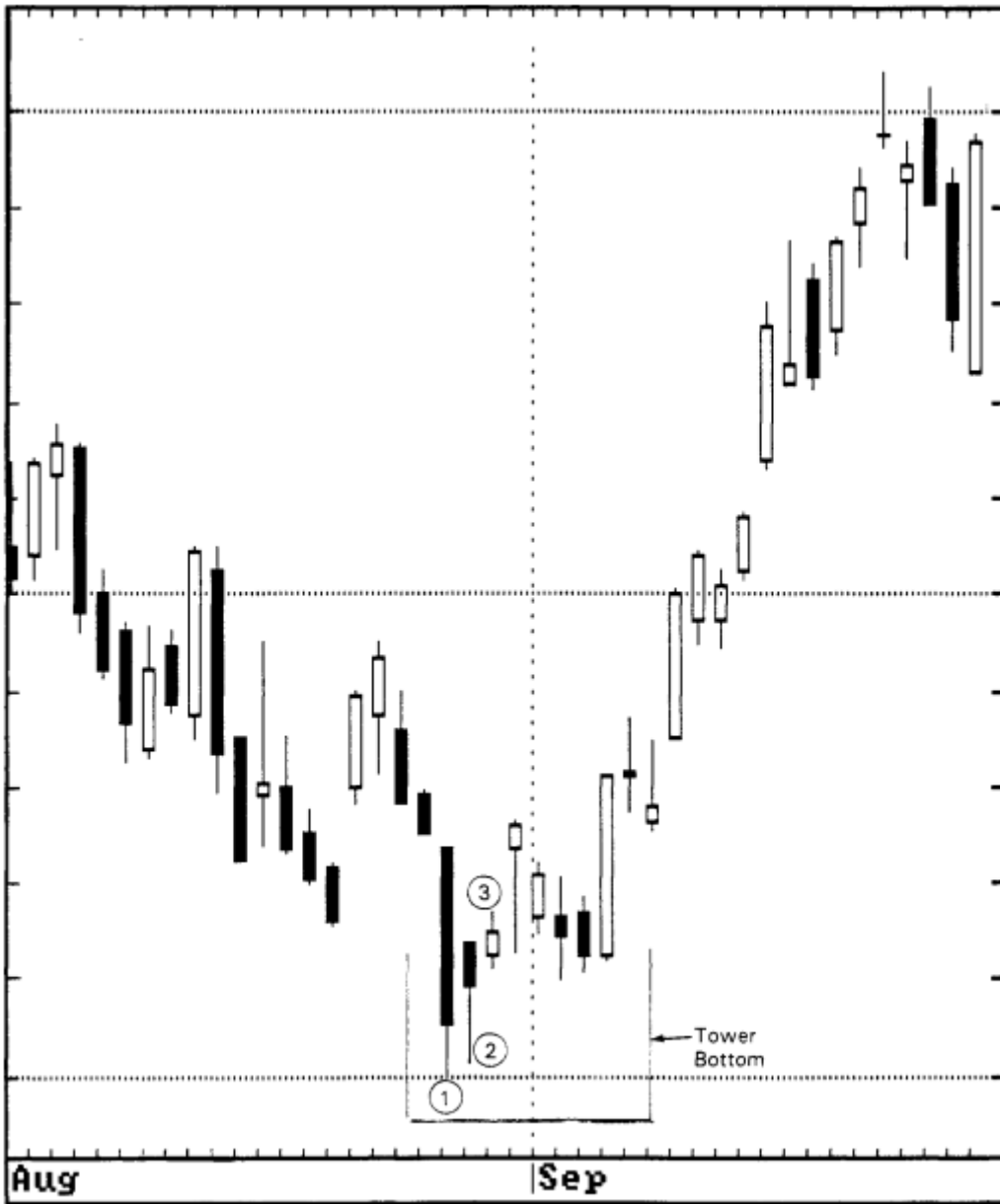


EXHIBIT 6.61. Sugar—May 1990, Daily (Tower Bottom)

شکل ۶۶۱ دو الگو را نشان می دهد. یکی الگوی ته برج مانند و دیگری یک الگوی معکوس ساز انتها که تا اینجا هنوز هیچ بحثی در مورد آن نکرده ام، الگویی به نام سه رودخانه منحصر به فرد انتهایی. Unique Three River Bottom.

اول بگذارید الگوی ته برجی شکل را توضیح دهم: یک کندل بلند سیاه در ۲۸ آگوست و پس از آن تعدادی کندل استیک کوچک و در نهایت کندل استیک بلند سفیدی که در هفتم سپتامبر پدید آمد الگوی ته برجی شکل را کامل کردند.

به سه کندل شماره ۱ و ۲ و ۳ نگاه کنید. این ها الگوی سه رودخانه

منحصر به فرد انتهایی را ساختند. الگویی که از آن به عنوان الگوی سه رود انتهایی اصلاح شده نیز یاد می شود. (شکل ۶۶۲)

نزدیک ترین تشابه کندل استیکی برای آن، الگوی ستاره عصرگاهی است. این الگو یک معکوس ساز در انتهاست. کندل اول یک بدنه بلند سیاه دارد. دومین کندل هم مشکی رنگ است ولی بالاتر از قیمت Close روز قبل بسته می شود. و در نهایت سومین کندل یک کندل سفید خیلی کوچک است. این کندل آخر نشان می دهد که فشار فروش به پایان رسیده است و بازار در یک انتها قرار گرفته است.

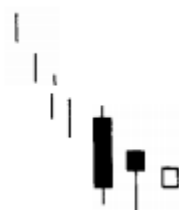


EXHIBIT 6.62. Modified Three River Bottom

فصل هفتم

運は勇者を助く

تقدیر با دلاوران همراه است. Fate Aids the Courageous.

الگوهای ادامه دهنده Continuation Patterns

اکثر سیگنال های کندل استیک روند را معکوس می کنند. با این حال گروهی از الگوها هستند که سیگنال هایی مبنی بر ادامه روند می دهند. یک عبارت ژاپنی می گوید: زمان هایی برای خرید، زمان هایی برای فروش و زمان هایی برای استراحت. بسیاری از این الگوها یک زمان استراحت و نفس کشیدن را برای بازار قبل از اینکه دوباره روند قبلی خود را ادامه دهد، نشان می دهند. ساختار های ادامه دهنده ای که در این فصل مرور می شوند عبارتند از: پنجره (Window) یا فاصله ها، الگوی سه متد یا سه روش صعودی و نزولی و الگوی سه سرباز سفید.

پنجره ها Windows

همانطور که قبلاً ذکر شد، ژاپنی ها به فاصله، یک پنجره می گویند. بنابراین وقتی غربی ها می گویند: فاصله پر شد (Filling in the Gap)، ژاپنی ها می گویند: پنجره بسته شد (Closing the Window) در این بخش من اصول ابتدایی پنجره ها را بیان خواهم کرد و بعد از آن الگوهای ادامه دهنده دیگر که شامل یک پنجره هستند را خواهیم گفت. این الگوها عبارتند از فاصله های تاسوکی، بازی فاصله ها و خطوط سفید دوطرفه یا دو جانبه.

یک پنجره فاصله ایست میان دو قیمت High و Low در دو Session متوالی. به عبارتی دیگر یک پنجره فاصله ایست که در آن هیچ کجای

دو کندل متوالی یکدیگر را

لمس نکرده باشند.



EXHIBIT 7



abcBourse.ir



@abcBourse_ir

مرجع آموزش بورس



باز نشر:

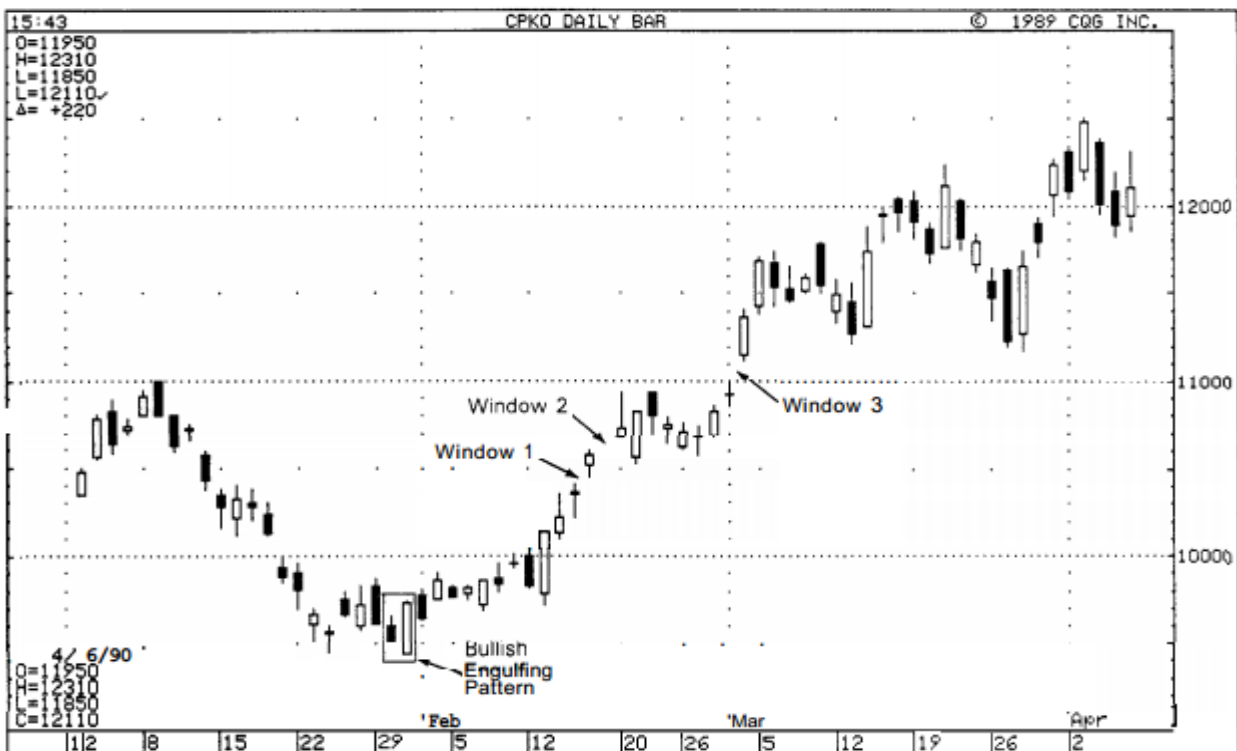
ژاپنی ها می گویند که حرکت در مسیر پنجره ادامه میابد. همچنین پنجره ها می توانند تبدیل به مناطق حمایت و مقاومت شوند. بنابراین یک پنجره در یک حرکت رو به بالا، یک صعود مجدد را بیان می کند. همینطور این پنجره می تواند یک مانع برای برگشتن به عقب باشد. اگر حرکت به عقب پنجره را ببندد و فشار فروش بعد از بسته شدن پنجره ادامه یابد، باید گفت که روند صعودی قبل به پایان رسیده است.

در مسیر نزولی هم شیوه به همین منوال است.

تحلیل تکنیکی قدیم ژاپن (کندل ها) اقرار می کند که حرکت اصلاحی، به عقب تا پنجره باز می گردد (روند برای تصحیح به سطح پنجره بر می گردد).

پنجره های شماره ۱ و ۲ در شکل ۷،۳ وسط یک حرکت صعودی که با الگوی Engulfing شروع شده بود، بوجود آمدند. یک شهاب سنگ بعد از پنجره شماره ۲ به این روند اصابت کرد. بازار در کندل بعد از شهاب سنگ پایین تر باز شد و در نتیجه پنجره را بست (یا فاصله را پر کرد). این مفهوم را همیشه به خاطر داشته باشید که : روند برای تصحیحاتی به عقب باز می گردد. پس این نکته تا موقع بسته شدن پنجره نباید موجب سردرگمی و حیرت شود. اگر پنجره بسته شده است و فشار فروش همچنان ادامه دارد در این صورت پایان روند صعودی خبر داده شده است. در این مثال با بسته شدن پنجره فشار فروش سست شد، به اضافه اینکه خط حمایت در نگهداری پنجره مفید واقع شد.

در طی هفته ۲۰ فوریه بازار قدم های کوتاهی را به این سو و آن سو برداشت و دوباره خط حمایت در پنجره ۲ را تست کرد. بعد از این تست موفق بازار به جلو کشیده شد تا جایی که پنجره شماره ۳ را باز کرد. در طول ماه مارس، این منطقه جای پای محکمی را برای بالا برنده ها فراهم کرد. ژاپنی ها عقیده دارند که پنجره ها در یک باند متراکم یا در قیمت های بالای جدید توجه خاصی را می طلبند.



شکل ۷،۴ را ببینید. یک پنجره در اوایل مارس و قیمت بالای ۱،۵ دلار شکست مشخصی در بالای منطقه متراکم و طولانی مدت ماهیانه بود. حال خط حمایتی بوجود آمده است که از دو جنبه دارای اهمیت است: یک حمایت توسط پنجره و دیگری تبدیل مقاومت به حمایت جدید. مشاهده می کنید که این حمایت قوی در ماه های بعد هم نقش خود را به خوبی ایفا کرد. یک Harami روند نزولی قبل را درست در همین خط حمایت متوقف کرد. پس از آن یک Engulfing شکل گرفت و دوباره چند روز بعد در همین خط حمایت یک چکش واژگون بوجود آمد.

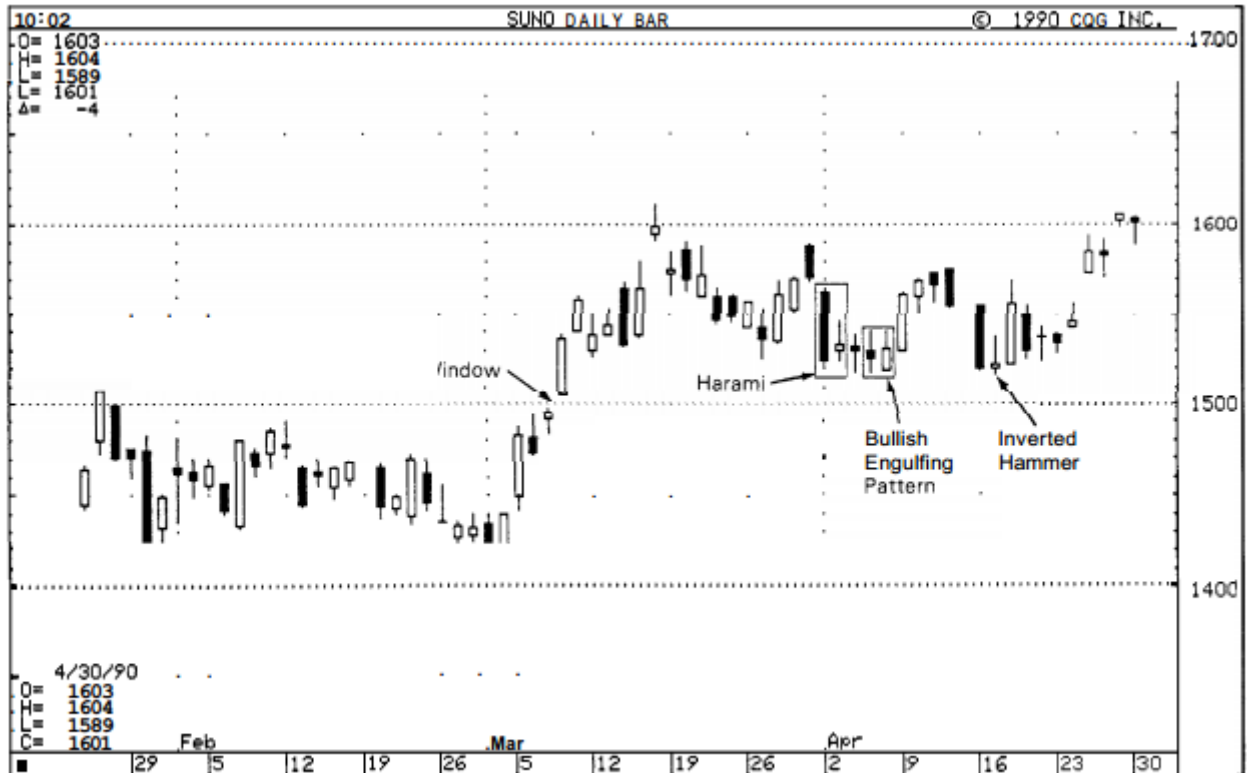


EXHIBIT 7.4. Sugar—July 1990, Daily (Window as Support)

در مارس ۱۹۸۸ یک الگوی بالا برنده فراگیر حرکت به بالایی را خبر می دهد. یک پنجره در طول این حرکت باز شد. این حرکت به بالا تا الگوی پایین آورنده حمله متقابل (Counterattack Line) پیشروی کرد. می بینید که پنجره به عنوان حمایتی برای ۵ هفته متوالی حفظ شد، اما اصرار فروش بعد از بسته شدن پنجره روند صعودی را باطل کرد.

پس کانون این بخش استفاده از پنجره به عنوان یک سطح حمایت کننده یا مقاومت کننده و همچنین یک علامت ادامه دهنده روند می باشد. یک مورد استفاده دیگر هم دارد که در شکل ۷،۶ شاهدش هستیم.

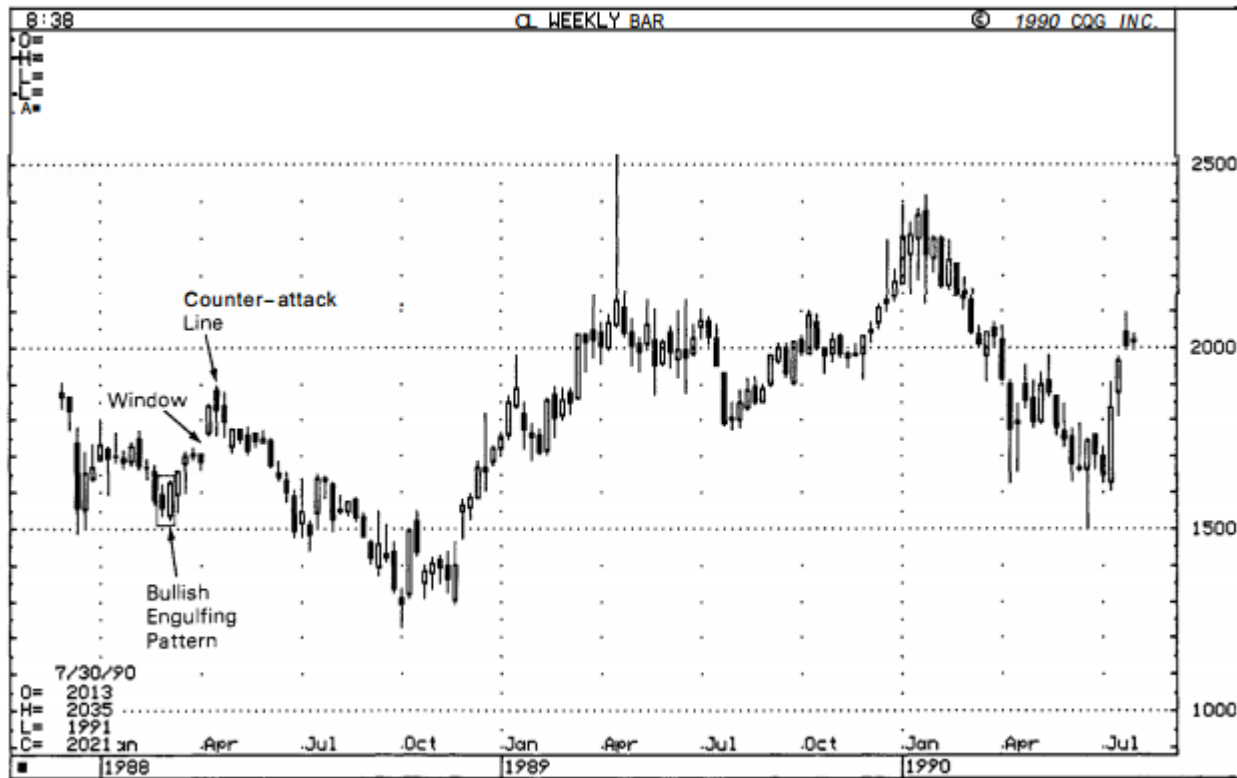
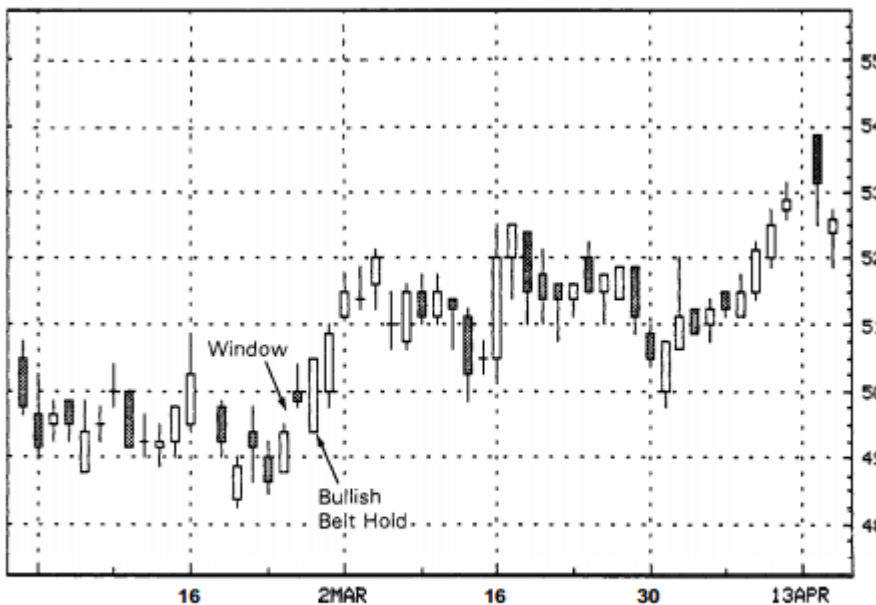


EXHIBIT 7.5. Crude Oil—Weekly (Window as Support)

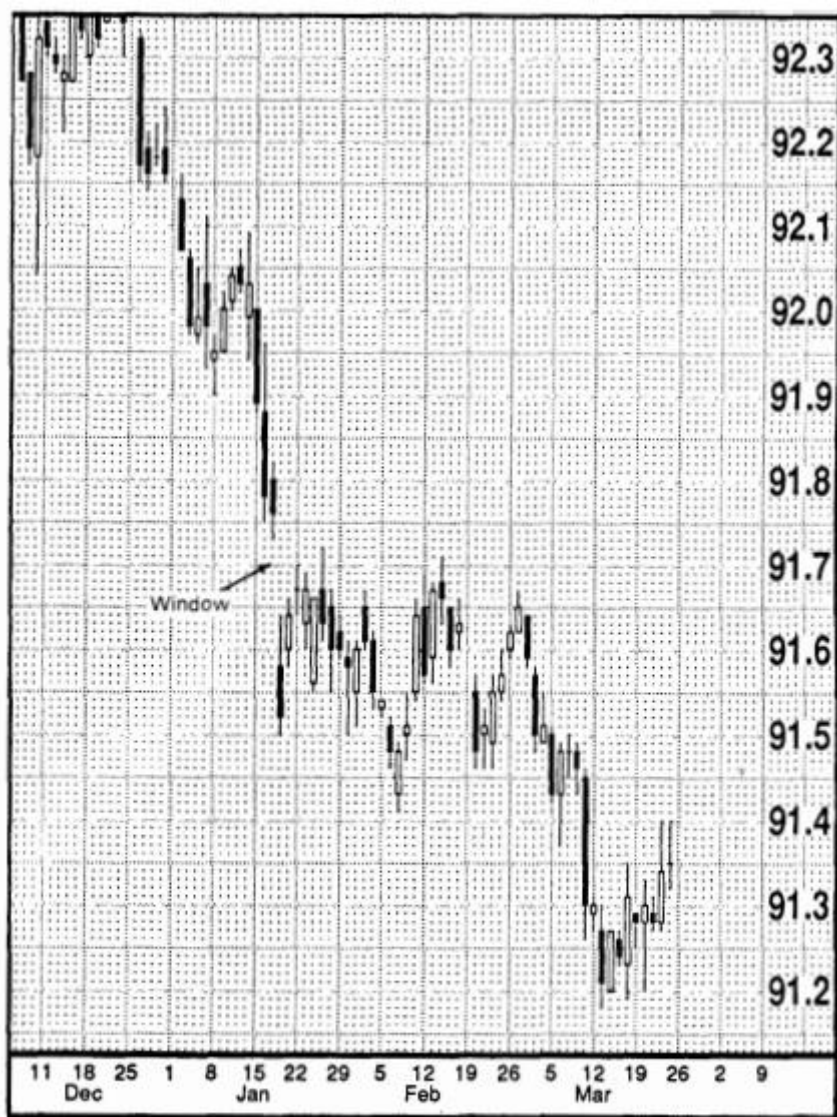


Source: Bloomberg L.P.

EXHIBIT 7.6. International Paper—Daily 1990 (Window from a Low Price Cong

یک پنجره مخصوصا اگر با یک کندل مشکی کوچک در یک منطقه متراکم از سطوح قیمتی پایین ساخته شود، می تواند معنی شکست در سطوح بالا را نشان دهد. این پنجره به عنوان خط حمایتی بخش بعد تایید شد. در ۲۶ فوریه بازار تنها پنجره را به عنوان خط حمایت نگه داشت، بلکه یک نوع قوی از کندل استیک (خط کمر بند بالا برنده) را تولید کرد.

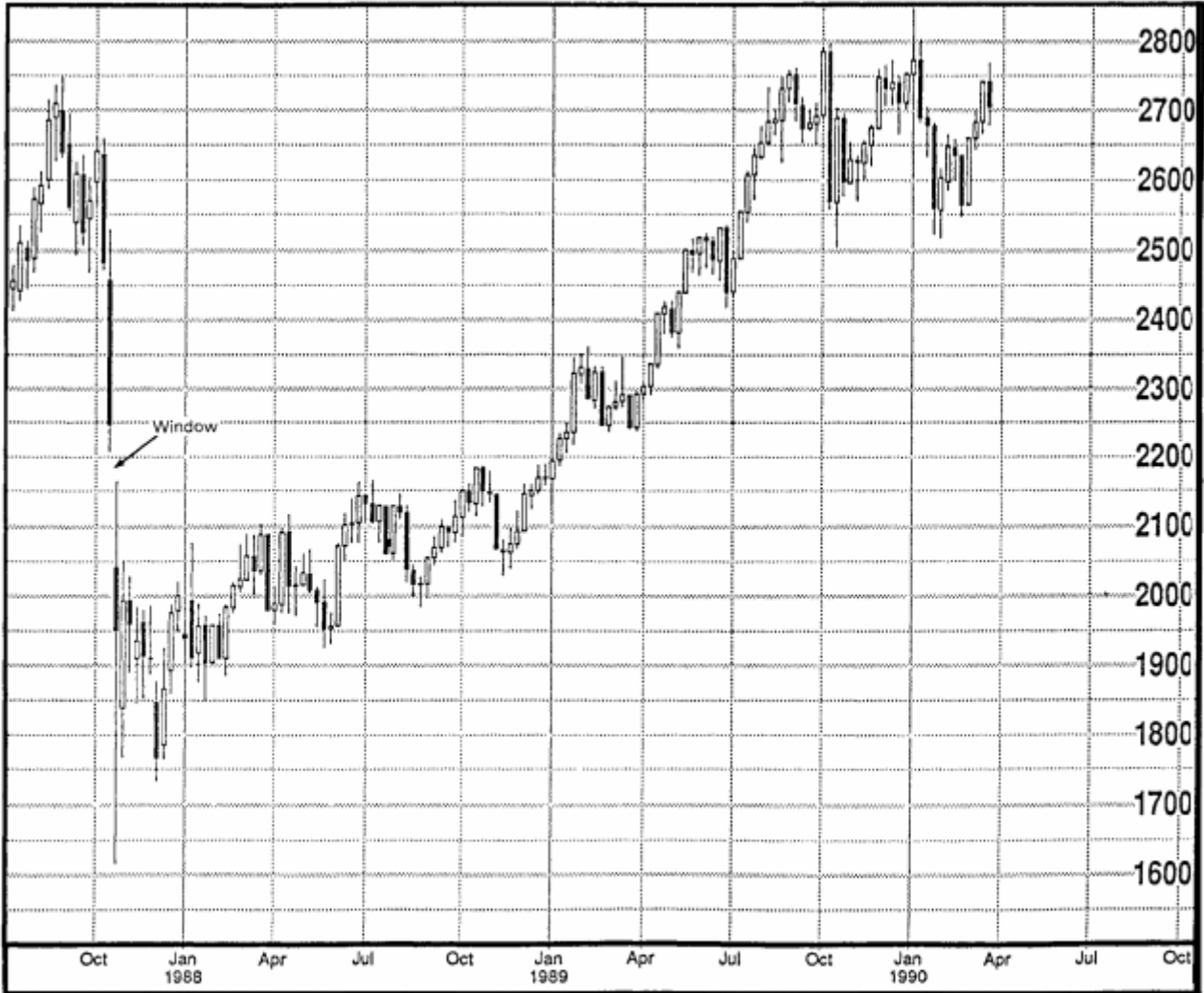
یک پنجره بزرگ در اواسط ژانویه همانطور که در این شکل می بینید بوجود آمد. از اواخر ژانویه تا اواخر فوریه حرکت های برگشتی زیادی تا سطح این پنجره وجود داشت. (اصلاحات تا پنجره باز می گردند.) هرکدام از این حرکات رو به بالا، وقتی که به نزدیکی خط مقاومت پنجره میرسند توان ادامه مسیر را از دست می دهند.



Source: ©Copyright 1990 Commodity Trend ServiceTM

EXHIBIT 7.7. Eurodollar — June 1990, Daily (Window as Resistance)

به نمودار Dow در شکل ۷,۸ نگاه کنید. سقوط عجیب سال ۸۷ یک پنجره را در سطوح ۲۱۵۰ تا ۲۲۰۰ بوجود آورد. دو معیار مورد نیاز ما برای اینکه اثبات کنیم روند نزولی دیگر به پایان رسیده است عبارتند از: اول بسته شدن پنجره بزرگی که چند ماه قبل شکل گرفته بود و دوم اصرار بر ادامه خرید بر روی منطقه ای که چند ماه قبل در آن پنجره ای باز شده بود. این معیارها در اوایل سال ۸۹ اتفاق افتادند.



Source: ©Copyright 1990 Commodity Trend Service*

EXHIBIT 7.8. Dow Jones Industrials—Weekly (Window as Resistance)

شکل ۷,۹ نمونه دیگری است از اینکه پنجره یک سطح مقاومت را ساخته است. پنجره اول در اواخر ماه می دال بر ادامه دار بودن ریزش است. همینطور این پنجره برای چند روز به عنوان یک سطح مقاومت عمل کرد.

پنجره دوم نقطه و در واقع فرصتی است که ما اهمیت وجود روند را درک کنیم. آیا تا به حال به آژانس های املاک رفته اید ؟ آنها می گویند سه عامل مهم برای یک ملک خوب اینها هستند : مکان، مکان و باز هم مکان. در اینجا هم ما باید بگوییم، سه جنبه مهم بازار روند است، روند است و روند ...

اینجا ما در شکل ۷,۹ شاهد بازاری هستیم که در یک مسیر ریزشی بزرگ یا ماژور قرار دارد. در این محیط یک ستاره بالا برنده صبحگاهی پدید می آید. آیا شما می خرید؟؟؟ خیر، در واقع هرگز. به این خاطر که روند بزرگ و اصلی نزولی است. فقط زمانی که بازار به بالای ۱,۱۶۴ دلار برسد و خرید بعد از این سطح ادامه داشته باشد (مقاومت پنجره را پشت سر گذاشته باشد). تا زمانی که بالا برنده ها توانایی به اثبات رساندن نیروی خود در بالا نگاه داشتن قیمت در سطح بالای این پنجره را نداشته باشند، اتخاذ استراتژی معامله بر پایه این ستاره صبحگاهی یک اشتباه محض است. ستاره به عنوان سطح حمایتی برای نقاط پایین به مدت چند روز پس از شکل گیری عمل کرد. بله، بعد از چندین روز تلاش بالاخره بالا برنده ها در بستن پنجره نافرجام ماندند. این به ما می گوید که شکل گیری یک رالی جدید نا محتمل است.

مفهوم این داستان کندل استیکی یا هر ابزار تحلیل تکنیکی دیگر، باید در زمینه روند غالب در نظر گرفته شود.



EXHIBIT 7.9. Sugar—October 1990, Daily (Windows as Resistance)

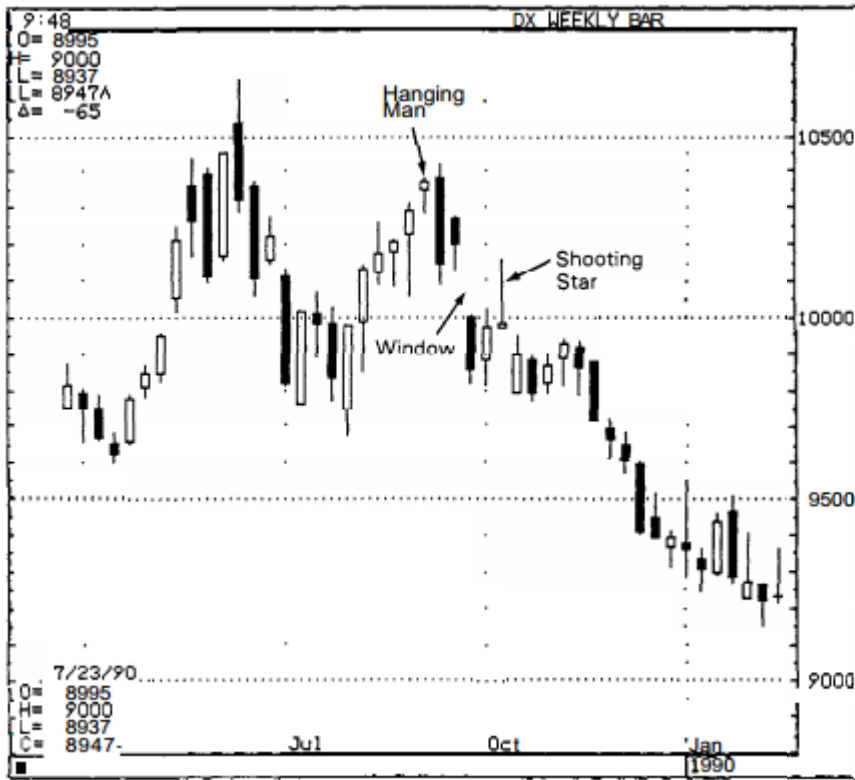


EXHIBIT 7.10. Dollar Index —Weekly (window as Resistance)

اولی، پنجره ای در جهت پایین بود که حس فشار فروش بیشتر را القا می کرد. کندل استیک بلند سفید در هفته بعد از این پنجره، یک الگوی Engulfing را تشکیل داد. این اولین نشانه از یک انتها بود. هفته بعد بازار بصورت شارپ و محکم بالای پنجره بسته شد. این دلیل دیگری بود تا به این باور برسیم که فشار فروش دیگر از بین رفته است. پنجره سوم قدرت بیشتری را پیش بینی می کند. پنجره در هفته دوم اکتبر بسته شد و خرید هایی که قیمت را به نقاط بالا هل دادند در نهایت باعث شکل گیری یک Hammer شدند. یک هامر معمولی زمانی مهم واقع می

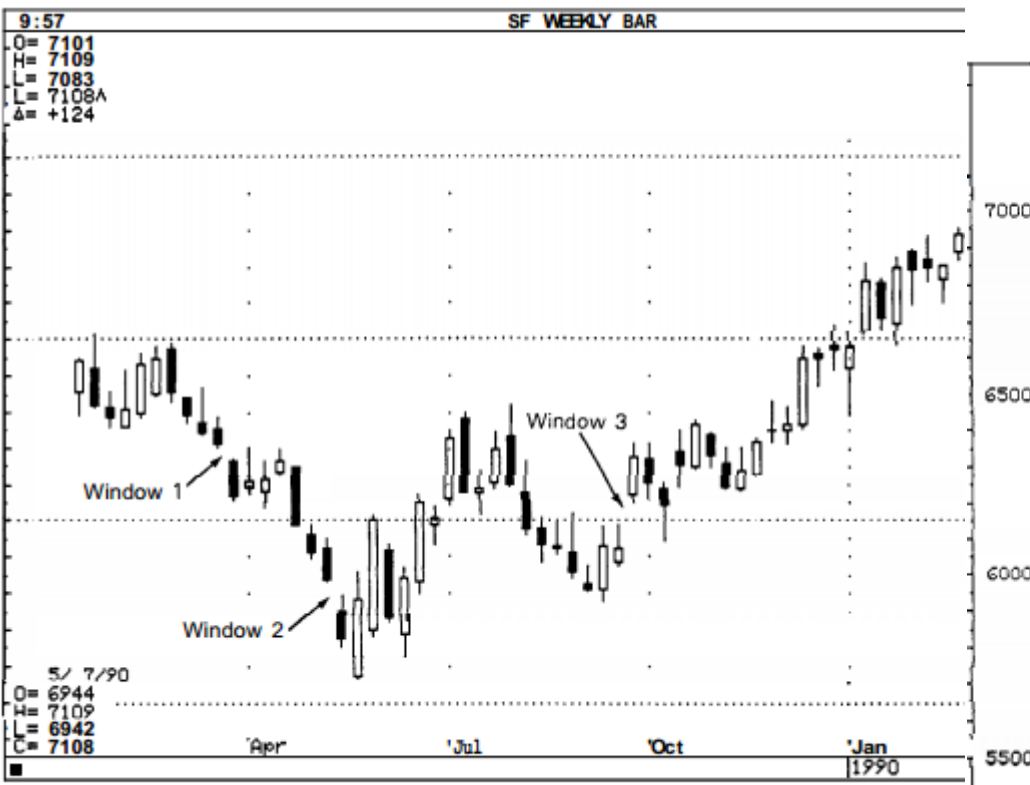


EXHIBIT 7.1

در شکل ۷،۱۰ شاهد بازاری هستیم که بعد از Hanging Man ماه سپتامبر که با یک کندل سیاه بلند پوشیده و تایید شد، تغییر جهت داد. پنجره اواخر همین ماه سیگنالی بود دال بر اینکه روند ریزشی شکل گرفته هنوز ادامه دارد. پنجره بسته شد اما خرید ها زمانی که شهاب سنگ به پنجره اصابت کرد به سرعت بخار شد و از بین رفت.

شکل ۷،۱۱ سه پنجره را در خود جای داده است. پنجره اول در ماه مارس نقطه مقاومتی شد برای چند هفته پیش رو. پنجره شماره ۲ همچون

شود که در یک مسیر نزولی ظاهر شود (تا سیگنال یک انتهای معکوس را بدهد). در این نمونه این کندل مهمی بود چرا که بازگو کننده تست پنجره و سطح حمایت بود. اگر مارکت در بعد از این چکش به سمت پایین ادامه پیدا می کرد، امکان اینکه مسیر صعودی قبل به پایان رسیده باشد بسیار زیاد می شد.

در شکل ۷،۱۲ پنجره شماره ۱ به منطقه حمایتی تبدیل شد که چند روز بعد بازاری که به سمت فروش می رفت را جمع کرد. پنجره شماره ۲ رالی رو به پیشرفت ماه بعد را متوقف کرد. پنجره شماره ۳ سقف چند روز پیش را نگه داشت و نگذاشت که حرکت کوچک رو به بالای شکل گرفته از این فاصله بوجود آمده عبور کند.

یک جنبه جالب توجه در مورد رالی ماه سپتامبر که در ناحیه مقاومت پنجره شماره ۲ متوقف شد، این بود که در روزهایی که از ۱ تا ۸ شماره گذاری شده اند، شاهد شکل گیری ۸ نقطه High جدید در روند بودیم.

در واقع نظریه کندل استیکی می گوید: اگر بعد از ۸ تا ۱۰ نقطه High یا Low جدید، تصحیح معناداری در بازار صورت نگرفته باشد، یک احتمال با ضریب بالایی از تصحیح در مسیر جاری قابل پیش بینی است. هر High جدید در مسیر حرکت یک New Record High و هر نقطه Low جدید در مسیر روند یک New Record Low نامیده می شود. در هر صورت، ژاپنی ها می گویند که هر ۱۰ نقطه جدیدی که قیمت بدان دست پیدا می کند، نیاز به یک تصحیح معنادار دارد. مثلا در شکل زیر وقتی ۸ کندل با نقاط High جدید داریم آنها اصطلاحی را بکار می برند که می گوید: معه ای که ۸۰ درصد آن پر شده است !!!

چیزی که چارت طلا را جالب توجه می کرد وجود ۸ رکورد جدید در نقاط بالای جدید بود. جایی که خبر قریب الوقوعی از یک اصلاح به گوش می رسید. در واقع بعد از ثبت ۸ رکورد جدید بود که بازار به سطح ناحیه مقاومت پنجره دوم رسید و سیگنال محکمی از چرخش بازار به بیرون بروز کرد.

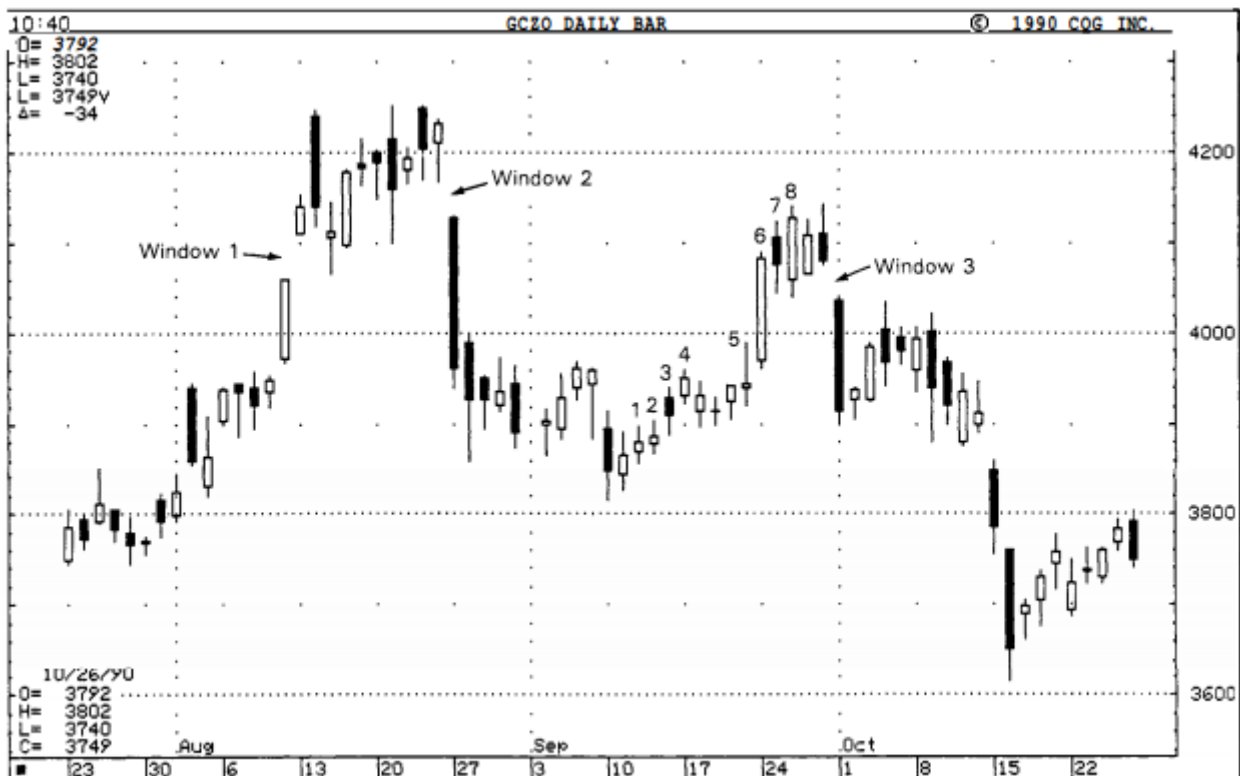


EXHIBIT 7.12. Gold—December 1990, Daily (Windows and Eight New Record Highs)

عدد شگفت انگیز ۳ بار دیگر در نمودار شکل ۷،۱۳ ظاهر می شود. تریدرها و تحلیل گران ژاپنی ادعا می کنند که پس از سه پنجره صعودی یا نزولی، احتمال اینکه به یک نقطه Top یا Bottom رسیده باشیم بسیار قوی است، مخصوصا اگر بعد از گپ سوم یکی از الگوهای کندل استیکی همچون دوجی یا یک الگوی نافذ یا ابر سیاه و امثال اینها شکل بگیرد. در اینجا ما شاهد شکل گیری یک Hanging بعد از پنجره سوم هستیم.

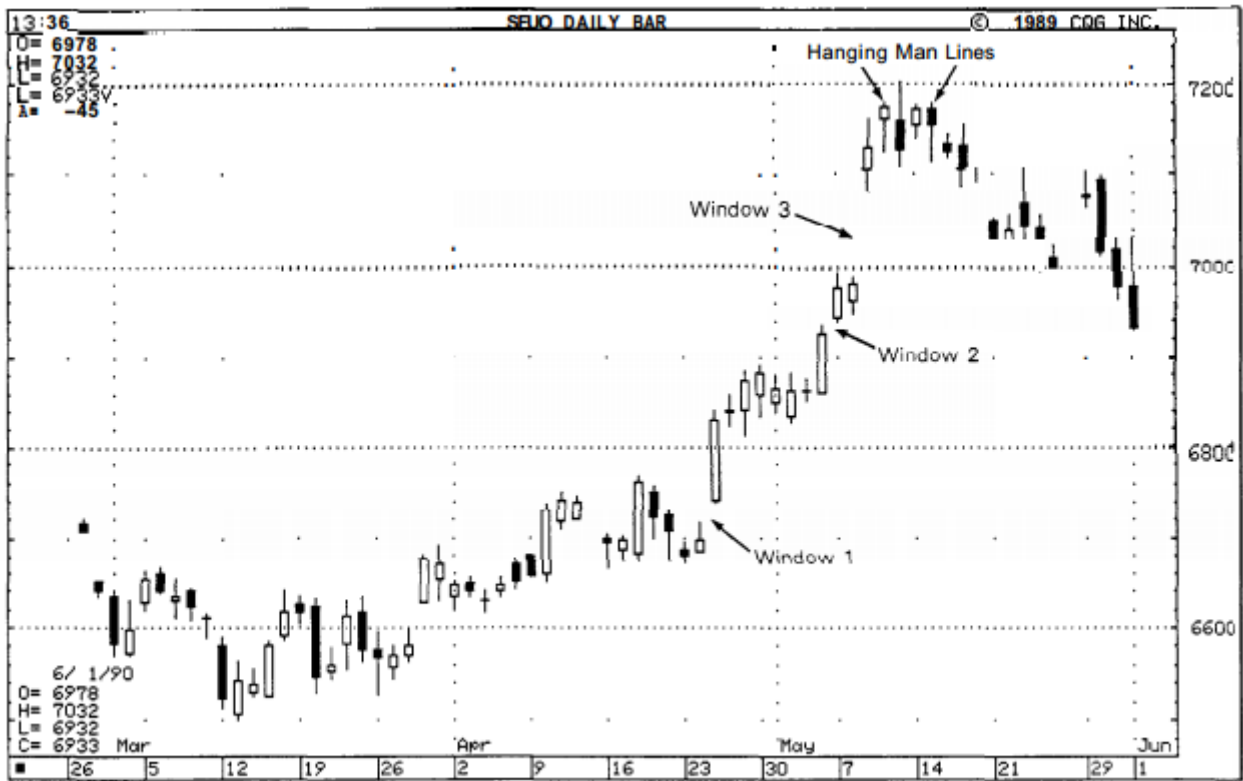


EXHIBIT 7.13. Swiss Franc — September 1990, Daily (Three Windows)

در بخش بعدی من در مورد بعضی دیگر از الگوهای ادامه دهنده که وجود پنجره جزئی از آنهاست را خواهیم گفت. این الگوها شامل الگوهای فاصله های بالایی و پایینی تاسوکی، بازی فاصله ها و فاصله های دوطرفه خط سفید می باشد.

فاصله های بالایی و پایینی تاسوکی Up ward & Down ward gapping Tasuki

شکل ۷،۱۴ یک الگوی تاسوکی است که نمونه ای از الگوهای ادامه دهنده روند است. بازار در روند صعودی است، یک کندل سفید با فاصله از کندل قبل باز می شود. در روز بعد یک کندل مشکی به دنبال آن می آید. کندل مشکی، وسط بدنه اصلی کندل سفید باز شده و در زیر آن بسته می شود. قیمت بسته شدن کندل مشکی نقطه خرید است. اگر بازار فاصله را پر کند (پنجره را ببندد) و فشار فروش همچنان آشکار باشد، انتظار بالابردگی الگوی فاصله بالایی تاسوکی، بی نتیجه است. همین دید در مورد فاصله پایینی تاسوکی در شکل ۷،۱۵ منتها برعکس صدق می کند.

بدنه های اصلی دو کندل استیک در الگوی فاصله تاسوکی تقریباً باید با یکدیگر برابر باشند.



EXHIBIT 7.14. Upward Gapping Tasuki EXHIBIT 7.15. Downward Gapping Tasuki

به شکل ۷،۱۶ نگاه کنید. در هفته آخر سپتامبر بازار یک فاصله بالایی کوچک را از طریق یک کندل استیک سفید تجربه کرد. کندل مشکی هفته بعد داخل بدنه اصلی کندل قبل باز شد و زیر آن بسته شد. این

حالت یک الگوی فاصله بالایی تاسوکی را ایجاد کرد. توجه کنید که چطور پنجره کوچک باز شده خط حمایتی را در ماه بعد بوجود آورد. همچنین یک الگوی خط کمر بند دار بالابرنده بعد از آن، حرکت رو به بالایی را علامت داد. آیا به اندازه دو کندل الگوی تاسوکی هم توجه کردید؟

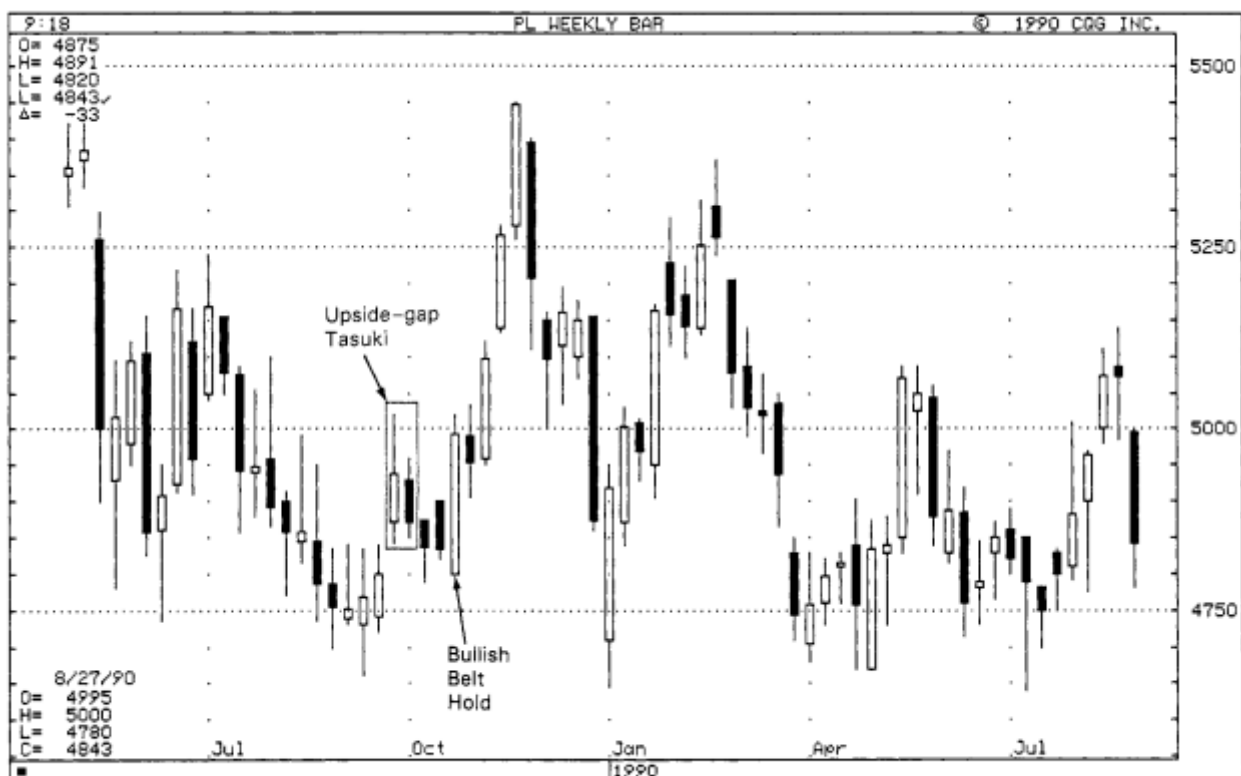


EXHIBIT 7.16. Platinum—Weekly (Upside-gap Tasuki)

بازی فاصله ها در قیمت های بالا و پایین High & Low Price Gapping Play

برای بازار عادیست که بعد از یک حرکت سریع تا شروع کردن حرکت و جهش بعدی، دستاوردها و اهداف خود را تحکیم کند. گاهی این محکم سازی بوسیله یک سری از کندل استیک هایی با بدنه اصلی کوچک صورت می پذیرد. گروهی از بدنه های اصلی کوچک بعد از یک بخش کندل استیکی قوی، این را نشان می دهد که بازار نامعلوم و نامشخص است. در این حال اگر یک فاصله یا پنجره در قسمت بالای این بدنه های کوچک ایجاد شود، زمانی برای خرید است. این حالت نمونه ای از الگوی بازی فاصله در قیمت بالایی است.

شکل ۷,۱۷ را ببینید. این الگو به این دلیل به این نام خوانده می شود که قیمت های نزدیک به قیمت های بالای اخیر در تردید و انتظارند و سپس در بالایشان ناگهان فاصله ای ایجاد می شود. الگوی بازی فاصله ها در قیمت های پایینی نقطه متقابل و پایین آورنده الگوی بازی فاصله بالایی است. این الگو همانطور که در شکل ۷,۱۸ می بینید یک پنجره پایینی بعد از نوار و باند متراکم از قیمت های پایینی است.

در ابتدا این کندل های کوچک به گونه ای ظاهر می شوند که گویی یک شکل بخصوص به خود گرفته اند. ولی پس از اینکه بازار به سمت پایین توسط پنجره شکسته شده تمام امید Bull ها نقش بر آب می شود.

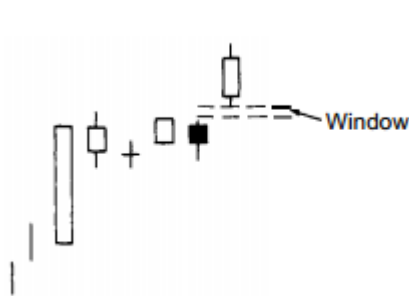


EXHIBIT 7.17. High-price Gapping Play

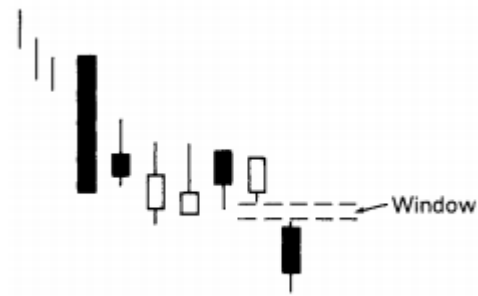
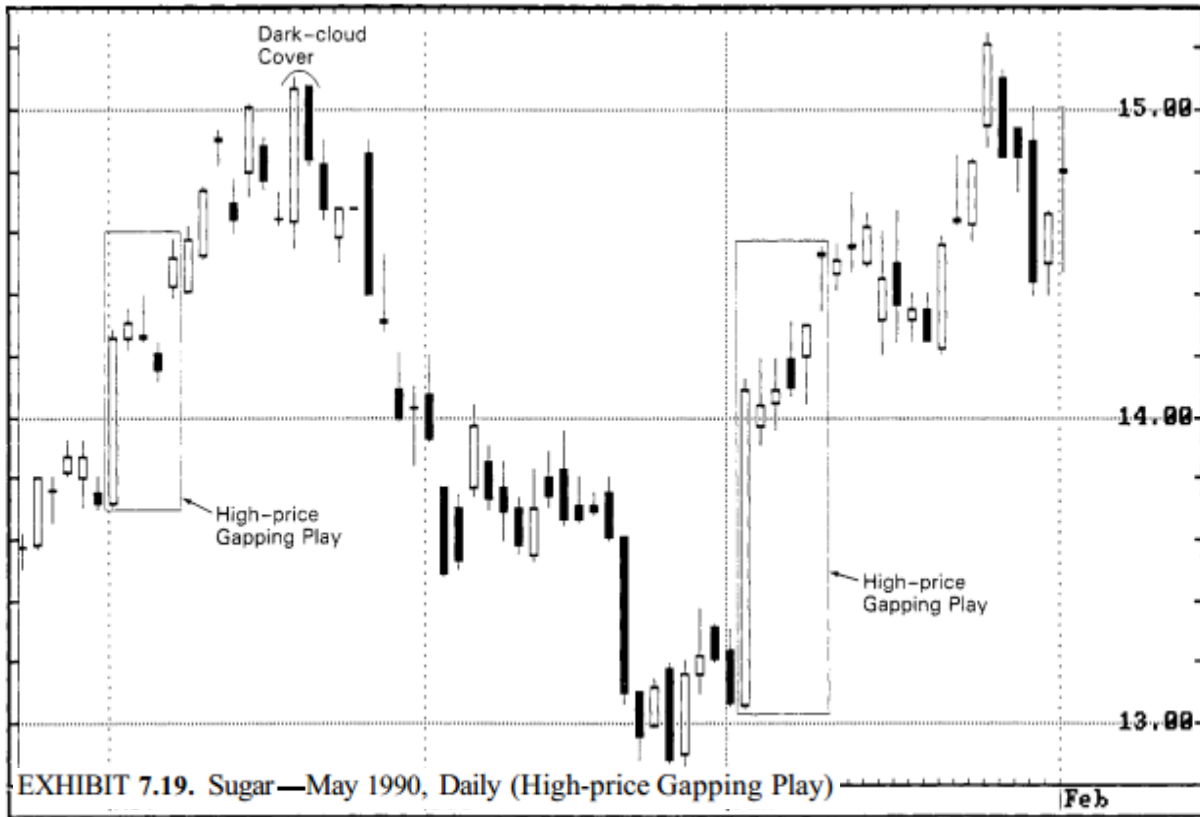


EXHIBIT 7.18. Low-price Gapping Play

در شکل ۷،۱۹ در ماه نوامبر یک دسته سه تایی از بدنه های اصلی کوچک به درک و فهم اهداف کندل بلند سفید قبل کمک کردند. وقتی قیمت شکر در جهت بالا پنجره ای باز کرد، آن موقع بود که الگوی بازی فاصله ها را کامل کرد و تا زمانی که با ابر سیاهی پوشیده نشد به



مسیر صعودی خود ادامه داد. در الگوی بازی فاصله دوم هم می بینید که پنجره شکل گرفته خود تبدیل به یک سطح حمایت شد.

کندل های شکل ۷،۲۱ زمانی که در ۲۹ ژوئن با باز شدن پنجره الگوی بازی فاصله بالایی را تشکیل دادند، یک علامت بالابردگی را به وجود آوردند.

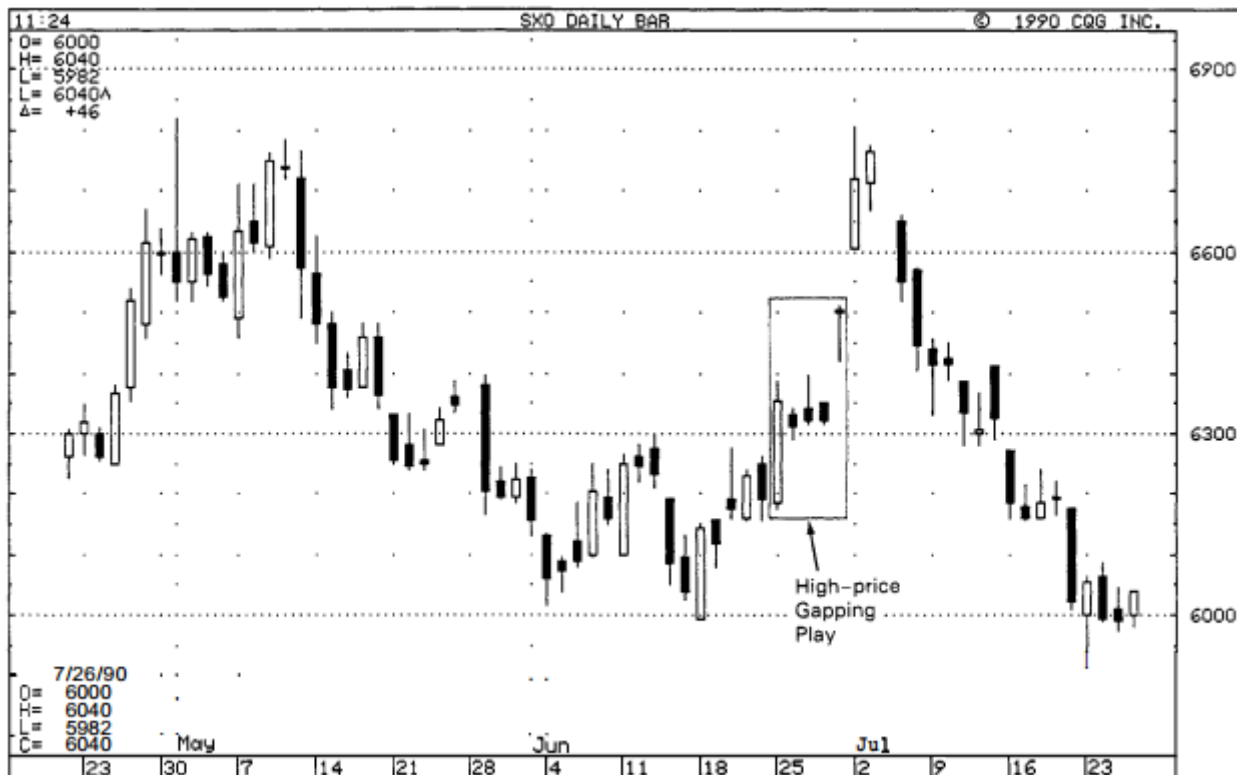


EXHIBIT 7.2

همانطور که در شکل ۷،۲۱ می بینید، در تاریخ های ۲۰ و ۲۱ نمودار S&P به سرعت حدود ۱۸ پوینت سقوط کردند. سپس بازار به مدت یک هفته وارد یک حرکت خنثی شد. برای یک الگوی بازی فاصله، این به هم پیوستگی (ترکیب) نباید بیشتر از یازده بخش طول بکشد.

تکنیک ها و پروژه هایی که برای تفسیر کندل ها به کار می روند راهنما هستند نه قوانین سفت و سخت. در اینجا نمونه ای داریم که یک الگوی بازی فاصله در قیمت پایینی ایده آلی دیده نشد. در اصل برای یک الگوی بازی فاصله پایینی، بازار باید پایین تر از روز یا شش قبل فاصله بگیرد. (با گپ همراه باشد). قیمت پایین در یکم ماه آگوست ۳۵۵،۸ و قیمت بالا در دوم آگوست ۳۵۵،۹ بود. پس گپ یا فاصله ای وجود نداشت. با این حال آن روز با بسته شدن قیمت در نواحی پایین می توان انتظار یک حرکت رو به پایین را از این مارکت داشت.

اینکه چطور می توان حدس زد که بازاری ریزشی را در پیش داریم باید گفت :

بعد از آن ریزش سریع، کندل های کوچک شکل گرفته هیچ کدام در پایین خودشان بسته نشدند (سایه پایینی داشتند). بله، به خاطر همین، قیمت ها برای چند روز در همین سطح پایین گرفتار شده بودند. بعد از آنکه آن کندل (Sell Signal) در قسمت پایین تری از Close های کندل های کوچک قبلی بسته شد، می شد به این نتیجه رسید که الگویی شبیه به بازی فاصله پایینی که یک الگوی ادامه دهنده می باشد شکل گرفته است.

این نشان می دهد که چگونه الگوهای کندل استیکی همانند تمام تکنیک های تحلیلی دیگر، می توانند در بعضی مواقع به گونه ای غیر متعارف و معمول خود را نشان دهند.

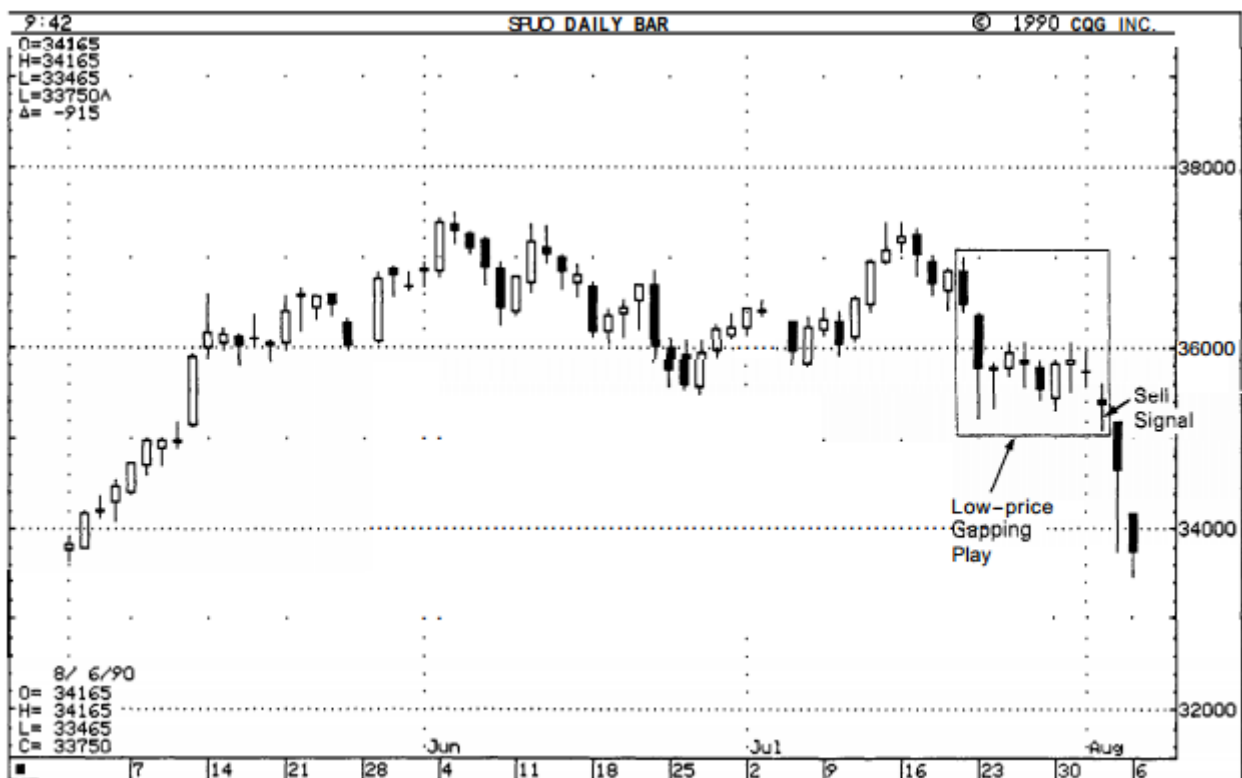


EXHIBIT 7.21. S&P—September, 1990, Daily (Low-price Gapping Play)

خطوط سفید پهلو به پهلو با فاصله دار Gapping side by side white lines

در یک روند صعودی یک کندل استیک سفید که با فاصله از کندل قبل شکل گرفته بوجود می آید. کندل سفید دیگری در روز بعد تقریباً با همان اندازه و همان قیمت باز شدن ظاهر می شود. تا اینجا یک الگوی بالابرنده ادامه دهنده را شاهد بوده ایم که به آن الگوی دو کندله خطوط سفید دوتایی با فاصله بالایی می گویند. (شکل ۷،۲۲)

اگر بازار در بالای قسمت فوقانی این دو کندل سفید بسته شود، شکل گیری کندل های سفید دیگری را می توان انتظار داشت. کندل های سفید دوتایی از این نوع کمیاب هستند. حتی کندل های سفید دوتایی با فاصله پایینی کمیاب ترند.

در یک روند نزولی خطوط سفید دوتایی یک از الگوهای ادامه دهنده روند است. یعنی قیمت ها همچنان باید به طرف پایین ادامه یابند. (شکل ۷،۲۳)

دلیل اینکه این الگو بالابرنده نیست، (یعنی با الگوی خطوط سفید فاصله بالایی متفاوت است) این است که در یک بازار نزولی این کندل های سفید به عنوان سرپوش یا جلدی در نظر گرفته می شوند. هرگاه که این پوشش کوتاه از بین برود، قیمت ها باید دوباره به سمت پایین حرکت کنند.

دلیل اینکه این الگو بسیار کمیاب است، این است که کندل های مشکی نه سفید، در بازاری که پایین تر فاصله می گیرد طبیعی ترند.

اگر در یک بازار سقوط کننده، یک کندل مشکی پایین تر فاصله بگیرد و با کندل مشکی دیگری که پایین تر بسته شده دنبال شود، بازار باید کاهش مجدد قیمتی را تجربه کند.



EXHIBIT 7.22. Gapping Side-by-side White Lines in an Uptrend

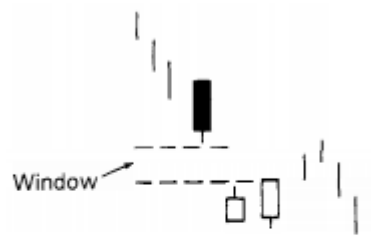


EXHIBIT 7.23. Gapping Side-by-side White Lines in a Downtrend

شکل ۷،۲۴ در ماه مارس یک الگوی پهلوی به پهلوی سفید پایینی قابل مشاهده است. تئوری این الگوی فاصله دار در یک روند نزولی این است: سرپوشی کوتاه مدت در روند بازار، یعنی تنها استراحت موقتی از سقوط بازار است. این یک الگوی پهلوی به پهلوی پایینی ایده آل نیست چون قیمت های Open در دو کندل سفید با هم یکی نبودند. به اضافه اینکه این دو کندل سفید توسط کندل دیگری از هم جدا شده بودند. با وجود این نقصان می توان از آن به عنوان الگوی ادامه دهنده استفاده کرد.

در اواخر ماه آپریل و اوایل می دو الگوی پهلوی به پهلوی سفید بالایی به وجود آمدند. اگر این الگو در سطوح پایین قیمت ظاهر شود سیگنال بالابردگی می دهد.

در الگوی اول کندل ها قیمت های باز تقریباً یکسانی داشتند. سپس بازار در ۸ ماه می کمی به عقب کشید که به طور هم مرز تا زیر پنجره برگشت کرد، اما از آنجا بود که دیگر به حرکت صعودی قبل خود برگشت.

الگوی دوم علامت بالابردگی دیگری داد. همانطور که از الگوی پهلوی به پهلوی سفید بالایی بر می آید، آنها یک پایه و ستون محکمی برای صعود آماده کردند.



EXHIBIT 7.24. Platinum—July 1990, Daily (Gapping Side-by-side White Lines)

الگوی صعودی یا نزولی سه متد یا سه روش Rising and Falling Three Methods

برای تشکیل این الگو به یک کندل سفید بلند و قدرتمند نیاز است. این کندل شارپ را یک سری کندل با بدنه اصلی کوچک دنبال می کنند. حالت ایده آل سه کندل کوچک است، ولی دو یا بیشتر از سه کندل هم می توانند در این الگو نقش ایفا کنند. (البته باید گفت که این کندل های کوچک هر رنگی می توانند داشته باشند ولی رنگ مشکی معمول تر است.)

در نهایت کندل آخر باید کندل سفید شارپی باشد که قیمت Close آن بالاتر از Close اولین کندل بوده، همینطور Open آن باید بالای Close روز قبل باشد.

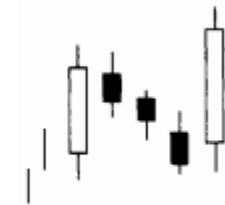


EXHIBIT 7.25. Rising Three Methods

شکل ۷,۲۶ نمونه Bearish این الگو است. یک کندل مشکی شارپ که بعد از آن سه کندل سفید با بدنه اصلی کوچک (باید دوباره متذکر شوم که رنگ این گروه سه نفره چندان مهم نمی باشد ولی در حالت Bearish رنگ سفید معمول تر است) ظاهر می شوند. در آخر، الگو برای کامل شدن نیاز به کندل سیاه شارپی دارد که Open آن از Close دیروز پایین تر بوده همچنین Close آن از Close اولین کندل الگو پایین تر باشد.

یک نکته : تمام کندل های گروه Three Methods باید به نوعی در دل اولین کندل الگو جای گرفته باشند، یا به عبارتی در رنج قیمتی اولین کندل باشند.

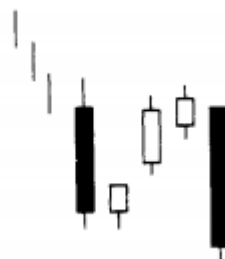


EXHIBIT 7.26. Falling Three Methods

شکل ۷،۲۷ یک نمونه کلاسیک از الگوی Three Methods پایین آورنده را نمایش می دهد. یک فاکتور که دال بر اهمیت این الگوی ادامه دهنده باشد، میزان حجم معاملات بر روی کندل اول و آخر الگو است (چه در بازار Bullish و چه در بازار Bearish). آنچنان که پیداست در کندل های اول و آخر حجم بیشتری نسبت به کندل گروه وسط داشته ایم و این خود می تواند صحت این الگو را به اثبات برساند.

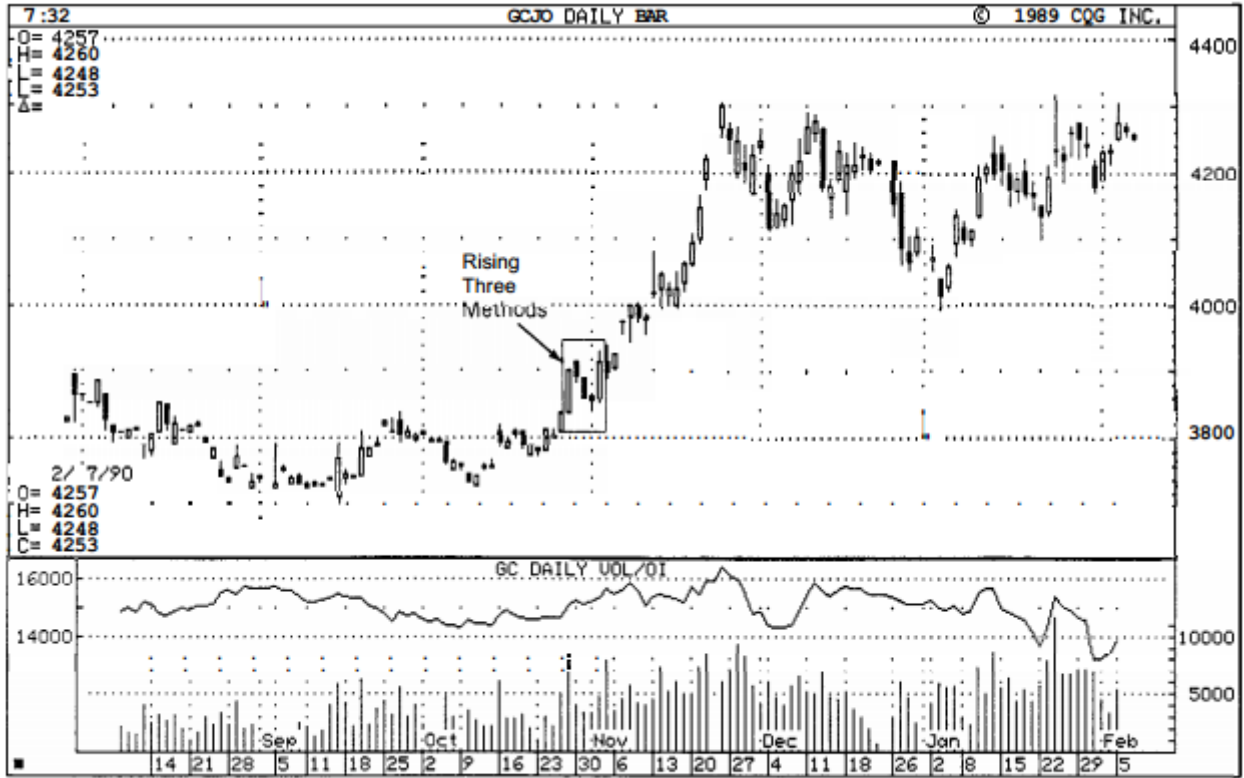


EXHIBIT 7.27. Gold—April 1990, Daily (Rising Three Methods)

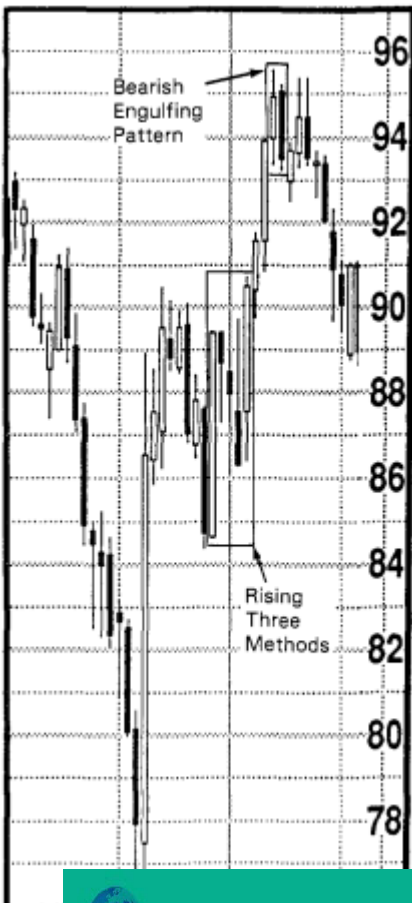
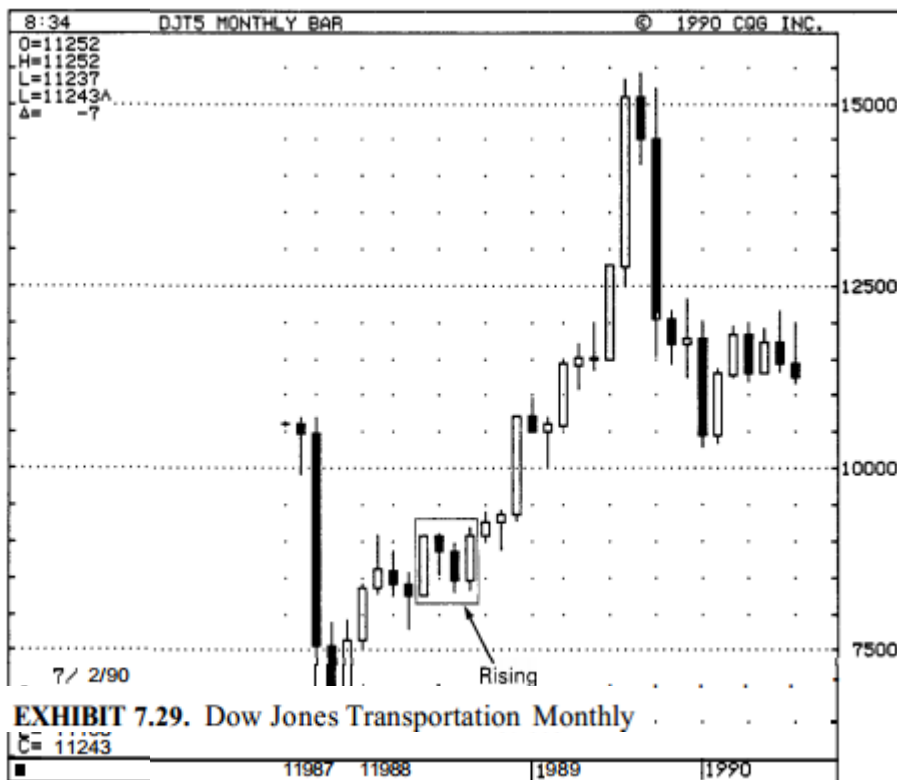


EXHIBIT 7.28. Bonds—Weekly

شکل ۸،۲۸ هم نمونه دیگری از این الگو را نمایش می دهد.



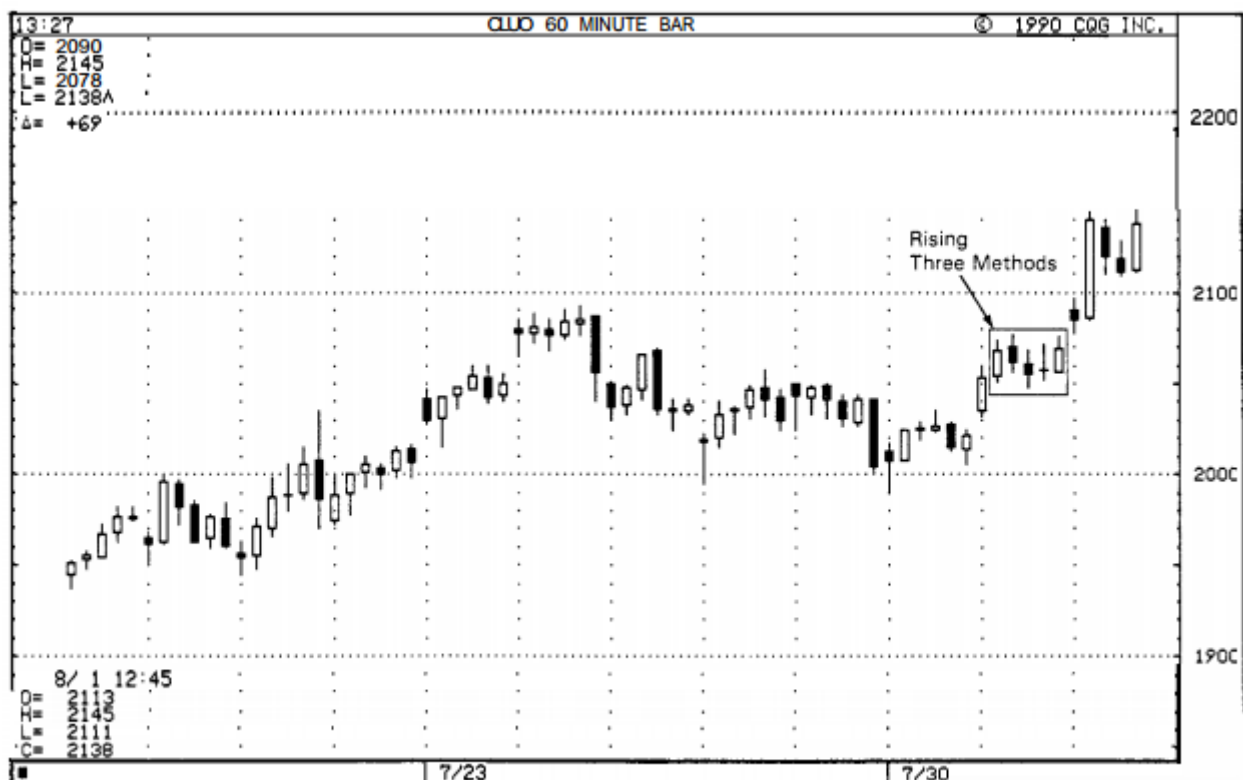
در شکل ۷،۲۹ به جای سه کندل، دو کندل در گروه الگوی Three Methods ظاهر شد. به اضافه اینکه کندل آخری نتوانست Close بالاتری نسبت به Close کندل اول ثبت کند. پایداری و درستی این الگو در کندل فردا به ثبت رسید. قیمت در یک High جدید بسته شد و تأکیدی بر این بود که یک بازار Bullish شروع شده است.

در شکل ۷،۳۰ بدنه های اصلی سه کندل استیک کوچک دقیقاً درون بازه تغییرات

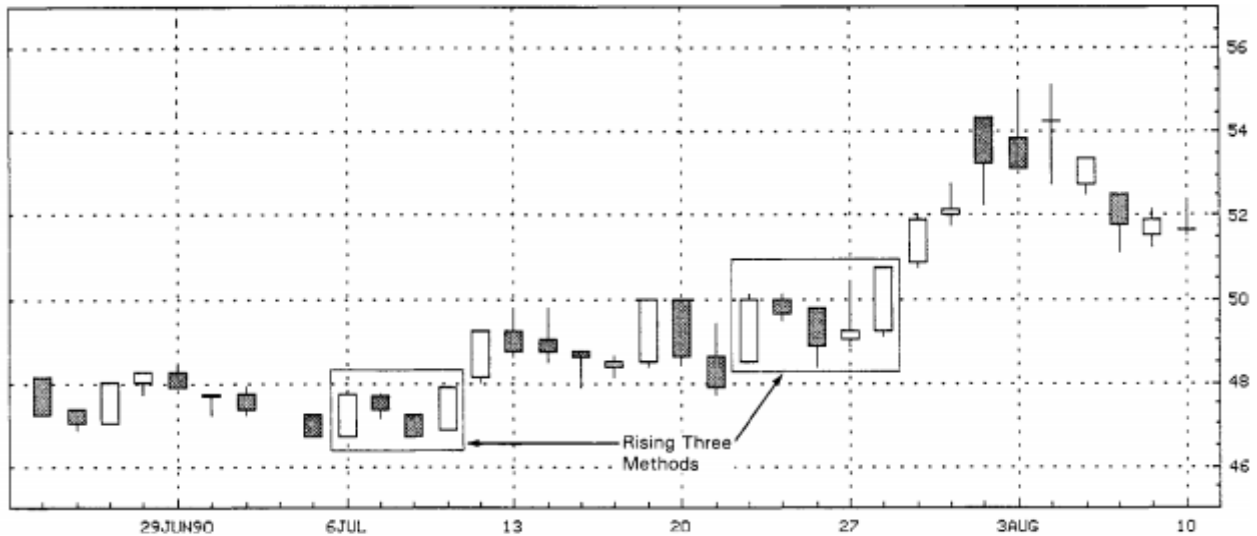
قیمت کندل اول قرار داشتند (یکی از پیش نیازهای این الگو). Close کندل سفید آخر الگو نتوانست بالاتر از Close کندل اولی بسته شود، ولی این وظیفه را به کندل بعد از خود واگذار کرد تا الگوی Three Methods ما با کمی انعطاف و اختلاف در معیارهایش به اثبات برسد.

آیا به یکی از کندل های گروه که به شکل دوجی ظاهر شده است توجه کردید ؟

در شکل های بعدی به نمونه های دیگری از این الگو و بحث در مورد آنها خواهیم پرداخت.



در شکل ۷،۳۱ الگوی اول با گروهی متشکل از دو کندل شکل گرفت و در الگوی دوم یکی از سه کندل میانی به رنگ مخالف حالت نرمال الگو ظاهر شد. جایی که می بایست سیاه می بود با بدنه ای سفید رنگ ظاهر شد. اما با وجود این تمایزات بازار بعد از هر دوی اینها به مسیر پیش بینی شده الگو ادامه داد.



Source: Bloomberg L.P

EXHIBIT 7.31. Exxon—1990, Daily (Rising Three Methods)

در شکل ۷،۳۲ در ماه مارس ۱۹۸۹ پنجره ای رو به پایین در بازار باز شد. بر اساس روایتی که قبلا در مورد پنجره ها بیان کردم (اصلاحات به سوی پنجره باز می گردند تا ببینند که پنجره را بسته اند یا نه)، همین اتفاق هم در هفته بعد افتاد و آنها برگشتند و پنجره را بستند. بعد از پنجره سه کندل با بدنه های اصلی سفید کوچکی ظاهر شدند که نقاط Open و Close آنها در رنج قیمت کندل سیاه قبلی بود. و در آخر کندل سیاه بزرگ مهر تاییدی بود بر الگوی Falling Three Methods.



EXH

در شکل ۷,۳۳ به جای گروه سه کندلی چهار کندل با بدنه های اصلی کوچکتری شکل گرفت. کلید پی بردن زودتر از موعد به این الگو قبل از کامل شدنش، این بود که همه این چهار کندل درون رنج High و Low کندل سیاه قبل شکل گرفته بودند. و بالاخره کندل سیاه بزرگ آخر هم صحت این الگو را تایید کرد.

به حجم زده شده بر روی هر کدام از کندل های الگو توجه کنید. در روز اول و آخر می بینید که حجم بیشتری نسبت به کندل های گروه میانی داریم. کندل های گروه میانی در مقایسه با دو کندل اول و آخر حجم منقبض شده تری دارند و این خود می تواند دلیلی بر ریزش های ادامه دار جدیدی باشد. چرا که در روزهای سیاه بازار مبادلات بیشتری را شاهد بوده ایم.

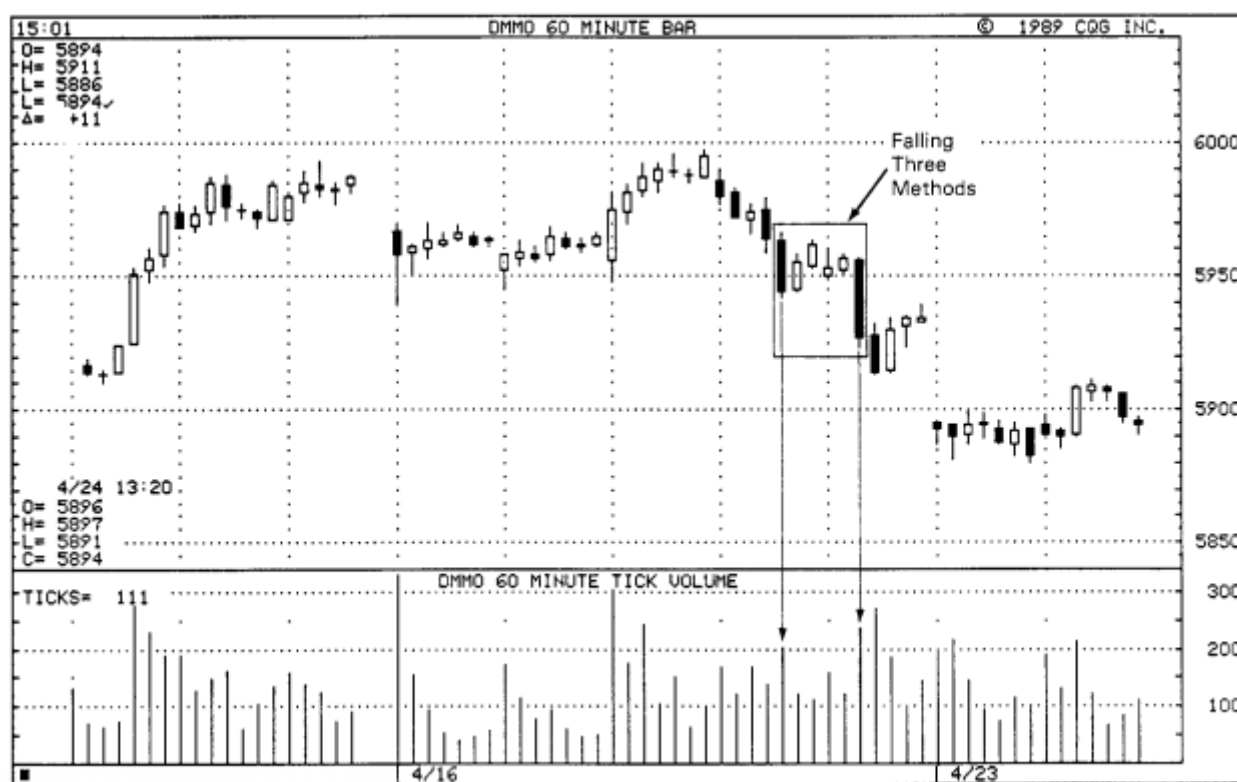


EXHIBIT 7.33. Deutschemark — June 1990, Intra-day (Falling Three Methods)

در شکل ۷,۳۴ آرایشی از الگوی Falling Three Methods بوجود آمد. اما این بار نه یک چیدمان و الگوی واقعی. تا کندل چهارم این الگو همه چیز به درستی پیش می رفت ولی در پنجمین کندل با این که Open آن زیر Close دیروزش بود ولی نتوانست پایین تر از Close کندل اول بسته شود. تا اینجا الگویی فاقد ارزش تحلیلی داشتیم که اگر می خواستیم مبنایی برای تصمیم گیری روی آن داشته باشیم باید نیم نگاهی هم به Session روز بعد از اتمام الگو می انداختیم.

روز بعد از شکل گیری الگو، با پدید آمدن یک دوجی، بازار نتوانست قدرت Bearish ها را حفظ کند، بلکه خود اکنون به یک الگوی معکوس ساز به نام Harami Cross تبدیل شده بود. الگویی بازگشتی که اشاره می کرد به اینکه روند نزولی قبل خیلی زود در حال به پایان رسیدن است.

اکنون اگر کوچکترین حدس و گمانی هم برای صحت پیش بینی الگوی Three Methods وجود داشت دیگر از بین رفته بود.

یک نکته یا بهتر است بگوییم یک نصیحت :

همیشه و همیشه صبر کنید تا الگو و Pattern شما is Formed ، یعنی اینکه به خود آرایش بگیرد، and Confirmed ، یعنی اینکه تایید شود و سپس وارد پوزیشن شوید ...



EXHIBIT 7.34. Copper—July 1990, Intra-day (Incomplete Falling Three Methods)

شکل ۷,۳۵ نمونه کلاسیکی از الگوی Falling Three Methods است. الگویی که با یک Hammer به پایان رسید. در واقع مدرکی که اثبات کرد بعد از Hammer بازار دیگر روند نزولی ندارد و تغییر جهت میدهد الگوی Bullish Engulfing Pattern بعد از Hammer بود.

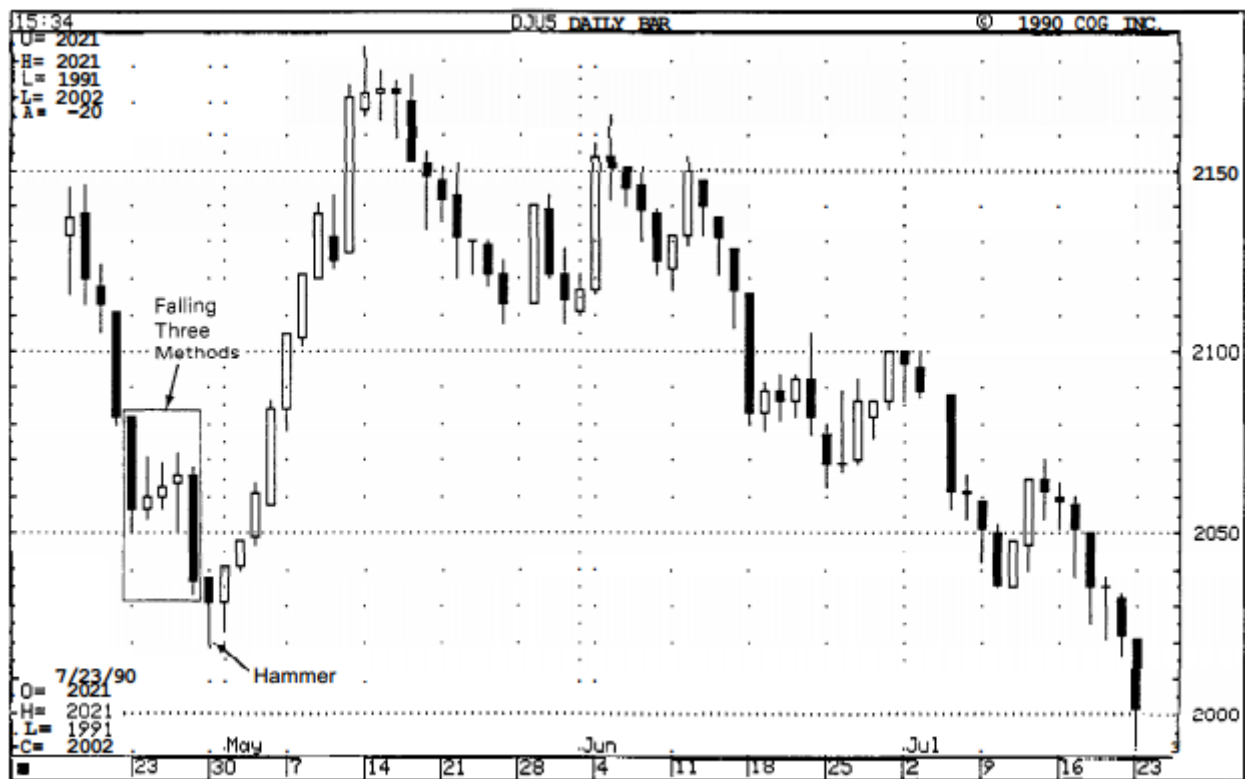
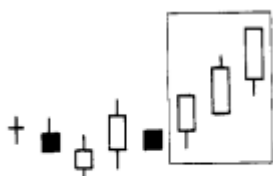


EXHIBIT 7.35. Dow Jones Utilities—1990, Daily (Falling Three Methods).

الگوی سه سرباز سفید پیش تاخته Three Advancing White Soldiers

بیشتر اصطلاحات و واژگان کندل استیکی با اسامی نظامی پیوند خورده اند. در اینجا هم سه سرباز سفید پیش تاخته را داریم. الگویی که تشکیل شده از یک گروه سه نفره از سربازهای سفید رنگ که هر کدام Close بالاتری از دیگری دارند. (شکل ۷,۳۶)



اگر این الگو در قیمت های پایین و یا بعد از یک دوره ثبات ظاهر شود، نشانه ایست برای حرکت قیمت به سمت بالا.

EXHIBIT 7.36. Three Advancing White Soldiers

الگوی سه سرباز سفید پیش تاخته مسیر رو به بالا را تدریجی و یکنواخت طی خواهد کرد. در طول مسیر Open هر کدام درون یا نزدیک به بدنه اصلی دیگری است و همچنین Close هر کدام از آنها

باید در بالاترین نقطه خودش بسته شود (بدون سایه بالایی یا خیلی کوچک). این یک دلیل برای سلامتی و صحت بازار صعودی است.

در صورتی که کندل های سفید خیلی طویل و توسعه یافته شوند، ما باید به خرید های بعضا افراطی و هیجانی بازار هشیار باشیم.

اگر دومین و سومین کندل و یا فقط سومین کندل، نشانه هایی از ضعف شدن را از خود بروز دهند، در این هنگام باید بگوییم که سرباز های پیش تاخته ما به مانع برخورد کرده اند. (شکل ۷,۳۷)

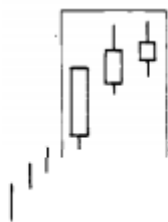


EXHIBIT 7.37. Advance Block

این به این معنی است که حرکت رو به جلو به مشکل برخورده و در نتیجه سرباز های بلند (کندل های بلند) باید از خودشان محافظت کنند. مخصوصا در مورد این الگو در طول یک روند صعودی کامل هشیار باشید. علائم ضعف می توانند در دو کندل سفید آخری، کندل هایی که کوچک شده و یا سایه بالایی بزرگی دارند ظاهر شود.

اگر دو کندل آخر کندل های سفید بلندی باشند که هر کدام High جدیدی را ساخته و سپس بوسیله یک کندل سفید کوچک دنبال شوند، در این صورت به آن الگوی وقفه گفته می شود. (Stalled Pattern) شکل ۷,۳۸

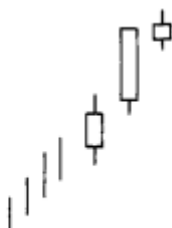


EXHIBIT 7.38. Stalled Pattern

این الگو را نیز گاهی اوقات الگوی مشورت و مباحثه هم می گویند. (Deliberation Pattern)

بعد از این ساختار قوای بالابرنده ها به طور موقت به حداقل خود رسیده و نیاز به استراحت دارند. بدنه کوچک کندل سفید آخری ضعف قدرت بالابرنده ها را فاش می کند. زمانی که الگوی Stalled پدیدار می شود، زمان خوبی برای گرفتن سود از بازار است. هر چند الگوهای Advance Block و Stalled جزء الگوهای معکوس ساز روند نیستند، با این حال آنها گاهی یک کاهش پر معنی را از قبل خبر می دهند.

در شکل ۷,۳۹ سه سرباز سفید در سال ۱۹۸۵ از یک منطقه قیمتی پایین به پیش تاختند. بعد از آن دو دسته از سربازها را داشتیم که به مانع برخورد کرده بودند. گروه اول در ابتدای سال ۱۹۸۷ کندل سوم آن توسط یک شهاب سنگ به مانع برخورد کرد و متوقف شد. میدان نبرد Bull ها و Bear ها برای مدت دو ماه متوالی در کشمکش بود. بعد از آن دوجی ها حرکت دیگری به سمت بالا شکل گرفت و در اواسط سال بود که سربازها باز به مانع برخوردند.

تفاوت بین گروه اول سربازها با گروه سوم در این بود که کندل آخر الگوی سوم نیست به کندل آخر الگوی اول سایه بالایی بزرگتری داشت. با این که خیلی بلند نبود ولی نشان می داد که بازار برای بسته شدن در قیمت های بالایی خود قدرت چندانی ندارد. به عبارتی دیگر سربازان شکست خورده بودند.

در ماه بعد نیز مردی به دار آویخته پدید آمد و شکستی کامل را تحمیل سربازان ما کرد.

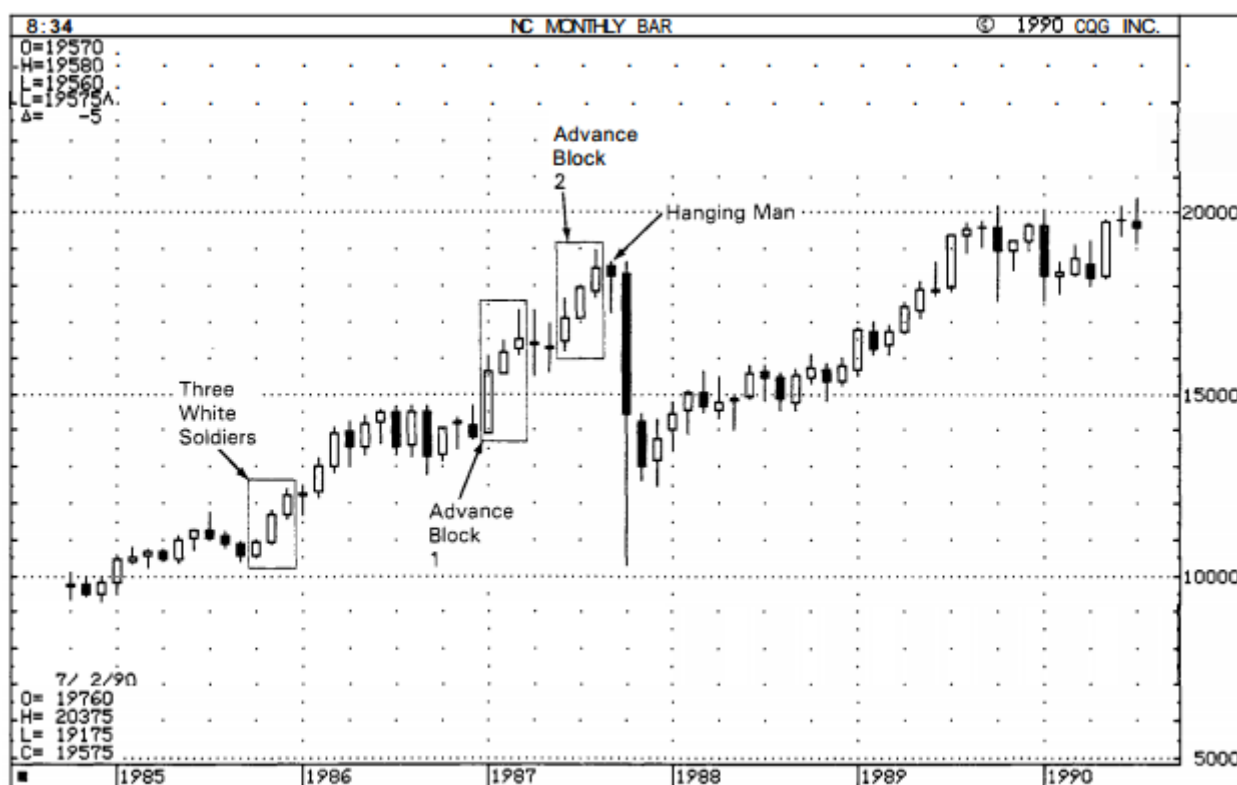


EXHIBIT 7.39. New York Composite—Monthly (Three White Soldiers, Advance Block)

در شکل ۷،۴۰ الگوی Stalled اول بطور موقت شیب روند صعودی را متوقف کرد. الگویی که خود بعد از یکسری کندل های سفید پدید آمده بود. الگوی وقفه شماره ۲ توانست روند را فقط برای مدت یک هفته متوقف کند. آخرین کندل سفید کوچک در این الگو یک Hanging Man بود. وقتی بازار دو هفته بعد بالای این Hanging بسته شد، دیگر احتمال سقوط را از دست داد. در اوایل ماه جولای الگوی سربازان پیش تاخته یک حرکت جدید را آغاز کردند. الگویی که تا هفت کندل با نقاط High ی جدید ادامه یافت.

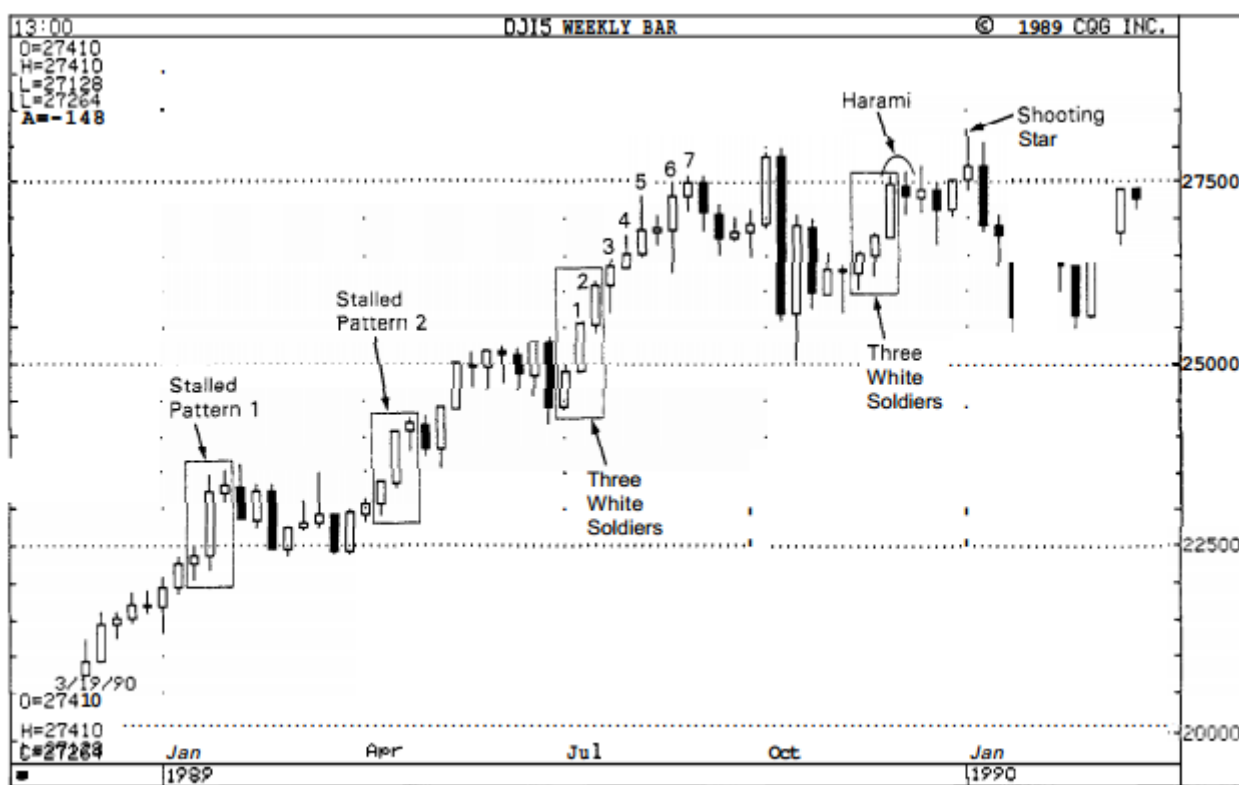


EXHIBIT 7.40. Dow Jones Industrial Average—Weekly (Stalled Patterns and Three White Soldiers)

سه سرباز دیگر در ماه اکتبر به پیش تاختند. با اینکه هر کدام از این کندل های سفید در بالای خودشان بسته شدند و همه نشانه های یک حرکت قدرتمند رو به بالا را داشتند (آنچنان که در الگوی ماه جولای شاهد آن بودیم)، ولی روند نتوانست به مسیر رو به بالای خود ادامه دهد. هفته بعد از کندل آخر الگو، یک Harami شکل گرفت. کندلی که به در دسر افتادن روند صعودی ساخته شده با الگوی سربازان پیش تاخته را نوید می داد.

چند هفته بعد هم یک شهاب سنگ آب پکی را روی دست سربازان ما ریخت و شکستی دیگر را تحمیل آنها کرد.

در شکل ۷،۴۱ نیز سه الگوی وقفه یا همان Stalled وجود دارد.

الگوی وقفه اول با رالی کوچکی که شروع شده بود در نهایت در روز سوم با شکل گیری یک هارامی به کار خود پایان داد.

الگوی دوم در ایجاد وقفه و نگه داشتن رالی برای مدت حتی یک روز هم شکست خورد و بازار به سمت بالا ادامه پیدا کرد.

الگوی Stalled سوم حاوی یک شهاب سنگ بود. این الگو مسیر بازار را برای چند روز به حالت رنج و خنثی در آورد.

این نکته را به یاد داشته باشید که الگوی Stalled معمولاً یک الگوی معکوس ساز در سقف نیست، بلکه بیشتر معنی زمانی برای تامل و

بررسی قبل از آنکه بازار تصمیم به حرکت بعدی خود را بگیرد از آن استخراج می شود.

در این نمونه زمانی که یک پنجره بعد از یک منطقه متراکم قیمتی باز شد، یک الگوی Bullish High Price Gapping Play را کامل

کرد. این نشان از سرگیری و ادامه یافتن حرکت قدرتمند رو به بالای بازار را می داد.

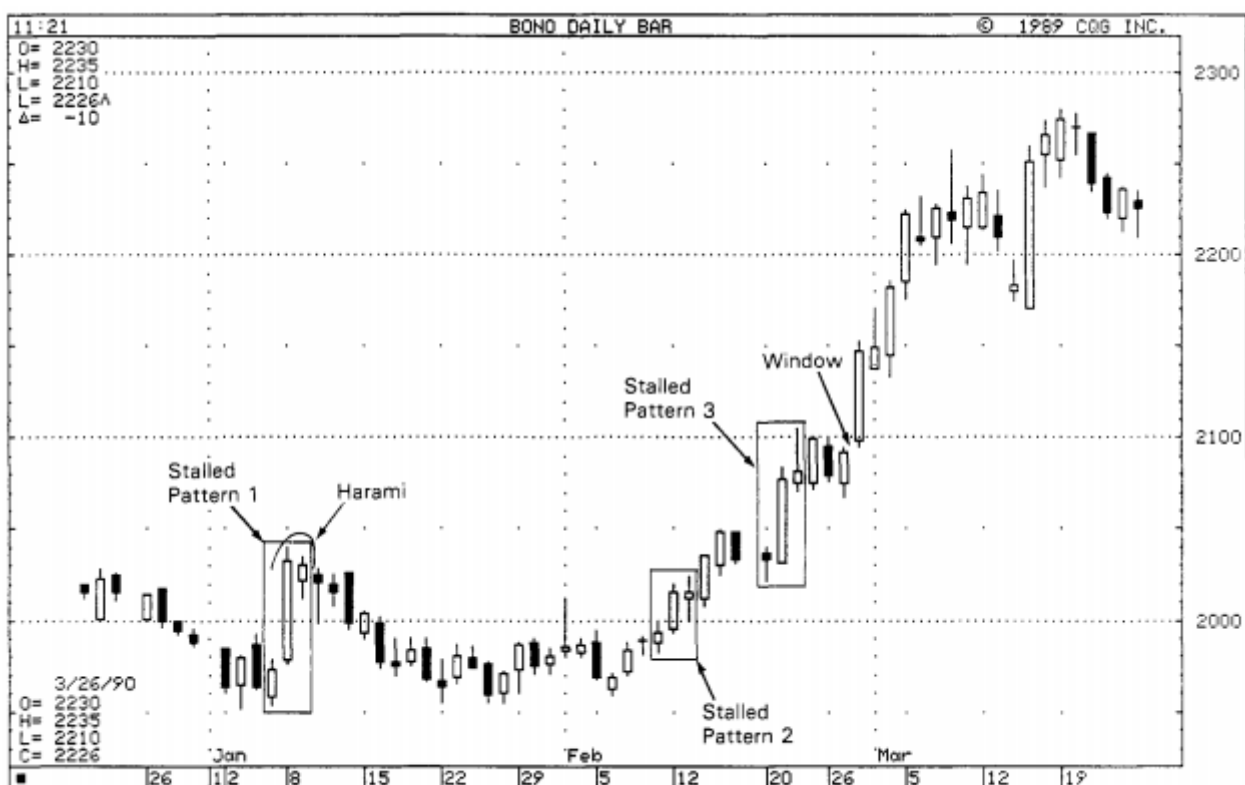
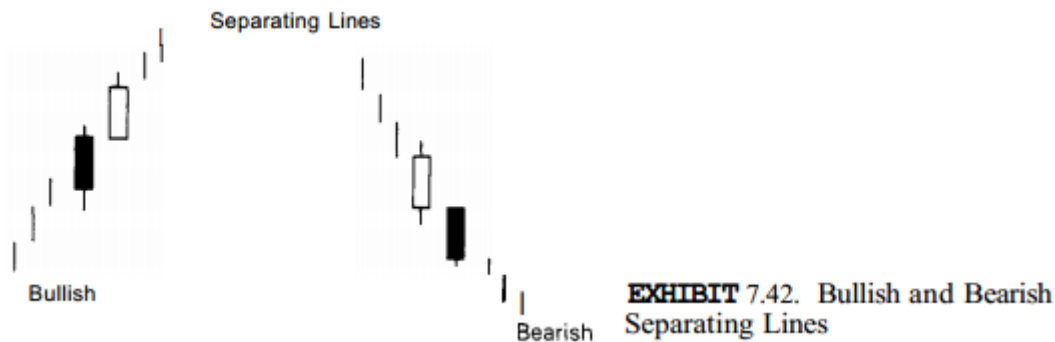


EXHIBIT 7.41. Soybean Oil—July 1990, Daily (Stalled Patterns)

خطوط جداساز Separating Lines

در فصل شش الگویی را توضیح دادم به نام خط حمله متقابل یا (Counterattack Lines). به خاطر دارید که آن یک کندل استیک مشکی یا سفید بود که قیمت بسته شدنش با Close کندل قبل که رنگ متضاد داشت یکی بود و یک علامت معکوس ساز روند به شمار می رفت. در واقع الگوی خط حمله متقابل دارای نقاط Close یکسانی است، ولی الگوی خطوط جدا ساز یا Separating Lines همانطور که در شکل ۷,۴۲ نشان داده شده، نقاط Open یکسان با کندل های غیر هم رنگ دارد.



الگوی خطوط جدا ساز یک الگوی ادامه دهنده روند است. در طول یک بازار رو به صعود، کندلی با بدنه مشکی (خصوصاً اگر بلند باشد) باعث نگرانی شما می شود، و شاید شما بگویید که Bear ها اکنون دیگر کنترل بازار را در دست گرفتند. اما در Session بعدی (کندل بعد)، اتفاق دیگری می افتد. بازار به هنگام باز شدن بر روی Open دیروز و یا حتی با کمی Gap بالاتر از آن باز می شود. این نشانی است بر اینکه پایین آورنده ها کنترلی در بازار ندارند. اگر کندل سفیدی که در این سشن شکل گرفته نقطه High جدیدی بسازد به این معنی است که کنترل بازار دوباره به دست Bull ها افتاده و روند صعودی قبل باید ادامه پیدا کند.

باید متذکر شد که کندل سفید این الگو خود باید یک Bullish Belt Hold (خط کمربند بالابرنده) باشد، یعنی در پایین Session خود باز شده باشد. (سایه پایینی نداشته باشد)

این سناریوی کاملی از الگوی ادامه دهنده Bullish Separating Lines بود. برای الگوی Bearish Separating Lines هم دقیقاً همین ویژگی ها ولی با حالت متضاد حاکم است.

فصل ۸

دوجی جادوگر The Magic DOJI

یک خطر ناگهانی A Sudden Danger

در فصل ۳ شرح داده شده که دوجی کندل استیکی است که قیمت باز و بسته آن در یک نقطه باشد. نمونه های دوجی در شکل های ۸,۱ تا ۸,۳ آورده شده اند. یک دوجی معمولاً یک اندیکاتور معکوس ساز است.



EXHIBIT 8.1. Doji EXHIBIT 8.2. Long-legged Doji (Rickshaw Man) EXHIBIT 8.3. Gravestone Doji

اهمیت دوجی

یک دوجی ایده آل Session ی از بازار است که نقاط Open و Close آن با هم یکی باشند. با این حال در صورتی که این نقاط یکسان نباشند و با اندکی فاصله از یکدیگر قرار بگیرند به شرطی که شکل ظاهری دوجی تغییری نکند، می توان برای این قانون کمی انعطاف قائل شد.

ماهیت دوجی در بردارنده سیگنالهای هشدار دهنده در مورد تغییر قوای قدرت در روند جاری در آینده ای نزدیک است. دوجی یک سیگنال تغییر روند متمایز است. به یاد داشته باشید که کندل دوجی فقط در مارکتی اهمیت دارد که دوجی های زیادی در آن مقطع زمانی بازار شکل نگرفته باشند. اگر در قسمت خاصی از نمودار مورد تجزیه و تحلیل شما تعداد زیادی دوجی وجود داشته باشد، نباید آنها را نقطه تغییر در نظر بگیرید. به خاطر همین است که تجزیه و تحلیل نمودار های میان روزی کمتر از ۳۰ دقیقه معمولاً اعتباری ندارند چرا که در آنها تعداد زیادی دوجی وجود دارد.

دوجی در سقفها Doji at Tops

زمانی که بازار در نقاط بالایی باشد و یک دوجی شکل بگیرد، ارزش و حرف های زیادی برای گفتن دارد. مخصوصا اگر بعد از یک کندل سفید بلند در یک روند صعودی ظاهر شود. همچون شکل ۸،۴

دلیلی که به دوجی در یک روند صعودی به عنوان یک علامت هشدار نگرینسته می شود این است که بیانگر وجود تردید در میان معامله گران می باشد. تردید، عدم اطمینان و دودلی خریداران نسبت به روند صعودی.

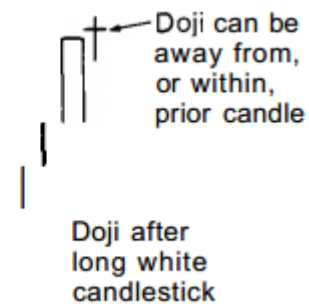
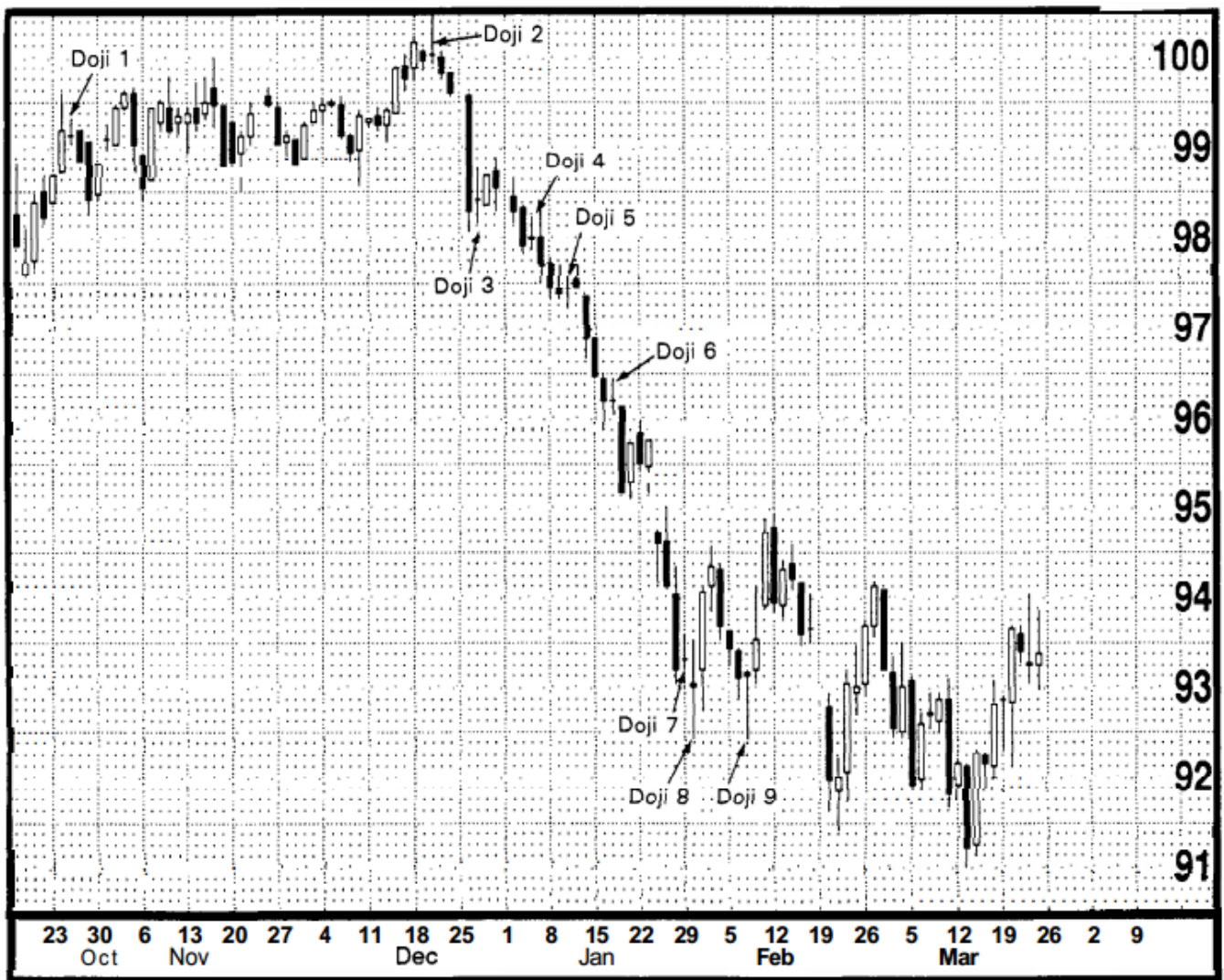


EXHIBIT 8.4. Doji Following a Tall White Candlestick

دوجی ها را نقاط راس ساز هم تعبیر می کنند. بر اساس تجربه آنها توانایی به اتمام رساندن یک روند را از صعود به نزول دارند. در حقیقت باید گفت: نقطه تعادلی بین نیروی فروشندگان و خریداران در یک Session از بازار. مارکتی که سهامداری دودل آنرا فرا گرفته را باید شکست خورده انگاشت، در این حال روند صعودی باید جای خود را به روند نزولی دهد. اما همین بازار شکست خورده ممکن است با خروج این سهامداران دودل دوباره شکوفا شود. به خاطر همین است که یک دوجی به سیگنالهای بیشتری برای تأیید تغییر روند نیاز دارد.

همانطور که در شکل ۸.۵ می بینید بعد از دوجی شماره ۱ مسیر صعودی به یک مسیر جانبی و سایید تبدیل شد (Laterla Band). بازار در نقطه دوجی شماره ۲ در قله قرار داشت. دوجی شماره ۲ یک Long Legged یا دوجی پادراز بود. منظور از دوجی پادراز دوجی است که یک یا دو سایه طولانی و بلند داشته باشد. خیلی اوقات دوجی پادراز نشانه ایست از اینکه مارکت در نقطه راس یا تاپ قرار دارد. در این شکل اهمیت دوجی های شماره ۱ و ۲ به عنوان نقاط معکوس ساز روند به خوبی مشهود است. در ۳۱ اکتبر دوجی ای در میانه روند معاملات شکل گرفت و به همین خاطر چندان مهم نبود. بعد از دوجی شماره ۲ یک مرتبه قیمت شکسته شد و دوجی های شماره ۳ تا ۷ پدید آمدند. بله، آنها نقاط معکوس سازی نبودند. مارکت بعد از آنها باز هم به مسیر نزولی خود ادامه داد. فقط وقتی که دوجی های شماره ۸ و ۹ با فرم و الگوی کف دوقلو شکل گرفتند، مسیر روند موقتا تغییر کرد. آنچه که در اینجا می خواهیم بگوییم این است که : آنچنان که برای تأیید ریورسال بودن دوجی در سقف ها به سیگنال های بیشتری نیاز داریم، در کف ها نیاز به این سیگنال ها کمتر احساس می شود.



Source: ©Copyright Commodity Trend Service⁵

EXHIBIT 8.5. Bonds—June, 1990, Daily (Doji at Tops)

در شکل ۸،۶ یک رالی صعودی که از میانه های سال ۱۹۸۷ آغاز شده بود را شاهد هستیم. اولین سیگنال راس از دوجی شماره ۱ به بیرون درز کرد. دومین پرچم هشدار توسط دوجی شماره ۲ به بالا برده شد. ماه بعد هنگینگ من بعد از دوجی شماره ۲ سقف را تأیید کرد. رالی کوچک سال ۸۹ در پایان همین سال با دوجی شماره ۳ به پایان رسید. سیگنال تاپی که توسط دوجی شماره ۱ داده شده بود توسط کندل سفید بعد از آن مردود اعلام شد (یا به عبارت دیگر تأیید نشد). Bearish ها فقط بعد از دوجی شماره ۲ که یک Hanging Man را تشکیل داده بودند تأیید شدند. روزی که بعد از آن یک کندل بلند مشکی هم ظاهر شد. تأییدیه دوجی شماره ۳ هم کندل مشکی بلندی بود که در ماه بعد از آن پدیدار شد.

خوب است که در معاملات سبکی محافظه کارانه داشت، ولی مهمتر آن است که همیشه برای تأیید تغییر روند صبر داشته باشید.

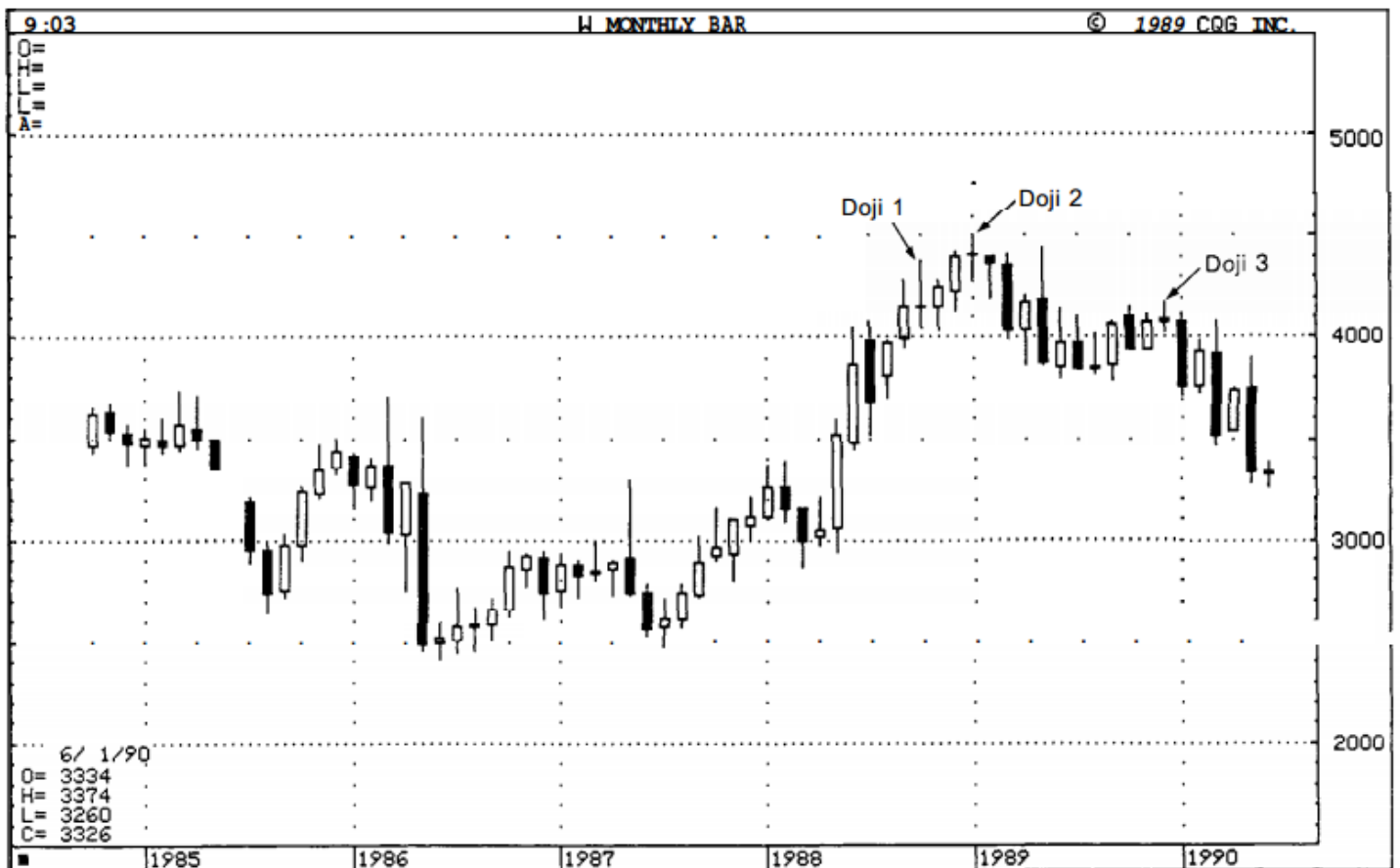


EXHIBIT 8.6. Wheat — Monthly (Doji at Tops)

در شکل ۸،۷ سه نمونه دوجی وجود دارد که هر کدام بعد از یک روند صعودی شکل گرفته اند. دوجی شماره ۱ سیگنالی در یک تاپ کوچک را از خود بروز داد. دوجی شماره ۲ با اینکه فقط یک روز روند را معکوس کرد ولی بهتر است برای درک بهتر آن از توضیحات دوجی شماره ۳ کمک بگیرید. دوجی شماره ۳ در نوع خود جالب توجه و البته مهمتر از دو دوجی قبلی است، چرا که با یک سری از کندل های سفید بلند همراهی شده و البته فرم یک Harami Cross به خود گرفته. این دوجی حاکی از آن است که خریداران به خاطر روند صعودی قدرتمند قبلی دچار ترس و واهمه زیادی شده اند و به همین خاطر دست از خرید کشیده اند. در طول روز بعد حرکت قیمت به سمت بالاتر تا جایی که حتی High جدیدی هم بوجود آورده بود، باعث شد همه فکر کنند که تحلیل خود از پیش بینی اتمام روند صعودی اشتباه بوده است. ولی در همان روز مارکت به شدت به سمت فروش حرکت کرد. این فعالیت قیمت کمک کرد تا تأییدی باشد بر اتمام روند صعودی. مارکت چند روز را در منطقه ای متراکم گذراند تا اینکه الگویی شبیه به ستاره عصرگاهی ظاهر شد. الگویی نه چندان ایده آل (به خاطر اینکه بین ستاره و بدنه اصلی کندل سفید بلند قبل از خود فاصله ای نداشت) ظاهر شد و همین تأییدی دیگر بود بر پایان فعالیت Bull ها.

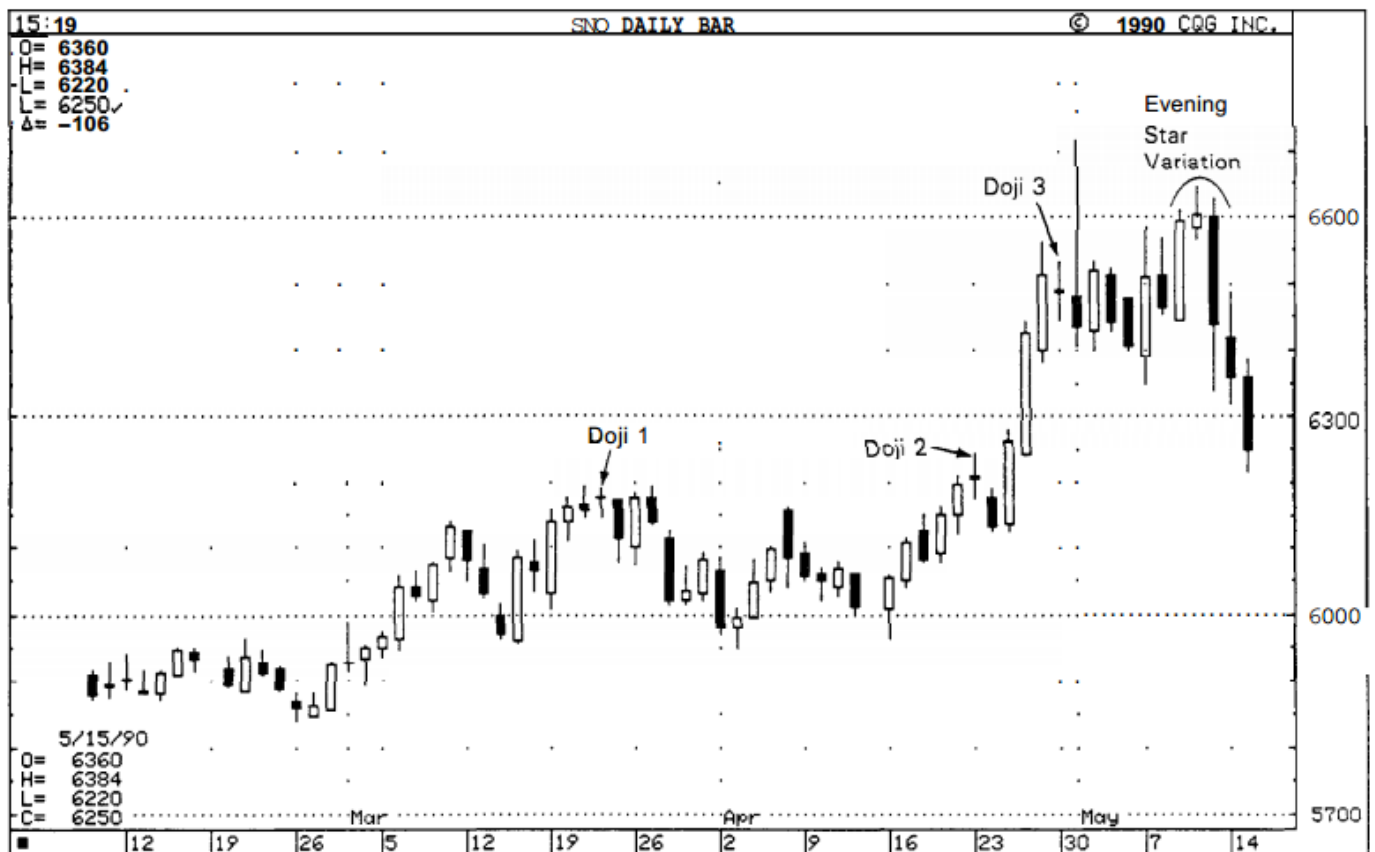
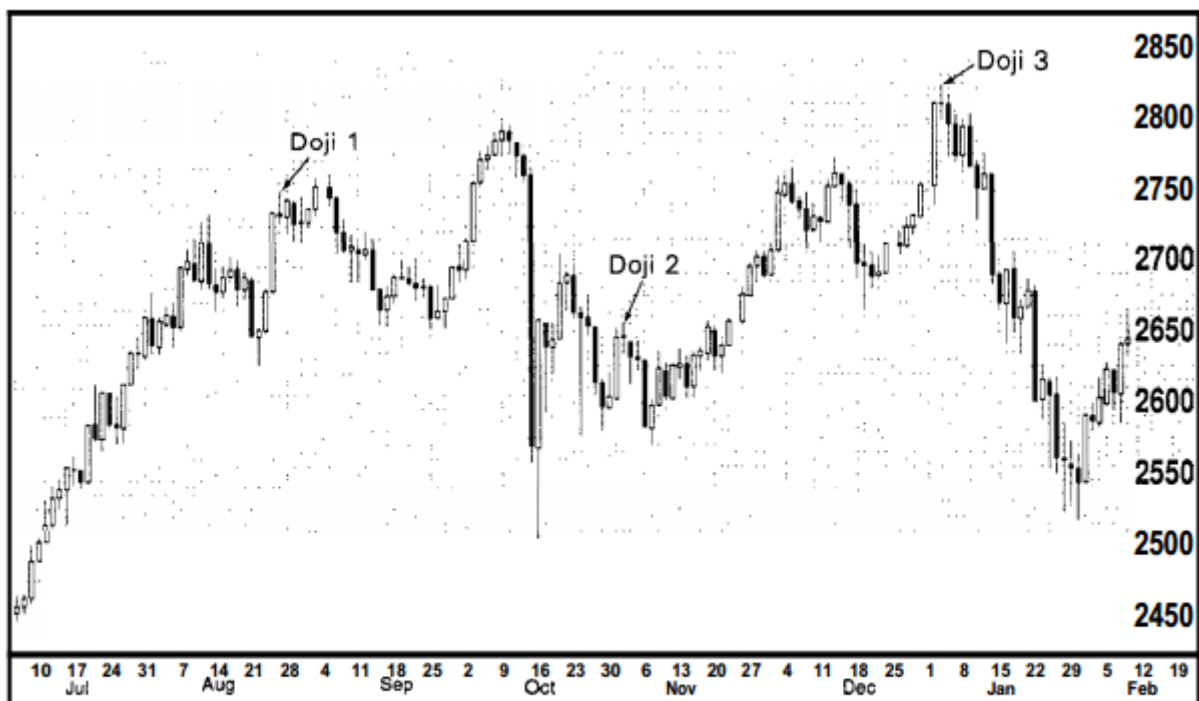


EXHIBIT 8.7. Soybeans—July, 1990, Daily (Doji at Tops)

دوجی بعد از کندل استیک بلند سفید DOJI after a Long White Candlestick

یک دوجی بعد از یک کندل سفید بلند، به خصوص بعد از یک روند صعودی طولانی مدت، اغلب اوقات نشانه و هشدار است از اینکه یک نقطه راس در حال تمام شدن است. همان گونه که در شکل ۸،۸ مشاهده می کنید، سه دوجی وجود دارد که در زیر آنها را بررسی می کنیم:

در آگوست ۸۹ دوجی شماره ۱ بعد از دو کندل بلند سفید (با نقطه شروعی توسط یک Bullish Hammer)، روند صعودی را به ساید تبدیل کرد. در نزدیکی های نوامبر دوجی شماره ۲ هم بعد از یک کندل سفید و بلند شکل گرفت. رالی صعودی کوچک به پایان رسید و بعد از چند روز Dow به پایین ترین نقطه خود در اواخر اکتبر شکسته شد. در طول آخرین هفته های سال ۸۹ شاخص داو به سمت بالا و فتح قله ای جدید شیب برداشت. اما نگاه کنید، کجا رالی صعودی کوتاه شد، دقیقا بعد از اینکه دوجی شماره ۳ شکل گرفت. در حقیقت این دوجی بعد از یک کندل بلند سفید، روزی که در کنترل خریداران بود، ظاهر شد. روز بعد کندل سیاهی که ظاهر شد احتمال قرار داشتن مارکت در قله را بالا برد. بالاخص که اکنون ما الگویی شبیه به الگوی Evening Doji Star را هم می توانستیم ببینیم.



Source ©Copyright Commodity Trend Service®

EXHIBIT 8.8. Dow Jones Industrials —1989–1990, Daily (Doji after a Long White Candlestick)

در اواسط مارس در شکل ۸،۹ حرکتی با کندلی شبیه به هامر آغاز می شود (سایه پایینی به اندازه کافی بلند نبود آنچنان که بدنه اصلی هم به اندازه کافی کوتاه نبود تا یک هامر صحیح شکل بگیرد). این حرکت با یک دوجی که بعد از یک کندل سفید بلند ظاهر می شود به اوج خود می رسد. همین دوجی تبدیل به قسمتی از الگوی Evening Doji Star می شود.

سرانجام در روز ۶ آپریل هامری ایده آل روند نزولی را کاملا متوقف می کند.

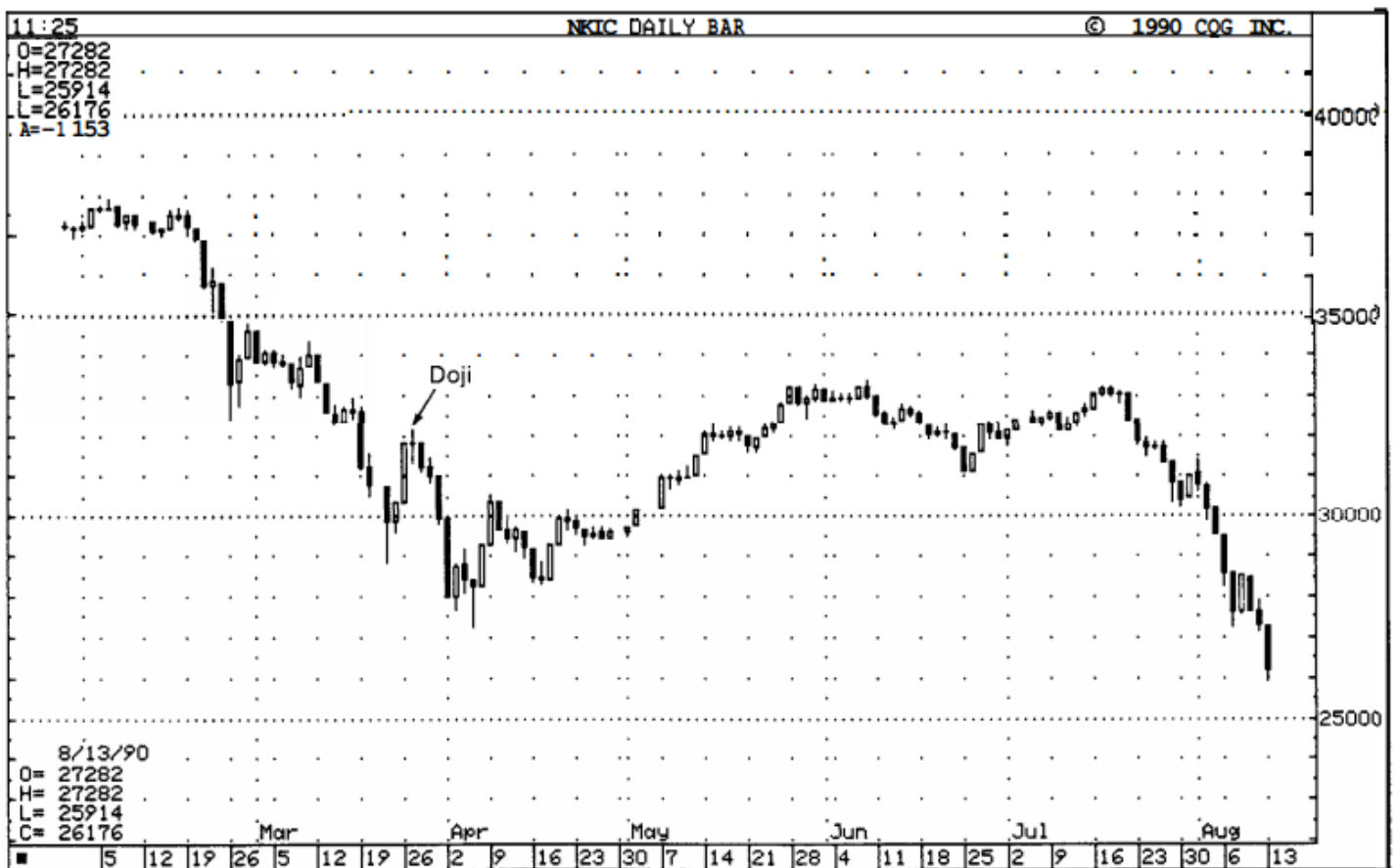


EXHIBIT 8.9. Nikkei—1990, Daily (Doji After a Long White Candlestick)

مثال ۸،۱۰ نیز نمونه ای ایست از پایان یک روند صعودی با یک دوجی بعد از کندلی سفید و بلند.

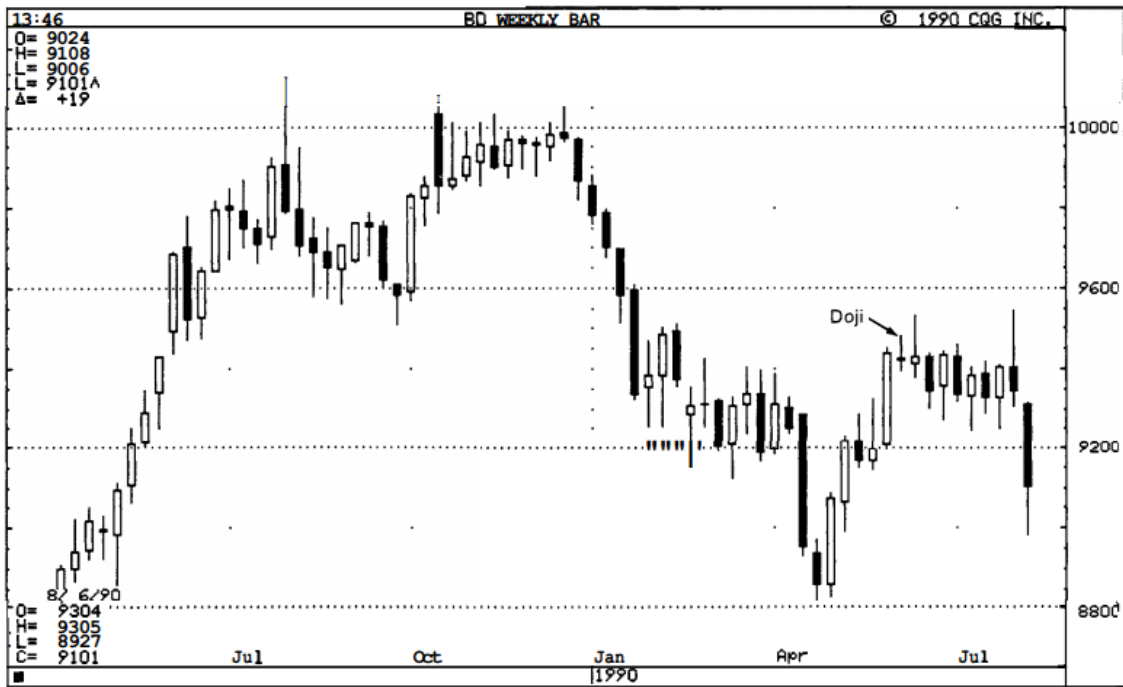


EXHIBIT 8.10. Bonds—Weekly (Doji after a Long White Candlestick)

در شکل ۸،۱۱ نیز روند صعودی شکل گرفته توسط Hammer با دوجی بعد از کندل سفید به پایان می رسد.

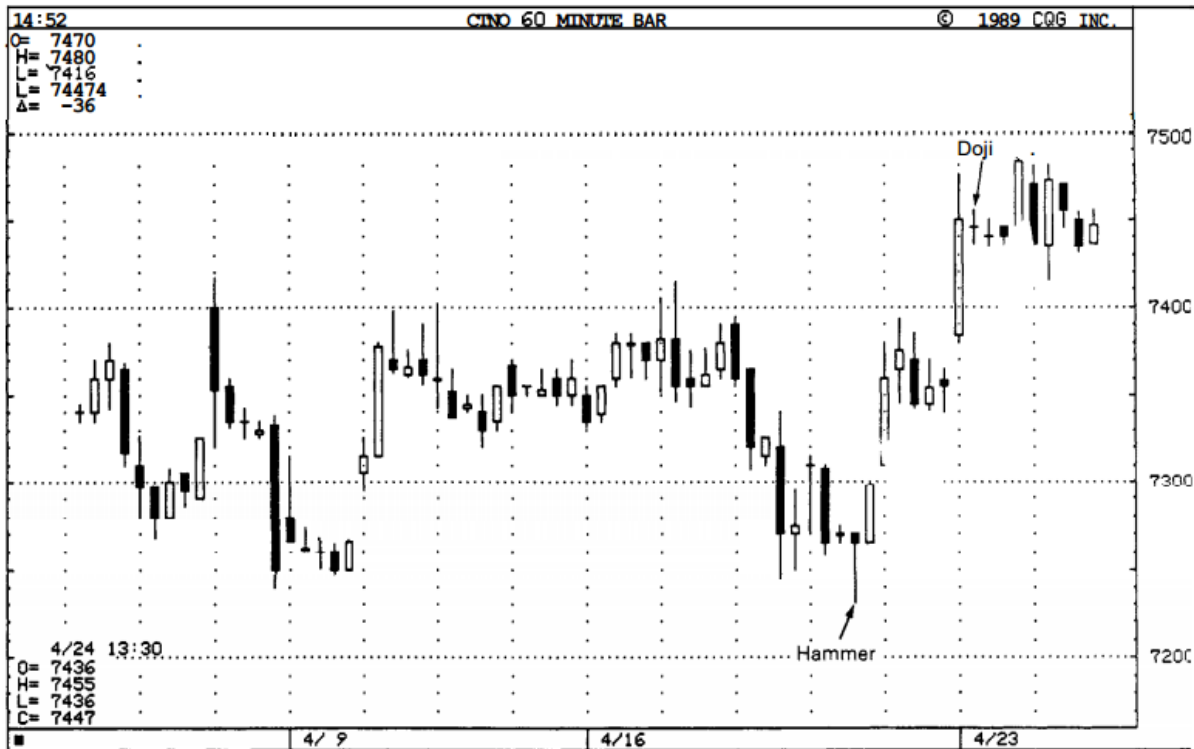


EXHIBIT 8.11. Cotton—July, 1990, Intra-day (Doji after a Long White Candlestick)

The Long Legged Doji and the Rickshaw Man

دوجی پادراز یک الگوی بسیار مهم در سقف هاست. در شکل ۸،۲ نمایش داده شد. این دوجی سایه های بالایی و پایینی بلندی دارد که پر واضح تردید را در بین معامله گران نشان می دهد. در خلال این Session مارکت با قدرت به بالا و بعد به پایین یا برعکس حرکت می کند، و در نهایت بر روی نقطه Open یا خیلی نزدیک به آن بسته می شود. اگر نقاط Open و Close در وسط نوسانات رنج آن روز قرار بگیرند، به این دوجی پادراز، مرد کالسکه چی می گویند.

ژاپنی ها می گویند: احساس شکست در ادامه مسیر معنای این سایه های بالایی یا پایینی خیلی بلند است.

در شکل ۸،۱۲ در اوخرا آپریل و اوایل می، مارکت با یک سری دوجی همراه شد. آنها نشانه گر خستگی بازار بودند. در بازاری که همه دوست دارند ببینند کنترل در دست خریداران است، ناگهان یک دوجی پادراز ظاهر می شود (در این نمونه دو مرد کالسکه چی). یک اخطار بزرگ و بسیار مهم.

این گروه سه نفره کوچک از کندل استیک ها فرم یک تاپ مهم را به خود گرفتند.

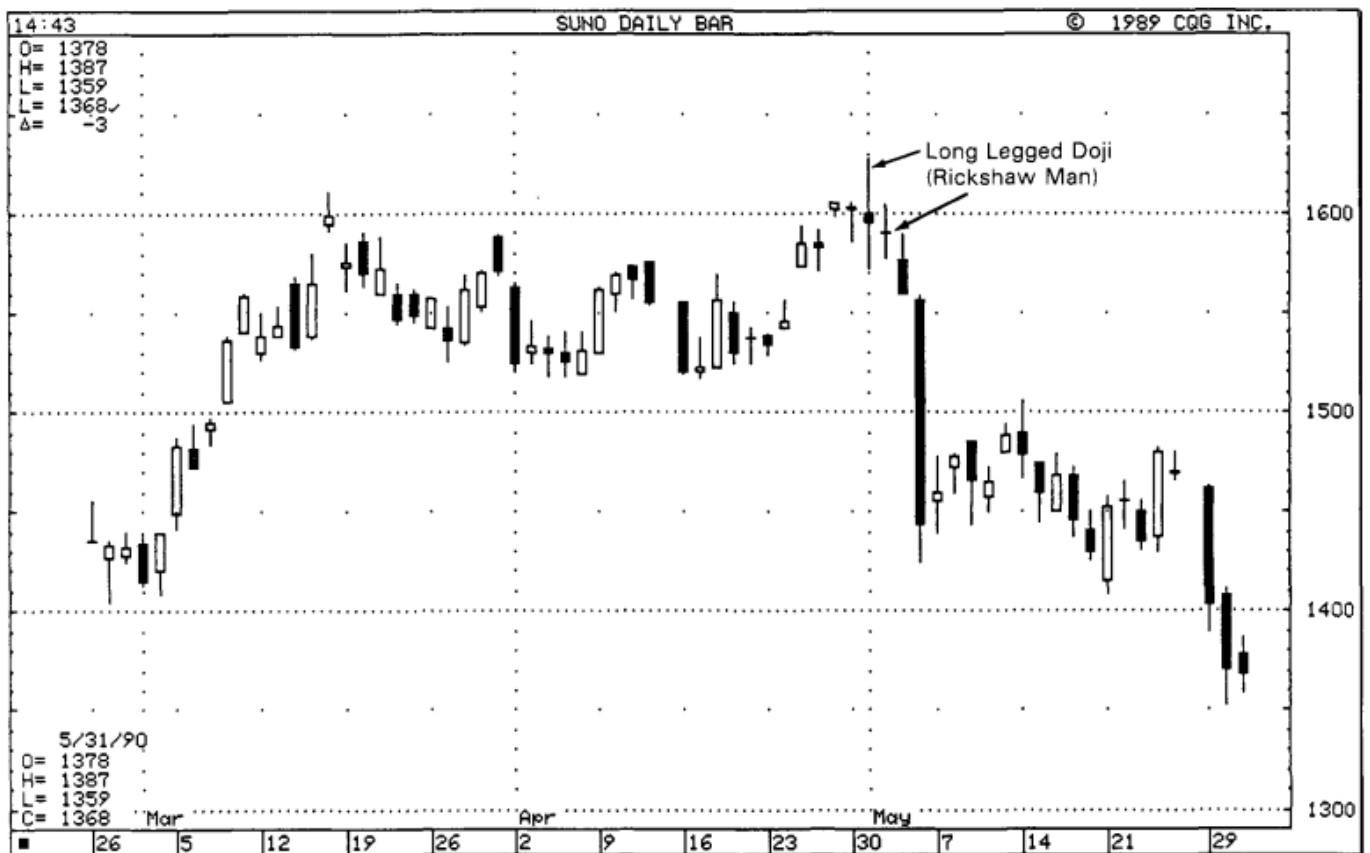


EXHIBIT 8.12. Sugar—July, 1990, Daily (Long-legged Doji)

در شکل ۸،۱۳ یک هشدار بسیار قوی مبنی بر قرار داشتن مارکت در قله توسط مرد کالسکه چی داده شد. همچنین در روز مرد کالسکه چی دو الگوی Harami و Tweezers Top نیز شکل گرفتند. این تلاقی از فاکتورهای تکنیکی، تأییدیه قوی و موثری بود بر اینکه قیمت ها در بالاترین نقاط ممکن قرار گرفته اند.

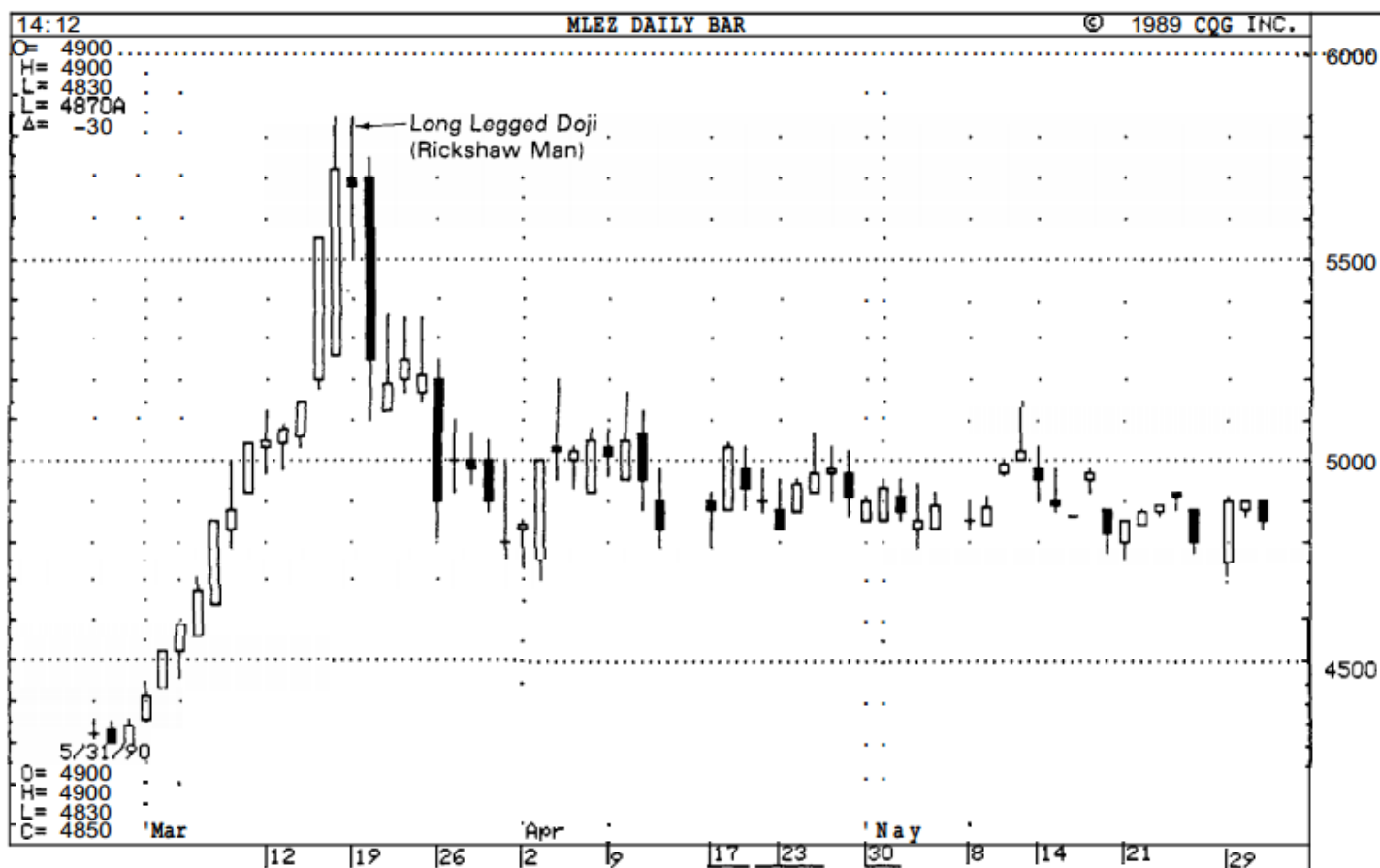


EXHIBIT 8.13. London Lead—1990, Three Month (Long-legged Doji)

شکل ۸،۱۴ نشان می دهد که قیمت در ماه ژانویه توسط یک دوجی پادراز به بالاترین نقطه خود رسید. سایه بلند بالایی این دوجی منطقه مقاومتی محکمی را برای روزهای در پیش رو پدید آورد. روزهایی که زیاد دوام نیاوردند و به سوی پایین سرازیر شدند.



EXHIBIT 8.14. Gold—June, 1990, Daily (Long-legged Doji)

دوجی سنگ قبر The Gravestone Doji

دوجی سنگ قبر (شکل ۸،۳) نمونه دیگری از دوجی هاست. یک دوجی که نقاط Open و Close آن در پایین ترین نقطه روز قرار دارد. در حالی که بعضی اوقات می توان آنرا در کف بازار یافت، اما جنبه قدرتمند این کندل بیانگر بودن بازار در تاپ یا سقف است. نام این کندل برگرفته از شکل ظاهری آن است. همانطور که قبلا هم گفته ام بسیاری از اسامی تکنیکی ژاپنی ها نیز برگرفته از اصطلاحات و عبارات نظامی است. نام این کندل، نشان دهنده گورهای سربازانی است که جان خود را برای دفاع از قلمرو و میهن خود از دست داده اند. دلیلی که دوجی سنگ قبر پیامدهای نزولی دارد را می توان به راحتی توضیح داد. مارکت در نقطه پایینی باز می شود. یک رالی شروع می شود. سپس پوزیشن های خرید دچار آشفتگی و تردید می شوند و در نهایت بازار به سان یک شاقول با نقطه Close ی در پایین پایان می پذیرد. سایه بالایی بلندتر و سطوح قیمتی بالاتر از این دوجی خرس قویتری را می سازد.

در شکل ۸،۱۵ در ۱۱ و ۱۲ آوریل بازار دو کندل دوجی ساخت. دوجی دوم که یک سنگ قبر بود به نشانه ای از پایان نبرد بین گاوها و خرسها تبدیل شد و این شکست زمانی تکمیل شد که خط حمایت چند روزه هم شکسته شد.

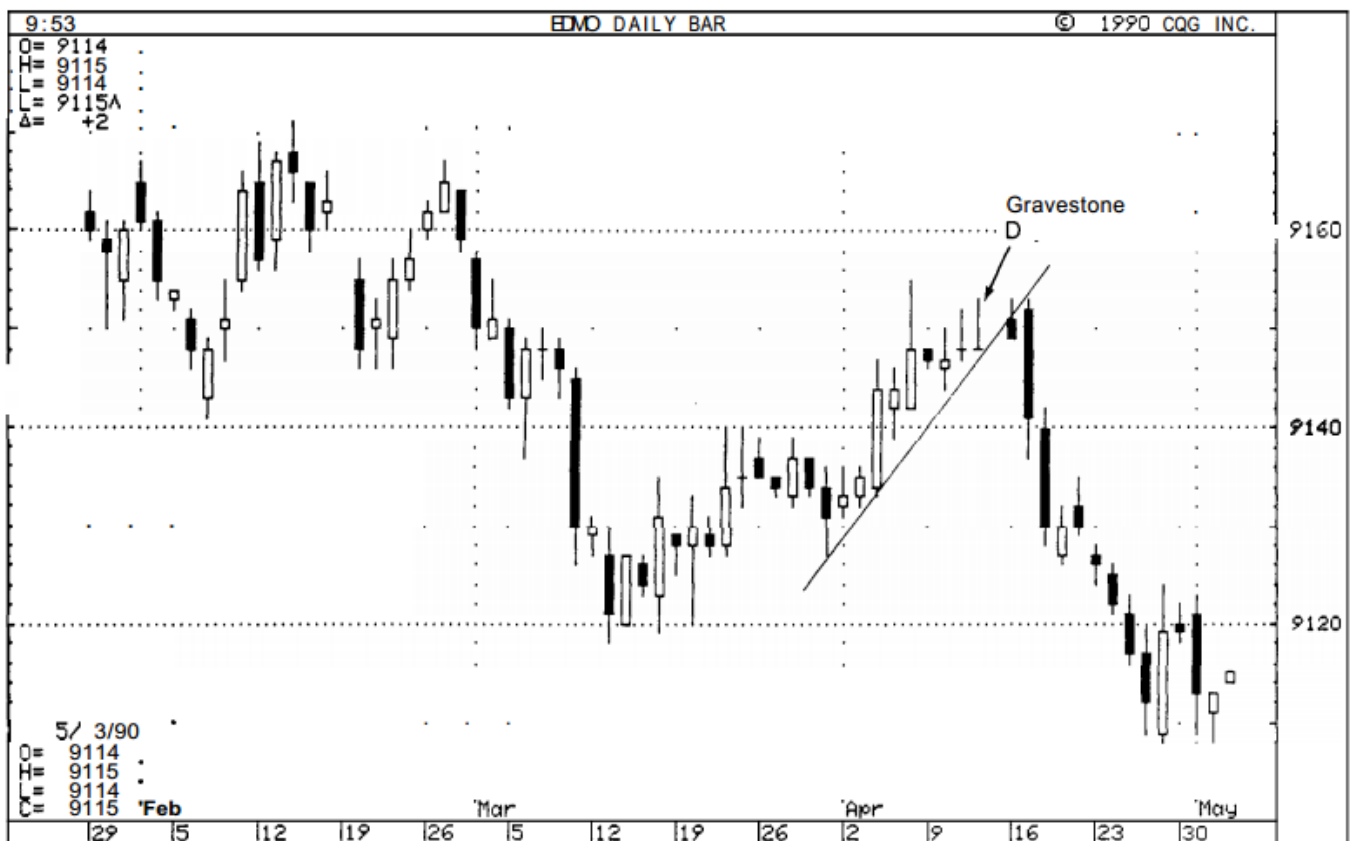


EXHIBIT 8.15. Eurodollar — June 1990, Daily (Gravestone Doji)

در شکل ۸،۱۶ یک Gravestone نمایش داده شده است. (سایه خیلی کوچک پایینی چیزی از اعتبار سنگ قبر بودن این دوجی نمی کاهد) کندلی که وظیفه منفی سازی برای این بازار را بر عهده داشت. در آن روز قیمت ها یک High جدید را لمس کردند. باید گفت: گاوها شانس خود را برای به جلو راندن قیمت امتحان کردند اما سرانجام شکست خوردند. با بسته شدن بازار در همان قیمت Open همه چیز به حالت اول برگشت. قبلا هم قیمت به عدد ۴۱ دلار مقاومت نشان داده بود. آنچنان که امروز این واکنش را دوباره با یک سنگ قبر تکرار کرد. چند روز قبل تر هم الگوی Stalled Pattern ساخته شده با همین مقاومت برخورد کرده بود. دوجی سنگ قبر شکل گرفته نیز تائید کرد که عرضه های سنگینی بر روی عدد ۴۱ دلار وجود دارد.

شاید خیلی از شما فکر کنید که دوجی سنگ قبر تفاوتی با شهاب سنگ (Shooting Star) ندارد. دوجی سنگ قبر شکل گرفته در سقف یک نمونه خاص از شهاب سنگ است. ستاره ثاقب یا شهاب سنگ یک بدنه اصلی کوچک دارد ولی سنگ قبر ذاتا یک دوجی است و بدنه اصلی ای ندارد. (نقاط Open و Close یکی هستند یا با اختلاف بسیار اندک). دوجی سنگ قبر، بازاری با خرس های قدرتمند تری را نوید می دهد. یا به عبارت دیگر توان و قوای بیشتری از شهاب سنگ برای معکوس سازی روند دارد.

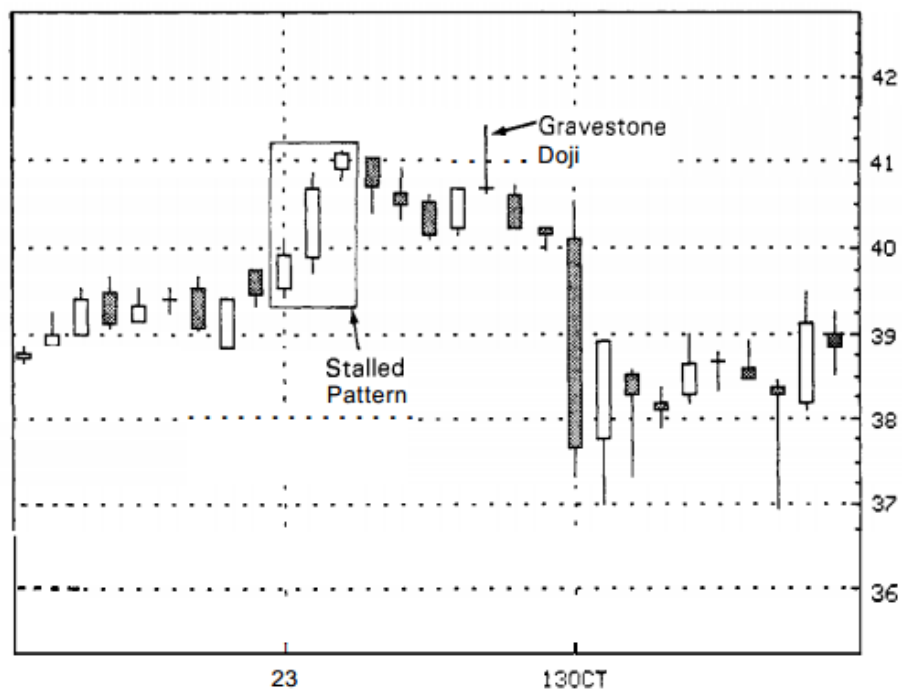


EXHIBIT 8.16. DuPont—1989, Daily
(Gravestone Doji)

Source: Bloomberg L.P.

Doji as Support and Resistance

دوجی ها علاوه بر اینکه سقف ها و کف ها را هشدار می دهند، گاهی اوقات نیز تبدیل به مناطق حمایت یا مقاومت می شوند. شکل ۸،۱۷ نشان می دهد که چگونه سایه پایینی دو کندل هفتگی منطقه ای حمایتی را تشکیل داد. در اواخر سپتامبر هم یک دوجی ستاره تبدیل به منطقه ای برای مقاومت شد.

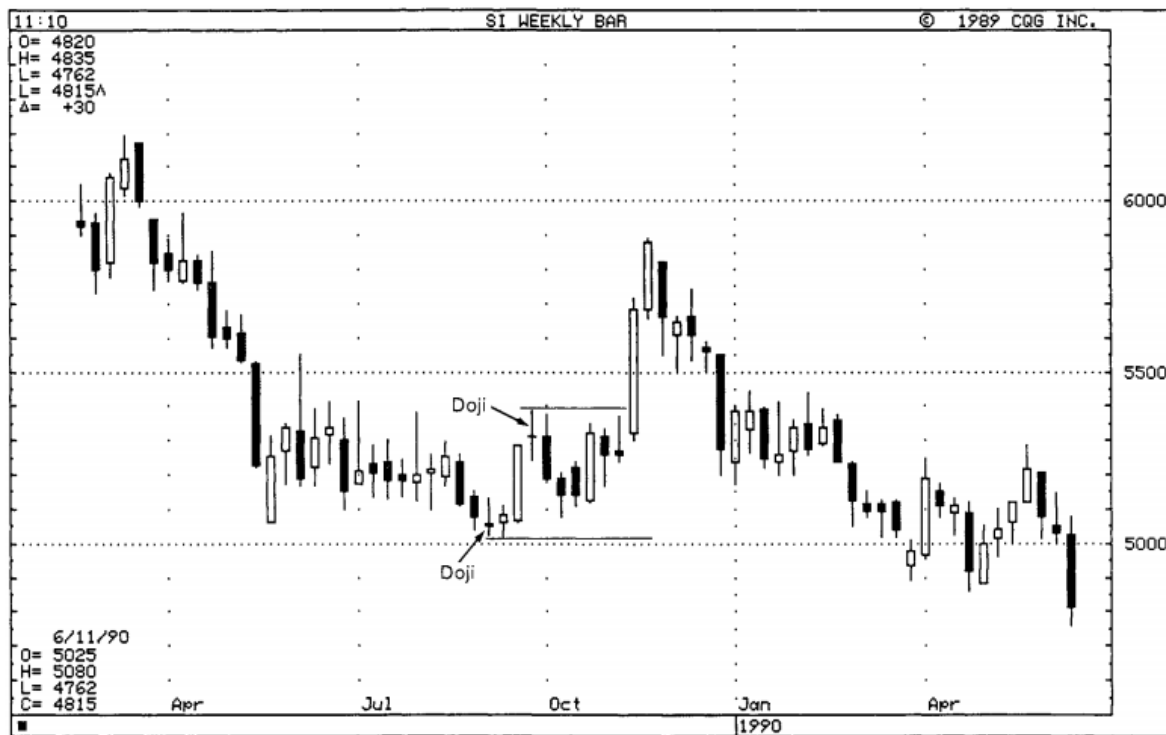


EXHIBIT 8.17. Silver—Weekly (Doji as Support and Resistance)

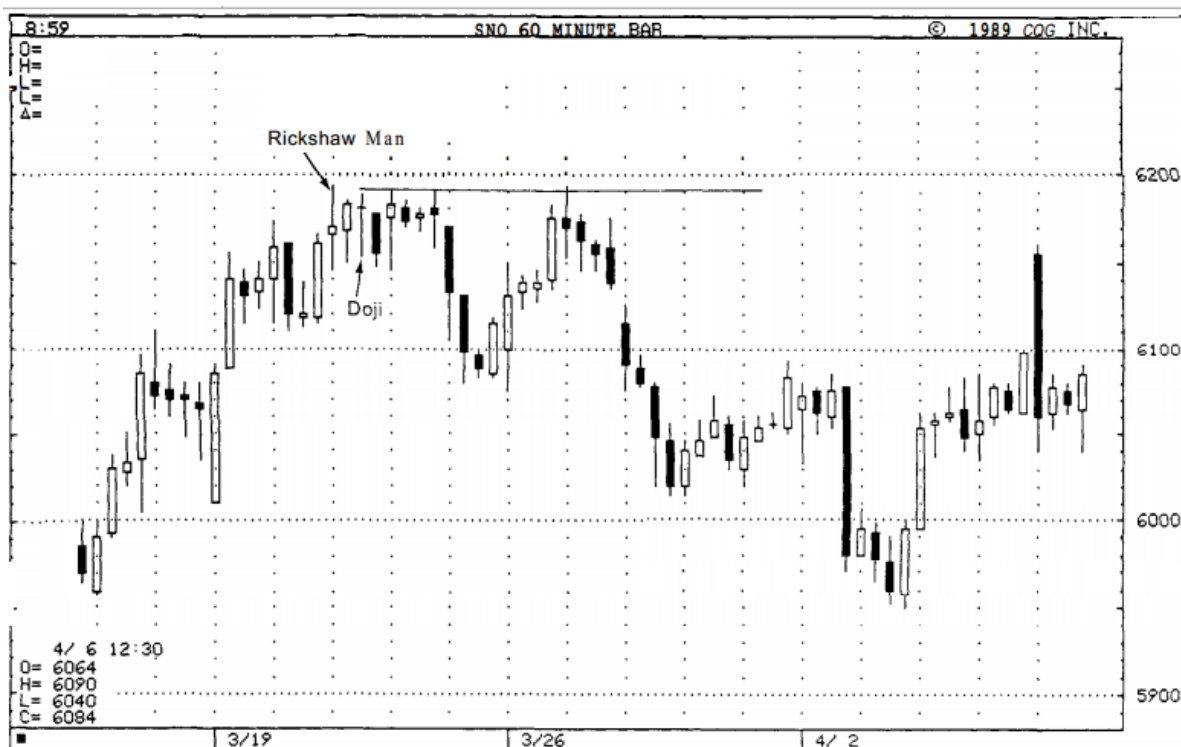
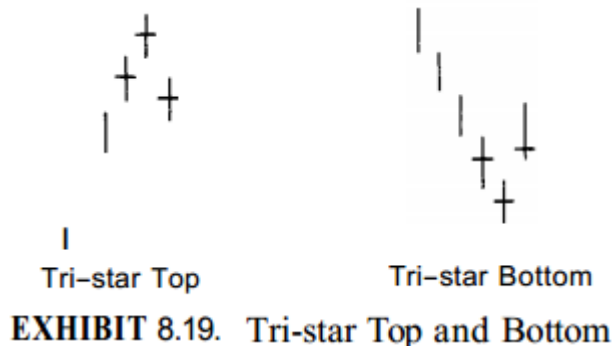


EXHIBIT 8.18. Soybeans—July, 1990, Intra-day (Doji as Resistance)

در شکل ۸،۱۸ در اولین ساعت از ۲۱ مارس به سرخشی که دال بر پایان روند صعودی قبل بود دست پیدا کردیم. یک مرد کالسکه چی (بدنه اصلی به قدر کافی کوچک بود تا بتوان به آن یک دوجی اطلاق کرد) چند ساعت بعد

دوجی دیگری به وقوع پیوست، مدرکی دیگر برای یک چشم انداز نزولی. این دو دوجی منطقه مقاومتی قابل توجهی را شکل دادند. آنچنان که در روز بعد نیز پابرجا بود.

الگوی سه ستاره با اینکه بسیار الگوی کمیابی است ولی یک معکوس ساز به تمام معناست. این الگو از سه کندل دوجی تشکیل شده. در شکل



۸،۱۹ حالت کلاسیک این الگو نمایش داده شده است. اما ممکن است در برخی موارد تفاوت هایی دیده شود. آنچنان که در مثال آورده شده در زیر به آن برخورد خواهیم کرد. در شکل ۸،۲۰ در اواسط سپتامبر دو دوجی، کندل سوم را تعقیب می کردند. کندلی با بدنه اصلی کوچک، یک شهاب سنگ. اما با در کنار هم قرار گرفتن این سه ستاره همه چیز تغییر کرد و مسیر نزولی رفته رفته به یک رالی صعودی تبدیل شد.

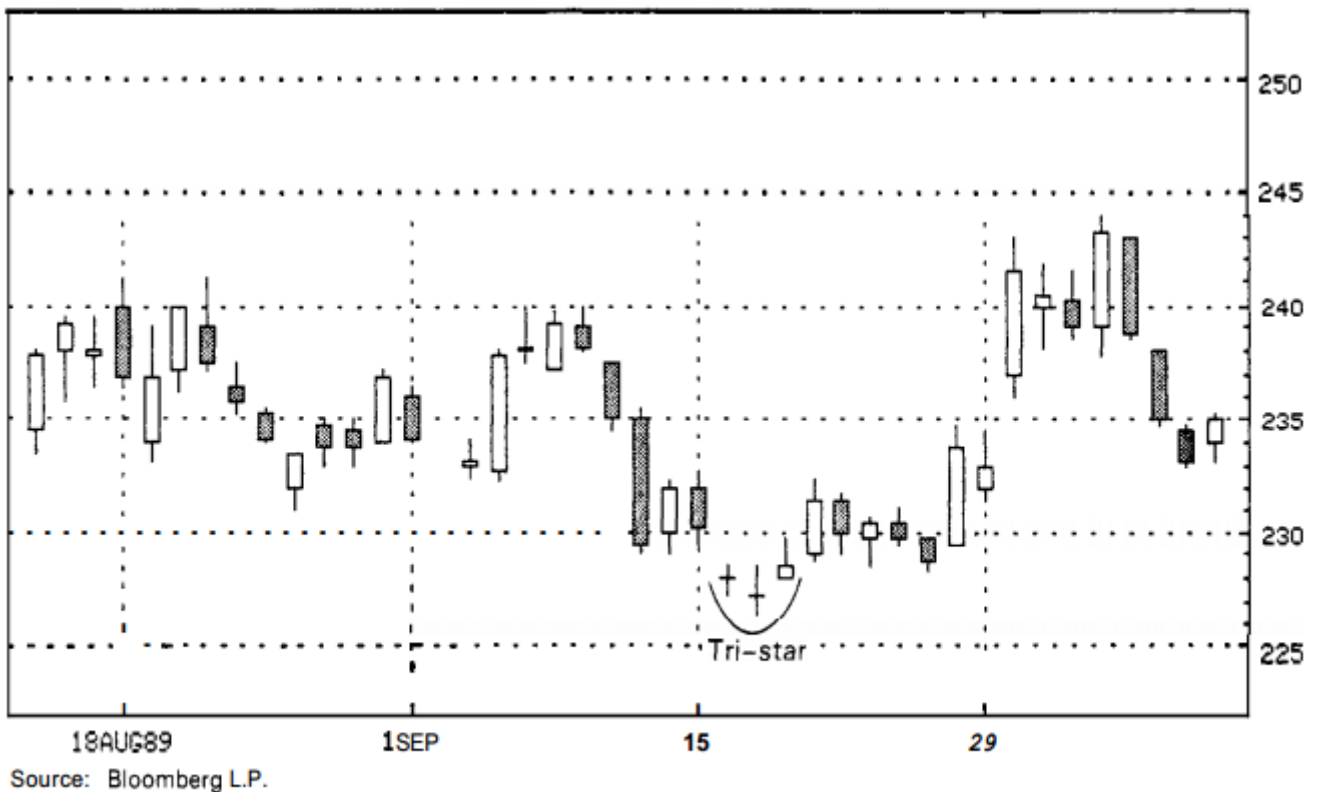
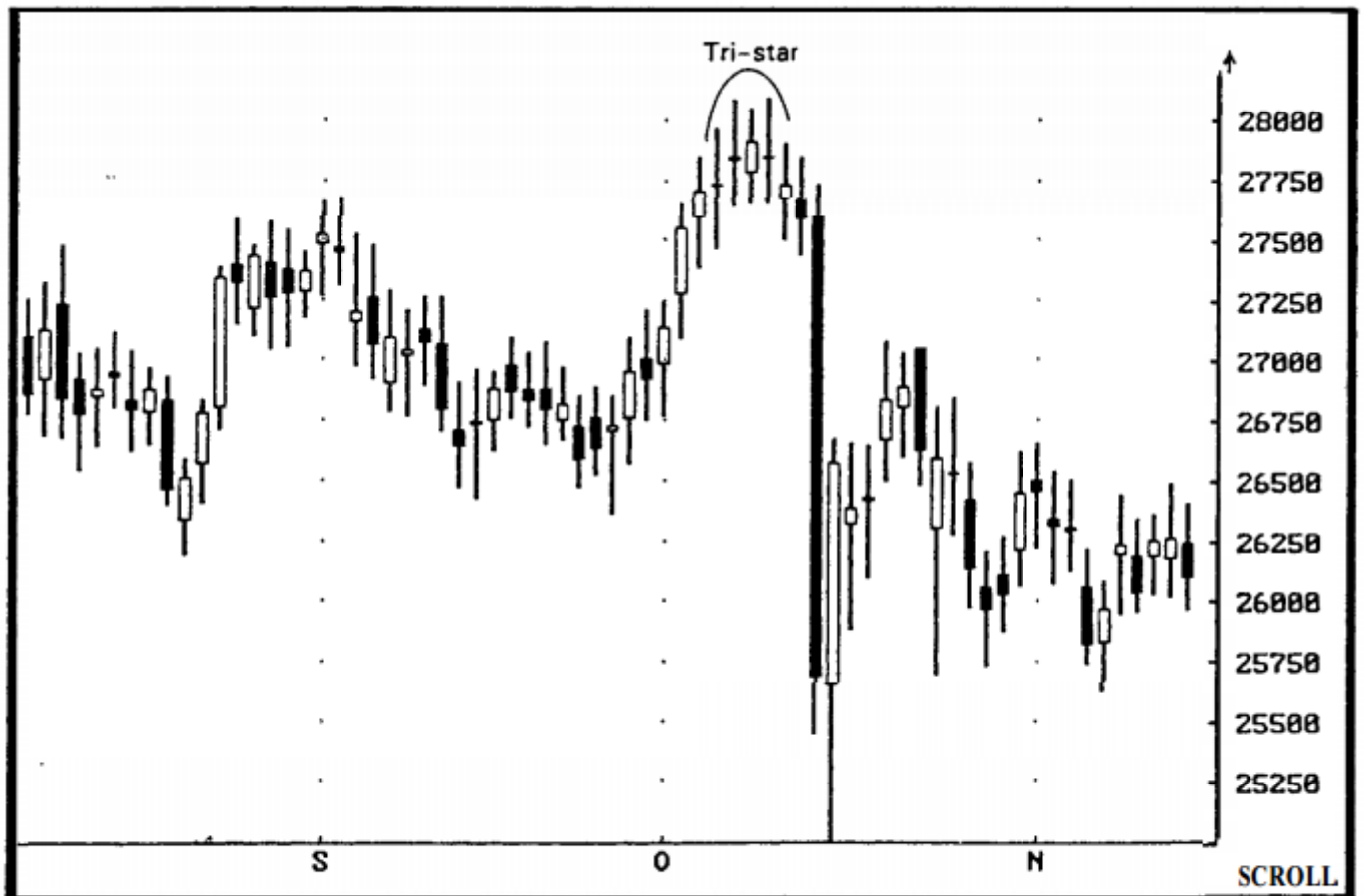


EXHIBIT 8.20. Com—December 1989, Daily (Tri-star Bottom)

حرکت صعودی که در شکل ۸,۲۱ از اواخر سپتامبر در شاخص Dow توسط یک Harami شروع شده بود با یک سری سه تایی از دوجی ها در اوایل اکتبر به اوج خود رسید. اگرچه این سه کندل یک الگوی سه ستاره ایده آل نبود اما شکل گرفتن سه دوجی بعد از ۱۷۰ پوینت پیشرفت علامتی بود برای یک فرجام ناخوش.

به نظر شما دو دوجی آخر شبیه به چیست ؟

...



Source: Future Source"

EXHIBIT 8.21. Dow Jones Industrials—1989, Daily (Tri-star Top)

...

یک Tweezers Top ؟